مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

جهاد اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

غلامحسین عیوضی

بسم الله الرحمن الرحیم

جهاد اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

نویسنده:

غلامحسین عیوضی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جهاد اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور : جهاد اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری/ غلامحسین عیوضی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۸۰ ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۷۷-۴ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره رشد اقتصادی.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع : اسلام و اقتصاد

موضوع : رشد اقتصادی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : ایران -- سیاست اقتصادی -- ۱۳۹۰ -

شناسه افزوده : عیوضی، غلامحسین، ۱۳۵۱ -

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : DSR۱۶۹۲/ ر۵ ج۹ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۴۳۳۱۹

ص: ۱

فهرست مطالب

ص:۳

ص:۴

مقدمه

مقدمه

آغـاز سال نو برای دولت و ملت ایران در سال های اخیر با سـنت حسـنه نام گـذاری آن از سوی مقام معظم رهبری همراه بوده است که ایشان در اولین پیام خویش با نام گـذاری سال جدیـد در واقع یک نوع هدف گذاری کلان را برای مجموعه فعالیت های دولت و مردم تبیین می فرمایند.

ایشـان سال ۱۳۹۰ را بـا تـوجه به مجموعه اطلاعـات و مشـاوره هـایی که از جاهـای مختلف به معظم له می رسـد، سـال جهـاد اقتصادی نام گذاری فرمودند. هرچند بیان داشتند که نام گذاری این سال به جهاد اقتصادی به معنای نپرداختن و غافل شدن از سایر موضوعات کشور نیست.

جهـاد همـان طور که ایشـان توضـیح دادنـد یـک مفهوم خـاص است به هر کـار و تلاشـی جهـاد اطلاق نمی شود، بلکه کار و تلاشـی جهـاد گفته می شود که در مقابـل دشـمن انجـام گیرد در ادبیات امروزی ما نام دیگر آن مبارزه و جنگیـدن است. این مبارزه و جهاد باید بار معنایی و ارزشی خود که همان نیت خدایی داشتن است، را با خود داشته باشد.

ملت و دولت جمهوری اسـلامی ایران بـا توجه به روحیه حماسـی اسـلامی و ایرانی خود بـا این فرهنگ و رویه آشـنایی دیرینه داشـته و توانسـته است در جهاد با طاغوت شاهنشاهی، جهاد دفاع مقـدس، جهاد سازندگی، جهاد علمی و دانشـگاهی موفقیت هایی را به دست آورد. و باز با همین روحیه و تعهـد ایمانی خواهـد توانست در جبهه اقتصادی که دشـمنان با تمام نیروی خود در این میدان به صف آرایی در مقابل ایران اسلامی و

مردم آن پرداخته اند، با توکل و استعانت از خداوند و ایمان به او و در سایه اتحاد و همبستگی و حفظ هوشیاری و رصد حرکات دشمن همچون گذشته پیروز میدان باشد.

این پژوهه جستاری در فرمایشات مقام رهبری در سال های گذشته است که با توجه به موقعیت ها و دشمنی های استکبار جهانی با انقلاب، در زمان ها و مکان های مختلف نسبت به اقتصاد کشور و موضوعات آن بیاناتی داشتند که در این برهه از زمان می تواند در تبیین و تشریح علت نام گذاری سال و همچنین متقضیاتی که این مسئله به آن دچار است مؤثر باشد. نامگذاری جهاد اقتصادی برای همگان به منزله تکلیفی است تا با کنار هم قرار دادن کلیه اجزای تکمیل کننده این حرکت، کشور را در مسیر اقتصاد اسلامی که منطبق با فرامین الهی و سفارشات حضرات معصومین علیهم السلام است، به سوی پیشرفت رهنمون شوند و با بهره گیری از عدالت در توسعه پایه گذار تمدن جدید اسلامی باشند. در این راه شناخت کلیات، عملی نمودن راهکارها، توجه به بایدها و بایسته ها، ترسیم اهداف و نتایج و بالاخره آشنایی با آسیب ها و آفت های فرا راه حرکت مجاهدانه ملت به هموار شدن این مسیر که پیمودن آن خود از اهداف نظام اسلامی است خواهد انجامید. لازم است از تلاش های پژوهشگران ارجمند آقایان سید محمدحسین حسینی هرندی و غلامحسن عیوضی و نیز آقایان سید محسن حسینی هرندی و سید هادی عبودتیان که در گردآوری و تدوین اثر حاضر کوشش نمودند تقدیر به عمل آید.

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۶

بخش اول: کلیات در جهاد اقتصادی

اشاره

بخش اول: کلیات در جهاد اقتصادی

با مروری بر سخنان رهبر انقلاب، مؤلفه ها و شاخص هایی مطرح می شود که روشن کننده اهمیت و ضرورت جهاد اقتصادی است و به تبیین مسائل عمده در عرصه اقتصاد می پردازد. کلیاتی در باب اسلام، غرب، استقلال، مردم و دولت و رابطه آنها با اقتصاد به ترسیم چند و چون مسیری که در حرکت مجاهدانه و مبارزه همگانی در زمینه اقتصاد باید طی شود، می انجامد. علاوه بر این به صورت مختصر به توضیح درباره واژه هایی از زبان رهبری می پردازد که محور بیانات ایشان می باشد.

ص:۷

فصل اول: اسلام و اقتصاد

اشاره

فصل اول: اسلام و اقتصاد

زیر فصل ها

هماهنگی دین و دنیا برای رسیدن انسان به کمال

چارچوب اقتصادی اسلام

اقتصاد اسلامی و حل مشکلات اقتصادی

عدالت اجتماعی و طبقات محروم و جهاد اقتصادی فراگیر

کار وظیفه انسانی، دینی و وجدانی

مبارزه برای زندگی نیکو یک حرکت همیشگی

مخالفت اسلام با نظام سوسیالیستی

توهم تقابل میان توسعه یافتگی و معنویت و اخلاقی زیستن

غنا و ثروت؛ خواسته خداوند برای جامعه

هماهنگی دین و دنیا برای رسیدن انسان به کمال

هماهنگی دین و دنیا برای رسیدن انسان به کمال

اسلام، دنیا را وسیله یی در دست انسان برای رسیدن به کمال می داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است. دنیا چیست؟ در این نگاه و با این تعبیر، دنیا عبارت است از انسان و جهان. زندگی انسان ها، تلاش انسان ها، خرد و دانایی انسان ها، حقوق انسان ها، وظایف و تکالیف انسان ها، صحنه سیاست انسان ها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه تربیت، صحنه عدالت؛ اینها همه میدان های زندگی است. به این معنا، دنیا میدان اساسی وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه عظیم و در این عرصه متنوع، به مجموعه تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این تعبیر و به این معنای از دنیا، از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. دین نمی تواند غیر از دنیا عرصه دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده دین، دنیایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح. دنیا ـ یعنی محیط زندگی انسان ـ بدون دین، تبدیل می شود به قانون جنگل و محیط جنگلی و

زندگی جنگلی. انسان در این

ص:۹

صحنه عظیم باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. در صحنه زندگی باید قدرت و زور مادی ملاک حقانیت به حساب نیاید. در چنین صحنه یی، آنچه می تواند حاکمیت صحیح را بر عهده بگیرد، جز دین چیز دیگری نیست. تفکیک دین از دنیا به این معنی، یعنی خالی کردن زندگی و سیاست و اقتصاد از معنویت؛ یعنی نابود کردن عدالت و معنویت. دنیا به معنای فرصت های زندگی انسان، به معنای نعمت های پراکنده در عرصه جهان، به معنای زیبایی ها و شیرینی ها، تلخی ها و مصیبت ها، وسیله رشد و تکامل انسان است. اینها هم از نظر دین ابزارهایی هستند برای این که انسان بتواند راه خود را به سوی تعالی و تکامل و بروز استعدادهایی که خدا در وجود او گذاشته است، ادامه دهد. دنیای به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. سیاست و اقتصاد و حکومت و حقوق و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به این معنا، از دین قابل تفکیک نیست. لذا دین و دنیا در منطق امام بزرگوار ما مکمل و آمیخته و درهم تنیده با یکدیگر است و قابل تفکیک نیست. این، درست همان نقطه یی است که از آغاز حرکت امام تا امروز، بیشترین مقاومت و خصومت و عناد را از سوی دنیاداران و مستکبران برانگیخته است؛ کسانی که زندگی و حکومت و تلاش و ثروت آنها مبتنی بر حذف دین و اخلاق و معنویت از جامعه است. (۱۴/۰۳/۱۳۸۴)

چارچوب اقتصادی اسلام

چارچوب اقتصادی اسلام

من یک وقت درباره ولایت فقیه با ایشان [امام راحل] صحبت می کردم؛ گفتم قبل از انقلاب، ما با بعضی از فضلا و دوستان بحث داشتیم؛ بعضیها

ص:۱۰

می گفتند اسلام شیوه خاصی در باب اقتصاد ندارد. هر شیوه ای که بتواند آرمان های اسلامی ـ مثلا عدالت ـ را تأمین کند، اسلامی است؛ ولی عقیده ما این بود که نه، اسلام خطوطی معین کرده و شیوه ای بنا نهاده و چارچوبی برای اقتصاد اسلامی درست کرده و این چارچوب باید تبعیت شود. ایشان [امام راحل] گفتند: بله، این درست است. (۰۴/۱۱/۱۳۷۸)

اقتصاد اسلامی و حل مشکلات اقتصادی

اقتصاد اسلامی و حل مشکلات اقتصادی

[سوال یکی از دانشجویان]: راه حل عملی برای حل مشکل اقتصاد کشور ـ مشکلاتی نظیر اشتغال و مسکن و غیره ـ چیست؟ آیا چیزی به نام «اقتصاد اسلامی» وجود دارد؟ اگر ممکن است، توضیح بفرمایید.

بله، مقوله ای به نام «اقتصاد اسلامی» هست و درباره اش کتاب هم نوشته شده است. برخی از اقدامات اقتصادی دولتی هم که از اول انقلاب تا به حال انجام گرفته ـ مثل فعالیت های بانکی و برخی از فعالیت های دیگر ـ بر اساس همان «اقتصاد اسلامی» است. به نظر من، مشکل اقتصاد کشور، قابل حل است و برنامه های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است. سال گذشته، آقای رییس جمهور به کمک جماعتی، بعد از تلاش زیاد، برنامه ای را فراهم کردند که به نام «برنامه ساماندهی اقتصادی» معروف شد. برنامه خوبی بود؛ آن را پیش من هم آوردند و بنده هم آن را تأیید کردم. اگر همان برنامه اجرا شود، البته نتایج خوبی خواهد داشت. منتها آن برنامه را در همین برنامه پنجساله گنجانده اند. اگر برنامه پنجساله با آن سیاست هایی که ما به طور مشخص و با مشورت فراوان و کار زیادی که روی آن شده و اعلام هم کرده ایم، تطبیق کند، من شک ندارم که در طول

پنج سال، اثر محسوسی دیده خواهد شد. نمی گویم به کلی همه مشکلات حل می شود؛ اما یقینا اثر محسوسی دیده خواهد شد. مشروط بر این که آن سیاست ها دقیقا رعایت شود. البته ما، هم به خود دولت و هم به مجلس سفارش کردیم که مراقبت کنند تا آن جایی که عملی است ــ که فکر هم می کنیم همه اش یا نزدیک به همه اش عملی است ــ این سیاست ها در مواد برنامه ها دیده شود. (۰۱/۰۹/۱۳۷۸)

عدالت اجتماعی و طبقات محروم و جهاد اقتصادی فراگیر

عدالت اجتماعی و طبقات محروم و جهاد اقتصادی فراگیر

از مشخصه های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می دانست. امام، پابرهنگان را مهم ترین عنصر در پیروزی های این ملت می دانست؛ همین طور هم هست و همان طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولت های وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمی شود این را در درجه دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر می شود؟! حالا عده ای از آن طرف در می آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست! بله؛ انقلاب اکتبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، به خاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز ــ مثلا مسکو ــ بود. اگر مردم آن روز نان داشتند ــ همین نان معمولی ــ آن انقلاب پیش نمی آمد. انقلاب ما این گونه نبود، انقلاب ما براساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به

رفـاه مردم بپردازد. این چه حرفی است!؟ امام به این مسائل می پرداخت و دسـتور می داد و آنچه در درجه اول، مورد نظر امام بود، عبـارت بود از طبقـات محروم و مستضـعف. البته امروز کنـار گودنشـین ها، آنهایی که همیشه بلدنـد گوشه ای بنشـینند و دستور و نسخه صادر کنند _ بدون این که بدانند واقعیت ها چگونه است، یا هیچ مسئولیتی احساس کنند _ می گویند عدالت اجتماعی تحقق پیـدا نکرده است! البته عـدالت اجتماعی کامل، بلاشک تحقق پیدا نکرده است _ خیلی باید مجاهدت کنیم _ اما نظام اسـلامی آمد و آن برنامه و نقشه غلطی را که در این مملکت بود _ که هیچ حقی برای روستا و روستانشین و شهرهای دور دست و طبقات محروم قائل نبودنـد _ تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گـذاشت. امروز بیشترین اهتمام دولت خـدمتگزار ما برای نقاط محروم است. در طول دوران انقلاب، همیشه دولت ها این طور بودنـد؛ بیشترین اهتمامشان برای مردم محروم و نقـاط محروم بـود و کارهـای فراوان و خـدمات عظیمی هـم انجـام گرفتـه است. اینهـا به برکت همین عنصـر عـدالت اجتماعی در خط امام است. (۱۴/۰۳/۱۳۷۸)

کار وظیفه انسانی، دینی و وجدانی

کار وظیفه انسانی، دینی و وجدانی

اقتصـاد مسـتقل یـک کشور، یعنی آن چیزی که کشور لازم دارد، در داخل کشور قابل تأمین باشـد؛ کارخانه های کشور، همه کـار کننـد و کـارگران کشور، کـار را وظیفه انسـانی و دینی و وجـدانی خودشان بداننـد. کارگر هم فقط کسـی نیست که در کارخانه است. هرکس که یک کار مفید در این

مملکت انجام می دهد، یک کارگر است. یک نویسنده، یک هنرمند، یک معلم، یک مبتکر و یک محقق، اینها هم کارگرند. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

مبارزه برای زندگی نیکو یک حرکت همیشگی

مبارزه برای زندگی نیکو یک حرکت همیشگی

مبارزه اسلام برای زندگی نیکو و زیبا و عادلانه انسان، یک حرکت همیشگی است. برای همین است که با اسلام دشمنند، و برای همین است که هر روز که می گذرد، توطئه ای علیه اسلام و مسلمین، از چنته استکبار بیرون می آید. (۱۵/۰۷/۱۳۷۱)

مخالفت اسلام با نظام سوسیالیستی

مخالفت اسلام با نظام سوسیالیستی

ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می گیرد؛ ابتکار و میدان را می گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می کند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. (۱۲/۰۵/۱۳۷۲)

توهم تقابل میان توسعه یافتگی و معنویت و اخلاقی زیستن

توهم تقابل میان توسعه یافتگی و معنویت و اخلاقی زیستن

یک توهم خطرناکی در ذهن ها وجود داشت، تزریق شده بود ــ شاید در بعضی از ذهن ها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد ــ و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب گیرنده در

راه پیشـرفت زنـدگی بکنـد، ناچـار است از اخلاقیـات و معنویـات و دین و خـدا فاصـله بگیرد! اگر به همبسـتگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسـته بودیم، ملاحظه ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف نظر کنیم؛ از زنـدگی عقلانـی چشم بپوشـیم! یـک چنین توهمی وجود داشـته. دلایل تاریخی روشـنی هم دارد این گمان؛ این گمـان باطـل، و دلایـل جـامعه شناسـی هم دارد. آنچه که مـا می خواهیم بر آن پـا بفشاریم، این است که جمهوری اسـلامی و حـاکمیت دین و اسـلام این توهم را ابطـال کرده. مـا می خواهیم و می توانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشـرفته زنـدگی کنیم، هم در عین حـال متمسـک به ارزش هـای اخلاقی خودمـان و پایبنـد به ایمـان دینی خودمـان و عامـل به فرائض و لوازم زنـدگی مـذهبی خودمـان بـاقی بمـانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم. اسـلام که دین معنویت است، دین علم هم هست. جامعه اسـلامی در قرن های چهارم و پنجم هجری پیشـرفته ترین جوامع بشـری در زمان خودشان بودند. مفاخر علمی ما در آن دوران، همچنان مثل سـتاره در آسـمان دانش بعد از گذشت هزار سال می درخشند؛ اما به دلایل خاص خود، ما رکود داشتیم؛ تنزل داشتیم. امروز حرکت ما رو به جلو است؛ حرکت جهشـی است و باید اینجور باشد؛ هم در زمینه های علمی، هم در زمینه های معنوی و اخلاقی. صنعت می تواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظات دینی، ملاحظات اخلاقی، ملاحظات انسانی در صـنعت کاملاً رعایت بشود. ما می خواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و

به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت. خب، ما در قضیه صنعت قانع نیستیم به آنچه که تا امروز به دست آمده. اگرچه آنچه تا امروز به دست آمده، بسیار ارزشمند است؛ نه اینکه ارزش اینها را ندانیم، قدر اینها را نشناسیم، کوشش ارزشمندی که در راه آن انجام گرفته، ندیده بگیریم؛ نه، اینها همه به جای خود محفوظ، اما این آغاز کار است، آغاز راه است. (۹/۱/۱۳۸۹)

غنا و ثروت؛ خواسته خداوند برای جامعه

غنا و ثروت؛ خواسته خداوند برای جامعه

خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. خدای متعال از جامعه فقیر خشنود نیست و از جامعه مستمند و ملت فقیری که نمی تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی آید. خدای متعال، برای یک جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما درعین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله میان دو قشر از جامعه ـ قشر فقیر و قشر غنی ـ فاصله زیاد و دره عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده ای دچار فقر و تنگدستی و تیره روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده ای ثروت های افسانه ای درست کنند. این را اسلام نمی خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تأمین عدالت اجتماعی در

ص:۱۶

جامعه، شـکل افسانه واری به خود خواهد گرفت. دیگر نمی شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت. (۰۱/۰۱/۱۳۷۶)

ص:۱۷

فصل دوم: غرب و اقتصاد

اشاره

فصل دوم: غرب و اقتصاد

زیر فصل ها

ناتوانی اقتصاد سرمایه داری غرب در حل بحران مالی

جهاد اقتصادی بالاترین مبارزه با امریکا

تجاوز و سلطه ظالمانه اقتصادی

جهانی سازی و سلطه امریکا

مواجه اقتصاد غربی با اسلام

تحمیل مشکلات جدید اقتصادی و دشمنی های استکبار در جبهه اقتصادی و ضرورت آمادگی مسئولان

تلاش دشمن در ایجاد مشکلات اقتصادی

دشمنی به خاطر جلو گیری از الگو شدن ایران اسلامی

خراب جلوه دادن اقتصاد ایران از سوی دشمن

هدف دشمن ناامید کردن مردم

استفاده دشمن از هر نوع دشمنی برای ضربه زدن به اراده جوانان

چرایی تضاد و چالش بین و ایران و امریکا

ضرورت توجه به جنبه ابزاری سازمان های اقتصادی و تجاری بین الملل در دست استکبار

تمرکز دشمن بر اختلاف و مسائل اقتصادی

متمرکز شدن دشمن بر روی مسئله اقتصاد

ناتوانی اقتصاد سرمایه داری غرب در حل بحران مالی

ناتوانی اقتصاد سرمایه داری غرب در حل بحران مالی

امروز همه دنیا شاهدند که سیستم سرمایه داری غرب، چقدر در مقابله با حوادث و بحرانها توخالی و ناتوان است. خود این سیستم بحران آفرین است و وقتی بحران به وجود می آید، از خودش نمی تواند دفاع کند. این سیستم اقتصادی غرب است که همه افتخارشان به این سیستم اقتصادی بوده است؛ اقتصاد سرمایه داری. و سعی داشته اند این سیستم را به هزار شیوه و هزار زبان، به عنوان نسخه منحصربه فرد اقتصاد، به ملت ها تحمیل کنند.

... ملت ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، دانشجویان ما، آینده سازان ما، ناتوانی شیوه های مدیریت کشورهای غربی را ببینند و ناتوانی آنها را در اداره این مهم ترین بخش مدیریتشان یعنی اقتصاد را ببینند ــ فرهنگ به جای خود، آداب انسانی به جای خود، بی اعتنایی به حرمت بشر به جای خود، تبعیض هایی که در قلمرو قدرت خودشان انجام می دهند به جای خود؛ در همه این موارد، تمدن غربی امتحان بدی پس داده است ــ و آنگاه

ص:۱۸

ملت ما، مسئولین ما، جوانان ما بالخصوص، این را محور فکر خودشان قرار بدهند و بر اساس این تأمل کنند که برای مدیریت کشور، برای روش های گوناگون اداره این ملت بزرگ، به فکر نسخه های خودی، به فکر نسخه های بومی باشید. این ایجاب می کند به اسلام توجه دقیق تری کنید. اسلام نگاه روشن و روشنگری به انسان و انسانیت و شیوه های انسانی دارد..؛ اسلام ناب، اسلام هشدار دهنده انسان و توجه دهنده انسان به تعقل و تفکر و تدبر؛ اسلام قرآن، اسلام سنت، اسلام اهل بیت؛ اسلامی که یک نمونه اش در کشور بزرگ ما با این گرفتاری های فراوان چندین ده ساله دوران تسلط دشمن، توانست یک چنین حرکتی را ساماندهی کند و این آزادی و این استقلال را از خود نشان دهد؛ ما به این اسلام دعوت می کنیم. (۲۶/۰۲/۱۳۸۸)

جهاد اقتصادی بالاترین مبارزه با امریکا

جهاد اقتصادی بالاترین مبارزه با امریکا

امروز بزرگترین مبارزه با امریکا، کار کردن و تلاش نمودن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است؛ امریکایی ها این را نمی خواهند. مسئولان دولتی و بخش های مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتا کار و تلاش کنند. هر کس در این زمینه ها مجاهدت و کار کند، بزرگترین مبارزه را با امریکا کرده است؛ چون امریکایی ها نمی خواهند گره های این کشور و این ملت باز شود؛ آنها می خواهند این مشکلات بماند. (۰۵/۰۵/۱۳۸۱)

ص:۱۹

تجاوز و سلطه ظالمانه اقتصادی

تجاوز و سلطه ظالمانه اقتصادی

امروز مشکل دنیا، دست اندازی و تجاوز دیکتاتورانه قدرت های بزرگ است؛ مگر غیر از این است؟ قدرت های بزرگ اراده می کنند، یک یا دو کشور را ظرف چهل وهشت ساعت از همه فعالیت های اقتصادی اش محروم می کنند و به خاک سیاه می نشانند؛ همچنان که چند سال پیش دیدید در اندونزی و مالزی این کارها را کردند. با تسلطی که بر پول و اقتصاد این کشورها داشتند، با بیرون کشیدن پول های خود از این کشورها، ظرف چند روز، رتبه اقتصادی آنها را چهل، پنجاه درجه پایین آوردند. مردم این سلطه ظالمانه را احساس می کنند. (۲۴/۰۶/۱۳۸۱)

جهانی سازی و سلطه امریکا

جهانی سازی و سلطه امریکا

جهانیگری یعنی چه؟ یعنی یک مجموعه از قدرت های جهانی؛ عمدتا آن کسانی که در سازمان ملل هم نفوذ دارند؛ عمدتا همان کسانی که استعمارگران دیروز دنیا بودند؛ چند کشوری که درصددند فرهنگ و اقتصاد و عادات و آداب خودشان را به همه دنیا گسترش دهند؛ یک شرکت سهامی درست کنند که نود و پنج درصد سهمش در واقع مال آنهاست، پنج درصد بقیه هم مال همه کشورهای دیگر. اختیار در دست آنها و تصمیم گیری هم با آنهاست! این معنای جهانیگری است که امروز بسیاری از کشورها، بسیاری ازرجال سیاسی جهان سوم و بسیاری از روشنفکران دنیا، با آن مخالفت و مبارزه می کنند و از آن می ترسند. بعضی از مسئولان ما نقل کردند که در کنفرانس های جهانی، بسیاری از کشورهای مشترک در کنفرانس ۷۷ و غیر متعهدها، از جهانی شدن

می ترسـند؛ چون می داننـد که جهانی شدن، یعنی سـلطه امریکا بر اقتصاد، فرهنگ، ارتش، سـیاست، حکومت و تقریبا بر همه چیز کشورهای دیگر. این تازه غیر از اعمال نفوذ مستقیم است. (۰۱/۰۲/۱۳۷۹)

مواجه اقتصاد غربی با اسلام

مواجه اقتصاد غربی با اسلام

وزیر خارجه یکی از همین... کشورها گفته بود: امروز مسـئله، دیگر مسئله شرق و غرب نیست؛ امروز اقتصاد غربی، تنها با یک نقطه مواجه و روبه روست و آن، دنیای اسـلام است. آیا دنیای اسـلام، یعنی عربسـتان سعودی؟! کشوری که زایده یی از همان اقتصادهـاست و کاریکـاتور اقتصـاد غرب را پیـاده کرده است. مراد از عـالم اسـلام، چنین کشوری نیست. معلوم است که عالم اسـلام، یعنی چه و در کجـا قرار دارد. این طور دنیا روی ما که اسـلامیم، فکر می کنـد. ما بایـد ببینیم در کجا قرار داریم. این، یک نکته است که مخصوص این روزهاست. (۰۱/۰۵/۱۳۶۹)

تحمیل مشکلات جدید اقتصادی و دشمنی های استکبار در جبهه اقتصادی و ضرورت آمادگی مسئولان

تحمیل مشکلات جدید اقتصادی و دشمنی های استکبار در جبهه اقتصادی و ضرورت آمادگی مسئولان

مـن برخلاـف بعضـی از تحلیـل هـا، احتمـال می دهم که دشـمن برای این که مردم را از ادامه این راه و این حضـور مـأیوس و پشـیمان کنـد، حتی مشـکلات جدید اقتصادی را بر ما تحمیل نماید. هیچ بعید نیست مشـکلاتی را برای فروش نفت، تهیه مواد اولیه و کالاهای ضـروری به وجود آورد، تا فشار را بر مردم زیاد کند. دولت و مجلس و مسئولان باید دست به دست هم دهند و بهترین راه ها و موفق ترین شیوه ها را جستجو کنند، تا مشکلات

اقتصادی مردم کم شود؛ نمی گویم بکلی از بین برود؛ چون در کوتاه مدت، چنین چیزی میسور نیست. (۲۴/۰۳/۱۳۶۸)

تلاش دشمن در ایجاد مشکلات اقتصادی

تلاش دشمن در ایجاد مشکلات اقتصادی

اولاـ تا آن جا که بتوانند ــ زورشان برسد و تیغشان ببرد ــ مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند و بتراشند؛ تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها بپردازند ــ همین هایی که می شنوید ــ جلو خط لوله ای را که فلان کشور می خواهد از این جا بکشد، بگیرند! در امر تجارت کشور، اخلال ایجاد کنند؛ مثل دو سال قبل که در دنیا به دروغ شایع کردند پسته ایران سرطان زاست! در باب صنایع غیر نفتی هم هر طور که می توانند، بازارها را اشباع کنند، با دولت ها و با کمپانی ها بسازند و به طور خلاصه، مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند. در کنار این، در تبلیغات خودشان، نسبت به مسائل اقتصادی کشور، بزرگنمایی هم بکنند. البته مشکلات اقتصادی هست. (۰۱/۰۱/۱۳۷۸)

دشمنی به خاطر جلو گیری از الگو شدن ایران اسلامی

دشمنی به خاطر جلو گیری از الگو شدن ایران اسلامی

چندی پیش، صاحب نظران صهیونیست و غیرصهیونیست امریکا در جلسه و کنفرانسی دور هم نشستند و گفتند نباید بگذاریم در دنیای اسلام الگوی زنده ای به وجود آید که برای مسلمانان دیگر سرمشق شود! این الگو که جمهوری اسلامی و کشور مبارک و مقدس امام زمان و کشور ایمان و کشور جهاد و ایثار است، برایشان خطر مهمی است؛ لذا از اطراف سعی

می کننـد در کـار این کشور اختلال ایجـاد کننـد که از جمله آن کارهایی که می کننـد، فشارهای تبلیغاتی است؛ از جمله آن کارهـایی که می کننـد، محاصـره اقتصادی است؛ از جمله آن کارهایی که می کننـد، همین ناامنی هایی است که اخیرا در این کشور به راه انداخته اند. (۲۳/۰۹/۱۳۷۷)

خراب جلوه دادن اقتصاد ایران از سوی دشمن

خراب جلوه دادن اقتصاد ایران از سوی دشمن

ببینیـد عزیزان من! دشـمنان مـا در خارج از کشور، برای این که بیشترین ضـربه خود را بزننـد و زهر خود را کاملا به جسم این ملت خالی کنند، چند کار را با هم انجام می دهند! اول، تبلیغ می کنند که وضع ایرانی ها از لحاظ اقتصادی خراب است. حالا وضع، هیـچ خرابی هم نـدارد، اما وضع اقتصادی را طوری تصویر می کننـد که اگر کسـی این ملت را نبینـد، خیال می کند که مردم سـر نان روی هم چاقو می کشـند! خیال می کند این جا قحطی است!..دشـمنان ما، اول یک ترسیم خیلی بد اقتصادی می کننـد! این برای ناامید کردن مردم و هر کسـی است که صدایشان را می شـنود. برای خراب کردن چهره انقلاب در چشم ملت هـای دیگر اسـت کـه انقلاـب را بزرگ می شـمارند و به انقلاـب ارادت دارنـد. می خواهنـد به آنهـا بگوینـد که این انقلاـب نتوانست «مشکل اقتصادی» را حل کند.

...آنها برای این که مبادا تبلیغاتشان موجب شود کسانی به فکر بیفتنـد که به خودشان سـختی دهنـد و اگر مشـکلی هم در کار اقتصادی هست، از بین برود، تبلیغات می کنند که «در ایران، فلان کسان می خواهند مردم را به

ص:۲۳

ریاضت اقتصادی دعوت کنند!» به قول معروف، پیش می افتند که پس نیفتند! یعنی حرفی می زنند که کسی در این مملکت جرئت نداشته باشد مردم را به قناعت دعوت کند که مبادا بگویند «ریاضت اقتصادی»! (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

هدف دشمن ناامید کردن مردم

هدف دشمن ناامید کردن مردم

اول من به شما عرض کنم که هدف دشمن از این دو جریان تبلیغاتی چیست. چرا می خواهد وضع را از لحاظ اقتصادی تیره و تار نشان دهد و چرا می خواهد وضع را از لحاظ انقلابی و فرهنگی دچار هزیمت قلمداد کند. علت چیست؟ در یک کلمه، علت این است که با این کار می خواهند نور امید را از دل ملت ایران و بخصوص دل جوانان محو کنند؛ فروغ امید را در دل ها خاموش و مردم را ناامید نمایند. (۲۴/۰۷/۱۳۷۶)

استفاده دشمن از هر نوع دشمنی برای ضربه زدن به اراده جوانان

استفاده دشمن از هر نوع دشمنی برای ضربه زدن به اراده جوانان

دشمن هست. نباید گمان کرد که دشمن نیست یا خواب است. دشمن، بیدار است و منتظر که ما غفلت کنیم تا ضربه را بزند. البته دشمن، از هر دو نوع دشمنی استفاده می کند: هم می خواهد ما را از لحاظ نظامی یا سیاسی یا اقتصادی یا تبلیغاتی شکست دهد، هم نوع دوم ضربه را بزند. اگر اراده ما ضعیف شد و خدای نخواسته از درون تباه شدیم، ضربه خواهیم خورد. لذا، دشمن سعی می کند اراده ما را ضعیف کند. من می بینم امروز بسیاری از تبلیغاتی که انجام می گیرد، برای این است که اراده

جوانان ما را ضعیف کنند. اراده شما جوانان مؤمن را در میدان های نبرد و در دوران پیشرفت و مبارزات انقلابی دیدند و می خواهند آن را ضعیف کنند. باید مراقب باشید. همه باید مراقب باشند. مسئولین هم باید مراقب باشند. (۰۶/۱۱/۱۳۷۱)

چرایی تضاد و چالش بین و ایران و امریکا

چرایی تضاد و چالش بین و ایران و امریکا

چرا ایران در این چالش، طرف توجه قدرت متجاوز و کانون متجاوز، یعنی امریکاست؟ ... اولا به این دلیل که ایران کشوری بزرگ، ثروتمند و برخوردار از منابع بسیار مهم زیرزمینی است. دومین ذخیره گاز در سطح دنیا، متعلق به کشور ماست. ذخیره بسیار ارزشمند نفت و خیلی از منابع زیرزمینی دیگر متعلق به ایران است. کشوری است با جمعیت زیاد، موقعیت جغرافیایی حساس، مرز طولانی در خلیج فارس و دریای عمان؛ اینها همه امتیازات یک کشور است. راه تقریبا منحصر غرب به آسیای میانه و آن منطقه از دنیا هم از این جا می گذرد. قهرا با این دلیل طبیعی، کشور ما ایران مورد توجه و طرف چالش امریکا قرار می گیرد. یک دلیل دیگر، هویت جمهوری اسلامی است. این که در نقطه ای از دنیا نظامی سرکار بیاید که معتقد به نفی ظلم و استبداد باشد؛ معتقد به نفی وابستگی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی به قطب های جهانی باشد؛ متکی و معتقد به مردم سالاری باشد ــ یعنی برانگیخته بودن از سوی مردم و ملت خود ــ و همه این مفاهیم را هم از مبانی دینی و اعتقادی و ایمانی گرفته باشد، نه از قراردادهای اجتماعی ــ که فرق بین دمکراسی غربی و مردم سالاری ما در همین است و جای بحث و صحبت کردن و تفصیل دارد ــ خیلی مهم

ص:۲۵

است. مردم سالاری دینی چون بر اساس یک اعتقاد دینی است، قابل نقض نیست؛ یعنی اگر کسی توانست در انتخابات تقلب کند یا به شیوه ای نظر مردم را جلب کند که بناحق نگاهشان به وی متوجه باشد _ مثلا ارزشی که در او نیست، وانمود کند که در او هست؛ بعد مردم به او اقبال کنند و رأی بدهند _ در منطق مردم سالاری دینی او حقی ندارد. این شیوه در منطق لیبرالیسم که پایه لیبرالیسم غربی است، کاملا پذیرفته شده است؛ اما در منطق مردم سالاری دینی نه. سختگیری در این جا، به خاطر اتکاء به مبانی دینی و ایمانی، بیشتر است. پس نفی ظلم، سلطه، استبداد، وابستگی و فساد، همه منبعث و برخاسته از اعتقاد دینی است. بدیهی است وقتی نظامی با این خصوصیات به وجود آید، برای هر کس که در هر جای دنیا معتقد به ظلم بین المللی، استبداد بین المللی، نفی حقوق ملت ها و کشورها و معتقد به بی اعتنایی به مرزهای کشورهای مستقل است، دشمن و طرف مقابل و رقیب غیرقابل تحملی محسوب خواهد شد. به طور طبیعی این طور است. بنابراین وقتی یک سلطه بین المللی و یک ابرقدرت مثل امریکا، سیاست و راهبردش را بر این قرار می دهد که منافع خودش را تأمین کند، اگر منابع کشورهای دیگر به خطر بیفتد، برایش مهم نیست. وقتی نظامی با آن خصوصیات مثبت در دنیا وجود داشته باشد _ بخصوص در منطقه ای که کانون توجه امریکا از لحاظ منافع است _ بدیهی است بین اینها تضاد و چالش، یک امر قهری و حتمی و اجتناب ناپذیر است. (۲۲/۰۲/۱۳۸۲)

ضرورت توجه به جنبه ابزاری سازمان های اقتصادی و تجاری بین الملل در دست استکبار

ضرورت توجه به جنبه ابزاری سازمان های اقتصادی و تجاری بین الملل در دست استکبار

یک نکته ای را در این جا من عرض بکنم و آن مسئله جهانی شدن است

ص:۲۶

. جهانی شـدن، اسم خیلی قشـنگی است و هر کشوری فکر می کند بازارهای جهانی به رویش باز می شود. اما جهانی شدن به معنای تبـدیل شـدن به یک پیـچ و مهره ای در ماشـین سـرمایه داری غرب، نبایـد مورد قبول هیچ ملت مسـتقلی باشد. اگر قرار است جهـانی شـدن به معنای درست کلمه تحقق پیـدا بکنـد، بایـد کشورها اسـتقلال خودشان ــ اسـتقلال اقتصادی و اسـتقلال سیاسـی ــ و قـدرت تصـمیم گیری خودشـان را حفـظ کننـد؛ والا ـ جهـانی شـدنی که ده ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صنـدوق بین المللی پول و سازمـان تجـارت جهـانی و امثال اینها ــ که همه ابزارهای امریکایی و اسـتکباری بودنـد ــ به وجود آمده، ارزشـی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسـئله اسـتقلال است؛ که اگر این نباشد پیشـرفت نیست، سـراب پیشرفت است. (۲۷/۰۲/۱۳۸۸)

تمرکز دشمن بر اختلاف و مسائل اقتصادی

تمرکز دشمن بر اختلاف و مسائل اقتصادی

اگر کسی تبلیغات دشمنان را گوش کرده باشد، خواهد دید که امروز بیشترین تکیه آنها، روی همین دو نکته است: اختلاف و مسائـل اقتصـادی. دایمـا می گوینـد اختلاف هست، که اگر کسـی گوش کرد، ولو اختلافی هم نمی بینـد، بگویـد لابـد چیزی هست که اینهـا می گوینـد! از آن طرف هم، مرتب القـا می کننـد که وضع مـالی ایران، عقب مانـده و چنین و چنـان است؛ در حالی که این، خلاف واقع است. البته ما الان مشکلاتی داریم که در حال پیشرفت به سمت حل آنها هستیم. (۱۲/۰۲/۱۳۶۹)

ص:۲۷

متمرکز شدن دشمن بر روی مسئله اقتصاد

متمرکز شدن دشمن بر روی مسئله اقتصاد

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته اساسی است در مسئله اداره کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است. نه اینکه عرصه های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه فرهنگ و در زمینه امنیت و در زمینه سیاست و در همه زمینه ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی آید، می کنند _ حالا شکست می خورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را می کنند _ لیکن تمرکز همه آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرتِ اینکه داریم چه کار می کنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخش های اقتصادی کشور در همه قسمت های دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه مردم در این موفقیت سهیمند. (۷/۲/۱۳۹۰)

ص:۲۸

فصل سوم: جهاد و اقتصاد

اشاره

فصل سوم: جهاد و اقتصاد

زیر فصل ها

ضرورت جهاد اقتصادی

نام گذاری سال جهاد اقتصادی

روحیه جهادی جوانان یک سرمایه عظیم و ذی قیمت برای جامعه

عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ ستون های اصلی جهاد سازندگی

معنای جهاد

بسیج: عرصه جهاد

جهاد یعنی حرکت انسان در میدان حرکت و مبارزه با مانع ها و مانع تراش ها و احساس تکلیف و تعهد

کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی

کار عرصه پیکار

ضرورت جهاد اقتصادی

ضرورت جهاد اقتصادی

مسئله اقتصاد _ که ما مکررا بر روی آن تکیه کرده ایم _ امروز بیش از دوره بیست و دو ساله گذشته حائز اهمیت است. از یک طرف به خاطر امکاناتی که امروز وجود دارد _ جنگ نداریم؛ آرامش و استقرار سیاسی در کشور برقرار است؛ ذخایر ارزی کشور بحمدالله معتنابه است؛ نیروی کار به قدر نیاز کشور وجود دارد و مسئولان کشور تجربه های فراوانی دارند؛ چون انواع و اقسام روش های مختلف اقتصادی را به صورت آزمون و خطا در این چند سال تجربه کرده اند _ اگر مجموعه ای از مسئولان، از این گونه امکانات یک دولت استفاده نکند، جفا کرده است. از طرف دیگر وضع نامساعد اقتصادی می تواند برای کشور یک تهدید جدی محسوب شود و دشمن از این استفاده می کند. ما در بخش های گوناگون، توفیقات فراوانی به دست آورده ایم. در این بیست ودو سال، کشور ما حجم تلاش مثبت و سازنده بیش از صد سال معمولی خود را شاهد بوده است؛ لیکن دشمنان انقلاب و نظام اسلامی، برای این که افکار عمومی را اغوا کنند،

همه آن نقاط مثبت را نادیده می گیرند و چون بیکاری و تورم و رکود تورمی و مشکلات گوناگون اقتصادی در کشور وجود دارد؛ اینها را به رخ می کشند و سعی می کنند با این شیطنت، نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهند. این هم باید یک عامل و انگیزه مهم برای دست اندرکاران اقتصاد کشور ــ بخصوص مسئولان و مدیران دولتی ــ باشد. پس مسئله اقتصاد از این جهت هم مهم است. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

نام گذاری سال جهاد اقتصادی

نام گذاری سال جهاد اقتصادی

آنچه که در عرصه مجموعه مسائل کشور انسان مشاهده می کند، که در سال ۹۰ باید ما آن را وجهه همت خودمان قرار بدهیم، این است که از جمله اساسی ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله با کشور ما، مسائل اقتصادی است. البته در عرصه فرهنگی هم فعال اند، در عرصه سیاسی هم فعال اند، در عرصه انحصارات علمی هم فعال اند، اما در عرصه اقتصادی فعالیت بسیار زیادی دارند. همین تحریم هایی که دشمنان ملت ایران زمینه سازی کردند یا آن را بر علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند. البته خواسته آنها برآورده نشد و نتوانستند از تحریمها آن نتیجه ای را که انتظار داشتند، بگیرند و تدابیر مسئولان و همراهی ملت بر ترفند دشمنان فائق آمد؛ اما دنبال می کنند. لذا این سال جاری را که از این لحظه آغاز می شود، ما بایستی متوجه کنیم به اساسی ترین مسائل کشور، و محور همه اینها به نظر من مسائل اقتصادی

ص:۳۰

است. لـذا من این سال را «سال جهاد اقتصادی» نامگـذاری می کنم و از مسـئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش هـای دیگری که مربوط به مسائـل اقتصـادی می شونـد و همچنین از ملت عزیزمـان انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکتِ جهـادگونه کار کننـد، مجاهـدت کننـد. حرکت طبیعی کافی نیست؛ بایـد در این میـدان، حرکت جهشـی و مجاهـدانه داشته باشیم. (۱/۱/۱۳۹۰)

روحیه جهادی جوانان یک سرمایه عظیم و ذی قیمت برای جامعه

روحیه جهادی جوانان یک سرمایه عظیم و ذی قیمت برای جامعه

قـدر این دوران را و این جهت گیری [خـدمت برای خـدا و مردم] را و این روحیه [جهادی] را بدانیـد؛ نعمت خدمتگزاری را و توان خدمتگزاری را که خدای متعال به شـما هدیه کرده است، قدر بدانید؛ خدا را شکر کنید؛ افزایش این گنجینه معنوی را از خـدا بخواهیـد. و این را بدانید که هر جامعه ای و هر کشوری از یک چنین سـرمایه عظیمی و ذی قیمتی برخوردار باشد، بدون هیـچ تردیـدی خواهـد توانست به برترین قله هـای عزت و عظمت دست پیـدا کنـد. و این سـرنوشت قطعی جـامعه شـما و ملت شماست. عامل آن هم، موتور محرک آن هم، همین روحیه ای است که شما دارید.

عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ ستون های اصلی جهاد سازندگی

عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ ستون های اصلی جهاد سازندگی

عامـلْ اینجـا [جهـاد وبسـیج سازنـدگی] چیست؟ عشق و ایمـان، بصـیرت و همت؛ اینها سـتون های اصـلی است. عشق و ایمان. انسانی که ایمان ندارد

ص:۳۱

، محوری برای حرکت خود نمی تواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمی تواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفاء می کند؛ چشم به برترین قله ها نمی دوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی می رود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف می کند، کجراهه می رود. عشق و ایمان، همت و بصیرت؛ اینها را انقلاب به مردم ما و جامعه ما داد؛ لذا انقلاب شد همان شجره طیبه ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «أ لم تر کیف ضرب اللّه مثلا کلمه طیّبه کشجره طیّبه». کلمه طیب مثل درخت نیکونهاد و سالم و طیب است. «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء»؛ ریشه دار، دارای ریشه عمیق و مستحکم و دارای شاخ و برگ فراگیر. «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ میوه مطابق فصل، میوه مطابق نیاز در اختیار و در دسترس جامعه قرار می دهد. این کلمه طیبه است؛ انقلاب یک چنین چیزی است. حرکت انقلابی ای که امام بزرگوار ما ــ آن رهروِ حقیقی راه طیبین و اولیاء و شهدا و معصومین و صدیقین ــ در مقابل پای ما گذاشت، همان کلمه طیبه است. (۳۱/۶/۱۳۸۹)

معنای جهاد

معنای جهاد

معیارِ جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد. فلانی آدم مبارزی است؛ فلانی آدم مبارزی نیست. نویسنده مبارز؛ نویسنده غیر مبارز.

ص:۳۲

عالِم مبارز؛ عالِم غیر مبارز. دانشجوی مبارز و طلبه مبارز؛ دانشجوی غیر مبارز و طلبه غیر مبارز. جامعه مبارز و جامعه غیرمبارز. پس، جهاد یعنی «مبارزه».

در مبارزه، دو چیز حتماً لازم است: یکی این که در آن جدّ و جهد و تحرّکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی تواند مبارزه کند! در مبارزه، باید جدّ و جهدی وجود داشته باشد. اگر چه در صُوَری، مبارزه با نفس هم میدان هایی دارد؛ اما حالا ـ مثال هایی که می زنیم برای مبارزات اجتماعی و اینهاست. پس، اوّل این که در آن جدّ و جهد و تلاش و تحرّک باشد. دوم این که، در مقابلش دشمنی باشد.

مبارزه، در آن جا که دشمن نیست، معنا ندارد. پس، جهاد متقوّم بر این دو رکن است: یکی این که در آن جدّ و جهد باشد؛ دیگر این که در مقابل دشمن باشد. اگر کسی علیه دوست جدّ و جهد کند، این جهاد نیست؛ بلکه فتنه و اخلال است. اگر کسی در مقابل دولت حق، در مقابل صلاح و نظام حق، جدّ و جهد و تلاش کند، این فتنه و محاربه است؛ جهاد نیست. حال این جدّ و جهدی که انجام می گیرد، به هر شکلی باشد ـ چه به شکل نوشتن، گفتن، کتاب، و چه به شکل شب نامه، شایعه پراکنی، نق زدن و منفی بافی ـ همه اش فتنه گری و اغواگری، و بعضی از اَشکالش محاربه است. اگر همه اینها در مقابل دشمن خدا و دشمنِ «علی لسان اللّٰه و لسان رسوله و اولیائه علیهم السلام »، باشد، می شود «جهاد فی سبیل اللّٰه». پیغمبر به این گونه جهاد دعوت می کند. پس، تنبلی و نشستن و بیکارگی و بی اهتمامی، از امّت پیغمبر خواسته نیست. (۲۰/۰۶/۱۳۷۳)

همه معنای جهاد، جهاد با شمشیر و تفنگ که نیست؛ هر تلاش شما یک جهاد است. جهاد، یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی، یعنی

اینکه ما این هدف ها را ترسیم کنیم و ارزش هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه قوا بکوشیم؛ اصلاً زندگی جز این معنی ندارد؛ والا گر انسان از ارزش هایی ــ آن ارزش ها هرچه می خواهد باشد ــ خالی باشد، به یک جماد تبدیل خواهد شد؛ یا یک حیات نباتی خواهد داشت؛ جذب کن و رشد کن؛ یا احیاناً یک حیات حیوانی خواهد داشت؛ جذب کن و رشد کن و باز تلاش کن برای اینکه گیر بیاوری، تا مجدداً جذب کنی و رشد جسمانی و مادی کنی! اینها که ارزشی ندارد؛ این زندگی، انسانی که نیست. (۲۹/۱۱/۱۳۷۰)

بسیج: عرصه جهاد

بسیج: عرصه جهاد

عرصه حضور بسیج خیلی وسیعتر از عرصه نظامی است. اینی که من بارها گفتم و تکرار می کنم که نباید بسیج را یک نهاد نظامی به حساب آورد، تعارف نیست؛ بلکه حقیقت قضیه این است. بسیج عرصه جهاد است، نه قتال. قتال یک گوشه ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می شود جهاد. لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّه»؛ جهاد با نفس، جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحتان بزنید، از آسایش جسمانیتان بزنید، از فلان کار پرپول و پردرآمد ــ به قول فرنگی ها پول ساز

ـ بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده علمی را به دست بیاورید و مثل دسته گل به جامعه تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است. (۲/۴/۱۳۸۹)

جهاد یعنی حرکت انسان در میدان حرکت و مبارزه با مانع ها و مانع تراش ها و احساس تکلیف و تعهد

جهاد یعنی حرکت انسان در میدان حرکت و مبارزه با مانع ها و مانع تراش ها و احساس تکلیف و تعهد

یک ملت وقتی معتقد به جهاد شد، در همه میدانها پیشرو است. جهاد فقط تفنگ به دست گرفتن نیست؛ جهاد این است که انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با مانع ها و مانع تراش ها ببیند، احساس تکلیف کند، احساس تعهد کند؛ این می شود جهاد؛ جهاد اسلامی این است. جهاد گاهی با جان است، گاهی با مال است، گاهی با فکر است، گاهی با دادن شعار است، گاهی با حضور در خیابان است، گاهی با حضور در پای صندوق رأی است؛ این می شود جهاد فی سبیل اللّٰه؛ و این است که یک ملت را رشد می دهد، طراوت می دهد، تازگی می دهد، امید می دهد و یک ملت پیش می رود. خوب، حالا مبارزه با این ملت چگونه ممکن است؟ آن جبهه ضد اسلامی و ضد انقلاب اسلامی و ضد نظام اسلامی که در دنیا به وجود آمد، می خواهد با یک چنین پدیده عظیمی مبارزه کند. چه جوری می تواند مبارزه کند؟ با جنگ امکان ندارد ـ امتحان کردند، دیدند ـ با تهدید به جنگ و تهدید نظامی امکان ندارد، با تحریم امکان ندارد. کسانی که خیال می کنند می توانند ملت ایران را با تحریم به زانو در بیاورند، آب

در هاون می کوبند. ملتی که امید دارد، ایمان دارد، می داند دارد چه کار می کند، این ملت را که با تهدید نمی شود به عقب نشینی وادار کرد. (۲۶/۸/۱۳۸۹)

کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی

کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی

تجلیل از کارگر، تجلیل از کار است؛ کار بسیار مهم است. چقدر بیکاری به بشریت خسارت می زند؛ چه بیکاری بر اثر تنبلی و عدم همت شخص باشد، چه بر اثر این باشد که او قادر به کار نیست؛ چون کار وجود ندارد. پس، کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی است. عامل حقیقی و واقعی برای پیشرفت یک کشور، کار است. بنابراین، ما از کارگر تجلیل می کنیم، تا از کار تجلیل شود. (۱۴/۰۲/۱۳۷۹)

کار عرصه پیکار

کار عرصه پیکار

جمله ای در سرود این برادران عزیز بود: «عرصه کار، عرصه پیکار ماست». این جمله، راست است. کارگر ایرانی باغیرت و با شرف، کار را پیکار خود می داند، مبارزه خود می داند. شما با کارتان دارید مبارزه می کنید با آن کسانی که می خواهند کشور را به ورطه سقوط اقتصادی و رکود اقتصادی و شکست اقتصادی بکشانند. جامعه کارگری عزیز ما در سرتاسر کشور بداند؛ امروز کاری که شما انجام می دهید ــ کار مجدّانه، کار مبتکرانه، کار مبتنی بر ذوق و سلیقه و شیوایی ذهن ایرانی ــ یک پیکار است، یک مبارزه است. شما با کارتان دارید با دنیای استکبار مبارزه می کنید؛ این را همه باید توجه داشته باشند. (۷/۲/۱۳۹۰)

فصل چهارم: استقلال و اقتصاد

اشاره

فصل چهارم: استقلال و اقتصاد

زیر فصل ها

پیشرفت و شکوفایی در بستر عدالت اجتماعی

استقامت و عدم انفعال در مقابل دشمن

استقلال اقتصادی بالاتر از استقلال سیاسی

سازندگی و جهاد در زیر ساخت های اقتصادی

خشمگینی و هراس دشمنان از آبادانی و ساختن ایران

تبدیل شدن ایران اسلامی به یک الگو در دنیای اسلام دلیل مانع ایجاد کردن در اقتصاد کشور

استقلال اقتصادی یعنی روی پای خود ایستادن

استقلال اقتصادی با تکیه بر اراده و نیروی ملت

موقعیت حساس اقتصادی در وضعیت فعلی

ارزش نجات کشور از وابستگی

نظام اسلامی مشوّق تولید ثروت

استقلال علمی و اقتصادی؛ عامل بالندگی و افتخار جمهوری اسلامی

پیشرفت اقتصادی با مشی صحیح و قابل دفاع

انقلاب موجب ایجاد دانش و صنعت مستقل در ایران

رفاه مادی یعنی رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت

پیشرفت و شکوفایی در بستر عدالت اجتماعی

پیشرفت و شکوفایی در بستر عدالت اجتماعی

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فن آوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه اقتصاد و بقیه موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان دهنده پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفد. همه انسان ها بتوانند در آن با توان خداداده خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخورداری ها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت های حرکت و پیشرفت بهره مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند. (۲۰/۰۸/۱۳۸۵)

استقامت و عدم انفعال در مقابل دشمن

استقامت و عدم انفعال در مقابل دشمن

استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در

ص:۳۸

مقابـل دشـمن، دچـار انفعال نشود. تمام سـعی امروز دنیای مادی مسـتکبر ــ یعنی همین دولت های اسـتکباری که زمام مسائل اقتصـاد و تسـلیحات عـالم و حـتی در مـوارد بسـیاری، فرهنـگ خیلی از کشورهـا را هم در دست دارنـد ــ این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند. انفعال در مقابل دشـمن، غلطترین کار و بزرگترین اشـتباه است. دشمن را از لحـاظ دشـمنی، بایـد به حسـاب آورد؛ یعنی در مقابـل او، او را حقیر نشـمرد و در برابرش آمـاده بود و دفـاع کرد؛ امـا از دشـمن نبایـد حساب برد، نبایـد تحت تأثیر قرار گرفت و نبایـد در مقابلش منفعل شد. دشـمن می خواهد جوامع را منفعل کند. (۱۷/۰۲/۱۳۷۶)

استقلال اقتصادی بالاتر از استقلال سیاسی

استقلال اقتصادی بالاتر از استقلال سیاسی

بالاتر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسئولان کشور، نمایندگان مجلس و دست اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کننـد که در زمینه پول، در زمینه سـاز و کارهـای اقتصادی و در زمینه فعالیت ها اقتصادی، وابسـتگی خودشان را در همه بخش ها قطع کنند. (۲۸/۰۱/۱۳۷۵)

سازندگی و جهاد در زیر ساخت های اقتصادی

سازندگی و جهاد در زیر ساخت های اقتصادی

در صـحنه داخلی؛ یعنی صـحنه سازنـدگی و نوآوری و پایه گـذاری یک نظام صـحیح زنـدگی در کشور از لحاظ اقتصادی و بنـای پـایه هـای اساسـی اقتصاد آینـده هم، حقا و انصافا کارهای بزرگی انجام گرفت و مسـئولان کشور و دولتمردان توانسـتند کارهای باارزشی را انجام دهند. امیدواریم که این کارها ادامه پیدا کند و ملت ایران رابطه صمیمانه خود را با مسئولان بیشتر و

وحدت و هماهنگی و همدلی خود را در صحنه های سازندگی، زندگی، ابتکار و فعالیت روزبه روز افزونتر کند و ان شاءالله روند سازندگی کشور به پیش برود. (۰۱/۰۱/۱۳۷۴)

خشمگینی و هراس دشمنان از آبادانی و ساختن ایران

خشمگینی و هراس دشمنان از آبادانی و ساختن ایران

به همان اندازه که ملت ایران به ساختن و پرداختن کشور و جامعه خود مشتاق است، دشمنان از آن هراسان و نسبت به آن خشمگین اند. آنها نیز می دانند که توفیق ملت ایران در بنای جامعه آباد و برخوردار از خیرات مادی و معنوی، مشوق دیگر ملت ها به پیمودن راه این ملت بزرگ خواهد شد، و این به معنای خط بطلان کشیدن بر مطامع استعماری و استکباری قدرت های جهانی است. این جاست که داستان طولانی و پرماجرای توطئه های استکبار در مقابله با جمهوری اسلامی آغاز می شود. جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، دروغ پراکنی دایمی در رسانه های جهانی وابسته به استکبار و ارتجاع و صهیونیسم، حمایت از ضدانقلاب _ از چپ افراطی تا راست افراطی، و منافقین روسیاه و امثال آن _ همه به خاطر این بود که ملت انقلابی ما را از رسیدن به آن آینده روشن باز دارند. (۲۳/۰۴/۱۳۶۸)

تبدیل شدن ایران اسلامی به یک الگو در دنیای اسلام دلیل مانع ایجاد کردن در اقتصاد کشور

تبدیل شدن ایران اسلامی به یک الگو در دنیای اسلام دلیل مانع ایجاد کردن در اقتصاد کشور

دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه می کنند، می بینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگو در دنیای اسلام است و آنها نمی خواهند این

طور شود. می دانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مسائل مادی و گره های گوناگون را ــ که در هر کشوری کم و بیش وجود دارد ــ برطرف و باز کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آن گاه مسلمانها گرم و گیراتر به سمت این الگو حرکت می کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می کنند. الان چند سال است که به طور آشکار، در پیشرفت مسائل اقتصادی کشور، دشمنان ما از خارج به شیوه های گوناگون مانع ایجاد می کنند. (۱۲/۱۲/۱۳۸۰)

استقلال اقتصادی یعنی روی پای خود ایستادن

استقلال اقتصادی یعنی روی پای خود ایستادن

استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ کس در دنیا داد و ستد نمی کند؛ نه. داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، اینها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولا نیازهای اصلی خودش رابتواند خودش فراهم کند. ثانیا، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه ای باشد. نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند؛نتوانند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می خواهند به او املا کنند.

... اقتصاد مستقل یک کشور، یعنی آن چیزی که کشور لازم دارد، در داخل کشور قابل تأمین باشد؛ کارخانه های کشور، همه کار کنند. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

ص:۴۱

استقلال اقتصادی با تکیه بر اراده و نیروی ملت

استقلال اقتصادی با تکیه بر اراده و نیروی ملت

برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود... جمهوری اسلامی، برای بریدن رشته های پیوند و وابستگی اقتصادی خود، فقط به اراده نیرومند ملت خویش و استعداد درخشان ایرانیان متکی بود و هست. پس، در راه استقلال اقتصادی، ملت ما پیش رفت و باز هم پیش می رود و بحمدالله برنامه ریزی ها در همین جهت حرکت می کند و باید هم بکند. (۱۳۶۹/۰۱/۱۰)

موقعیت حساس اقتصادی در وضعیت فعلی

موقعیت حساس اقتصادی در وضعیت فعلی

ما در موقعیت حساسی هستیم. به اعتقاد من امروز فوری ترین کار این است که به مسائل اقتصادی و مسئله معیشت و در رأس همه مسئله اشتغال، با جدیت پرداخته شود. هیچکدام از اینها معضلات و گره های کوری نیستند که دستهای توانا و فکرهای کارآمد، نتوانند آنها را حل کنند. همه اینها کارهای ممکن و روانی هستند؛ منتها تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار لازم است تا این کارها انجام گیرد. امروز اگر اندکی سستی و کوتاهی شود، دیر خواهد شد. فرصت کوتاه است؛ فرصت های دولت ها مثل برق می گذرد. چهار سال به سرعت گذشت، این چهار سال هم به سرعت خواهد گذشت. بنابراین باید اولویت را در نیازها جستجو کرد و با آگاهی و شتاب لازم و تدبیر مقتضی، آن نیازها را برآورده ساخت. امروز این امر لازمی است. شما اگر به تبلیغات جهانی ــ که بی گمان از

مرکزیت های حساب شده سیاسی و امنیتی هدایت می شود _ نگاه کنید، می بینید یکی از نقاط امید دشمنان ما برای فلج کردن نظام اسلامی، همین مسئله اقتصاد است. ما منابع ثروت و درآمد و نیروی کار فراوان و زمینه های متعددی برای شکوفایی اقتصادی داریم. ما می توانیم بسیاری از کارها را انجام دهیم. ما می توانیم چهره زشت فقر را از کشور بزداییم. پس مسئولان دولتی، پیش و بیش از هر کار به این مسئله همت بگمارند. بخش اقتصادی دولت در واقع بزرگترین بخش از بدنه دولت است. چه مسئولان ستادی اقتصادی و چه مسئولان اجرایی بخش های گوناگون تولیدی و خدماتی، همه باید یک جهت و یکدل مشغول کار شوند. در این قضیه هیچگونه درنگی جایز نیست. اعتقاد من این است که با زمینه های فراوانی که ما داریم، مسئولان خواهند توانست در مدتی نه چندان طولانی، به همه آحاد ملت بقبولانند و نشان دهند که در وضع معیشتی و وضع عمومی اقتصادی، دگرگونی حاصل شده است. این مژده را بدون این که دائما بر زبان جاری کنند، در عمل به مردم بدهند. این عمل صالح بزرگی است که مسئولان اجرایی کشور باید به آن بپردازند. به وسوسه های دشمن اعتنایی نکنید. شکی نیست که امروز دستگاه های استکباری جهانی از طرق مختلف در فکر قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جای دنیا هستند و اگر لازم باشد یک وقت تبلیغ خلافی به صورت وسوسه در دل های کسانی بیفکنند، حرفی ندارند و این کار می کنند. شما به واقعیت های کاری خودتان نگاه کنید و با جدیت و تکیه بر بیناتی که قانون اساسی برای ما معین کرده است _ که به احکام اسلامی و مقررات اسلامی متکی است _ در زمینه های پولی و مالی و تولیدی و خدماتی و همه آن

چیزهایی که به اقتصاد مردم وابسته است، نوآوری و تلاش کنید. خدای متعال به این تلاش برکت خواهد داد. (۱۱/۰۵/۱۳۸۰)

ارزش نجات کشور از وابستگی

ارزش نجات کشور از وابستگی

امروز شما با کار فعالی که انجام می دهید ــ در گزارش وزیر محترم این بود که نوآوری و اختراع و ابتکار و این چیزها هم در کارها هست، که بسیار مهم است ــ کشور را از وابستگی نجات می دهید. پس، شما کارگر عزیز توجه کنید علاوه بر این که کار، خودش عبادت و وظیفه و ثواب است، با این کاری که انجام می دهید، دو جهت دیگر برای تقرب الی الله وجود دارد: یکی انتفاع مردم و دیگری استغناء مردم از بیگانگان. پس، قصد خدا کنید و بدانید که این کار شما و این حرکتی که انجام می دهید، با این نیت و قصد، شما را به خدا نزدیک می کند. (۰۹/۰۲/۱۳۷۷)

نظام اسلامی مشوّق تولید ثروت

نظام اسلامی مشوّق تولید ثروت

امروز بدون تردید همه آن صف آرایی هایی که روز اول علیه این انقلاب بود، وجود دارد؛ بعضی شکل عوض کرده، بعضی صف آرایی ها هم بمرور زمان اضافه شده است. امروز متأسفانه همان طور که این جوان ها گفتند، مصرف گرایی و مسابقه تجمل پرستی و مسابقه پول درآوردن و تلاش برای پول کردن، یک طبقه جدیدی درست کرده. نظام اسلامی با تولید ثروت مخالف نیست، با ایجاد ثروت مخالف نیست، بلکه مشوق اوست. اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد؛ این یک اصل اسلامی است. اما اینی که آحاد مردم دلشان لک بزنند برای مسابقه اشرافی گری،

برای تجمل پرستی، این یک چیز بسیار نامطلوب است؛ این چیزی است که متأسفانه در درون ما هست؛ همان طور که قبلا هم گفته ام: اسراف و مصرف گرایی افراطی. (۱۴/۰۲/۱۳۸۷)

استقلال علمی و اقتصادی؛ عامل بالندگی و افتخار جمهوری اسلامی

استقلال علمی و اقتصادی؛ عامل بالندگی و افتخار جمهوری اسلامی

امروز کشور ما مثل دهه اول یا دهه دوم انقلاب نیست که زیرساخت های علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد. امروز جوان های ما و متخصصین ما و دانشمندان در هر رشته ای که وارد می شوند، می توانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینه ارتباطات، در زمینه مواصلات، در زمینه تحقیقات علمی، در زمینه ساخت و سازها مورد نیاز است، بحمدالله آماده است. ما از لحاظ راه های مهم و بین المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بیسم و باسیم، شبکه های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم... جوانان ما کارخانه های پیچیده را می سازند، کارهای پیچیده علمی و فن آوری را انجام می دهند، نیاز کشور را برآورده می کنند، به کشورهای دیگر هم به عنوان مستشار و به عنوان کسانی که تجارت علم و فن آوری می کنند، کمک میرسانند. در این جهت، کشور وضعیت شاخصی پیدا کرده است؛ این پیشرفت کمی نیست. یک روزی جوان های ما حتی گلوله آر.پی.جی را نمی توانستند پرتاب کنند و نمی شناختند؛ امروز همان جوان ها موشک پرتابگر ماهواره میفرستند که چشم دانشمندان جهان را به خود جلب می کند، همه را متوجه می کند. یک روزی ما برای استفاده از نیروگاه هایی که در کشور داشتیم، احتیاج به

متخصص داشتیم؛ امروز جوانان کشور ما خودشان آنچنان در صنعت پیشرفت کردند که پالایشگاه، نیروگاه و امکانات گوناگون را خودشان می سازند و تولید می کنند. یک روزی در زمینه مسائل زیست شناسی، کشور دچار فقر مطلق بود؛ امروز به پیشرفت در دانش های زیستی، از جمله همین مسئله سلول های بنیادی که بسیار در دنیا چیز مهمی است، دست پیدا کرده است. امروز این امکانات در کشور وجود دارد. اینها همه زیرساخت هایی است که پیشرفت های آینده براساس این زیرساختها آسان می شود. علاوه بر اینها ــ همان طوری که عرض کردم ــ تجربه مدیران، یک تجربه بسیار عمیق و وسیعی است. کشور امروز در مقابل چشم مدیران و نخبگان کشور، مثل یک صحنه ای است که می توانند برای پیشرفت آن برنامه ریزی کنند. همین سرکشی کردن مسئولین به گوشه و کنار این کشور، نقاط محروم، استان های دوردست، در استان ها به شهرهای گوناگون رفتن، با مردم تماس گرفتن، اوضاع را از نزدیک دیدن، با چشم مشکلات را مشاهده کردن، یک تجربه عظیم و گرانقدری برای مأمورین ما و مسئولان کشور به وجود آورده است؛ اینها زمینه یک جهش است برای اینکه کشور بتواند ان شاءالله در طریق پیشرفت و عدالت حرکت کند؛ و این ایجاب می کند که دهه آینده ــ یعنی ده سالی که از امسال آغاز می شود ــ برای کشور ما و برای نظام جمهوری اسلامی، ده سال پیشرفت و عدالت باشد؛ که همه باید در این قسمت تلاش و کار کنند. (۰۱/۰۱/۱۳۸۸)

پیشرفت اقتصادی با مشی صحیح و قابل دفاع

پیشرفت اقتصادی با مشی صحیح و قابل دفاع

ما در زمینه اقتصاد، در حال پیشرفتیم. ممکن است بعضی از ظواهر موجود

در زمینه اقتصاد، مثل تورم و گرانی ارزاق و مسائلی از این قبیل، به ذهن آقایان بیاید؛ اما من عرض می کنم که این با آن چیزی که ما ادعا می کنیم، منافاتی ندارد. ما بالاخره در همین زمینه اقتصاد، با گذشت سال های متمادی، به نقطه روشنی رسیده ایم؛ یعنی برای مسئولان، برنامه اقتصاد کشور، برنامه روشنی است؛ و مشی ای که برای رسیدن به هدف های این برنامه در نظر گرفته شده، مشی صحیح و متین و قابل دفاعی است. (۲۵/۰۶/۱۳۷۰)

انقلاب موجب ایجاد دانش و صنعت مستقل در ایران

انقلاب موجب ایجاد دانش و صنعت مستقل در ایران

انقلاب این [وابستگی] را به هم زد. یک چیز هم به کمک ما آمد؛ این را هم من لازم می دانم به شما عرض کنم و آن، قهر دنیای صنعتی و دنیای غربی با ما بود؛ همین تحریم ها و اخم و تخم هایی که از اول انقلاب تا الان با ما داشته اند. بعضی ها از تصور این تحریم ها دلشان آب می شود؛ من می خواهم بگویم نه، این به ما کمک کرد... نتیجه این تحریم ها این شد که امروز ما در زمینه ضد زره، جزو ده کشور سطح اول دنیا هستیم. امروز ما در زمینه غنی سازی اورانیوم جزو ده، یازده کشور دنیا هستیم که این فن آوری را در این حد داریم. این فن آوری، بومی هم هست. ما فرق داریم با آن کشوری که چون نظام کمونیستی داشت، شوروی آن روز به او کمک کرد. بعضی ها چین را به رخ ما می کشند. چین در ده سال اول انقلابش تمام امکانات را از شوروی آن روز گرفت؛ آن موقعی که هنوز میانه شان به هم نخورده بود. اما در هیچ سالی از سال ها، هیچ قدرت دارای دانش و صنعت به ما کمک نکرد. هر کار کردیم، خودمان کردیم. (۰۵/۱۲/۱۳۸۳)

رفاه مادی یعنی رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت

رفاه مادی یعنی رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه مصرف گرایی نیست ــ که خود، یکی از سوغات های شوم فرهنگ غرب است ــ بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه های فقر و عقب افتادگی رخت بربندد. (۲۳/۰۴/۱۳۶۸)

ص:۴۸

فصل پنجم: علم و اقتصاد

اشاره

فصل پنجم: علم و اقتصاد

زیر فصل ها

قدرت علمی پایه قدرت اقتصادی و...

تولید علم جهادی فراتر از تحصیل

بی نظیری بودن ظرفیت های کشور

پیشرفت علمی، صنعتی و اقتصادی برگرفته از تفکر و اصول اسلامی

رقابت سالم علمی

قدرت علمی پایه قدرت اقتصادی و...

قدرت علمی پایه قدرت اقتصادی و...

امروز کسانی در دنیا زور می گویند، خلاف قوانین بین المللی رفتار می کنند، وقیحانه ترین موضع را در دنیای تعامل بین المللی انسان ها ملت ها و دولت ها ـ می گیرند و خجالت هم نمی کشند؛ سرشان را هم بالا می گیرند. چرا؟ چون قدرت دارند؛ قدرت اقتصادی و سیاسی (که از اقتصادی ناشی می شود) و بالاتر از همه اینها، قدرت علمی، که منشأ همه اینهاست؛ یعنی منشأ قدرت اقتصادی و سیاسی شان هم قدرت علمی است. ما این طرف دنیا حرف های حق زیادی داریم؛ حرفمان را شجاعانه می زنیم، منطقمان را در صحنه های رویارویی منطقی هم اثبات می کنیم، در عمل هم البته چون توفیق الهی شامل حال این ملت شده و ایمان دارد، به قدر ایمان خودش، پیشرفت می کند؛ یعنی نتوانسته اند هم به آرزوهای خودشان در مورد این ملت برسند؛ اما احتیاج به یک چیز دیگری هم داریم و آن، عبارت است از «قدرت بین المللی»، تا بتوانیم این راه را بی دغدغه، درست، به طور کامل، همه جانبه و بی کم و کاست ادامه دهیم و به اهداف و آرمان هایمان برسیم. این قدرت را (قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی) چطوری

ص:۴۹

به دست آوریم؟ پایه و مایه همه اینها، قدرت علمی است! یک ملت، با اقتدار علمی است که می تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می تواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می آید؛ پول تابع توانایی هاست. امروز این طوری است؛ علم را می شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است. ما از علم عقب ماندیم. ... ما حالا ـ داریم تلاش می کنیم که بتوانیم این دره وسیع را پر کنیم. وظیفه دانشگاه .. در این کشور، این است که این دره علمی را پر کند. هر چه می توانید، علم بیاموزید. (۲۹/۱۰/۱۳۸۴)

تولید علم جهادی فراتر از تحصیل

تولید علم جهادی فراتر از تحصیل

آنچه مهم است، تولید علم است. دوستان آمارهایی دادند، من هم این آمارها را قبول دارم، به ما هم در زمینه پیشرفت های تحقیقی و مقالات منتشره در مجلات علمی و معتبر دنیا هم گزارش هایی داده شده؛ منتها توجه کنید که تولید علم ــ یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن ــ با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این که نوشته و تحقیق و فرآورده ذهن دانشمندان در زمینه علوم مختلف ــ چه علوم انسانی، چه علوم تجربی ــ بیاید و خوب دانسته شود و همین ها محور تشخیص و معرفت نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست....دینی که ما می شناسیم، جهان بینی دینی یی که ما از قرآن می گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و

قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق کننده علم است. نمونه اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی سابقه بود ــ در همه زمینه ها ــ و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم انسانی یی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه ها باید کار کنیم. در زمینه علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه های نو و گشودن افق های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد.

موانعی که به وجود آوردند، برای این ملت مثل سم کشنده یی بود. باور را از ملت ما گرفتند. ملت و نخبگان و مغزهای ما را به هر آنچه از بیرون این مرزهاست، آن چنان دلبسته کردند که اصلا کسی این مجال و این جرئت و این شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می توان برخلاف آن حرف ها یا غیر از آن حرف ها و آن نظریه ها، نظریه ای ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی گرفتار آن حرف ها هستیم. البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرئت بخشید. آنچه امروز مشاهده می کنیم، نتیجه همین جرئت است؛ باید این جرئت را تقویت کرد و پیش رفت. (۲۶/۰۹/۱۳۸۳)

بی نظیری بودن ظرفیت های کشور

بی نظیری بودن ظرفیت های کشور

آنچه که خیلی مهم است، ظرفیت های موجود در جامعه است. ما در همه

ص:۵۱

زمینه ها مثل یک معدنِ استخراج نشده یا نیمه استخراج شده هستیم. اهل فن و متخصصین و کارشناسان در همه زمینه ها ـ مثل زمینه های اقتصادی، زمینه های فنی، زمینه های علمی ـ به ما می گویند ظرفیت های کشور، ظرفیت های بی نظیری است. دوستانی که اهل هر رشته ای، هر بخشی از کارهای مهم جامعه هستند و با مسائل آشنایند، آنها در بخش خودشان وقتی گزارش می دهند، وقتی مقایسه می کنند، وقتی ما را، ملتمان را، کشورمان را با خیلی کشورهای دیگر تطبیق می کنند، ما را به این نتیجه میرسانند که ظرفیت های ما خیلی زیاد است. در زمینه اقتصادی، ظرفیت کشور خیلی بالاست. در زمینه علمی، ظرفیت کشور واقعاً حیرت آور است. یک مقدار که انسان حرکت را سریع تر می کند، جدی تر می کند، فشاری وارد می آید و اصراری صورت می گیرد، انسان می بیند ناگهان همین طور گل هایی است که در این باغ میشکفد؛ نهال هایی است که در این بوستان میبالد، که انسان هیچ تصورش را نمی کرد و گمانش را نداشت؛ اما می بینیم شد و می شود. (۱۶/۱/۱۳۸۹)

پیشرفت علمی، صنعتی و اقتصادی برگرفته از تفکر و اصول اسلامی

پیشرفت علمی، صنعتی و اقتصادی برگرفته از تفکر و اصول اسلامی

جمهوری اسلامی مدعی سازندگی کشور و نجات ایران از عقب ماندگی های دوران ستمشاهی است، و امروز هر گامی در راه پیشرفت علمی و صنعتی و اقتصادی و هر اقدامی در وادی نوسازی کشور، دلیلی بر حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی و شاهدی بر درستی

آن مدعا است. ولی هر اقدامی در راه توسعه اقتصادی و آباد سازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمان ها و ارزش ها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکتی حقیقی و تضمین شده خواهد بود و کشور به توهم سازندگی، در ورطه وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید. (۱۱/۰۳/۱۳۷۵)

رقابت سالم علمی

رقابت سالم علمی

یکی از این برادرها گفت ما حاضریم؛ پژوهشگاه به ما بدهید یا اجازه بدهند ما پژوهشگاه درست کنیم تا در فلان قضیه _ مثلا فرض کنید انرژی خورشیدی یا هر چیز دیگر _ فعالیت کنیم. خیلی خوب، آن گروه دیگر دانشجویی هم بگویند خیلی خوب، ما هم در فلان مسئله دیگر رقابت مثبت علمی می کنیم با اینها. رقابت مثبت یعنی این؛ یعنی مسابقه دویدن: «سابقوا الی مغفره من ربکم». مسابقه در کار خیر، مسابقه در تولید، مسابقه در فراگیری و تحقق دادن آن معلومات در خارج و کمک کردن به محیط زندگی مردم. این مسابقه خیلی خوب است. (۱۴/۰۲/۱۳۸۷)

ص:۵۳

فصل ششم: مردم و اقتصاد

اشاره

فصل ششم: مردم و اقتصاد

زیر فصل ها

حرام بودن ایجاد تزلزل در روح اعتماد مردم به نظام

مایوس کردن مردم و ناتوان جلوه دادن مسولین در جهاد اقتصادی

دانشجویان سفیران جهاد و مجاهدت در جهاد سازندگی

نسل جوانِ تحصیلکرده ؛ سرمایه جهادی «ما می توانیم»

نیروی جوان نقطه قوت کشور

شناسایی نیازهای واقعی مردم

فقر و گرفتاری اقتصادی مردم برنده ترین حربه دشمن

توجه به تولید و مهار روحیه اسرافی

حسنه بودن لحظه کارگر در جهاد اقتصادی

اتکاء جمهوری اسلامی به اراده ملت

حرام بودن ایجاد تزلزل در روح اعتماد مردم به نظام

حرام بودن ایجاد تزلزل در روح اعتماد مردم به نظام

[دشمنان] می خواهند ایران همیشه فقیر و محتاج و وابسته باشد، از سیاست هایی که ایران را به سمت توسعه اقتصادی و خودکفایی و بی نیازی از دیگران حرکت می دهد، به شدت بیمناکند و با شیوه هایی بس پیچیده و توطئه آمیز، با آن مخالفت می کنند. رمز موفقیت دولت و قوه قضاییه و مقننه، در پشتیبانی قاطبه ملت از آنهاست. هر حرکت و گفتاری که روح اعتماد مردم به این قوا و کارگزاران آن را متزلزل و در این پشتیبانی، اندک خللی وارد سازد، حرام شرعی و خیانت ملی است. (۱۸/۱۰/۱۳۶۸)

مایوس کردن مردم و ناتوان جلوه دادن مسولین در جهاد اقتصادی

مایوس کردن مردم و ناتوان جلوه دادن مسولین در جهاد اقتصادی

شما دیدید و می بینید واضحترین حقایق جامعه ما را دگرگون جلوه می دهند. نمونه اش حرکت مبارزه با گرانفروشی است که دولت محترم و رییس جمهور عزیز ما شروع کردند و دستگاه ها دنبال نمودند. این حرکت، حرکت بسیار مبارکی است که مردم را بسیار خشنود و خوشحال

ص:۵۵

کرده است و پیش هم می رود. به مجرد این که دولت و رییس جمهور محترم، حرکتی به این وضوح و روشنی را شروع کردند، دستگاه های تبلیغاتی دشمن هم، یکصدا بنای برخورد کردن با این حرکت را گذاشتند. مسائل اقتصادی کشور را برخلاف آنچه که هست، نشان دادن؛ مشکلات را بزرگ جلوه دادن و مردم ما را ناامید وانمود کردن، خوراک رسانه های اینهاست... دشمن می خواهد مردم را مأیوس و مسئولین را ناتوان جلوه دهد. واقعا نقشه دشمن هم این است که اگر بتواند، مردم را مأیوس و مسئولین را ناتوان کند. در چه قضایایی؟ در قضایای جلو چشم ما. در قضایایی که همه آن را مشاهده می کنند. به طریق اولی در مسائل و قضایایی که در آنها قدری خفا باشد. دشمن این طور برخورد می کند. (۱۰/۱۰/۱۳۷۳)

دانشجویان سفیران جهاد و مجاهدت در جهاد سازندگی

دانشجویان سفیران جهاد و مجاهدت در جهاد سازندگی

شما سفیران کار و تلاش خواهید شد. وقتی شما در یک محیطی حاضر می شوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار می شوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام می گیرد و شما می شوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «من احیاها فکانّما احیا النّاس جمیعا»؛ شما دل ها را زنده می کنید؛ فایده بزرگی است. فوائد فراوانی در این کار هست. این جریان [اردوهای هجرت دانشجویی] عظیم را حفظ کنید. (۳۱/۶/۱۳۸۹)

نسل جوانِ تحصیلکرده ؛ سرمایه جهادی «ما می توانیم»

نسل جوانِ تحصیلکرده ؛ سرمایه جهادی «ما می توانیم»

ص:۵۶

یکی از امکانات بزرگ نظام، این نسل جوانِ تحصیلکرده پرانرژی پرانگیزه ای است که در کشور ما وجود دارد. اینها تحصیل کرده اند، درس خوانده اند، باانگیزه اند، در راه فهم و درک مسائل گوناگون در بخش های مختلف تلاش می کنند، دارای اعتماد به نفس اند. ما امروز در جوان هایمان احساس می کنیم یک اعتماد به نفسی وجود دارد که در گذشته وجود نداشته است، و در کمتر ملتی هم این را مشاهده می کنیم. هر کدام از این مسائل گوناگون اقتصادی و فنی و سیاسی و اجتماعی و مسائلی که احتیاج به دانش و تخصص دارد، اینها را وقتی انسان با مجموعه های جوان و اهل تحقیق مطرح می کند، می بیند اینها با اعتماد به نفس، می گویند می توانیم. احساس نمی کنند که عاجزند، ناتوانند؛ احساس می کنند می توانند. این اعتماد به نفس خیلی ارزش دارد برای یک ملت که احساس کند می تواند؛ چون سال های متمادی به ما تلقین می شد که شما نمی توانید. (۱/۱/۱۳۸۹)

نیروی جوان نقطه قوت کشور

نیروی جوان نقطه قوت کشور

در زمینه مسائل کشور و بخصوص در زمینه مسائل اقتصادی، توجه به اشتغال جوانان و جهت گیری فکری و روحی و فرهنگی آنان، خیلی مهم است. امروز عمده مخاطبان ما در کشور، جوانانند. خوشبختانه نیروی عظیم این کشور، ناشی از نیروی جوان است. این فرصتی است و

می تواند به عنوان یک نقطه قوت به کار رود. البته دشمن، درست در نقطه مقابل آنچه که شما می خواهید، سعی می کند که این نقطه قوت را به نقطه ضعف تبدیل کند؛ جوانان را به فساد بکشاند؛ از لحاظ فکر سیاسی، از لحاظ رفتار اجتماعی، از لحاظ رفتار فردی، با تبلیغاتش آنها را دچار آلودگی کند. (۰۲/۰۶/۱۳۷۷)

شناسایی نیازهای واقعی مردم

شناسایی نیازهای واقعی مردم

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه خدمت رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسئولیت پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می سازد. نیازهای موهوم و ساخته دست تبلیغاتچی های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این خواسته های حقیقی بنشیند. (۰۶/۰۳/۱۳۸۳)

فقر و گرفتاری اقتصادی مردم برنده ترین حربه دشمن

فقر و گرفتاری اقتصادی مردم برنده ترین حربه دشمن

شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، برنده ترین حربه ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسئله باید فکر کرد. گرفتاری های اقتصادی مردم، همین بیکاری ای است که در کلمات شما تکرار می شود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون،

سوءاستفاده های گوناگون، تبعیض های گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضایی هم در کنارش هست. اولویت اول برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویت اول این است که شکم مردم را سیر کنید. (۲۹/۰۳/۱۳۷۹)

توجه به تولید و مهار روحیه اسرافی

توجه به تولید و مهار روحیه اسرافی

باید قدرتتان را زیاد کنید. باید ثروت های طبیعی را استخراج و در راه خودش مصرف کنید. باید تولید و سازندگی را در این کشور روزبه روز زیاد کنید. ملت و دولت باید رابطه شان را با هم روزبه روز بیشتر کنند؛ ملت نسبت به دولت و دولت نسبت به ملت. باید شعارهای انقلاب را زنده بدارید. باید روحیه انقلابی را در همه ارکان این نظام روزبه روز تقویت کنید. این کشور اگر به پا بایستد، اگر قیام کند، اگر متکی به خدا شود و حرکت کند، به هیچ کس محتاج نیست. باید روحیه اسرافی که در بعضی از مردم به صورت روز افزون پیدا می شود، مهار گردد. (۱۴/۱۱/۱۳۷۳)

حسنه بودن لحظه کارگر در جهاد اقتصادی

حسنه بودن لحظه کارگر در جهاد اقتصادی

آن کارگری که در کارخانه ای کار می کند، یا طراحی و مدیریت و یا هر گونه تلاشی می کند، برای این که ایران اسلامی ــ که امروز عرصه جلوه های معنوی و الهی است ــ رشد و پیشرفت پیدا کند و آباد شود و از بیگانه ها بی نیاز گردد و نگران تحریم اقتصادی این قدرت و آن قدرت نباشد و استغناء پیدا کند، هر لحظه ای کار این کارگر یک حسنه انجام می دهد و

یک عبادت می کند. هر کسی به این کار کمک کند، در این عبادت سهیم است و از سهم آن کارگر هم کم نمی شود. آن کسی که به او کمک کرده است، او نیز سهیم می شود. دستگاه خدا این گونه است. گاهی یک عمل انجام می گیرد، ده نفر سهیمند و ده حسنه انجام می گیرد. نه این که یک حسنه تقسیم شود؛ بلکه هر کدام پیش خدای متعال ثواب جداگانه دارند. امروز، این گونه است. امروز، کشور شما این خصوصیت را دارد. (۱۲/۰۲/۱۳۷۵)

اتکاء جمهوری اسلامی به اراده ملت

اتکاء جمهوری اسلامی به اراده ملت

بیشتر کشورهای انقلابی در قرن معاصر، متمایل به شرق بودند. اینها از دولت ها و قدرت های شرقی استفاده می کردند. مثلا وقتی که چین انقلاب کرد، تا ده سال بلکه بیشتر، کشور شوروی ـ که برادر بزرگ او محسوب می شد و در انقلاب سوسیالیستی پیشگام بود ـ به چین کمک اقتصادی و فنی می کرد و متخصص و کارشناس به آن کشور می فرستاد. سایر کشورهای کمونیستی هم همین گونه بودند. اما جمهوری اسلامی، برای بریدن رشته های پیوند و وابستگی اقتصادی خود، فقط به اراده نیرومند ملت خویش و استعداد درخشان ایرانیان متکی بود و هست. پس، در راه استقلال اقتصادی، ملت ما پیش رفت و باز هم پیش می رود و بحمدالله برنامه ریزی ها در همین جهت حرکت می کند و باید هم بکند. (۱۰/۰۱/۱۳۶۹)

فصل هفتم: دولت و اقتصاد

اشاره

فصل هفتم: دولت و اقتصاد

زیر فصل ها

حسنه بودن کار در نظام اسلامی

تسلیم ناپذیری نظام بر مبنای دین دربرابر دشمنان

اقتصاد مشکل اول مملکت

وابستگی دولت ها به نفت

ضرورت حفظ هوشیاری در مقابل سوءاستفاده گران اقتصادی (و متخلفین دانه درشت)

لزوم حفظ آرامش و پرهیز از جنجال ها و هیاهوها جهت حلّ و فصل نابسامانی های موجود

عدالت؛ اصلی ترین عنصر متمایزکننده نظام اسلامی از نظام سرمایه داری

جهاد اقتصادی یکی از زمینه اقتدارملی

اقدامات دولت در جنگ اقتصادی

پرداختن به مسائل متعدد در جهاد اقتصادی

حسنه بودن کار در نظام اسلامی

حسنه بودن کار در نظام اسلامی

هر کس که در جمهوری اسلامی مشغول کار است ــ به معنای اعم کار: کار فرهنگی، کار اقتصادی و کار خدماتی صحیح و مفید ــ باید بداند که حسنه انجام می دهد و برای خدا کار می کند، پس عمرش به بیهودگی تلف نشده است. شما یک روز که کار کنید، یک روز در دیوان الهی ذخیره کرده اید، یک روز به ملت فایده بخشیده اید، و یک روز به سیر تکاملی جامعه مدد رسانده اید. این، فرهنگ اسلام است. (۱۱/۰۲/۱۳۷۰)

تسلیم ناپذیری نظام بر مبنای دین دربرابر دشمنان

تسلیم ناپذیری نظام بر مبنای دین دربرابر دشمنان

آماج حملات دشـمنان، دو نقطه اساسـی است: یکی دین، یکی مردم و وفاداری آنها. میدانند که اگر این انقلاب، یک انقلاب دینی نبود، قـدرت مقاومت نـداشت؛ چون دین است که پیروان خود را از تسـلیم شـدن در مقابل ظلم منع می کنـد، به مقابله با ظـالم تشویق می کنـد؛ عـدالت و آزادی و معنویت و پیشـرفت را به زنـدگی انسان ها پیشـنهاد می کنـد. این، خصوصـیت دین است. پس آن نظامی که بر مبنای دین باشد، معنی ندارد که تسلیم

ص:۶۱

فشـار و زور دشـمنان و زورگویـان و زیـاده طلبـان بشـود. اگر عنصـر دین در این انقلاـب نبود، ممکن بود مسـئولین انقلاـب و سرکردگان انقلاب با گرفتن یک امتیازی در مقابل دشـمن کوتاه بیاینـد و راه را برای سـلطه دوباره دشـمن باز کننـد؛ اما چون دین سـتون فقرات این انقلاب است، چنین چیزی تاکنون پیش نیامـده است و بعـد از این هم پیش نخواهـد آمد. درس بزرگ امـام عزیز مـا به مـا و به همه ملت همین بـود؛ به نیروی خودتـان ایمـان داشـته باشـید، در افزایش این نیرو به صورت روزافزون تلاش کنید و به خدای متعال و وعده الهی اطمینان داشـته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید کـه نصـرت الهی بـا شـما همراه اسـت. ایـن، خصوصـیت دینـدار بـودن مردم و دینی بـودن این انقلاـب و نظـام اسـلامی است. (۲۷/۷/۱۳۸۹)

اقتصاد مشکل اول مملکت

اقتصاد مشکل اول مملکت

بین دو نفر مسـئول، مسئله ای پیش می آید؛ چنان به آن پر و بال می دهند که به یک مسئله اجتماعی و عمومی تبدیل می شود و ذهن ها را به خود مشغول می کند... در حالی که مشـکل مملکت، این نیست. مشـکل مملکت، مسئله ایجاد اشتغال، آبادانی کشور، آب کشاورزی و امثال اینهاست. ما در کشور این همه مشـکل داریم؛ پرداختن به این مسائل کوچک چه اهمیتی دارد؟ در جریان همکاری قوا با همـدیگر، از این گونه موارد اختلاف بارها پیش می آید. آیا باید روزنامه ها و افراد سیاسـی کار این را به مشغله عمده ذهنی جوانان تبدیل کنند؟! (۱۲/۰۸/۱۳۸۰)

وابستگی دولت ها به نفت

وابستگی دولت ها به نفت

ص:۶۲

من دو، سه سال قبل از این گفتم که آرزو می کنم یک روزی در چاه های نفتمان را ببندیم و به دنیا اعلام کنیم که می خواهیم یک مدت نفت نفروشیم. البته این آرزوی دوردستی است؛ دسترسی به آن بسیار مشکل است و آسان هم نیست. خدا لعنت کسانی را که از اول پیدا شدن چاه های نفت در این کشور ــ بخصوص آن وقتی که قیمت نفت مقداری گران شد ــ اساس و بنای کار را در این کشور برروی درآمد نفت گذاشتند، که بعد از انقلاب هم به خاطر گرفتاری های متعدد، همان وضع کم و بیش ادامه پیدا کرد. سال هاست که دولت های ما ــ هم این دولت فعلی، هم دولت های قبلی ــ درصدد بودند که وابستگی به نفت را کم کنند؛ تلاش هایی هم کردند، اما کار سختی است. فعلا وضعیت این است که درآمد دولت کم است. (۰۴/۱۰/۱۳۷۷)

ضرورت حفظ هوشیاری در مقابل سوءاستفاده گران اقتصادی (و متخلفین دانه درشت)

ضرورت حفظ هوشیاری در مقابل سوءاستفاده گران اقتصادی (و متخلفین دانه درشت)

در مورد مبارزه با فساد مالی و اقتصادی هم گزارش های خوبی از طرف رییس جمهور محترم و رییس محترم قوه قضاییه به من ارائه شد. مبارزه با فساد، موضوعی اصلی و اساسی است. فساد اقتصادی در دستگاه های دولتی موجب می شود که سود همه تلاش های انجام شده در راستای پیشرفت و تولید ثروت عمومی برای رفاه مردم، به جیب عده ای مفت خور و سوءاستفاده چی سرازیر شود؛ لذا مبارزه با فساد، جدی ست. متأسفانه بعضی از عناصر سیاسی و غیرسیاسی نه تنها با این حرکت همراهی

نکردند بلکه بر آن برچسب یک تسویه حساب سیاسی و خصوصی زدند. این غلط، خلاف واقع و دروغ است. مبارزه با فساد مالی و اقتصادی جدی ست و ادامه دارد. البته من به مسئولین قوه قضاییه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه نیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسئله می شود. باید با آن مبارزه کرد. این مبارزه در قوه مجریه به معنای پیشگیری و جلوگیری از رشد فساد مالی از طریق دهانه ها و دروازه های آن است در قوه قضاییه مبارزه به نحوی دیگر است و تعقیب مجرمین و فسادانگیزان و مجازات آنها را شامل می شود. (۰۱/۰۱/۱۳۸۲)

لزوم حفظ آرامش و پرهیز از جنجال ها و هیاهوها جهت حلّ و فصل نابسامانی های موجود

لزوم حفظ آرامش و پرهیز از جنجال ها و هیاهوها جهت حلّ و فصل نابسامانی های موجود

امروز عده ای ساده لوحانه سعی می کنند چشم های خودشان را ببندند و دشمن را نبینند. لیکن واقعیت این است که دشمن دست به کار است و می خواهد حرکت جمهوری اسلامی را هر طور بتواند؛ با تبلیغات، با جنجال های سیاسی، با هیاهو، با ادعای طرفداری از این قشر و آن قشر متوقف کند. همتشان این است که در جمهوری اسلامی کارها فلج شود و کاری پیش نرود. امروز دولت و مسئولان تلاش می کنند. امروز مسئله اشتغال یکی از مهم ترین مسائل کشور ماست. مسئولان باید سالی چند صد هزار فرصت شغلی به وجود آورند تا بتوانند جوانانی را که عازم و آماده میدان کار هستند، به کار وادار کنند. تولید شغل کار آسانی نیست؛ برنامه ریزی و تلاش و خیال راحت می خواهد. عده ای می خواهند نگذارند این کارها انجام گیرد. این عده چه کسانی هستند؟ دشمنان و تحریک

شدگان. اینها به جان قشرهایی می افتند که دچار نابسامانی هایی هستند. البته تا امروز نیت غرض آلود دشمنان نتوانسته است بر جامعه فرهنگی و کارگری ما غلبه پیدا کند و آنها را ابزار دست سازد. آنها بدانند یقینا بعد از این هم نخواهند توانست؛ اما شرط اصلی هوشیاری است. همه باید هوشیار باشند. جوانان، معلمان، کارگران، دانش آموزان و دانشجویان باید بیدار باشند و بدانند که دشمن در پی چیست. دولت و مسئولان گوناگون هم باید تلاش خود را بکنند. برنامه هایی هست؛ ان شاءالله این برنامه ها اجرا شود و پیش برود و بتدریج نابسامانیها برطرف گردد. (۱۴/۰۲/۱۳۷۹)

عدالت؛ اصلی ترین عنصر متمایزکننده نظام اسلامی از نظام سرمایه داری

عدالت؛ اصلی ترین عنصر متمایزکننده نظام اسلامی از نظام سرمایه داری

عزیزان من! نظام اسلامی، نظام سرمایه داری نیست. من چهار سال قبل، در همین جا ــ در روز تنفیذ ــ همین موضوع را به حضاری که بودند، عرض کردم و گفتم: «نظام ما، نظام سرمایه داری نیست. نظام سرمایه داری، به جمع ثروت، به رونق اقتصادی و به مجموع در آمد ملی نگاه می کند و برایش مهم نیست که این ثروت چگونه به دست می آید، به دست کی می آید و چند درصد از مردم، چگونه از آن استفاده می کنند!» باید در آمد ملی بالا برود، ثروت زیاد شود، تلاش اقتصادی مورد حمایت قرار گیرد؛ که مورد حمایت هم قرار می دهند. قوانین هم در این جهت است. قدرت اجرایی هم در این جهت است. کشورهای سرمایه داری ــ آن هم نه همه بلکه بعضی ــ حداکثر کاری که می کنند این است که بیمه ها و تضمین هایی را برای قشرهای مظلوم و محروم می گذارند، تا حداقلی هم به آنها برسد.

این، نظام سرمایه داری است.

نظام اسلامی، این گونه نیست. نظام اسلامی می فرماید: «بالعدل قامت السموات والارض.» اصل، عدالت است. البته، تولید ثروت هست. نظام اسلامی، یک جامعه فقیر نمی خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی خواهد. از ثروت ها استفاده می کند؛ علم را پیشرفت می دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می کند، انسان ها را به رشد عقلانی می رساند، تجارت می کند و صنعت راه می اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است. اما جهت همه اینها، عدالت است. ثروت هست؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه هم برای اقامه قسط آمدند؛ «لیقوم الناس بالقسط». اینها حرف های خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است؛ نهج البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمه(عع) هم هست. (۱۲/۰۵/۱۳۷۶)

جهاد اقتصادی یکی از زمینه اقتدارملی

جهاد اقتصادی یکی از زمینه اقتدارملی

اقتدار ملی، هم زمینه نظامی دارد، هم زمینه اقتصادی دارد، هم زمینه سیاسی دارد، هم زمینه سازمانی دارد. در همه زمینه ها مسئولان می توانند کاری کنند که ملت احساس اقتدار کند. ... وقتی که همه سرمایه اندوزان بین المللی سعی می کنند یک ملت و یک کشور را در چنبره اختاپوس اقتصادی خودشان درآورند و با نامهای فریبنده و بناحق، منابع یک ملت را جذب کنند، اگر مسئولان اقتصادی کشور توانستند با تدبیر و هوشیاری و

ص:۶۶

با سرعت عمل متناسب، تدابیر لازم را پیش گیرند و مانع از نفوذ پنجه دشمن در اقتصاد کشور شوند و اقتصاد ملی را شکوفا کنند، ملت احساس اقتدار می کند. (۲۸/۰۱/۱۳۸۰)

اقدامات دولت در جنگ اقتصادی

اقدامات دولت در جنگ اقتصادی

[در برابر دشمنی اقتصادی] اما دولت ما هم که بی کار نیست، کار دیپلماسی و کار تجاری می کند. وزارت خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت راه و وزارت نفت، هر کدام از یک طرف، دائم مشغولند، دائم کار می کنند. در این دنیای بزرگ، بالاخره دشمن تلاش می کند. ما هم که دست و پایمان چلاق نیست! اقدام می کنیم و اقدام ما بر اقدام دشمنان ــ در بسیاری از موارد ــ فائق هم می آید؛ اما در تبلیغات بیگانگان، این بخش از فعالیت های مسئولان کشور، مسکوت گذاشته می شود! (۰۱/۰۱/۱۳۷۸)

پرداختن به مسائل متعدد در جهاد اقتصادی

پرداختن به مسائل متعدد در جهاد اقتصادی

البته مسائلی که باید مسئولین کشور ان شاءاللّٰه با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه سال جهاد اقتصادی است. مسئله اشتغال بسیار مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسئله پرداختن به زیرساخت های اقتصادی در سراسر کشور، که خب، افراد صاحب فکری، صاحب نظری نشسته اند اینها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسئله صنعت، مسئله کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه ها هست، مسائل مهمی است. همه اینها کارهای اساسی است

ص:۶۷

و پرداختن به هر کدام از اینها جهاد فی سبیل اللّه است. (۷/۲/۱۳۹۰)

فصل هشتم: واژه های اقتصادی

اشاره

فصل هشتم: واژه های اقتصادی

زیر فصل ها

کلمه «پیشرفت»

عدالت یک معیار در اقتصاد

جهاد؛ حضور و رویارویی با دشمن

معنای سال جهاد اقتصادی

پیشرفت: از اثرات قطع وابستگی

معنای جهاد

کلمه «پیشرفت»

کلمه «پیشرفت»

اولاً ـ کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن میفهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می دانیم؛ می دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحتهایی است، به چه سمتی است. ما این وام نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته ایم. ما از کلمه «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛

ص:۷۰

حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه «استکبار» به دست می آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را میفهمد. و همچنین مفاهیم دیگری. مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار میبریم و تعریف می کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست. (۱۰/۹/۱۳۸۹)

عدالت یک معیار در اقتصاد

عدالت یک معیار در اقتصاد

در خصوص مسئله اقتصاد، آقایان بحثهای خوبی کردید. «کی لا یکون دوله بین الأغنیاء منکم» یک معیار مهمی است. مسئله عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومتهاست. یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است. (۱۰/۹/۱۳۸۹)

جهاد؛ حضور و رویارویی با دشمن

جهاد؛ حضور و رویارویی با دشمن

جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بارِ معنایی ویژه ای دارد. هر تلاشی را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که بخصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است؛ این می شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن

است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیاتِ امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه اقتصادی. (۸/۱/۱۳۹۰)

معنای سال جهاد اقتصادی

معنای سال جهاد اقتصادی

من امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کرده ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه اقتصاد است. (۸/۱/۱۳۹۰)

پیشرفت: از اثرات قطع وابستگی

پیشرفت: از اثرات قطع وابستگی

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قیدوبندها را برداشت و راه ملت را باز کرد. امروز کشور در صنعت، در تولید، در فن آوری، در علم، در تهیه زیرساخت های اساسی برای بنای آینده کشور، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. وقتی آمارها و شاخص ها را نگاه می کنیم، بعضی از موارد صدها درصد، بعضی از موارد هزار درصد، و بعضی از موارد هزارها درصد در شاخص های اساسی پیشرفت پیدا شده است. (۱۱/۰۲/۱۳۸۴)

معنای جهاد

معنای جهاد

جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است،

در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست. مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه با یک دشمن است؛ مواجهه با یک معارض است. (۱۴/۶/۱۳۸۹)

ص:۷۳

بخش دوم: اهداف جهاد اقتصادی

اشاره

بخش دوم: اهداف جهاد اقتصادی

برای هر حرکت و فعالیتی می بایست که هدف از آن تلاش و کوشش را دانست و برای رسیدن به آن نیز برنامه ریزی داشت تا بتوان جهت و مسیر حرکت را مشخص نمود. با مطالعه و بررسی اهداف است که می توان در ادامه مسیر و یا اصلاح آن دست به اقدامات تکمیلی و اصلاحی زد. این بخش اهداف و نتایج مادی و معنوی و ملی و فراملی در جهاد اقتصادی که دست یابی به آن مد نظر رهبر انقلاب بوده و اهدافی ملموس و شدنی محسوب می گردد و نتایجی است که در اثر تلاش می توان به دست آورد را به نظاره نشسته است.

ص:۷۵

فصل اول: اهداف مادی

اشاره

فصل اول: اهداف مادی

زیر فصل ها

کسب رتبه اول در علم واقتصاد

پیشرفت و رشد علمی و اقتصادی

گشایش امور اقتصادی و زدودن فقر و فساد

تکیه بر اقتصاد منهای نفت

آینده نگری در باره اقتصاد وابسته به نفت

جهاد در راه اقتصاد بدون نفت

حرکت به سمت رفع محرومیت

استقلال کامل اقتصادی

بهترشدن و مبارزه با پاره ابرهای فتنه از لحاظ اقتصادی و...

لزوم بالا رفتن تولید ملی

اهمیت کارآفرینی در موقعیت امروز

هدف کلان ملت و مسئولان، پیشرفت و عدالت

جهاد و مبارزه با فقر، فساد و بی عدالتی

جهاد اقتصادی؛ رفع نیاز های مردم

فوریت و اولویت مسئله اقتصادی

رونق بخشی به زندگی مردم

تلاش برای طراحی برنامه های اقتصاد واقعی

استقلال در تولید صنعتی

رشد هشت درصدی در برنامه پنجم

کسب رتبه اول در علم واقتصاد

کسب رتبه اول در علم واقتصاد

من مکرر گفتم، الان هم دارم به شما جوان های عزیز می گویم؛ سند چشم انداز یک انشای مدرسه ای نبوده که کسی بنشیند بنویسد؛ یک آرزوی محض و آرزوی خام هم نبوده؛ اینها چیزهایی است که با ملاحظه و محاسبه همه جهات روی کاغذ آمده و معنایش این است که این شدنی است. این که ما گفتیم در ظرف بیست سال باید رتبه بالا را در منطقه، در علم و در اقتصاد داشته باشیم، با محاسبه همه جوانب قضیه نوشته و تنظیم شده؛ و این شدنی است. (۰۳/۰۷/۱۳۸۴)

پیشرفت و رشد علمی و اقتصادی

پیشرفت و رشد علمی و اقتصادی

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدف های اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه می کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از

عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفت های مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی گوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهم ترین آنها، مسئله اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدف های اسلامی است. (۲۵/۰۶/۱۳۸۳)

گشایش امور اقتصادی و زدودن فقر و فساد

گشایش امور اقتصادی و زدودن فقر و فساد

اینک که بحمدالله این فرصت تازه و فضای پرنشاط در کشور پدید آمده، جای آن است که لحظه لحظه وقت مسئولان و نخبگان و امناء ملت، به خدمت و تلاش مخلصانه سپری شود و عزم و همت همگان، به سوی بسط عدالت و ارتقاء معرفت و معنویت و گشایش امر اقتصاد و معیشت عمومی، معطوف گردد و فقر و فساد و تبعیض که محصول حاکمیت جهل و ظلم و خودکامگی طواغیت در روزگاری بس طولانی است، از صفحه زندگی ملت ایران زوده شود. (۱۱/۰۵/۱۳۸۰)

تکیه بر اقتصاد منهای نفت

تکیه بر اقتصاد منهای نفت

بنده از چند سال قبل ــ دو، سه سال قبل ــ شعار تکیه بر «اقتصاد منهای

نفت» را با مسئولین کشور در میان گذاشتم؛ آنها هم انصافا استقبال کردند. البته کار آسانی نیست. این کار در طول یک سال و دو سال و پنج سال، انجام نمی گیرد؛ باید به مرور و بتدریج انجام گیرد، که ما برای اداره امور کشور، برای کارهای گوناگون کشور، برای واردات و خدمات کشور، برای آموزش و پرورش و بودجه جاری کشور، مجبور نباشیم نفت را که ذخیره ماست، بفروشیم و گندم، یا شیر خشک وارد کنیم! این غلط است.

چند سال است که این مطلب [اقتصاد منهای نفت] را به مسئولین گفته ایم؛ مسئولین هم ـ چه در دولت قبل، و چه در دولت فعلی ـ جدا این قضیه را دنبال کردند و می کنند که شاید بتوانند؛ اما کار دشوار است. این خشت کجی است که در زمان رژیم پهلوی گذاشته شده است. آن جوانانی که نمی دانند رژیم گذشته با این کشور چه کرده است، بدانند یکی از دهها کار خیانت آمیزی که کردند، این است! اقتصاد این کشور را متکی به نفت کردند که به آسانی هم نمی شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد! این ملت اگر بتواند، باید با صادرات گوناگون ـ صادرات میوه، صادرات معادن گوناگونی که در این کشور هست، تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات ـ این کشور را اداره کند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

آینده نگری در باره اقتصاد وابسته به نفت

آینده نگری در باره اقتصاد وابسته به نفت

اگر یک روز نفت منطقه خاورمیانه تمام شود ـ که ممکن هم هست چنان روزی پیش آید ـ دولت ها باید به فکر باشند. این که ما این قدر روی اقتصاد بدون نفت تکیه می کنیم و اصرار داریم که هر چه ممکن است، درآمد کشور را از نفت به درآمدهای دیگر ببریم، به همین خاطر است.

امروز بعضی از کشورها ــ از جمله خود امریکا ــ نفت خودشان را استخراج نمی کنند؛ نفت وارد می کنند، چون به این قیمتی که نفت را می خرند، یعنی در واقع مفت! نفت صادرکنندگان این منطقه، با استخراج هر چه بیشتر و فروختن هر چه بیشتر به این ثمن بخس، بعد از گذشت چند سال تمام می شود؛ ولی چاه های آنها هنوز نفت خواهد داشت. البته چاه های نفت امریکا، به برکت وفور چاه های نفت ما نیست ــ چاه های متوسطی است ــ ولی به هرحال نفت هست. (۲۸/۱۰/۱۳۷۵)

جهاد در راه اقتصاد بدون نفت

جهاد در راه اقتصاد بدون نفت

آرزوی واقعی من ــ که البته ممکن است به این زودی ها قابل تحقق نباشد ــ این است که ما در چاه های نفت را ببندیم و اقتصاد خود را براساس کالاها و محصولات غیر نفتی بنیاد نهیم. یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد. البته این کار ممکن است در این سال ها و به این زودیها عملی نباشد. زیرا دشمنان ایران در دوران رژیم وابسته و فاسد پهلوی، بیش از حد تصور خرابکاری کرده اند و چنان ملت و کشور ما را به نفت وابسته نموده اند که نشود به این آسانی چنین کاری را کرد. اما روزی باید این کار بشود و آن روز، روزی است که ملت ایران بدون این که سرمایه های خود را مفت و مجانی به دست کسانی بدهد که با کمال خباثت از ثروت ملی کشورها استفاده می کنند، با تکیه بر امکانات ذاتی، روی پای خودش بایستد. (۱۳/۰۲/۱۳۷۳)

حرکت به سمت رفع محرومیت

حرکت به سمت رفع محرومیت

ص:۸۰

طبق آیه قرآن که فرمود: «و نریدان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»، انسان می فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. این است که اسلام و پرچم دین را، از پرچم های فرهنگ ها و تمدن ها و ایدئولوژی ها و مکاتب گوناگون، به کلی متمایز می کند: سعی برای طبقه محروم. امروز در دنیای سرمایه داری و کشورهایی که زیر سلطه استکبار جهانی است، حرکت به سمت رشد پولداران و سرمایه داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر یک وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پولداران و سرمایه داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده اند. اما اسلام این را نمی گوید. اسلام می خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آن جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسان ها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود. این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است. (۱۵/۰۷/۱۳۷۱)

استقلال کامل اقتصادی

استقلال کامل اقتصادی

باید این ملت بتدریج، با ابتکار و تلاش خود و با قوت مدیریتی که بر آن اعمال می شود و نیز با وحدتی که همه مردم در جهت آزادی و استقلال دارند

ص:۸۱

و همچنین با آشنایی آنها به توطئه و ترفندهای تبلیغاتی دشمن، به طرف آزادی و استقلال کامل اقتصادی برود. البته، مقدمه این استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی است. کشورهایی که از لحاظ سیاسی وابسته هستند، قادر نخواهند بود و اصلا انگیزه ندارند که آزادی و استقلال اقتصادی را به دست آورند. بحمدالله در مملکت ما، استقلال و آزادی سیاسی وجود دارد که دنباله آن، استقلال اقتصادی و بالاتر از همه استقلال فرهنگی است؛ آن هم فرهنگ مستقل با طرد نشانه های فرهنگ منحط و فاسد غربی از جامعه. (۰۱/۰۹/۱۳۶۸)

بهترشدن و مبارزه با پاره ابرهای فتنه از لحاظ اقتصادی و...

بهترشدن و مبارزه با پاره ابرهای فتنه از لحاظ اقتصادی و...

به برکت هدایت امام و رهبر عظیم الشأن مان، از گذرگاه های بسیار خطرناکی گذشتیم. با قوت و قدرت، راه را ادامه می دهیم و کشور را می سازیم و قدرتمان را از لحاظ اقتصادی و نظامی و سیاسی و توانایی عظیم فرهنگی اضافه می کنیم و روزبه روز در جامعه پیشرفت خواهیم کرد. ما مسلمانیم، قرآن در دست ماست و دل های ما به اسلام و قرآن وابسته است. قرآن فرموده است: «کنتم خیر امه اخرجت للناس». باید بهترین باشیم. باید پیش برویم و خواهیم رفت. شب های تاریک و ظلمانی را گذرانده ایم، باز هم پاره های ابر فتنه را در هر زمانی با تمسک به خداوند و قرآن، از سر خواهیم گذراند. (۲۸/۰۷/۱۳۶۸)

لزوم بالا رفتن تولید ملی

لزوم بالا رفتن تولید ملی

ما باید تولید ملی را افزایش بدهیم، تقویت کنیم؛ عادت کنیم به مصرف

تولیـدات داخلی؛ عـادت کنیـم بـه بالاـ بردن کیفیت تولیـدات داخلی، که البته در این مـورد مسـئولین دولـتی و همچنین قـانون گـذاران وظائف سـنگینی دارنـد من نسـبت به مسـئله مدیریت واردات به دولتی ها سـفارش کردم؛ الان هم تأکید می کنم. من نمی گویم واردات متوقف بشود؛ چون یک جاهایی لازم است که واردات انجام بگیرد؛ اما واردات بایـد مـدیریت بشود. یک جایی واردات مطلقاً نباید بشود؛ یک جاهایی باید انجام بگیرد. با مدیریت، واردات انجام بگیرد. البته مسئولین محترم دولتی به من گفتند که قوانینی که مجلس تصویب کرده، به ما اجازه نمی دهد جلوی واردات را بگیریم؛ من خواهش می کنم این قضیه را حـل کننـد. اگر واقعاً قـانونی وجود دارد که دولت را ممنوع می کنـد از جلوگیری از واردات، این قـانون را اصـلاح کننـد؛ جوری باشد که مدیریت بشود. باید تولید ملی بالا برود. (۲۷/۵/۱۳۸۹)

اهمیت کارآفرینی در موقعیت امروز

اهمیت کارآفرینی در موقعیت امروز

به دو دلیـل کار و طبعاً کارآفرینی اهمیت بیشتری دارد. دلیل اولش این است که ما در یک برهه ای هستیم که آماده جهشـیم؛ ما امروز آماده جهش در پیشرفتیم. مسئله ما امروز فقط مسئله حرکت به جلو نیست. شرایط کشور به گونه ای شده که این ملت می توانـد یـک حرکت عظیم، یـک جهش در پیشـرفت برای خودش به وجود بیـاورد. چرا؟ اولاًـ زیرساخت های زیادی آماده شده؛ علم در کشور بالا رفته؛ مدیریت های قوی به وجود آمده است. یکی از مشـکلات ما در گذشته ها، نبودن مدیریت های قوی و سالم در کشورمان بوده. امروز ما تجربه یک مدیریت انقلابی قوی سی ساله داریم.

پس این یک زیرساخت است زمینه های کار فراهم شده است؛ امید به پیشرفت زیاد شده است. وقتی می آیند می گویند ما دارویی را در کشور ساختیم که همه دنیا به آن احتیاج دارند، همه دنیا هم به آن مبتلا هستند، هیچ کدام از مراکز علمی دنیا هم هنوز آن دارو را نتوانستند بسازند، ما توانستیم بسازیم، این خب، امید می دهد به جوان ما. وقتی که ملت مشاهده می کند که ما بدون اینکه یک کشور پشتیبانی داشته باشیم، توانسته ایم از درون خودمان دانش هسته ای را رشد بدهیم، فوران بدهیم، به پیشرفت برسانیم، خب جوان امیدوار می شود.

دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که می خواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهایی که شماها می دانید، سلطه اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است...مسئله، مسئله فشار است، می خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ می خواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. می گویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ می گویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می گیریم؛ رابطه ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمی شناسند؛ مثل همه موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. ... این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً

ص:۸۴

محاسـباتشان اشـتباه است؛ نمی فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند می کنند. خب، اما فشار می آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریم ها. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

هدف کلان ملت و مسئولان، پیشرفت و عدالت

هدف کلان ملت و مسئولان، پیشرفت و عدالت

در این مرحله، هدف کلان ملت عزیز ما و مسئولان باید پیشرفت و عدالت باشد. «پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته ای است که انسان ها به آن نیازمندنـد. پیشـرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه که در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتائج مطلوب برسـد. عـدالت هم یعنی میان انسان ها تبعیض وجود نداشـته باشد، بی عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسـته، جزو خواسـته های اساسـی و اصـلی و دیرین بشـریت است، که تا تاریخ بشـر وجود داشته است، این دو خواسته، خواسته اصلی انسان ها بوده است: پیشـرفت و عـدالت. این شـعارها را می شـود داد؛ مهم این است که کی می شود به این شـعارها عمـل کرد. مـا در نظـام جمهوری اسـلامی، این دهه چهارم را هنگام مناسب برای عمل در جهت رسـیدن به این دو شعار یافتیم. پیشرفت را می شود به معنای حقیقی کلمه به دست آورد؛ عـدالت را هم با رشـدی که در جامعه ما هست، با آگاهی و بصـیرتی که مردم ما بحمداللّه پیـدا کرده اند، موانع را شـناخته اند، اهداف را تشـخیص داده اند، دوست و دشـمن را امروز جوان های ما تشـخیص می دهند، اگر مسـئولی در پی عدالت باشد، می تواند در جامعه ما مقدمات استقرار عدالت کامل را فراهم کند. البته این کارِ کوتاه مدت نیست، کارِ بلندمدت است. بنابراین

این دهه را، دهه پیشرفت و عدالت در نظر میگیریم. هر اقدامی که می شود، هر برنامه ریزی ای که می شود، باید این دو عنصر در آن ملحوظ باشد؛ هم در جهت پیشرفت جامعه باشد، هم در جهت عدالت باشد. (۱/۱/۱۳۸۹)

جهاد و مبارزه با فقر، فساد و بی عدالتی

جهاد و مبارزه با فقر، فساد و بی عدالتی

و از همه مهم تر، همت مضاعف و کار مضاعف در مبارزه با فقر، در مبارزه با فساد، در مبارزه با بی عدالتی. اینها چیزهایی است که ما در پیش روی خودمان داریم. ملت، دولت و مسئولان باید تلاش کنند. (۱/۱/۱۳۸۹)

جهاد اقتصادی؛ رفع نیاز های مردم

جهاد اقتصادی؛ رفع نیاز های مردم

کمک به رفع این نیازها[ی مردم]، جزو جهاد اقتصادی است؛ جزو کار بزرگ است. امروز ما با مدیران و مسئولان بخش های مختلف، در زمینه محیط زیست، هوای آلوده، مشکلات گوناگون، درباره این مردم، همین طور گفتگوهایی داشتیم. ان شاءاللّه باید این مسائل را دنبال کنند. باید مشکلات مردم حل شود. اینها همه اجزایی است از مجموعه یک جهاد عظیم و همه جانبه اقتصادی. با همکاری، همدلی، احساس برادری، احساس عمل للّه و کار برای خدا، این ملت می تواند جایگاه شایسته خود را پیدا کند. (۸/۱/۱۳۹۰)

فوریت و اولویت مسئله اقتصادی

فوریت و اولویت مسئله اقتصادی

به نظر صاحبنظران، امروز در این برهه از زمان، مسئله اقتصادی از همه

مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می تواند پیشرفت کند. (۱/۱/۱۳۹۰)

رونق بخشی به زندگی مردم

رونق بخشی به زندگی مردم

هر چه بتوانید مظاهر زندگی مادی را در جهت خدا قرار دهید، سود کرده اید و بهره برده اید. و این معنای آخرت است. تجارت هم، اگر برای رونق دادن به زندگی مردم باشد و نه اندوختن سرمایه برای خود، عین آخرت می شود. همه کارهای دیگر دنیا، از همین قبیل است. (۱۳/۱۲/۱۳۷۲)

تلاش برای طراحی برنامه های اقتصاد واقعی

تلاش برای طراحی برنامه های اقتصاد واقعی

تورمهای جهانی روی تورم کشور ما اثر می گذارد؛ اما سیاست هایی که امروز در زمینه های اقتصادی وجود دارد، سیاست های حقیقی است؛ یعنی آنچه که به عنوان درآمد ملی مطرح می شود و برای آن تلاش می گردد و برنامه های اقتصادی یی که امروز دارد طراحی می شود، برنامه هایی است که

به معنای واقعی کلمه می تواند جیب کشور را پر کند؛ چیز صوری و ظاهری نیست. در گذشته، صنعتی هم که می آوردند، صنعت دروغینی بود؛ صنعت بود، اما آن صنعتی نبود که کشور را بی نیاز بکند. جاهای گوناگونی از تسلسل صنعتی ــ آن زنجیره لازمی که در یک کشور هست؛ از معدن و از مواد اولیه، تا محصول مورد استفاده در داخل خانه های مردم ــ منقطع بود؛ عمدا منقطع نگه می داشتند؛ برای این که همیشه به خارج احتیاج داشته باشند؛ اما امروز این طوری نیست؛ امروز دارند جدی کار می کنند. (۳۰/۱۱/۱۳۷۰)

استقلال در تولید صنعتی

استقلال در تولید صنعتی

ما باید از لحاظ اقتصادی هم خودمان را به طور کامل از زیر نفوذ قدرت ها خارج کنیم. یعنی ملت ما باید بتواند بنابر تشخیص و مصلحت خود، آن صنعت و کالا و متاعی را که احتیاج دارد، در داخل کشور و با استفاده از منابع و امکانات موجود تولید کند. البته، امروز ما هنوز برای این کار مشکلاتی داریم و ملت به آن حد نرسیده است که بتواند تمام نیازهای خود را در داخل برآورده کند؛ زیرا در گذشته همه چیز این ملت به گونه یی بنا شده بود که به همان قدرت ها وابسته باشد. صنعت دقیق ما که جای خود دارد، حتی کشاورزی ما را وابسته کردند و بیگانگان و قدرت های حاکم و رژیم منحط پهلوی و قبلیها، کاری کردند که کشاورزی ما با پیشرفت های علمی دنیا ناآشنا باشد. (۰۱/۰۹/۱۳۶۸)

رشد هشت درصدی در برنامه پنجم

رشد هشت درصدی در برنامه پنجم

ص:۸۸

آنچه که در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده در برنامه پنجم است که اعلام شده است؛ یعنی حداقل رشد هشت درصدی. در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره وری است؛ یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم. (۱/۱/۱۳۹۰)

ص:۸۹

فصل دوم: اهداف معنوی

اشاره

فصل دوم: اهداف معنوی

زیر فصل ها

آباد کردن دنیا در سایه دین

استقرار معنویت و عدالت، روح برادری وصمیمیت

پیشرفت وسازندگی همه جانبه کشور در سایه اسلام

اجرای عدالت و الگو شدن جمهوری اسلامی

رفع دشمنی از طریق جهاد و اقتدار و استقلال

حیات طیبه از لحاظ مادی ومعنوی

تنظیم سیاست ها بر اساس عدالت

سرمایه گذاری بر روی علم و نخبه پروری

جهاد اقتصادی؛ ترویج فرهنگ کار و تلاش للّه

تلاش برای پی ریزی تمدن پیشرفته معنوی و مادی

آباد کردن دنیا در سایه دین

آباد کردن دنیا در سایه دین

راهی که ملت ایران در پیش دارد، راه آباد کردن دنیاست. علم را، دانایی را، اقتصاد را، سیاست را، زندگی فردی را، روابط اجتماعی را، برنامه های کلان جامعه را _ که اجزاء گوناگون دنیاست _ باید آباد کرد، پیش برد، رونق داد و آنها را به شکوفایی رساند؛ و همه اینها در سایه دین تحقق پیدا خواهد کرد. امام این را به ما آموخت؛ و همین عامل دشمنی آشتی ناپذیر و خصومت کور ابرقدرت ها با نظام جمهوری اسلامی بود، و امروز هم هست. امروز هم یکی از آماج های تهاجم دشمنان ما در سطح تبلیغات جهانی، همین یگانگی دین و دنیاست؛ می گویند چرا دین را پیشوا و مهندس دنیا می دانید. آنها احساس خطر می کنند؛ چون دنیایی که آنها می خواهند، دنیای ظلم و تجاوز و دنیای تهی از معنویت و اخلاق است.

(۱۴/۰۳/۱۳۸۴)

استقرار معنویت و عدالت، روح برادری وصمیمیت

استقرار معنویت و عدالت، روح برادری وصمیمیت

نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را

ص:۹۰

آباد کند. این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه معروف، اقامه روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه آحاد ملت و احیای روح عزت و استقلال _ روحیه ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلت دهد _ نیز جزو وظایف اسلامی است. (۲۱/۰۸/۱۳۸۰)

پیشرفت وسازندگی همه جانبه کشور در سایه اسلام

پیشرفت وسازندگی همه جانبه کشور در سایه اسلام

چالش عمده امروز کشور ما چیست؟ هم جوانان کشور، هم همه آحاد مردم، هم کارگران، هم کشاورزان، هم صنعتگران، هم روحانیون و هم دانشجویان باید به این نکته توجه داشته باشند که امروز مهم ترین کار این است که ما در زیر سایه اسلام و حکومت اسلامی که به آراء و عواطف مردم متکی است، بتوانیم کشور را از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی، آن چنان بسازیم که زبان بدخواهان و بدگویان و بوقهای تبلیغاتی گسترده دشمن به خودی خود بریده شود.

همه تلاش دشمنان جمهوری اسلامی این است که این کار اتفاق نیفتد؛ یعنی این سازندگی بر اساس نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند. این محاصره اقتصادی که می شنوید، برای این است. این کارشکنی های گوناگون در قضیه نفت و بقیه مسائل دیگری که از سوی دشمنان برای کشور ما پیش می آید، به خاطر این است. می خواهند نگذارند نظام جمهوری اسلامی و کشور ایران در پرتو این نظام به نقطه مورد نظر خود از آبادانی و عمران و پیشرفت و ترقی و توسعه برسد،

تا برای کشورهای دیگر الگو نشود و نظریه سیاسی اسلام در دنیا رواج پیدا نکند. (۲۰/۰۸/۱۳۸۰)

اجرای عدالت و الگو شدن جمهوری اسلامی

اجرای عدالت و الگو شدن جمهوری اسلامی

مسئولان باید همت کنند تا بتوانند این عدالت مورد نظر اسلام را در همه ابعاد ـ در ابعاد قضایی، در ابعاد اقتصادی، در تقسیم منابع ثروت ملی و فرصت های گوناگون و در همه چیزهایی که در کشور برای انسان ها اهمیت دارد ـ اجرا کنند. در هزینه بیت المال، در استفاده شخصی، در عزل و نصب و در همه کارهایی که یک مسئول در قوای سه گانه ـ چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه ـ می تواند انجام دهد، باید هدف، اجرای عدالت؛ و روش، روش عادلانه باشد. اگر این طور شد ـ که در هر بخشی از بخش های این کشور و این نظام به تحقق عدالت همت گماشته شد و کسانی دنبالش را گرفتند و عدالت در دسترس بود و مردم طعم آن را چشیدند؛ در همه بخش های زندگی باید سعی کنیم اثری از بی عدالتی نماند ـ آن روز است که جمهوری اسلامی خواهد توانست به همه مردم دنیا و به همه امت های اسلامی، به عنوان الگوی حقیقی اسلام، خودش را نشان دهد. (۲۶/۱۲/۱۳۷۹)

رفع دشمنی از طریق جهاد و اقتدار و استقلال

رفع دشمنی از طریق جهاد و اقتدار و استقلال

اگر فرض کنیم که رفع دشمنی ممکن باشد، فقط با اقتدار و عزت و استقلال ایران ممکن است؛ نه با ذلت، نه با احتیاج. اگر ایران اسلامی به همت شما جوان ها و به همت این نسل رو به رشد امروز، مدارج علمی را

طی کند و از لحاظ صنعت و صنعت برتر، فن آوری و فن آوری برتر و علمی که امروز مورد نیاز است، بتواند سهم وافری را به خودش اختصاص دهد که نتوانند به او زور بگویند؛ بتواند قدرت نظامی خودش و پایه های اقتصادی کشور را مستحکم کند، بتواند این محرومیت ها را برطرف کند، بتواند از منابع سرشار و غنی این کشور در همه جا بهره برداری کند، بتواند معرفت سیاسی را در آحاد مردم بالا ببرد، آن وقت ممکن است دشمنی آنها کم شود. بنابراین اگر ممکن باشد، آن روز ممکن خواهد بود.

اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیت ها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آینده جوان ها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیل کرده و فارغ التحصیل دغدغه معاش و دغدغه کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر این طور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم. (۰۵/۰۵/۱۳۷۹)

حیات طیبه از لحاظ مادی ومعنوی

حیات طیبه از لحاظ مادی ومعنوی

مطلبی که شما برادران و خواهران عزیز باید به آن توجه کنید، این است که انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات

طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می فرمایـد: «فلنحیینه حیـاه" طیبه». این ثمره و هـدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یـک ملت، هم از لحـاظ مـادی و زنـدگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسـی و اسـتقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشـد و هم از جهت معنوی، انسان های مؤمن و خداشـناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است..

بعضـی جاهای دنیا رونق اقتصادی و رفاه مادی تا حدودی دارند؛ اما معنویت ندارند. وقتی معنویت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایـده ای نمی بخشـد؛ تبعیض را برطرف نمی کنـد، عدالت اجتماعی به وجود نمی آورد، گرسـنگی را ریشه کن نمی کنـد و فساد را از بین نمی برد. رونق اقتصادی که همه چیز یک کشور نیست. اگر خانواده ای پول داشـته باشـد، اما زن و شوهر در درون خانواده، با هم دائما دعوا کنند، زندگی در آن خانواده تلخ است. یا خانواده ای پول داشـته باشد، اما امنیت در درون خانه نباشد، یا جوان آن خانواده معتاد به هرویین باشد، این خانواده لذت پولداری را نمی برد.

امروز خود امریکایی ها می گویند: مجلاتشان می نویسـند، روشنفکرانشان فریاد می کشند، سیاست مدار شان یقه می درانند و می گوینـد معنویت از جامعه امریکایی گرفته شـده است. چرا؟ به خاطر این که در آن دین و ایمان نیست. بله؛ رفاه اقتصادی تا حدودی هست؛ اما باز همان رفاه اقتصادی هم برای همه نیست. درآمد کلان آن کشور مخصوص عده ای است و بقیه از

آن بهره ای ندارند.

این، آن جامعه ای است که مادیت دارد؛ اما معنویت ندارد. اسلام نمی خواهد این طور جامعه ای درست کند. اسلام می خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است؛ «فلنحینیه حیاه" طیبه».

اگر می خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه همه قشرها، مخصوصا قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصل، استاد، معمم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند.

حالا ـ امریکایی ها می نشینند و برای ملت و دولت ایران، خط و نشان می کشند که تحریم اقتصادی بشود. خدا را شکر می کنیم که در همین چند روز گذشته، خود مسئولین امریکایی به زبان خودشان به طور صریح و رسمی اعلان کردند که سیاست تحریم اقتصادی آنها علیه ایران، در سطح بین المللی با شکست مواجه شده است! (۲۲/۰۷/۱۳۷۴)

تنظیم سیاست ها بر اساس عدالت

تنظیم سیاست ها بر اساس عدالت

انقلاب برای این است که عدالت برقرار شود. البته این نکته را به شما

عرض کنم که اگر در جامعه ای عدالت باشد، یعنی قانون، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ اجرا، عادلانه و نظر به آحاد ملت، نظر عادلانه باشد، تلاش اجتماعی و اقدام سازنده اقتصادی هم در آن جامعه بهتر خواهد شد و ثروت هم بیشتر به آن جامعه رو خواهد آورد. اما اصل قضیه، عدالت است و ما دنبال عدالتیم. من این را صریحا عرض می کنم که در جمهوری اسلامی، سیاست ها براساس عدالت تنظیم می شود. از ابتدای انقلاب همین بوده است و تا همیشه نیز همین خواهد بود. هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است. مبادا کسانی در گوشه و کنار کشور پیدا شوند و تصور کنند که هدف ما عبارت است از افزایش حجم ثروت مادی! یعنی عده ای از انواع و اقسام راه های تولید ثروت برخوردار شوند؛ دیگران هم هر طور زندگی کردند، کردند! ما هم دلمان به این خوش باشد که سرانه متوسط کشور را از فلان مقدار به دو برابر، یا تولید کل کشور را از فلان میزان به فلان میزان رسانده ایم. هرگز چنین نیست! البته این شاخص ها، در مواردی می تواند نشان دهنده حرکت به سمت عدالت باشد؛ اما همیشه این گونه نیست. (۱۷/۱۰/۱۳۷۱)

سرمایه گذاری بر روی علم و نخبه پروری

سرمایه گذاری بر روی علم و نخبه پروری

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله علم و فن آوری و نخبه پروری سرمایه گذاری کنیم، حتماً در یکی از بااولویت ترین کارها سرمایه گذاری کرده ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فن آوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد.

ص:۹۶

آنچه در کشور لازم است و می تواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخارانگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه علمی کامل است. در همه بخش ها یک چرخه به هم پیوسته مهمی از انواع دانشهایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا اینها هم افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه های تازه علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤال ها پاسخ داده شود؛ اینها همه اش لازم است

خوب، اگر بخواهیم این مجاهدت به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه ای به دانشگاه ها بشود؛ چون دانشگاه، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه هاست

به نظر من مهم ترین حمایت برای نخبگان این است که زمینه کار و مقدمات کار برای آنها فراهم شود. ذهن نخبه و مغز نخبه به دنبال کار، ژرف نگری، تولید، خلق، گشودن بابهای جدید و رفتن راه های نو است. امکانات سخت افزاری باید برای اینها فراهم شود. در مواردی، هم امکانات سخت افزاری، هم امکانات نرم افزاری باید فراهم شود تا نخبه بتواند کار و تلاش کند. البته این تلاش باید در جهت نیازهای کشور باشد. (۱۱/۷/۸۹)

جهاد اقتصادی؛ ترویج فرهنگ کار و تلاش للّه

جهاد اقتصادی؛ ترویج فرهنگ کار و تلاش للّه

ص:۹۷

ایجاد فرهنگ کار و تلاش للّه. شما حتّی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می توانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می دهید؛ این می شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، می توانید در این جهاد سهیم باشید. (۸/۱/۱۳۹۰)

تلاش برای پی ریزی تمدن پیشرفته معنوی و مادی

تلاش برای پی ریزی تمدن پیشرفته معنوی و مادی

امروز، خوشبختانه کارها در حال پیشرفت است. من این را با اطلاع و آگاهی از مسائل کشور، به شما عرض می کنم. البته، بسیاری از مردم ما هم، به ویژه کسانی که در مسائل جاری، قرار و حضور دارند، این پیشرفت را احساس می کنند. فشارها به سمت ما از طرف قدرت های قلدر _ که دشمن ملت و استقلال ما هستند _ زیاد است. اما خوشبختانه، این فشارها را این کشور با عظمت، این ملت بزرگ و این دولتمردان مخلص و صمیمی و دلسوز، با کمال قدرت، از سر خودشان دفع می کنند و در درازمدت هیچ گونه تأثیری بر زندگی واقعی آنها نمی گذارد؛ اگر چه ممکن است بعضی از مشکلات را، در کوتاه مدت، به وجود آورد. همه اینها را می توان به خوبی از سرگذراند. ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می خواهم به شما بگویم: مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسئله این است که ملت ایران _ همچنان که شأن اوست _ در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فن آوری و علم،

که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می کند و علم را هم برای او به ارمغان می آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۳)

ص:۹۹

فصل سوم: اهداف ملی

اشاره

فصل سوم: اهداف ملی

زیر فصل ها

دستیابی به عدالت اجتماعی برای نفی فقر و کم کردن شکاف میان طبقات

تقویت و توجه به کار و کارگر

برتری رضایت عموم مردم بر گروه های خاص

جهاد برای استقلال اقتصادی

برنامه ریزی در جهت کمک به محرومین و عدالت اجتماعی

تنظیم برنامه های اقتصادی در جهت کمک به محرومان

اولویت دادن به طرح های گشایش اقتصادی طبقات محروم

جهاد برای کسب درآمد اقتصادی

توانمندسازی و حمایت از بخش خصوصی

سند چشم انداز نقشه راه بیست ساله

دهه پیشرفت و عدالت

وحدت،یکپارچگی و هماهنگی در رسیدن به سندچشم انداز

جهاد برای برداشتن موانع در حرکت عظیم ملی به سوی پیشرفت

برخورداری از ثروت ملی یکی از اهداف انقلاب اسلامی

تأکید بر اهمیت رهایی اقتصاد ایران از وابستگی به نفت

نوآوری در صنایع گوناگون

پیدا کردن شیوه های علمی با فهم و درک و نیاز ایرانی

افزایش ظرفیت ها و کیفیت در تولید

رسیدن به جایگاه بایسته در علم و اختراع

ایران آباد و کامل با قیام برای خدا

سازندگی کشور، یکی از هدف های اصلی جمهوری اسلامی

همت مردم و مسئولان در مبارزه با محرومیت

جهاد دولت برای پر کردن شکاف های عمیق اقتصادی

دستیابی به عدالت اجتماعی برای نفی فقر و کم کردن شکاف میان طبقات

دستیابی به عدالت اجتماعی برای نفی فقر و کم کردن شکاف میان طبقات

[ازجمله] فرصت های ما، راهنمایی های اسلام و اصول و ارزش های اسلامی است که امروز در کشور ما رسمیت دارد. در بسیاری از مناطق دنیا ممکن است دمکراسی هم باشد، فعالیت اقتصادی هم باشد؛ اما چیزی به نام عدالت اجتماعی و رفع تبعیض مطرح نیست. امروز در کشورهای سرمایه داری و در میان طبقات گوناگون، آنچه که رسمیت و اعتبار دارد، مبارزه و جنگ اشخاص برای حفظ منافع خودشان است و چیزی به نام عدالت اجتماعی، به عنوان یک وظیفه، به عنوان یک ارزش و به عنوان یک تکلیف بر دوش برنامه ریزان آن کشورها، وجود ندارد. اسلام که قانون اساسی ما را تشکیل می دهد و قوانین ما را هدایت می کند، عدالت اجتماعی جزو بزرگترین توصیه هایش آن است. اگر مسئولانی در کشور برای عدالت اجتماعی، برای نفی فقر در جامعه و برای کم کردن شکاف میان طبقات فقیر و غنی کار نکنند، از چشم مردم خواهند افتاد و مردم آنها را به عنوان مسئولانی که مورد علاقه و قبول آنها باشند، طبعا نمی پذیرند.

ص:۱۰۱

(۰۱/۰۲/۱۳۷۹)

تقویت و توجه به کار و کارگر

تقویت و توجه به کار و کارگر

ما امروز دنبال استقلال اقتصادی هستیم؛ دنبال رها شدن کشور از وابستگی به نفت هستیم. امروز می خواهیم در وضع اقتصادی کشور ترتیبی داده شود که پایین آمدن فلان مقدار از قیمت یک بشکه نفت، نتواند در کشور ما این همه تأثیر بگذارد. این کارها چگونه ممکن است؟ اگر ما بخواهیم خودمان را از نفت بی نیاز کنیم، غیر از این است که باید به محیط کار، به جامعه کارگری، به مسئله کارگاهها و به مسئله آموزش کارگران، اهتمام ویژه ای بشود؟ البته دولت بحمدالله در این کارها مشغول است. حقیقتا برادران ما در دولت، کارهای با ارزشی انجام می دهند؛ اما می خواهم عرض کنم که یکی از اساسی ترین کارهای کشور این است. هم مجلس، هم دولت، هم مسئولان گوناگون، باید به مسئله کار و کارگر به چشم موضوعی که گاهی با آن مواجه می شوند و یک تنگنایی پیدا می شود، نگاه نکنند؛ به چشم یک مسئله اساسی و حقیقی کشور نگاه کنند. کارگران ما البته نجیب اند، مؤمن اند، هوشیارند و متوجه توطئه های دشمن هستند. اگر این خیل عظیم کارگری ما، مردمان هوشیاری نبودند و به انقلاب و دین و دولت و نظامشان علاقه نداشتند، امروز دشمنان ما در محیط های کارگری فاجعه می آفریدند. الان هم تلاش می کنند، اما اینها قوی اند. کارگران ما ــ این قشر نجیب، این قشر مؤمن، این قشر زحمتکش ــ بحمدالله هوشیار و

متوجه انـد و زیربـار تـوطئه هـای آنهـا نمی رونـد. بایـد این تلاـش هـایی که می شود، ادامه پیـدا کنـد و تقویت شود. توسـعه اقتصادی، بـدون تقویت مسائل کار و نگاه به کار، امکان پـذیر نیست. این انسانی که خودش را صـرف این کار می کنـد، باید بداند که نظام پشتیبان اوست. (۱۵/۰۲/۱۳۷۸)

برتری رضایت عموم مردم بر گروه های خاص

برتری رضایت عموم مردم بر گروه های خاص

جاهـایی است که اگر اقـدامی را در زمینه صـنعت، در زمینه مسائل اقتصادی، در زمینه مسائل پولی، در زمینه مسائل فرهنگی و در زمینه مسائـل گونـاگون انجـام دهیم، به نفع مردم است؛ امـا گروه های خاصـی در جامعه هسـتند ـ گروه های پولی، مالی، اقتصادی، ثروتمندان، گروه های فرهنگی و گروه های سیاسـی ـ که اینها متضـرر خواهند شد. این، آن نقطه حساس است. آن صراط مسـتقیم، این جا معلوم می شود. این، جای همان فرمایش امیرالمؤمنین علیه الصلاهوالسـلام است که «فان سـخط العامه، یجحف برضـی الخاصه». یعنی اگر یک وقت مردم خشـمگین بودند، خشنودی گروه های خواص به کل نابود خواهد شد و بر باد خواهد رفت. سـخط و خشم عمومی، خشـنودی گروه های خاص را پایمال خواهد کرد. گیرم که چند صباحی، ما در فلان سیـاستی که اعمـال کردیم و فلاـن کـاری که اجرا نمودیم، چهـار نفر از گروه هـای خاص یا گروه های پولی و مالی را هم از خودمان راضـی کردیم؛ اما اگر خدای ناکرده با این کار، مردم را ناراضـی کرده باشیم، این نارضایی مردم مثل توفانی می آید و همه اینها را در

می نوردد. این، هیچ ارزشی ندارد. بعد عکس اش را می فرمایند: «و ان سخط الخاصه، یغتفر مع رضی العامه». یعنی اگر فرض کنیم که گروه های خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، سر سیاست و عملی از ما خشمگین و ناراضی شدند و گفتند که دولت چرا این کار را انجام داد، چنانچه «یغتفر مع رضی العامه»؛ یعنی وقتی که عامه و ـ به تعبیر امروز ما ـ توده مردم خشنود و راضی باشند، خشم آن گروه ها قابل بخشایش است. باید این را فکر کرد. (۰۲/۰۶/۱۳۷۶)

جهاد برای استقلال اقتصادی

جهاد برای استقلال اقتصادی

بالاتر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسئولان کشور، نمایندگان مجلس و دست اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کنند که در زمینه پول، در زمینه ساز و کارهای اقتصادی و در زمینه فعالیت های اقتصادی، وابستگی خودشان را در همه بخش ها قطع کنند. (۲۸/۰۱/۱۳۷۵)

برنامه ریزی در جهت کمک به محرومین و عدالت اجتماعی

برنامه ریزی در جهت کمک به محرومین و عدالت اجتماعی

آنچه که من به برنامه ریزان و مسئولین دولتی مؤکدا سفارش می کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است. ما نمی خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی، این باشد که عده ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده ای فقیرتر شوند. این، به هیچ وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می خواهیم سازندگی شود و کشور رونق

اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روزبه روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه های پنج ساله، هر کدام رقم درشتی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهت گیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمامتر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۲)

تنظیم برنامه های اقتصادی در جهت کمک به محرومان

تنظیم برنامه های اقتصادی در جهت کمک به محرومان

در تنظیم برنامه های کشور، اصلی ترین مسئله عبارت است از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان؛ که از تبعات دوران ستمشاهی و آثار سلطه بیگانگان است. همه برنامه های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی، باید به این هدف متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه ها، درست و قابل قبول است. نمایندگان محترم باید در قوانین مصوب و نیز در مواجهات خود با مسئولین اجرایی کشور، این را اصل بدانند و وظیفه کمک به محرومان را

ص:۱۰۵

سرلوحه مسئولیت های نمایندگی خود قرار دهند. (۰۷/۰۳/۱۳۷۱)

اولویت دادن به طرح های گشایش اقتصادی طبقات محروم

اولویت دادن به طرح های گشایش اقتصادی طبقات محروم

در ارائه لوایح و طرح ها، تا آن جا که ممکن است باید رعایت اولویت ها بشود و مسائل مهم تر و فوری تر، از تقدم برخوردار شود. امروزه، جستجو از راه هایی که موجب گشایش اقتصادی برای طبقات کم درآمد است و نیز قوانینی که به رشد فرهنگی و سالم سازی فضای فرهنگی و اخلاقی جامعه بینجامد، جزو مسائلی است که از اولویت برخوردارند و شایسته است که نمایندگان محترم به طور جدی به آنها بپردازند. (۰۷/۰۳/۱۳۷۱)

جهاد برای کسب درآمد اقتصادی

جهاد برای کسب درآمد اقتصادی

اگرچه کار اقتصادی در این تشکیلات عظیم، [بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی] واقعا یک کار اساسی است ــ در این، هیچ شکی نباید کرد (گفت: تا ریشه در آب است امید ثمری هست) و اگر درآمد اقتصادی نباشد، نمی شود به فقرا و محرومان و مستضعفان و از اینها بالاتر به جانبازان کمک کرد، پس بایستی کار اقتصادی قوی و با همان دید اقتصادی صحیح انجام بگیرد؛ منتها چند نکته را در کار اقتصادی باید توجه کرد..یکی، سلامت است؛ یعنی کار اقتصادی باید تمیز و نظیف و سالم باشد. .. و دور از هرگونه آلودگی انجام بگیرد.

...توجه بفرمایید که کار اقتصادی، با همان قوت اقتصادی انجام بگیرد؛ زیرکانه، پرتلاش، عاقلانه و تاجرانه ــ به معنای خوبش، یعنی حساب سود و زیان را بکنید و کم نگذارید. (۲۴/۰۷/۱۳۶۹)

ص:۱۰۶

توانمندسازی و حمایت از بخش خصوصی

توانمندسازی و حمایت از بخش خصوصی

در برخی از سرمایه گذاری ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانایی سرمایه گذاری ندارد. خوب، علاج اش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاست ها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه گذاری های بزرگ برود. این هم می شود یکی از سیاست ها. البته دولت وقتی که شانه خودش را از فعالیت های اقتصادی خالی می کند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره می گیرد؛ نه، سیاستگذاری ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند... سرمایه مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده دولت باشد. اگر چنانچه ان شاءاللّه این کار بخوبی انجام بگیرد ـ که البته در کوتاه مدت هم انجام نمی گیرد؛ این جزو کارهای میان مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد ـ واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد. (۱۳۸۹/۶/۸)

سند چشم انداز نقشه راه بیست ساله

سند چشم انداز نقشه راه بیست ساله

یکی از مواردی که به نظر ما باید در جهت گیری های کلی دولت مورد توجه قرار بگیرد، مسئله سند چشم انداز است. این سند چشم انداز یک کار اساسی بود که در کشور انجام گرفت؛ بررسی شد، مطالعه شد، جوانب اش

ص:۱۰۷

سنجیده شد. آنچه که در این سند هم آمده، شعار نیست. با توجه به امکانات و واقعیات، این سند تنظیم شده. این سند در واقع نقشه راه بیست ساله ماست. خوب، از این بیست سال، پنج سالش گذشت. یک وقت می بینیم این بیست سال با یک چشم به هم زدنی تمام شد. باید ببینیم چقدر جلو رفتیم. یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، همین است؛ باید ببینیم چقدر ما توانستیم از این نقشه را به سمت آن هدف ها طی کنیم. والّا اگر چنانچه این توجه و این ذُکر را نداشته باشیم، یک وقت چشم باز می کنیم، می بینیم فرضاً ده سال یا دوازده سال از این زمان گذشت، ما هنوز آن راهی را که باید در این مدت طی کنیم، طی نکردیم؛ در بقیه این مدت هم طی کردن آن راه امکان ندارد. بنابراین بایستی یک تقسیم بندی صحیحی انجام بگیرد بین تلاش ها و فعالیت هایی که باید بشود، و بین این مسیری که ما تا آن اهداف داریم، تا در هر برهه ای از زمان، به تناسب امکان آن برهه، پیشرفت کرده باشیم. به نظر من بایستی این را یک جا بررسی کرد. این کار هم برعهده دولت است؛ این را بررسی کنید. (۸/۶/۱۳۸۹)

دهه پیشرفت و عدالت

دهه پیشرفت و عدالت

یکی از چیزهای دیگری که در مورد جهت گیری ها مهم است، همین مسئله دهه پیشرفت و عدالت است که ما گفتیم این دهه، دهه پیشرفت و عدالت باشد. خوب، تلقی به قبول شد و دستگاه های گوناگون کشور

ص:۱۰۸

گفتند بله، این دهه را دهه پیشرفت و عدالت قرار بدهیم. از این دهه هم تقریباً دو سالش سپری شده. البته انسان مصادیق پیشرفت را در همین کارهای گوناگون ملاحظه می کند؛ همین گزارش هایی که دادند، گزارش های خوبی است؛ نشان دهنده پیشرفتهایی در بخش های مختلف است؛ لیکن عدالت چه جوری تأمین می شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاسی لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش های مختلف ـ بخش های فرهنگی، بخش های آموزشی، بخش های اقتصادی ـ مراعات شده یا نه؟ فرض کنید در بخش آموزش و پرورش یا در بخش آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می شود؟ این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه ریزی ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجراء، به آن عدالت مورد نظر برسیم. تا ندانیم، تعریف نکنیم، نمی شود. بنابراین تعیین کردن شاخص و معیار برای عدالت در بخش های مختلف، خودش یک چیز مهمی است. فرض کنید در صرف بودجه های گوناگون ـ که حالا در بخش فرهنگ من اشاره می کنم ـ رعایت عدالت به چیست؟ چگونه می شود انسان خاطرجمع شود که در صرف این بودجه ها رعایت عدالت شد یا نشد؟ اینها معیار و شاخص لازم دارد. (۸/۶/۱۳۸۹)

وحدت،یکپارچگی و هماهنگی در رسیدن به سندچشم انداز

وحدت،یکپارچگی و هماهنگی در رسیدن به سندچشم انداز

برادران و خواهران عزیز که در سه قوه تشریف دارید! مراقب باشید

ص:۱۰۹

وحدت حرکت، یکپارچگی در حرکت و در تصمیم های بزرگ، حفظ شود؛ اختلافات به اختلافات در کار اساسی نینجامد.

ما الان برنامه پنجم را در پیش داریم. برنامه پنجم الزامات خیلی زیادی بر دوش همه گذاشته. البته وسط میدان، طبعاً دولت است، که مجری است؛ اما دستگاه قوه مقننه، دستگاه قوه قضاییه، دستگاه های جنبی ای که وجود دارند، اینها همه، هم مسئولند، هم مؤثرند. اگر بنا باشد که سر قدم به قدم کارها و حرف ها بگوییم حالا که اینجور شد، پس هیچی، همکاری نمی کنیم، کار پیش نمی رود. همکاری کنید، کمک کنید و برای آن کسی که در وسط میدان اجراء قرار دارد، تسهیلات فراهم کنید. البته مصالح را در نظر بگیرید، لیکن کمک کنید که کار اجرایی بخوبی انجام بگیرد و پیش برود. من توصیه مؤکد دارم به همکاری دستگاه های سه گانه و قوای سه گانه، تا بتوانیم ان شاءاللّه چشم انداز را تأمین کنیم. اهداف چشم انداز، اهداف خیلی مهمی است. (۱۶/۱/۱۳۸۹)

جهاد برای برداشتن موانع در حرکت عظیم ملی به سوی پیشرفت

جهاد برای برداشتن موانع در حرکت عظیم ملی به سوی پیشرفت

ما راهی را شروع کردیم، حسابی هم پیش آمدیم. برخلاف آن پنداری که دشمن می خواهد تلقین کند، این ملت، حسابی جلو رفته و به جاهای خوبی هم رسیده است؛ لیکن ادامه راه احتیاج دارد به این که این موانع برداشته شود. این فقر، این بیکاری، بعضی از این فسادهایی که گوشه و کنار مشاهده می شود، بعضی از این اختلاف افکنیها و مخالف خوانی ها و

امثال اینها، مزاحم حرکت عظیم ملی است. اینها بایستی از سر راه برداشته شود تا این ملت بتواند پیش ببرد. ان شاءالله اگر این ملت بتواند همچنان که موانع و کوههای بزرگ را از سر راه خود برداشته است، این خارهای دامن گیر را هم از سر راه خود بردارد، بدانید ملت ایران و کشور ایران اسلامی عزیز و نظام مقدس جمهوری اسلامی در آینده ای که برای شما جوانان ان شاءالله دیدنی و دست یافتنی است، در قله کشورهای جهان و تعیین کننده برای مسیر انسان ها قرار خواهد گرفت. (۱۱/۰۸/۱۳۷۹)

برخورداری از ثروت ملی یکی از اهداف انقلاب اسلامی

برخورداری از ثروت ملی یکی از اهداف انقلاب اسلامی

هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیاتی که عرض می کنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه جامعه عظیم بشری در علم و بقیه دستاوردها ــ که از اول و ازل بین آحاد بشر یک مسابقه است در دستاوردهای بشری، در علم و در بقیه خواسته ها و دستاوردهای بشری ــ برخوردار از آزادی با همه معانی آزادی. آزادی فقط آزادی اجتماعی نیست ــ اگرچه آزادی اجتماعی، یکی از مصادیق مهم آزادی است ــ هم آزادی اجتماعی مورد نظر است، هم آزادی به معنای رها بودن و آسوده بودن و آزاد بودن کشور از دست اندازی بیگانگان و استیلای آنها ــ که گاهی کشور بظاهر مستقل هم هست، اما زیر نفوذ است ــ و هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی ، این است. همه کارها مقدمه برای تکامل انسان و عروج

انسانی است. این باید در جامعه اسلامی خود را نشان بدهد. (۱۴/۰۲/۱۳۸۷)

تأکید بر اهمیت رهایی اقتصاد ایران از وابستگی به نفت

تأکید بر اهمیت رهایی اقتصاد ایران از وابستگی به نفت

البته من یک نگرانی مختصری دارم ــ که مربوط به امروز هم نیست؛ سال هاست که این نگرانی را دارم ــ و آن این است که باید اقتصاد و ملت ایران از نفت جدا شود. این مسئله را اخیرا به دولت خدمتگزار ابلاغ کرده ایم که برایش برنامه ریزی کند و در حال برنامه ریزی است و کارهایی هم انجام داده است. ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متاسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاست های بین المللی، کمپانی ها و غارتگران بزرگ و جهانخوران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند، قیمت اش را پایین می آورند، تولید را کم یا زیاد دور می کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می کنند! نفت مال ماست؛ اما سیاست اش در دست دیگران است! چنین سرمایه ای مایه دردسر است. (۰۴/۰۱/۱۳۷۵)

نوآوری در صنایع گوناگون

نوآوری در صنایع گوناگون

ما لحظه به لحظه احتیاج به نوآوری داریم؛ نه فقط نوآوری در صنعت یا کشاورزی، نوآوری در روش های گوناگونی که برای زندگی یک ملت ممکن است مطرح شود؛ بروز استعدادها، شکوفا شدن فکرها و ذهن ها. ما یک ملت عقیم نیستیم بحمدالله. ملت ما، ملتی است که تاریخ او نشان

می دهـد که پیش رونـده و زاینده و دارای اسـتعداد است؛ بنابراین می توانیم. ما از دنیا دویست سال عقب ماندیم. این واقعیت تلخی است که بایـد این را قبول کنیم. عامـل این عقب مانـدگی چه بود، یک بحث دیگر است؛ واقعیت این است؛ واقعیت این است که ما دویست سال ـ حداقل ـ از قافله پیشـرفت های بشـری عقب ماندیم. همه آنچه که شما شنیدید و مشاهده می کنید و آنچه که وجـود دارد ـ که بمراتب بیشـتر از آن چیزی است که در این جلسه بیـان شـد، در سـطح کشـور، از فعـالیت هـا، از کارها، از نوآوری ها ـ اینها همه در مجموع، بخشی از این عقب ماندگی ها را می تواند جبران کند و اگر استمرار پیدا کند و افزایش پیـدا کند و این فعالیت ها با نوآوری و همت ما مضاعف شود، آن وقت خواهیم توانست جایگاه خودمان را پیدا کنیم. (۱۷/۰۲/۱۳۸۷)

پیدا کردن شیوه های علمی با فهم و درک و نیاز ایرانی

پیدا کردن شیوه های علمی با فهم و درک و نیاز ایرانی

اسـتفاده از شیوه های علمی، کار لازمی است. البته علم نباید اشتباه بشود با نسخه های وارداتی که اغلب آنها منسوخ است؛ چه در زمینه اقتصاد، چه در زمینه مسائل فرهنگی، چه در زمینه های گوناگون. بعضـی ها دوست دارند امروز ما نسخه های منسوخ و از دور خارج شده غربی ها را بار دیگر در این جا برای خودمان دستورالعمل علاج به حساب بیاوریم. نه، شیوه های پیشرفته، شیـوه هـای نـو و بـا تکیه به فهم و درک و نیـاز ایرانی، اسـتفاده از علم و توجه به نیـاز داخـل و اقتضائـات کشور می توانـد راه درست را به ما نشان دهد و ما را پیش ببرد. ما در زمینه علم باید حرکت

ص:۱۱۳

خود را جدی کنیم؛ در پیوند علم و صنعت و فن آوری کار کنیم؛ در پیدا کردن شیوه های توزیع عادلانه امکانات تلاش و فکر کنیم؛ بهترین و آسان ترین و عملی ترین شیوه ها را انتخاب کنیم و به طور جدی وارد شویم. (۱۲/۰۵/۱۳۸۴)

افزایش ظرفیت ها و کیفیت در تولید

افزایش ظرفیت ها و کیفیت در تولید

بر دامنه علم باید بیفزاییم. ما ملت بااستعدادی هستیم؛ تاریخ و میراث فرهنگی ما به این گواهی می دهد. این که ما می توانیم ظرفیت های تولید را افزایش دهیم، کمیت ها را بالا ببریم، کیفیت ها را روزبه روز بهتر کنیم و زوایای ناشناخته را در بخش های صنعت، معدن، کشاورزی، دانش، فنون و بقیه بخش های مجموعه زندگی انسان روزبه روز بیشتر شناسایی کنیم، نشانه رحمت و توفیق الهی است. اگر همین جد و جهد را دنبال کنیم، رحمت الهی ادامه پیدا خواهد کرد و ما عزم و اراده راسخ داریم که این راه را تا آخر برویم. (۱۸/۰۲/۱۳۸۴)

رسیدن به جایگاه بایسته در علم و اختراع

رسیدن به جایگاه بایسته در علم و اختراع

ما هنوز با دانش جهانی خیلی فاصله داریم. البته این فاصله در دوران انحطاط، خیلی زیاد بود؛ اما امروز این فاصله به آن اندازه نیست. ما توانسته ایم پیش برویم، اما هنوز فاصله داریم. این که من گفتم تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم ــ آن را که باید یاد بگیریم و در این شکی نیست ــ معنایش این است که ما خط مرز دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است.

ص:۱۱۴

ما باید به فن آوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فن آوری های موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صددرصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم. البته در راهی که تا امروز آمده ایم، خیلی خوب آمدیم؛ در این شکی نیست. من تا حدود زیادی با کارها آشنا هستم. سال هاست که ما آمارهای گوناگون را از بخش های مختلف می گیریم و می خوانیم؛ می دانم خیلی پیشرفت کرده ایم؛ اما این پیشرفت ها برای جامعه ایرانی کافی نیست. جامعه که پزشک و ستاره شناس و عالم اجتماعی هزار سال قبلش قرن ها بعد در دنیا متلألئ و درخشیده است، این پیشرفت ها برای او کم است. امروز هم با این که دنیای پزشکی ممکن است از تحقیقات هزار سال پیش ابن سینا استفاده زیادی نبرد _ اگرچه عقیده ام این است که باز هم دانش امروز می تواند از آنها در زمینه هایی استفاده کند _ اما وقتی به این تحقیقات نگاه می کند، تحسین و تجلیلمی کند. تحقیقات محمدبن زکریای رازی و خواجه نصیر و خیام و خوارزمی و دیگران هم همین طور است. شأن ما این است؛ لذا این پیشرفت ها برای ملت ما کم است. ما اگر در صنعت و در دانش پیشرفت کنیم، به سود دنیا و ملت های عقب افتاده و در درجه اول به سود دنیای اسلام است. (۰۵/۱۲/۱۳۸۳)

ایران آباد و کامل با قیام برای خدا

ایران آباد و کامل با قیام برای خدا

آنچه که ما امروز در مقابل خود داریم، یک ایران آباد و کامل و از همه جهت مورد غبطه دوست و دشمن است. آنها به کشور و صنعت و کشاورزی و حکومت و عدالت اجتماعی ما، با دید تحسین آمیزی نگاه

می کنند. به نظر شما، آیا رسیدن ما از این جا به آن نقطه، مشکلتر از رسیدن ما از آن نقطه به این جاست؟ نه، به نظر من خیلی آسانتر است. از آن جا به این جا رسیدن، یعنی تبدیل شدن قلعه امن استکبار جهانی به سنگر مستحکم ضد آن ـ که امروز بحمدالله ایران، آن گونه است و خواهد بود ـ به مراتب طولانیتر و دشوارتر و طی نشدنی تر از آن راهی است که ما امروز می خواهیم به آن نقطه مطلوب ـ یعنی یک کشور آباد آزاد عادلانه مرتب خوب اسلامی پرتپش پرحرکت آبرومند و عزیز ـ برسیم. این راه، خیلی نزدیکتر و رفتنی تر و شدنیتر و ابزارش در اختیارتر از آن راه است. ما می توانیم این راه را برویم؛ اما شرطش «ان تقوموا لله» است. (۰۹/۱۱/۱۳۶۸)

سازندگی کشور، یکی از هدف های اصلی جمهوری اسلامی

سازندگی کشور، یکی از هدف های اصلی جمهوری اسلامی

سازندگی کشور و آبادسازی این سرزمین پربرکت و مستعد و جبران عقب ماندگیهای تأسف باری که در دوران حکومت طواغیت، بر این ملت بااستعداد تحمیل شده است، یکی از هدف های اصلی جمهوری اسلامی است. ملت ما در بهترین فرصت های تاریخی، یعنی در دورانی که جهان، تازه به جاده دانش و صنعت قدم نهاده بود و ایران می توانست با بیداری و تحرک مناسب، سهم خود را در پیشرفت علمی و صنعتی بشریت ایفا کند و از نتایج آن بهره مند شود، در اسارت حکام ظالم و مستبد و بی خبر و وابسته، از قافله عقب ماند. پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی

کشور و زنـده کردن اسـتعدادهای خدادادی بشـری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند و منابع را به غارت بیگانگان دادند ... امروز، آبروی اسـلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه گیر شود، زنـدگی مردم سـروسامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صـنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشـمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.

دولت و ملت، بایـد سازنـدگی کشور را وظیفه یی انقلابی بداننـد؛ بـا همکـاری و با بسـیج همه نیروها و اسـتعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملت های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان ارایه نماید. (۱۰/۰۳/۱۳۶۹)

همت مردم و مسئولان در مبارزه با محرومیت

همت مردم و مسئولان در مبارزه با محرومیت

در کشـور مـا محرومیت بایـد نمانـد؛ منطقه محروم بایـد وجـود نداشـته باشـد؛ بی سـوادی بایـد در سـطح کشـور نباشـد؛ نقطه غیرآبادی که قابل آبادی است، بایـد نباشـد؛ بیکاری باید نباشد. این، با همت مردم و همت مسـئولان و توکل به خدای متعال، شدنی است. (۳۰/۰۵/۱۳۷۰)

جهاد دولت برای پر کردن شکاف های عمیق اقتصادی

جهاد دولت برای پر کردن شکاف های عمیق اقتصادی

این ملت بزرگ و فداکار، بخصوص طبقات محروم و پابرهنگان که بار

اصـلی انقلاب و کشور را همیشه بر دوش داشـته اند، حقا شایسـته خدمت و سـزاوار صـمیمیتند. در تمام برنامه ها و تصمیم ها، پیش از هر چیز لازم است استیفای حقوق و تأمین رفاه و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و شرف آنان مورد توجه باشد. اگر در دورانهای گذشته، همه سرمایه ها و پول و شغل و تحصیل و عمران و خلاصه همه خیرات در جهت منافع مرفهین به کار می رفت و قشـرهای ضـعیف ــ یعنی اکثریت ــ همواره به فراموشـی سپرده می شدند، نظام اسـلامی به عکس باید تمام همت خود را به پرکردن شـکاف های عمیق اقتصادی و اجتماعی میان فقیر و غنی مصـروف کند و سرمایه های مادی و معنوی کشور را در راه خـدمت به پابرهنگان که حق حیات به گردن کشور دارند، به کار اندازد. هر لحظه ای از عمر مسـئولان که در خـدمت مردم صـرف کار و اندیشه شود، به عبادت صـرف شده است و کارگزاران کشور ــ که خدمتگزاری مردم، بزرگترین افتخار آنان است ــ باید لحظه یی را از این عبادت خالی نگذارند. (۱۳/۰۸/۱۳۶۹)

ص:۱۱۸

فصل چهارم: اهداف فراملی

اشاره

فصل چهارم: اهداف فراملی

زیر فصل ها

الگو شدن کشور با سرمایه های مادی ومعنوی

گام بلند انقلاب؛ قطع وابستگی و تبعیت

هدف انقلاب: استقلال همه جانبه

تحقق شعار «نه شرقی، نه غربی»

بیداری اسلامی و تکیه بر منابع و توان خود

تامین عدالت، رونق اقتصادی و سازندگی ؛ هدف اصلی نظام اسلامی

سازندگی و ارائه یک جامعه آباد اسلامی به جهان؛ آرزوی امام خمینی

حرکت جهادی نسل جوان برای معرفی جامعه اسلامی به عنوان یک الگو

دست یافتن به پیشرفت های جدید مادی

الگو شدن کشور با سرمایه های مادی ومعنوی

الگو شدن کشور با سرمایه های مادی ومعنوی

کشوری دارای منابع زیرزمینی، دارای زمین های حاصلخیز، دارای قدرت مهار آبهای کشور ــ که البته آب کشور کم است؛ اما قابل مهار و استحصال بهتر است ــ و از همه بالاتر، کشوری با مایه های دینی ــ که هر کشوری مایه های دینی در آن باشد، مردم با تقوا پرورش می یابند و وقتی باتقوا شدند، از ذخیره های مادی و معنوی به بهترین وجهی استفاده می کنند ــ چرا به آن جا نرسد؟ چرا باید عده ای تردید کنند که ایران اسلامی با گذشت فاصله زمان معقولی، خواهد توانست به صورت یک نمونه و یک الگو برای کشورهای این منطقه و مناطق دیگر درآید؟ جای هیچ تردیدی نیست. بنابراین، تبلیغ این که کشور ایران دچار بیماریهای لاعلاج اقتصادی است، یک تبلیغ خصمانه و بدبینانه و از روی عناد و دشمنی است. (۲۴/۰۷/۱۳۷۶)

گام بلند انقلاب؛ قطع وابستگی و تبعیت

گام بلند انقلاب؛ قطع وابستگی و تبعیت

امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهت گیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالنده کشور است. نظام اسلامی نشان داده است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه عرصه های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آن که بالاترین بهره ممکن را از دانش پیشرفته جهان میبرد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه جهانی همیشه کوشیده است که بوسیله عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت هایی که از قافله علم و فن آوری عقب مانده اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاهدارد. (۱۲/۰۳/۱۳۷۸)

هدف انقلاب: استقلال همه جانبه

هدف انقلاب: استقلال همه جانبه

«ما ملتی هستیم که تواناییهایی داریم و باید اصل را بر این بگذاریم که از این تواناییها استفاده کنیم. البته هر جا گیر کردیم و دیدیم دیگری ابزار بهتری دارد، می رویم از او ابزارش را قرض می کنیم؛ آن گاه می آییم کارمان را راه می اندازیم. بعد هم سعی می کنیم خودمان آن ابزار را بسازیم.» این یک کار عاقلانه است. نمی شود که شما هر وقت اتومبیلتان، اجاق گازتان یا یخچالتان خراب شد به سراغ همسایه بروید و بگویید: «بی زحمت بیایید این وسیله را برای ما تعمیر کنید.» این کار، عین وابستگی است. البته یک وقت هم لازم است؛ یعنی طرف خبرویتی دارد و شما باید از او یاد

بگیرید. این اشکالی ندارد. همسایه وسیله ای دارد که می تواند با آن کار کند. شما آن را از او امانت بگیرید و بعد هم سعیتان بر این باشد که خودتان را از او بی نیاز کنید. در مقیاس یک ملت، این بی نیازی به معنای استقلال علمی، عملی، فنی، فرهنگی و در یک کلام استقلال همه جانبه است. انقلاب اسلامی از ابتدا به دنبال چنین استقلالی بوده است. (۱۳/۰۲/۱۳۷۳)

تحقق شعار «نه شرقی، نه غربی»

تحقق شعار «نه شرقی، نه غربی»

امروز اگر کارگر ایرانی با همه وجود، با وجدان کار، با احساس مسئولیت، با ابتکار و خلاقیت، و با احساس این که ثوابی را بجا می آورد، کار بکند ــ که می کند ــ و نتیجه آن را در اختیار ملت خود قرار بدهد، ما به آن هدفی که از اول اعلام کردیم ــ یعنی هدف «نه شرقی و نه غربی»، که معنایش عدم وابستگی به قدرت هاست ــ خواهیم رسید؛ والا این طور نخواهد شد. (۱۱/۰۲/۱۳۷۰)

بیداری اسلامی و تکیه بر منابع و توان خود

بیداری اسلامی و تکیه بر منابع و توان خود

امروز بیش از یک میلیارد نفوس مسلمان در دنیا هست؛ آن هم در این کشورهای حساسی که ما مسلمانان داریم. امروز بخش عظیمی از دنیا، زیر پای فرزندان اسلام است؛ با این همه منابع غنی، و با این موقعیت جغرافیایی. آیا باز هم بایستی امریکا و انگلیس و این گونه دولت ها بر این کشورها حکومت کنند؟! مسلمانان باید بیدار بشوند؛ بین خودشان مثل یک خانواده، از علم و صنعت و منابع و پول یکدیگر استفاده کنند و در مقابل

دشمن جهانی، یک جبهه قوی تشکیل بدهند. (۱۳/۰۹/۱۳۷۰)

تامین عدالت، رونق اقتصادی و سازندگی ؛ هدف اصلی نظام اسلامی

تامین عدالت، رونق اقتصادی و سازندگی ؛ هدف اصلی نظام اسلامی

آنچه که من به برنامه ریزان و مسئولین دولتی مؤکدا سفارش می کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است. ما نمی خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی، این باشد که عده ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده ای فقیرتر شوند. این، به هیچ وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و ازلحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روزبه روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه های پنج ساله، هر کدام رقم درشتی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهت گیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمامتر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ

ص:۱۲۲

نمایند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۲)

سازندگی و ارائه یک جامعه آباد اسلامی به جهان؛ آرزوی امام خمینی

سازندگی و ارائه یک جامعه آباد اسلامی به جهان؛ آرزوی امام خمینی

اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان، که در ماه های آخر عمر با برکت امام، جایگاه مهمی داشت. بر این اصرار داشتند که کشور باید از لحاظ اقتصادی، از لحاظ کارهای زیر بنایی و از لحاظ موارد در آمد، بازسازی شود و برای مردم، نمونه ای عینی و عملی از سازندگی اسلامی ارائه گردد. (۱۴/۰۳/۱۳۷۱)

حرکت جهادی نسل جوان برای معرفی جامعه اسلامی به عنوان یک الگو

حرکت جهادی نسل جوان برای معرفی جامعه اسلامی به عنوان یک الگو

مأموریت این نسل این است؛ کشور و ملتتان را به آن جایگاهی که معنایش این باشد که یک جامعه اسلامی به معنای واقعی تشکیل شده، برسانید. این را الگو کنید. این می شود بزرگترین وسیله برای گسترش این فکر و گسترش این تجربه در عالم؛ این مأموریت این نسل است که در تصور و در جنبه نظری، چیز مشکلی نیست. البته کار، کار بسیار دشواری است. همان تحرک جوانی، همان انگیزه جوانی را لازم دارد؛ با تلاش فراوان جهادی که حالا گفته ایم و عرض می کنیم. هدف این است: ما کشور اسلامی می خواهیم. کشور اسلامی وقتی تشکیل شد، معنایش این است که دنیای مردم آباد خواهد شد، نه به معنای آبادی ای که در نظام های مادی وجود دارد. (۰۷/۰۷/۱۳۸۷)

ص:۱۲۳

دست یافتن به پیشرفت های جدید مادی

دست یافتن به پیشرفت های جدید مادی

باید حرکت خود را با ابتکار همراه کنید و به دنبال راه های جدید و میان بر باشید، تا بتوانیم به پیشرفت های جدید مادی دست یابیم. اگر ما خودمان را به قافله توسعه جهانی رساندیم و از لحاظ توسعه و عمران و آبادی توانستیم جلو برویم، از همه دنیا بهتر خواهیم بود؛ چون ما چیزی داریم که آنها ندارند و آن، توکل و ایمان و معرفت ماست. (۲۰/۰۳/۱۳۶۸)

ص:۱۲۴

بخش سوم: بایدها و بایسته ها در جهاد اقتصادی

اشاره

بخش سوم: بایدها و بایسته ها در جهاد اقتصادی

داشتن هدف و رسیدن به نتایج تبیین شده، تنها در صورتی عملی خواهد شد و لذت شیرین پیروزی و کامیابی در جهاد اقتصادی را نصیب مردم و کارگزاران نظام می نماید که برای رسیدن به آن، لوازم و الزامات و در واقع بایدهای آن مد نظر قرار گیرد. التزام عملی به این بایسته ها از طرف دولت و ملت راهگشای حرکت جهادی و برطرف کننده موانعی است که در پیش روی آینده روشن ملت وجود دارد و بر همین اساس مورد تأکید رهبر انقلاب نیز قرار گرفته است.

ص:۱۲۶

فصل اول: بایدها و بایسته های دولتی

اشاره

فصل اول: بایدها و بایسته های دولتی

زیر فصل ها

وظیفه دولت در عرصه اقتصاد

صرفه جویی یک سیاست اساسی در برنامه ریزی

مقابله با بحران عظیم مالی و اقتصادی

پاسخگویی و اطلاع رسانی در جهاد اقتصادی

همت وروحیه جهادی بر طرف کننده مشکلات

جهاد فراگیر در زمینه اقتصاد

جدیت در جهاد اقتصادی و اشتغال در موقعیت حساس

اهتمام دولت به مسایل اقتصادی

جدیت در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

حمایت از قشر های محروم جامعه

سازندگی مادی و معنوی وظیفه همگانی

مبارزه در صحنه سازندگی و تهدید اقتصادی

خنثی کردن کید دشمن

مبارزه با شکاف اقتصادی و تبعیض در قانون واجرا

هماهنگی و همنواختی در دولت و مجموعه نظام

گشایش اقتصادی همراه با فرهنگ دینی

امنیت اقتصادی در سرمایه گذاری

قاطعیت در مبارزه با مفاسد اقتصادی همراه با ظرافت

عدم تبعیض در مبارزه با فساد اقتصادی

اشتغال و ایجاد فرصت های شغلی

مبارزه با فساد مالی و اقتصادی مستلزم اقدام همه جانبه قوای سه گانه

عدم تزلزل در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

آسان کردن زندگی برای طبقات محروم

مجاهدت در رفع مشکلات ملت

پیگیری مبارزه با ثروت های باد آورده

زدن بدل فن ضربه حریف در میدان اقتصادی

آمادگی برای وضعیت های گوناگون اقتصادی

شناسایی دشمن و اهداف آن

اطلاع رسانی از طرح ها و برنامه های اجرا شده

اهتمام نسبت به اموال عمومی

حمایت از قشرهای محروم و آسیب پذیر

توجه به ضعفای جامعه در اواسط برنامه اقتصادی دولت

توجه به عامه مردم

اهتمام ویژه ای نسبت به اشتغال

اهتمام به سیاست های اصل ۴۴

شناخت مسائل اصلی و مسائل فرعی

حمایت از فعالان اقتصادی و مقابله با سوء استفاده کنندگان

تلاش برای پیشبرد کل صنعت

امنیت شغلی در قوانین و مقررات

توجه به بی نیازی به فروش نفت

توجه به سختی های اقتصادی مردم در سازندگی

ضرورت توجه همزمان به عدالت, توسعه و سازندگی

توجه به سازندگی کشور در فعالیت های کاری

درک نیازهای مردم وعمل به وظایف توسط مسئولان

آگاهی بخشی رسانه در جهاد اقتصادی

برنامه ریزی برای عدم وابستگی اقتصاد به نفت

دشمن شناسی لازمه سازندگی موفق

استقلال لازمه پیشرفت

برنامه های سازنده اقتصادی در سایه امنیت و وحدت ملی

پرهیز از الگو های اقتصاد غربی

آماده کردن میدان برای جوانان درجهاد اقتصادی

جلوگیری از سوءاستفاده از نوسان های اقتصادی

مبارزه با بی برنامگی و بی قانونی

وظیفه دولت در عرصه اقتصاد

اشاره

وظیفه دولت در عرصه اقتصاد

زیر فصل ها

۱. مدیریت دقیق و عالمانه منابع

۲. بهبود فضای کسب و کار وظیفه دولت

۱. مدیریت دقیق و عالمانه منابع

۱. مدیریت دقیق و عالمانه منابع

دو کـار را دسـتگاه هـای دولتی مورد توقع هست که انجـام بدهنـد یکی، مـدیریت دقیق و عالمـانه منـابع است. بسـیاری از این مطالبی که گفتند، ناشـی است از اینکه مدیریت منابع مالی به صورت دقیقی در همه موارد انجام نگرفته. این لازم است. این را من به عزیزانی از دولت که اینجا حضور دارنـد، توصـیه می کنم که روی این تکیه کنند. بسـیاری از این ایرادها و اشـکالها که خیلی اش هم وارد است، مربوط به این است. مـدیریت منابع، معناش این است که ما منابع را بکشانیم به سـمتی که امروز برای کشور ارزش افزوده مالی و غیرمالی داشـته باشـد. مراد من از ارزش افزوده فقط ارزش افزوده مالی نیست؛ بلکه آنچه که تولید را افزایش بدهد و آنچه که کسب و کار را رونق بدهد و آنچه که امید را افزایش بدهد، اشتغال را افزایش بدهد و از این قبیل. پس یک نکته اساسی، مسئله مدیریت منابع است

۲. بهبود فضای کسب و کار وظیفه دولت

۲. بهبود فضای کسب و کار وظیفه دولت

نکته دوم، بهبود فضای کسب و کار است، که از جمله کارهایی که به نظر

ص:۱۲۸

ما عمـده وظیفه دولت هست، همین هست. وزیر محترم در گزارشـشان اشاره کردنـد به بهبود فضای کسب و کار. بهبود فضای کسب و کـار، بیشتر وظیفه دولت است. همین مسـئله مقررات، تسـهیلات گوناگون، پیـچ و خم های اداری فراوان، اینها همه، چیزهـایی است که اگر چنـانچه اصـلاح بشود، بهبود فضـای کسب و کـار که یکی از مسائـل عمـده اقتصـادی ماست، حاصـل خواهد شد. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

صرفه جویی یک سیاست اساسی در برنامه ریزی

صرفه جویی یک سیاست اساسی در برنامه ریزی

مسئله مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی ها و تضییع اموال جامعه .. بسیار مسئله مهمی است. البته بـار اولی نیست که مـا این مطلب را مطرح می کنیم. من در همین دیـدار اول سـال، در نوبتهـای متعـددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره اسـراف، درباره ولخرجی و تضـییع اموال و لزوم صرفه جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسـئله تمام نشـده است؛ این مقصود، آنچنان که بایـد و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سـیاست، ما مسـئله صـرفه جویی را در خطوط اساسـی برنـامه ریزی هایمان در سـطوح مختلف اعمال کنیم.صـرفه جویی به معنای مصـرف نکردن نیست؛ صـرفه جـویی به معنـای درست مصـرف کردن، بجـا مصـرف کردن، ضـایع نکردن مـال، مصـرف را کارآمـد و ثمربخش کردن است. اسـراف در اموال و در اقتصـاد این است که انسـان مال را مصـرف کنـد، بـدون اینکه این مصـرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. (۰۱/۰۱/۱۳۸۸)

ص:۱۲۹

مقابله با بحران عظیم مالی و اقتصادی

مقابله با بحران عظیم مالی و اقتصادی

در سطح بین المللی حوادث بزرگ و مهمی اتفاق افتاد که بی گمان در مجموعه سیاست های جهانی دارای تأثیرات عمیق و مؤثری است، که از جمله آنها در زمینه اقتصادی، بحران عظیم مالی و اقتصادی است که از کشور امریکا شروع شد و به اروپا و دیگر کشورها و از جمله به کشورهای منطقه ما رسید. این مسئله برای مردم جهان، مسئله بسیار مهمی است؛ نه فقط در زندگی روزمره آنها و برنامه ریزی های اقتصادی آنها تأثیر میگذارد، بلکه در دیدگاه های آنها نسبت به نظریات اقتصادی و اقتصاد سرمایه داری احتمالا تأثیرات شگرفی را بر جای خواهد گذاشت. خوشبختانه کشور ما و ملت ما توانستند تا حدود زیادی از آثار زیانبار این طوفان سهمگین جهانی خود را برکنار بدارند، و البته همچنان مراقبت های لازم بایستی ادامه پیدا کند. (۳۰/۱۲/۱۳۸۷)

پاسخگویی و اطلاع رسانی در جهاد اقتصادی

پاسخگویی و اطلاع رسانی در جهاد اقتصادی

پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد. ... دستگاه های اقتصادی هم بیان کنند که برای بارور کردن اقتصاد کشور، پر کردن شکاف طبقاتی، برطرف کردن فقر و محرومیت از طبقات محروم کشور و آباد کردن این کشور پربرکت و قابل آبادی در همه مناطق وسیع آن، چه تلاشی انجام داده اند. دستگاه های علمی کشور ــ که مدیران آن در دانشگاه ها و حوزه های علمیه کشورند ــ مشخص کنند که برای تولید علم، آزاداندیشی علمی و تضارب افکار ــ که ما از دانشگاه و حوزه این مسائل را مطالبه کردیم ــ چه تلاش و کار بزرگی را انجام داده اند؛ چقدر پیش

رفته اند و چه کارهای دیگری را بایستی انجام دهند. دستگاه های صنعتی و دستگاه کشاورزی کشور هم توضیح دهند. قوه قضاییه کشور توضیح دهد که برای احقاق حق مظلومان و برای این که مظلومان کشور حقیقتا قوه قضاییه را ملجأ و مأوای خود بدانند و به آن پناه ببرند، چه تلاش ها و کارهایی را انجام داده است. قوه مقننه که دو وظیفه عمده قانونگذاری و نظارت را برعهده دارد، مشخص کند که در امر قانونگذاری چه تلاش هایی را انجام داده تا قوانینی را بگذارنند که برای تسهیل اصلاح حقیقی کشور لازم است؛ همچنین این قوه مشخص کند که در امر نظارت بر دستگاه ها و مراقبت از صحت عمل آنها چه تلاشی را به انجام رسانده است. (۰۲/۰۱/۱۳۸۳)

همت وروحیه جهادی بر طرف کننده مشکلات

همت وروحیه جهادی بر طرف کننده مشکلات

من همیشه به مسئولان مربوط در بخش های گوناگون ــ چه در بخش اقتصاد و چه در بخش کارهای علمی ــ توصیه کرده ام و الان هم می گویم: اگر همین همتها، همین روحیه ها و همین دل های قرص و محکم، در هر میدانی محور تلاش و کار باشند، مشکلات را از سر راه برمی دارند. چه کارهای عظیمی که نیروهای مؤمن و حزب اللهی و انقلابی، با تکیه به همین ایمان، در زمینه های سازندگی، فن آوریهای پیچیده و نظامی به وجود آوردند، که اکثر شما می دانید من چه می گویم. در همه زمینه ها این نقطه اتکاء معنوی می تواند چنین معجزه ای بکند. (۱۷/۰۷/۱۳۸۱)

جهاد فراگیر در زمینه اقتصاد

جهاد فراگیر در زمینه اقتصاد

ص:۱۳۱

امروز مسئله اقتصاد کشور از مسائل بسیار مهمی است که باید همه مسئولان به آن بپردازند. من در مورد مسئله اشتغال بارها مطالبی را گفته ام. البته مسئولان تلاش می کنند؛ من می توانم این را با اطمینان کامل به شما بگویم. رییس جمهور محترم در هیأت دولت و جمعهای گوناگون دیگر، در این زمینه تلاش و پیگیری می کنند. در همه رده ها و همه بخش ها باید همین خط دنبال شود. راه رسیدن این ملت به هدف های والای خود، کار خستگی ناپذیر و مخلصانه و خالصانه مسئولان کشور است؛ چه دولت، چه مجلس شورای اسلامی، چه بقیه بخش هایی که به این کارها ارتباط دارند و می توانند در این تصمیم ها تأثیری بگذارند. (۱۱/۰۲/۱۳۸۱)

جدیت در جهاد اقتصادی و اشتغال در موقعیت حساس

جدیت در جهاد اقتصادی و اشتغال در موقعیت حساس

ما در موقعیت حساسی هستیم. به اعتقاد من امروز فوری ترین کار این است که به مسائل اقتصادی و مسئله معیشت و در رأس همه مسئله اشتغال، با جدیت پرداخته شود. هیچکدام از اینها معضلات و گره های کوری نیستند که دستهای توانا و فکرهای کارآمد، نتوانند آنها را حل کنند. همه اینها کارهای ممکن و روانی هستند؛ منتها تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار لازم است تا این کارها انجام گیرد. امروز اگر اندکی سستی و کوتاهی شود، دیر خواهد شد. فرصت کوتاه است؛ فرصت های دولت ها مثل برق می گذرد. چهار سال به سرعت گذشت، این چهار سال هم به سرعت خواهد گذشت. بنابراین باید اولویت را در نیازها جستجو کرد و با آگاهی و شتاب لازم و تدبیر مقتضی، آن نیازها را برآورده ساخت. امروز

این امر لازمی است. شما اگر به تبلیغات جهانی ـ که بی گمان از مرکزیتهای حساب شده سیاسی و امنیتی هدایت می شود ـ نگاه کنید، می بینید یکی از نقاط امید دشمنان ما برای فلج کردن نظام اسلامی، همین مسئله اقتصاد است. ما منابع ثروت و درآمد و نیروی کار فراوان و زمینه های متعددی برای شکوفایی اقتصادی داریم. ما می توانیم بسیاری از کارها را انجام دهیم. ما می توانیم چهره زشت فقر را از کشور بزداییم. پس مسئولان دولتی، پیش و بیش از هر کار به این مسئله همت بگمارند. بخش اقتصادی دولت در واقع بزرگترین بخش از بدنه دولت است. چه مسئولان ستادی اقتصادی و چه مسئولان اجرایی بخش های گوناگون تولیدی و خدماتی، همه باید یک جهت و یکدل مشغول کار شوند. در این قضیه هیچگونه درنگی جایز نیست. اعتقاد من این است که با زمینه های فراوانی که ما داریم، مسئولان خواهند توانست در مدتی نه چندان طولانی، به همه آحاد ملت بقبولانند و نشان دهند که در وضع معیشتی و وضع عمومی اقتصادی، دگرگونی حاصل شده است. این مژده را بدون این که دائما بر زبان جاری کنند، در عمل به مردم بدهند. این عمل صالح بزرگی است که مسئولان اجرایی کشور باید به آن بپردازند.

.. شما به واقعیت های کاری خودتان نگاه کنید و با جدیت و تکیه بر بیناتی که قانون اساسی برای ما معین کرده است ـ که به احکام اسلامی و مقررات اسلامی متکی است ـ در زمینه های پولی و مالی و تولیدی و خدماتی و همه آن چیزهایی که به اقتصاد مردم وابسته است، نوآوری و

تلاش کنید. خدای متعال به این تلاش برکت خواهد داد. (۱۱/۰۵/۱۳۸۰)

اهتمام دولت به مسایل اقتصادی

اهتمام دولت به مسایل اقتصادی

امیدواریم دولتی که بر سر کار خواهد آمد، با همکاری مجلس، به اقتصاد سالم کشور، اهمیت حقیقی دهد. اینها به نشستن و بررسی علمی کردن و راهکارها را پیدا کردن احتیاج دارد. با گفتن نمی شود؛ باید اقدام و پیگیری کند و موانع تولید بهینه و تکمیل چرخه صنعتی و موانع صادرات و سرمایه گذاریهای داخلی کشور را بشناسد و آنها را بر طرف کند. اگر امکان جذب سرمایه های خارجی در کشور فراهم می شود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویت ملی را در نظر بگیرد و مصالح کشور را قربانی نکند. این طور نباشد که یک جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

جدیت در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

جدیت در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

ما قویا معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسئولان موظف و در میان آنها، به بدنه اقتصادی کشور سرایت می کند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود. این مبارزه ای که ما در پیام اخیر، مسئولان قوای سه گانه را به آن دعوت کردیم، باید جدی گرفته شود. این وسیله ای برای احساس امنیت و اطمینان سرمایه گذار سالم است؛ سرمایه گذاری که قصد سوء استفاده ندارد؛ قصد استفاده دارد. البته هر کس که سرمایه گذاری می کند، برای سود سرمایه گذاری می کند؛ اشکالی هم ندارد؛ سود مشروع است. باید بین سود مشروع و نامشروع فاصله ایجاد کرد.

بایـد جلو سودهـای نامشـروع ــ که عمـدتا به خـاطر عـدم تعهـد و دلسوزی و همچنین لغزشـهای گونـاگون از سوی بعضـی از مسئولان و مدیران است ــ گرفته شود. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

حمایت از قشر های محروم جامعه

حمایت از قشر های محروم جامعه

قشـرهای محروم و فقیر و کم درآمـد، که گران شـدن یـک جنس فـورا در زنـدگی شخصـی شـان اثر می گـذارد، بایـد تحت حمایت و پوشـش قرار گیرنـد. این را عرض می کنیم تا مسـئولین مسائل اقتصادی و بخش های مختلف اقتصادی و کسانی که کـار و تولیـد در اختیارشـان است، روی این قضایا درست فکر کننـد و این قشـرهای آسـیب پـذیر و به اصـطلاح مستضـعفین و محرومین و کم در آمـدها، به نحوی کمک شونـد، تا ان شاءالله این ملت بتوانـد اقتصاد را شـکوفا کنـد. این می شود اسـتقلال اقتصادی. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

سازندگی مادی و معنوی وظیفه همگانی

سازندگی مادی و معنوی وظیفه همگانی

سازنـدگی بایـد در تمام ابعاد مادی و معنوی آن صورت گیرد. هم بایـد چرخهای اقتصاد به حرکت درآیـد، و هم بایـد روحیه معنوی و اخلاق و رابطه با خـدا در ما تقویت شود. همه ما در قبال این وظیفه بزرگ مسـئولیم. از من که به عنوان یک طلبه در نظام جمهوری اسـلامی مسئولیتی دارم، تا علما و دانشگاهیان و کارگران و کشاورزان و شهری و روستایی و کارمند و بازاری و هر کس که می تواند در راه این سازندگی بزرگ کوشش کند،

ص:۱۳۵

باید نهایت تلاش خود را انجام دهیم. خوشبختانه مسئولان کشور مشغولند. کمک و حمایت مردم هم بایستی دایما پشتوانه کار آنها باشد. (۰۳/۰۴/۱۳۶۸)

مبارزه در صحنه سازندگی و تهدید اقتصادی

مبارزه در صحنه سازندگی و تهدید اقتصادی

امروز، شما جوانان وظیفه دارید انقلاب را با همه وجود، تا اعماق جانتان نفوذ و رسوخ بدهید و مفهوم انقلاب و مبانی فکری آن را از بن دندان درک کنید و برای هنگامی که این ملت بدان احتیاج دارد و در دو صحنه مبارزه می کند، آن را در خود ذخیره کنید. صحنه اول، صحنه یی است که انقلاب را از لحاظ اقتصادی یا نظامی و یا سیاسی تهدید می کند که باید آن ذخیره را برای دفاع از انقلاب و کشورتان ـ به هرگونه که زمان و موقعیت اقتضا می کند ـ به کار بندید. صحنه دوم، صحنه سازندگی است. بهترین سازندگان، سازندگان انقلابیند. بهترین پدیدآورندگان دنیای آباد باغ انقلاب، کسانی هستند که از انقلاب جوشیده اند و انقلاب در جان آنها رسوخ کرده است. شما جوانان باید برای این دو صحنه، خودتان را هر لحظه آماده داشته باشید. (۱۰/۰۸/۱۳۶۸)

خنثی کردن کید دشمن

خنثی کردن کید دشمن

من مجددا تأکید می کنم که از کید دشمن غافل نباشید. درست است که ما علی الظاهر در جبهه نظامی جنگ نداریم؛ اما در جبهه های اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و همچنین در جبهه پنهان نظامی، دشمن در

مقابل ما صف آرایی کرده است. مسئولان کشور باید با خیال راحت و حواس جمع و با قدرت، کید دشمن را خنثی کنند و به مقابله با آن بپردازند. مردم باید کمک کنند که ذهن مسئولان آرام باشد تا بتوانند ان شاءالله با جرئت و قدرت، کار خود را ادامه بدهند و مطمئنا خدای متعال هم به ما لطف خواهد کرد. (۲۱/۰۷/۱۳۶۸)

مبارزه با شکاف اقتصادی و تبعیض در قانون واجرا

مبارزه با شکاف اقتصادی و تبعیض در قانون واجرا

مردم در زمینه های اقتصادی، مشکلات فراوانی دارند. یکی از مشکلات عبارت است از شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداری های ناروا در مقابل محرومیت های سخت و سنگین. این، مردم را آزار می دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است. در قوانین، شما باید اینها را مراعات کنید؛ با قانون می توانید جلو اینها را تا حد زیادی بگیرید. البته قانون، همه چیز نیست؛ باید مدیریت اجرایی خوب حتما وجود داشته باشد تا قانون کارایی خود را نشان دهد؛ لیکن قانون هم سهم بسیار زیادی دارد. (۰۷/۰۳/۱۳۸۱)

هماهنگی و همنواختی در دولت و مجموعه نظام

هماهنگی و همنواختی در دولت و مجموعه نظام

دولت مثل چهارراهی است که رییس جمهور، پلیس راهنمایی است؛ یک راه را می بندد، یک راه را باز می کند. مقصود این است که همه بتوانند از این مرکز، بدون تصادف عبور کنند. لذا باید با هم هماهنگی داشته باشید ــ هم میان دولت و هم در دیگر مجموعه های نظام ــ یعنی همه باید یک آهنگ را بنوازید؛ تک نوازی و جدا شدن، معنا ندارد. سیاست های اجرایی

کلی دولت را ملاک قرار دهید و همه با هم کار کنید. مثلا من می بینم گاهی اوقات وزارت خارجه ما در عالم سیاست، با دولتی مشکلی پیدا کرده و می خواهد روی آن فشار سیاسی بیاورد. وزارت خارجه ما نمی تواند تانک بردارد و به آن کشور ببرد؛ ما یک معامله اقتصادی داریم، از آن باید استفاده کند؛ یا معامله را قطع کند یا معامله را اجرا کند یا شرط بگذارد. وزارت خارجه کار خودش را می کند؛ وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و وزارت بهداشت و درمان هم ...با فلان کمپانی وارد مذاکره می شوند و چیزی را می خرند. این طور جدا از هم که نمی شود. البته آنها هم متقابلا گله می کنند و می گویند ما وقتی می خواهیم با وزارت خارجه هماهنگی کنیم، ما را محدود می کند. بسیار خوب؛ این راه حل دارد. مشکلش باید در دولت حل شود. هیچ تحرکی در خارج از کشور ــ تحرک عمرانی، اقتصادی، معامله و ... ــ نباید از پشتوانه بودن برای سیاست خارجی ما منفک شود؛ باید در جهت سیاست خارجی و در خدمت آن باشد.. همچنین باید هماهنگی با بقیه دستگاه های نظام صورت گیرد. (۰۵/۰۶/۱۳۸۰)

گشایش اقتصادی همراه با فرهنگ دینی

گشایش اقتصادی همراه با فرهنگ دینی

هر کس.. رییس جمهور قانونی این کشور شد، در برنامه ریزی ها باید به این دو چیز اهمیت بدهد: یکی از این دو چیز عبارت است از گشایش اقتصادی و ایجاد غنا در کشور ــ رفع مشکلات و اصلاح امور اقتصادی ــ دیگری ارتقاء فرهنگ دینی. (۲۸/۰۲/۱۳۸۰)

امنیت اقتصادی در سرمایه گذاری

امنیت اقتصادی در سرمایه گذاری

این مبارزه ای که [با مفاسد اقتصادی] ما در پیام اخیر، مسئولان قوای سه گانه را به آن دعوت کردیم، باید جدی گرفته شود. این وسیله ای برای احساس امنیت و اطمینان سرمایه گذار سالم است؛ سرمایه گذاری که قصد سوء استفاده ندارد؛ قصد استفاده دارد. البته هر کس که سرمایه گذاری می کند، برای سود سرمایه گذاری می کند؛ اشکالی هم ندارد؛ سود مشروع است. باید بین سود مشروع و نامشروع فاصله ایجاد کرد. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

قاطعیت در مبارزه با مفاسد اقتصادی همراه با ظرافت

قاطعیت در مبارزه با مفاسد اقتصادی همراه با ظرافت

ضربه عدالت باید قاطع ولی درعین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی گناهان، یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بیگمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه گانه کشور را تشکیل می دهند نباید مورد سوء ظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه یی مهم شناخته شود. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

عدم تبعیض در مبارزه با فساد اقتصادی

عدم تبعیض در مبارزه با فساد اقتصادی

در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچکس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی تواند با عذر انتساب به این جانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف

بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

اشتغال و ایجاد فرصت های شغلی

اشتغال و ایجاد فرصت های شغلی

در مطالعات عمیق و بررسیهای همه جانبه اقتصادی، به این نتیجه می رسیم که نقطه عزیمت و شروع، عبارت است از تلاش برای اشتغال. برای جامعه ما شایسته نیست که جمع بزرگی از مردم این کشور ـ که عمدتا جوان و غالبا دارای استعداد هستند ـ از اشتغال مفید و مولد محروم باشند؛ در حالی که کشور به این اشتغال نیاز بسیار زیادی دارد. کیفیت اشتغال هم مهم است؛ اما در درجه اول، ایجاد اشتغال و فرصت های شغلی، دارای اهمیت مضاعفی است. ... بنابراین برنامه ریزی برای اشتغال ـ که عمدتا از ناحیه قوه مجریه است؛ البته قوه مقننه و قوه قضاییه بایستی کمک و زمینه سازی و پشتیبانی کنند ـ باید یکی از برنامه های اساسی ما و همه مسئولان در طول سال باشد. (۰۱/۰۱/۱۳۸۰)

مبارزه با فساد مالی و اقتصادی مستلزم اقدام همه جانبه قوای سه گانه

مبارزه با فساد مالی و اقتصادی مستلزم اقدام همه جانبه قوای سه گانه

خشکانیدن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره گشا در این باره، مستلزم اقدام همه جانبه بوسیله قوای سه گانه مخصوصا دو قوه مجریه و قضاییه است. قوه مجریه با نظارتی سازمان یافته و دقیق و بی اغماض، از بروز و رشد فسادمالی در دستگاه ها پیشگیری کند، و قوه قضاییه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راه کارهای قانونی است و نیز در

ایفاء وظیفه نظارت، بسیار مهم و کارساز است. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

عدم تزلزل در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

عدم تزلزل در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقینا زمزمه ها و بتدریج فریادها و نعره های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفتها عمدتا از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده دلانی که از القائات آنان تاثیر پذیرفته اند با آنان همصدا شوند. این مخالفتها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسئولان خیرخواه در قوای سه گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، بنوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

آسان کردن زندگی برای طبقات محروم

آسان کردن زندگی برای طبقات محروم

مسئولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرهنه باشند. مراد کسانی است که در روز خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه کارگری، همین معلمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می روند دفاع می کنند و سینه سپر می سازند. (۱۴/۰۲/۱۳۷۹)

مجاهدت در رفع مشکلات ملت

مجاهدت در رفع مشکلات ملت

با اخلاص و پارسایی و مجاهدت، در راه رفع مشکلات کشور و ملت، و ساختن ایرانی آباد و پیشرفته، و رفع کامل بیعدالتی و تبعیض، و قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی، و بریدن طمع غارتگران بیگانه و سوءاستفاده کنندگان داخلی، گام های بلندی را با توکل به خداوند بردارید. (۲۱/۱۱/۱۳۷۷)

پیگیری مبارزه با ثروت های باد آورده

پیگیری مبارزه با ثروت های باد آورده

در خلال عرایضی که ما سال گذشته به شما مجموعه محترم [دستگاه قضایی]و خدمتگزار و باارزش عرض کردیم، این مسئله ثروت های بادآورده و تشکیل طبقه جدید و بحث عدالت اقتصادی بود. مخاطب این مطلب، فقط شما نیستید؛ همه دستگاه های کشورند. دولت، بخصوص بخش های اقتصادی دولت، قوه مقننه و مسئولان عالی رتبه از همه نهادهای مختلف، همه مخاطبند. البته سال گذشته وقتی من این حرف را زدم، آحاد مردم و گروه های مختلف اظهارنظر کردند، پیغام دادند، مطالبی گفتند و امیدواریهایی در دل ها پدید آمد. .. لیکن عزیزان من! دنبالگیری لازم دارد. (۰۷/۰۴/۱۳۷۷)

زدن بدل فن ضربه حریف در میدان اقتصادی

زدن بدل فن ضربه حریف در میدان اقتصادی

یک ملت زنده، بیدار، متوجه کار و مسلط بر امور خود، در مقابل چنین پدیده هایی[دشمنی های اقتصادی] چه کار می کند؟ فورا می گردد تا راه علاج را جستجو کند. سعی می کند بدل فن ضربه حریف را به او بزند.

ص:۱۴۲

این همـان کاری است که الان انجام می گیرد؛ یعنی مسـئولین اقتصادی دولت، برنامه کشور را طوری تنظیم می کننـد که هیچ گونه ضربه ای بر مسائل اساسی کشور وارد نیاید. این کار را کرده اند و می کنند؛ خیلی هم خوب است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

آمادگی برای وضعیت های گوناگون اقتصادی

آمادگی برای وضعیت های گوناگون اقتصادی

[دشـمنی هـای اقتصادی] حالت جدیـدی است. ما بایـد در مقابل آن، هوشـیارانه حرکت کنیم و تصـمیم مقتضـی اتخاذ نماییم. گزارش هایی که برادران ما در مسـئولیت های گوناگون اقتصادی دولت به من دادند، نشان می دهد که آنها خودشان را برای شکلها و وضـعهای گوناگون آماده کرده انـد تا بتواننـد کشور را به درستی اداره کنند و ان شاءالله اداره خواهند کرد؛ لیکن در همه این وضعیتها، همکاری، کمک، دلسوزی و پشتیبانی دلسوزانه مردم از مسئولین، لازم و واجب است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

شناسایی دشمن و اهداف آن

شناسایی دشمن و اهداف آن

دشـمن را بشناسـید، ادامه صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روش های دشمنی را بشناسید، تبدیل شده و ترجمه شده آن روشـها در داخل کشور را هم بشناسـید. در داخل دانشـگاه، در داخل دبیرسـتان، در متن جامعه، در فعالیت های کشور، در مطبوعات و در تبلیغات، ادامه حضور اسـتکبار را بشناسـید. اسـتکبار می خواهـد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و

آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. استکبار می خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار می خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد. (۰۹/۰۸/۱۳۷۵)

اطلاع رسانی از طرح ها و برنامه های اجرا شده

اطلاع رسانی از طرح ها و برنامه های اجرا شده

بعضی از شاخص های مهم اقتصادی نشان دهنده این حقیقت است که بحمدالله دولت جمهوری اسلامی در عرصه فعالیت های اقتصادی نیز تلاش های موفقی داشته است که گزارش های آن را آقایان به من داده اند. در مورد شاخص های عمده مثل مثبت شدن طراز بازرگانی خارجی و یا افزایش ذخایر ارزی و یا کاهش واردات، توصیه می کنم که برادران تلاش کنند تا کاهش واردات به بعضی از بخش ها هیچ ضربه ای وارد نکند و نتایج خوبی هم داشته باشد. باید برادران این نکات را به زبان ساده برای مردم تبیین کنند. البته بعضی از میزگردها تشکیل می شود که خیلی هم خوب است؛ لیکن کوشش کنید تا آنچه را که به مردم ارائه می کنید، حتما در قالبهای علمی و فنی نباشد، بلکه به گونه ای بیان شود که همه مردم آن را بفهمند و بدانند که چه اتفاقی افتاده است. این کار، مردم را امیدوار و خشنود می کند. خوشحال کردن مردم از پیشرفت های واقعی و مطلع کردن آنها از جریان امور، کار خوبی است و حق مردم است که باید ادا شود.

در زمینه اقتصادی طرحهای فراوانی در سرتاسر کشور به پایان رسید و

ص:۱۴۴

آنچه که ... مردم از طریق تلویزیون به چشم خودشان دیدند و مشاهده کردند که در سطح کشور چه اتفاقی می افتد. اجرای این همه طرح باعث آبادانی کشور و افزایش تولید و اشتغال و کاهش هزینه های زندگی می شود و افرادی که بی کار بودند، به کار مشغول می شوند و امکان زندگی شرافتمندانه را پیدا می کنند. تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از قاچاق و مبارزه جدی با قاچاقچیان ــ چه قاچاق کالاها و چه قاچاق ارز ــ نیز تأثیر زیادی در زندگی مردم داشته است. باید این دستاوردهای مثبت را برای مردم گفت و خدمات گوناگون بخش های مختلف را مطرح کرد. بحمدالله آنچه که تاکنون برای مردم مطرح شده، فضای خوبی را در اذهان آنها به وجود آورده است. (۰۸/۰۶/۱۳۷۴)

اهتمام نسبت به اموال عمومی

اهتمام نسبت به اموال عمومی

من از مسئولین امور می خواهم جدا در زمینه مصرف اموال عمومی، در جاهایی که اولویت ندارد ــ ولو ممکن است مورد نیاز هم باشد، اما نیاز درجه یک نیست ــ خودداری کنند. آن جایی که امر دایر است بین نیاز با اولویت و نیاز بی اولویت، خودداری کنید. آن جایی که نیاز نیست و حاجت نیست، حتما مصرف نشود. آن جایی که حاجت هست، اما حاجت بالاتری نیز هست آن جا هم مصرف نشود و این امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد. .. امیدوارم باز مسئولین کشور نسبت به این قضیه اهتمام ورزند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۴)

حمایت از قشرهای محروم و آسیب پذیر

حمایت از قشرهای محروم و آسیب پذیر

ص:۱۴۵

قشرهای محروم و فقیر و کم درآمد، که گران شدن یک جنس فورا در زندگی شخصی شان اثر می گذارد، باید تحت حمایت و پوشش قرار گیرند. این را عرض می کنیم تا مسئولین مسائل اقتصادی و بخش های مختلف اقتصادی و کسانی که کار و تولید در اختیارشان است، روی این قضایا درست فکر کنند و این قشرهای آسیب پذیر و به اصطلاح مستضعفین و محرومین و کم در آمدها، به نحوی کمک شوند، تا ان شاءالله این ملت بتواند اقتصاد را شکوفا کند. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

توجه به ضعفای جامعه در اواسط برنامه اقتصادی دولت

توجه به ضعفای جامعه در اواسط برنامه اقتصادی دولت

در برنامه های اقتصادی دولت، آن نقطه ضعفی که خیلی زود به چشم انسان می آید، این است که از لحظه شروع مقدمات، تا وقتی که دولت بخواهد به نتایج مورد نظر خودش برسد، در اواسط کار، به ضعفای جامعه خیلی سخت می گذرد؛ این کاملا محسوس است. اگرچه الان وفور هست، اما وفور همراه با گرانی است. تا وقتی که سیاست های اقتصادی دولت به ثمر برسد و عرضه و تقاضا به نقطه تعادل نزدیک شود و همه بتوانند به نحو صحیحی از تولیدات استفاده کنند، شاید فاصله یی وجود داشته باشد. در این بین راه، آن قشرهایی که علی العجاله صدمه می خورند، قشرهای ضعیف و افراد کم درآمدند؛ که متأسفانه تعدادشان هم زیاد است. الان وقتی می خواهند اسم اقشار کم درآمد را بیاورند، قشر کارمندان و کارگران را مطرح می کنند _ که واقعا هم ضعیف هستند _ اما انسان وقتی به متن جامعه می رود، می بیند که در خود تهران و شهرهای بزرگ _ حالا چه

برسد به جاهای دوردست _ انصافا افراد ضعیف زیادند؛ کسبه ضعیف، دستفروشان، مشتغلان به مشاغل کم اهمیت و احیانا کاذب، خانواده های پرجمعیت و کم درآمد، و محرومیت های بسیار بالاـ؛ واقعا اینها در جامعه ما وجود دارد و همه اینها برخلاف مقاصد انقلاب است؛ اصلا انقلاب برای این بود که اینها برداشته و برافکنده بشود. من می دانم که برای رسیدن به آن مقصود، راه های طولانی یی را باید طی کرد. (۱۲/۱۲/۱۳۷۰)

توجه به عامه مردم

توجه به عامه مردم

آن کس که جنگ و بمباران و محاصره اقتصادی و کم آبی و کم برقی و گرانی و سایر مشکلات را با همه وجود در این ده، دوازده سال احساس کرده، در درجه اول او باید مورد توجه باشد. مردم که می گوییم، یعنی اینها؛ همان عامه یی که امیرالمؤمنین(سلام الله علیه) در آن فرمان تاریخیشان به مالك اشتر فرمودند که عامه را داشته باش، خاصه را رها کن. عامه، یعنی همانهایی که در جنگ با تو هستند، در مشکلات با تو هستند، سختیها را با تو تقسیم می کنند، غم تو را از دلت می زدایند، خودشان را سپر بلای تو قرار می دهند و صادقند؛ نه عافیت طلبهای پرروی پرخور پرخواهی که هیچ وقت هم قانع نمی شوند. تا وقتی که خیری به آنها برسد، تو را می خواهند؛ به مجرد این که ذره یی کم شود، رویشان را برمی گردانند. (۲۳/۰۵/۱۳۷۰)

اهتمام ویژه ای نسبت به اشتغال

اهتمام ویژه ای نسبت به اشتغال

مسئله اشتغال هم مسئله مهمی است. طرحهایی که از چند سال پیش به

این طرف برای اشتغال پیش بینی شده، آنچنان که انسان انتظار داشت، نشد. اگرچه حالا کارهایی انجام گرفت و خوب بود، بد نیست؛ لیکن ما را مستغنی نمی کند از اینکه نسبت به مسئله اشتغال یک اهتمام ویژه ای داشته باشیم. (۸/۶/۱۳۸۹)

اهتمام به سیاست های اصل ۴۴

اهتمام به سیاست های اصل ۴۴

باز از جمله چیزهایی که ما در باب مسائل اقتصادی رویش تکیه می کنیم و به عنوان توصیه جزمی مطرح می کنیم، مسئله سیاست های اصل ۴۴ است. خیلی بایستی به این سیاست ها اهتمام ورزید. خوب، حالا در مقایسه خصوصی سازی در سال های طولانی گذشته با این چند سال، آماری ذکر می شود؛ این آمار، آمار درستی است؛ منتها آن زمان سیاست های اصل ۴۴ ابلاغ نشده بود. یعنی آن زمانی که اصلاً بحث سیاست های اصل ۴۴ نبود، آن وقت را نباید ملاحظه کرد؛ بعد که آن سیاست ها ابلاغ شد، اصلاً وضع مسئله اقتصاد عوض شد؛ در واقع حرکت جدیدی در اقتصاد کشور آغاز شد. لذا مقایسه با قبل از آن دوران، مقایسه تعیین کننده ای نیست. در همین دوران، ما بایستی ببینیم در باب اصل ۴۴ چه کار کردیم؛ این مهم است. ببینید، روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه اقتصاد کنیم. باید سرمایه های مردم و مدیریت مردم ــ بخش خصوصی ــ وارد عرصه اقتصاد بشود؛ والّا اگر مدیریت ها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده ای که این سیاست ها اجازه می دهند و با همان رعایتهایی که در

ص:۱۴۸

قانون پیش بینی شده ــ که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است ــ این را باید رعایت کنید. (۸/۶/۱۳۸۹)

شناخت مسائل اصلی و مسائل فرعی

شناخت مسائل اصلی و مسائل فرعی

مسائل اصلی را باید شناخت و مسائل فرعی را اصلی نکرد؛ نه اینکه مطرح نکرد؛ نه، مسائل فرعی هم باید طرح شود؛ همه جزییات باید طرح شود؛ اما اصلی نشود و ملاک مخالفت و موافقت قرار نگیرد. ملاک موافقت و مخالفت، صراط مستقیم حق است، اسلام است، تشرع است، تدین است، پایبندی به مبانی انقلاب است، پایبندی به آرزوهای امام و اهدافی است که امام ترسیم کردند؛ مقابله با مستکبرین است، بدبین بودن به مستکبرین است. یعنی بدانیم که دشمن ما کیست. (۲۵/۶/۱۳۸۹)

حمایت از فعالان اقتصادی و مقابله با سوء استفاده کنندگان

حمایت از فعالان اقتصادی و مقابله با سوء استفاده کنندگان

مسئولان سررشته دار امورند. از طرفی باید اجازه بدهند که کسانی از مجاری صحیح، تلاش اقتصادی سالم و قانونی بکنند ــ چون تولید ثروت در اسلام مذموم نیست ــ اما باید جلو استفاده از روش های غیرقانونی، استفاده از راه های تقلب و خدعه و مکر و سوءاستفاده از ثروت های عمومی را بگیرند. اینها ممنوع است. فاصله ها باید کم شود. پاره ای از این حقوقها، پاداشها و دریافتهایی که بعضی افراد دارند ــ که از بیت المال هم هست ــ اصلا قابل توجیه و قابل فهم و قبول نیست. کسانی که از اموال دولتی و از بیت المال استفاده می کنند، بایستی به قدر حق و ارزش کارشان

برخوردار شوند. نمی شود که عده ای برخورداری های زیاد داشته باشند. (۱۴/۰۲/۱۳۷۹)

تلاش برای پیشبرد کل صنعت

تلاش برای پیشبرد کل صنعت

کشور متعلق به شماست؛ بایستی خانه خودتان را آباد کنید. این ظرفیت را بایستی در راه آبادی کشور به کار بیندازید و این صنعت عظیم را که امروز تقریبا رگ حیات کشور هم به آن بسته است، یا لااقل بخش مهمی از آن این طور است، هرچه می توانید، پیش ببرید، توسعه بدهید، مدرن کنید، و از این برای پیشبرد کل صنعت و فن کشور استفاده نمایید. (۱۲/۰۹/۱۳۷۰)

امنیت شغلی در قوانین و مقررات

امنیت شغلی در قوانین و مقررات

درباره مسئله کارگر آنچه لازم است، این است که در محدوده امکانات دولت ـ نه بیش از امکانات؛ به همان اندازه یی که توان اجرایی دولت و کشور اجازه می دهد ـ قوانین طوری تنظیم شود و سیاست های اجرایی طوری ترتیب داده شود که کارگر، هم احساس امنیت شغلی کند و هم احساس کند که ارزش کار او فهمیده شده است. از یک طرف به حق کارگر رسیدگی شود، از طرف دیگر هم طوری عمل نشود که سرمایه گذار از استخدام کارگر احساس وحشت کند. هر دو طرف قضیه را باید واقع بینانه و حکیمانه مشاهده کرد تا نتیجه آن، هم امنیت شغلی کارگر و هم دستیابی او به حقوق حقه خود شود. (۱۲/۰۲/۱۳۸۳)

توجه به بی نیازی به فروش نفت

توجه به بی نیازی به فروش نفت

ص:۱۵۰

این منطقه بخش عمده ای از نفت جهان را داراست. یعنی همان دولت هایی که دستشان با دزدان غارتگر بین المللی یکی است، متأسفانه بخش عمده ای از نفت را صاحبند. امروز جنس به این ارزشمندی به منزله ابزاری در دست مصرف کنندگانی است که شدیدا به آن احتیاج دارند. آنها چنین سیاستی را از دهها سال پیش تا به امروز، طراحی و اجرا کرده اند و متأسفانه همواره عده ای از سیاستمداران خائن کشورهای وابسته نیز، با آنها همکاری می کنند. در چنین وضعیتی اگر ملت ایران ـ اعم از کارگر ایرانی، جوان ایرانی، تولید کننده ایرانی و معلم ایرانی ـ با همه تلاش و غیرت خود وارد عمل شود و این کشور را به گونه ای بسازد که به خاطر صادرات و واردات و نیازهای مصرفی، محتاج فروش نفت خود، آن هم با این قیمت پایین نباشد، ببینید چه خدمت بزرگی به امروز و آینده این کشور خواهد بود! (۱۳/۰۲/۱۳۷۳)

توجه به سختی های اقتصادی مردم در سازندگی

توجه به سختی های اقتصادی مردم در سازندگی

توصیه دیگری به برادران عزیز دارم که این را حتما در برنامه باید بگنجانید؛ چون در دوره سازندگی، بخشی از معایب اقتصادی به طور طبیعی هست. در همه جا هم همین طور بوده است. تورم زیاد می شود و قدرت خرید، در بسیاری از مردم کم می گردد. باید ان شاءالله برای حل این مشکلات اقتصادی به معنای خاص در کشور، تلاش مضاعفی در دولت انجام شود. مسئله تورم، باید به شکلی حل شود. قدرت پول ملی، بایستی به تدبیر هر چه تمامتر، با دنبال گیری و تلاش هر چه بیشتر، تأمین شود.

ص:۱۵۱

البته امیدوار هستیم که ان شاءالله آن روزی که نتایج کارهای شما بیشتر ظاهر شود و این کارهای زیربنایی به نتایج برسد، همین طور هم شود، در دراز مدت، این طور خواهد شد؛ لیکن نمی شود منتظر ماند و از راه های علاجی که در کوتاه مدت و میان مدت می تواند دنبال شود، نباید غافل شد. همین ارزش پول ملی، کلید حل بسیاری از مشکلات کشور است و این ضعف قدرت خرید در طبقات پایین مردم و عدم توانایی آنها بر تأمین نیازهای زندگیشان، ناشی از این قضیه است، که ان شاءالله باید تلاش مضاعفی برای اینها انجام گیرد. (۰۸/۰۶/۱۳۷۵)

ضرورت توجه همزمان به عدالت, توسعه و سازندگی

ضرورت توجه همزمان به عدالت, توسعه و سازندگی

بحمدالله کشور در طریق رشد و توسعه حرکت می کند.رشد و توسعه جریان دارد و شما با برنامه ریزی و حرکت صحیح، دنبال آن می روید. آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصور می کردند ـ شاید حالا هم تصور کنند ـ که ما بایستی دوره ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می پردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این

نمی تواننـد. خرابی ای که در سالیان طولانی به وجود آمـده، عمیقتر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را بر طرف کرد، والا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم. (۰۸/۰۶/۱۳۷۴)

توجه به سازندگی کشور در فعالیت های کاری

توجه به سازندگی کشور در فعالیت های کاری

همه مردم مسـلمان در ایران و جامعه اسـلامی، بایـد نسـبت به سـرنوشت کشور و بازسازی آن، احساس وظیفه کنند. هیچ کس نباید در کاری که انجام می دهد، هدف سازندگی جامعه اسـلامی را فراموش کند؛ ولو کاری که شما می کنید، برای زندگی خودتان باشد. همه مردم حق دارند برای اعاش و زندگی و تأمین آتیه شخصی و خانوادگی خود کار کنند؛ اما در این تلاش و کاری که انجام می دهید، مسـئله سازندگی کشور هم باید مورد نظر باشد. یعنی اگر کاری که شما انجام می دهید، برای خود شمـا خوب است، امـا برای ایران مضـر و برای سازنـدگی کشور بـد و مزاحم است، این کار شـما نامطلوب است و درست نمی باشد. (۲۸/۰۷/۱۳۶۸)

درک نیازهای مردم وعمل به وظایف توسط مسئولان

درک نیازهای مردم وعمل به وظایف توسط مسئولان

مسـئولان بایـد به وظایف خودشان عمل کنند؛ نیازهای مردم را بفهمند، درک کنند و تأمین کنند. مشـکلاتی که امروز در بین مردم وجود دارد ــ محرومیت ها، نابسامانیها، تبعیضـها و بیکاریها که تذکر مشـفقانه ما به مسـئولان دائما درباره این چیزهاست ــ موانع راهنـد. برطرف کردن اینها هـدف نیست؛ برطرف کردن اینها برای رسـیدن به هدف لازم است. هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لتکونوا

شهـداء علی النـاس». آن چنـان بالاـ قرار گیریـد که بتوانیـد ناظر بر همه عالم باشـید؛ بر همه روشـها، بر همه تمـدنها و مـدنیتها. (۱۱/۰۸/۱۳۷۹)

آگاهی بخشی رسانه در جهاد اقتصادی

آگاهی بخشی رسانه در جهاد اقتصادی

امروز، همه امور کشور، به همه مردم در شـهرهای دور دست و روسـتاهای دورافتـاده و عشـایر و چادرنشـینها و مردم شـهرهای بزرگ مربوط است. اقتصاد کشور هم به وسیله مردم و با پشتیبانی آنها باید زنده و فعال بشود. سیاست و استقلال و حضور در صحنه بین المللی و مبارزه با استکبار جهانی هم باید به وسیله مردم و با علم و آگاهی آنها انجام بشود و به همین خاطر است که گویندگان و صدا و سیما و ارتباطات عمومی و رسانه های جمعی و روزنامه ها و همه کسانی که با مردم سر و کار دارند، موظفند مردم را نسبت به مسائل مهم کشور و انقلاب و آنچه که بر انقلاب و مسیر آن می گذرد و دشمنیهایی که می شود و نفوذیهای داخلی آن دشمنها، آگاه و روشن کنند. باید مردم همه مسائل مهم کشور را بدانند. (۲۲/۰۹/۱۳۶۸)

برنامه ریزی برای عدم وابستگی اقتصاد به نفت

برنامه ریزی برای عدم وابستگی اقتصاد به نفت

البته من یک نگرانی مختصری دارم ــ که مربوط به امروز هم نیست؛ سال هاست که این نگرانی را دارم ــ و آن این است که باید اقتصاد و ملت ایران از نفت جدا شود. این مسئله را اخیرا به دولت خدمتگزار ابلاغ کرده ایم که برایش برنامه ریزی کند و در حال برنامه ریزی است و کارهایی هم انجام داده است. ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به

نفت خود نباشند. چون متاسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاست های بین المللی، کمپانی ها و غارتگران بزرگ و جهانخوران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند، قیمت اش را پایین می آورند، تولید را کم یا زیاد دور می کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می کنند! نفت مال ماست؛ اما سیاست اش در دست دیگران است! چنین سرمایه ای مایه دردسر است. (۰۴/۰۱/۱۳۷۵)

دشمن شناسی لازمه سازندگی موفق

دشمن شناسی لازمه سازندگی موفق

دشمن را بشناسید، ادامه صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روش های دشمنی را بشناسید، تبدیل شده و ترجمه شده آن روشها در داخل کشور را هم بشناسید. در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعالیت های کشور، در مطبوعات و در تبلیغات، ادامه حضور استکبار را بشناسید. استکبار می خواهد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. استکبار می خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار می خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد. (۰۹/۰۸/۱۳۷۵)

استقلال لازمه پیشرفت

استقلال لازمه پیشرفت

هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین کننده استقلال کشور باشد؛ این باید

بعنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری _ با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره _ پیشرفت محسوب نمی شود. امروز هستند کشورهایی _ بخصوص در آسیا _ که از لحاظ فن آوری، از لحاظ دانش، از لحاظ مصنوعات، پیشرفت های ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده اند؛ اما وابسته اند، وابسته اند. ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند: نه در سیاست های جهانی، نه در سیاست های اقتصادی عالم و نه در طراحی های مهمی که در عرصه بین المللی مورد توجه است. دنباله روند؛ غالبا هم دنباله رو امریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد. (۲۷/۰۲/۱۳۸۸)

برنامه های سازنده اقتصادی در سایه امنیت و وحدت ملی

برنامه های سازنده اقتصادی در سایه امنیت و وحدت ملی

حقیقتا با توجه به اوضاع و احوال کشور و مسائل جاری و مسائل بین المللی، آنچه که باید مسئولان و مردم به سهم خود دنبال آن باشند، همین دو شعار مهم [امنیت ملی و وحدت ملی]است. اگر وحدت ملی و امنیت ملی تأمین شد، دولت هم مجال پیدا می کند که کارهای خود، مسئولیت های خود، وظایف بزرگ خود و برنامه های سازنده خود را اجرا کند. می تواند به اقتصاد مردم برسد، به اشتغال مردم برسد، به مسائل

ص:۱۵۶

زندگی مردم رسیدگی کند، به مسئله فرهنگ کشور رسیدگی کند. اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دائما تشنج سیاسی باشد، اول کسی که ضربه می خورد، دولت است؛ چون نمی تواند وظایف خود را انجام دهد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشنه اقدامات دستگاه های مسئول هستند، معلوم است که چگونه خواهد شد. بنابراین، این دو شعار مهم است. (۲۶/۰۱/۱۳۷۹)

پرهیز از الگو های اقتصاد غربی

پرهیز از الگو های اقتصاد غربی

اگر این روشی که الان بعضیها غافلانه دنبال می کنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روزبه روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله روی فرهنگ غربی در زمینه مسائل اقتصاد کاملا خلاص کنیم و نجات ببخشیم. این طور نیست که اگر کشوری درآمد سرانه اش رقم بالایی است، معنایش این است که این درآمد سرانه به همه می رسد. شما الان ببینید در آمارهایی که داده می شود، فرضا می گویند در فلان کشور پیشرفته دنیا ــ مثلا امریکا یا کانادا ــ درجه حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. یا مثلا گفته می شود در فلان کشور سرما به پنج درجه، ده درجه زیر صفر رسید و فلان تعداد انسان یخ زدند. اینها چه کسانی هستند که از حرارت زیاد کشته می شوند و یا در زمستان یخ می زنند؟ آنهایی که در ساختمانهایی نشسته اند که با سرما و گرمای آن چنانی اداره می شود، یخ نمی زنند؛ آنها که سرپناه دارند که یخ نمی زنند و یا از گرما نمی میرند. این معنایش آن است

که طبقاتی در آن جا وجود دارنـد که زنـدگی بر آنها سـخت است. برزیل امروز هفتمین یا هشـتمین قدرت اقتصادی دنیاست؛ اما در آن جا چند میلیون کودک وجود دارد که اینها نه پدر و مادر دارند، نه سرپناه دارند، نه مسکن دارند؛ شب ها در کوچه ها می خوابنـد، در کوچه ها هم پرورش پیـدا می کننـد، در همان کوچه ها هم یا کشـته می شوند و یا می میرند! ما نباید دنبال این زنـدگی برویم. مـا نبایـد دنبـال این اقتصـاد برویم. شـکوفایی اقتصـاد معنایش این نیست. شـکوفایی اقتصاد این است که به دولت امکـان بدهـد تـا فقر را از میـان جـامعه بردارد؛ این اقتصـاد خوب است. ما بایستی نه فقر یک گروه خاصـی را، بلکه فقر عمومی را از بین ببریم. اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین بایستی تحقق پیدا کند. (۰۴/۱۲/۱۳۷۷)

آماده کردن میدان برای جوانان درجهاد اقتصادی

آماده کردن میدان برای جوانان درجهاد اقتصادی

کاری که ما باید به عنوان مسـئولان کشور بکنیم و نیز همه کسانی که می توانند و به کشور علاقه مندند ــ اعم از دولت و غیر دولت و بخش هـای مخصوص جوانان ــ این است که میـدان برای فعالیت صـحیح و سالم جوانان باز شود. حالا مثلا جوانی به مقوله ادبیات علاقه منـد است، یا جوانی به مقوله اقتصاد علاقه مند است. طبیعتا اقتصاد آزمایشـگاه ندارد؛ اما ناگهان اعلام می شود که فلان اقتصاددان کشور یا خارج از کشور، در فلان جا جلسه درس یا سمینار دارد و می خواهد سخنرانی ایراد کند. این برای جوانی که به این مقوله علاقه دارد، خیلی معنا دارد. بلیط بگیرد، فورا برود خودش را برسانـد و از اسـتاد سؤال کنـد. اینها همه اش هیجان است. یعنی اگر به توفیق الهی، با همین روندی که از اول انقلاب هم پیش رفته، میدان

کار و فعالیت در مقابل جوانان گشوده شود، جوانان خواهند توانست آن هیجان جوانی را که جزو برکات جوانی است، ارضاء کنند. (۰۷/۰۲/۱۳۷۷)

جلوگیری از سوءاستفاده از نوسان های اقتصادی

جلوگیری از سوءاستفاده از نوسان های اقتصادی

مسائل اقتصادی کشور به عوامل گوناگونی بسته است که بسیاری از آن عوامل، خارج از مرزهاست. وضع تورم جهانی، وضع عرضه های گوناگون جهانی، وضع پول در دنیا و بسیاری از این گونه مسائل، روی اقتصاد یک کشور اثر می گذارد. اقتصاد کشور مستقلی مثل ما که می خواهد مستقل زندگی بکند، غالبا با بعضی از نوسانها همراه است. نباید اجازه بدهید که از این نوسانها و از این کم و زیادها، کسانی به نفع جیب شخصی خودشان استفاده کنند، و تا رقم مالیاتی بر صنفی بسته شد، بلافاصله آن مالیات خودش را در زندگی مصرف کننده یی که به آن صنف مراجعه دارد، نشان بدهد. این درست نیست و بر عدل اسلامی منطبق نمی باشد. شما باید اینها را مراقب باشید. (۱۳/۰۴/۱۳۷۰)

مبارزه با بی برنامگی و بی قانونی

مبارزه با بی برنامگی و بی قانونی

باید برای حرکت، کمرمان را محکم ببندیم. ما دیگر جنگ نظامی نداریم؛ اما جنگ با موانع سازندگی پیش روی ماست. باید کشورمان را بسازیم، و این کار بزرگی است که در راه آن موانعی وجود دارد. باید با این موانع جنگید و آنها را از سر راه برداشت. این موانع ممکن است تنبلی و بی برنامگی و بی قانونی و نداشتن نیروی لازم باشد. هرچه که هست، باید آنها را از سر راه برداریم و ایران را بسازیم. (۲۳/۰۴/۱۳۶۸)

ص:۱۵۹

فصل دوم: بایدها و بایسته های مردمی

اشاره

فصل دوم: بایدها و بایسته های مردمی

زیر فصل ها

روحیه بسیجی و انقلابی در سازمانهای مالی و اقتصادی

منافع ملی در حفظ وحدت وپرهیز از تفرقه

خودآگاهی یک ضرورت برای مسئولان

استقلال اقتصادی و محو فقر از کشور با کار جهادی

تدین در سایه معیشت

مبارزه با فساد اقتصادی از همه طرف

جهاد دانش آموزان در مقابل دشمن

پیشرفت در محیط آرام با عمل خرد مندانه ومومنانه

جهاد اقتصادی برای سازندگی کشور

جهاد رسانه ای در عرصه جهاد اقتصادی

به تصویر کشیدن ایستادگی و دشمن شناسی در آثار هنری

لزوم ایجاد نظام ارتباطی بین دانشگاه و صنعت...

ایستادگی و فداکاری در راه خودکفایی و پیشرفت

پیشرفت و سازندگی همه جانبه

مشارکت مردم در مسایل اقتصادی

کار یک ارزش والا و جهاد

مردم اجزای تعیین کننده و اصلی نظام

مشارکت هرچه بیشتر دانشجویان

اقتدار اقتصادی با تولید چند برابر

سازندگی همه جانبه کشور و رفع فقر و محرومیت

راه پیروزی مجاهدت در همه اشکالش

مشارکت نیروهای مسلح درسازندگی

اقتصاد زنده وفعال با مشارکت همه مردم

التیام و ائتلاف همراهی و همسویی کارگر و کارفرما

پیشرفت مادی کشور متوقف بر دو عنصر علم وتولید

کارآفرینی یعنی جهاد اقتصاد

منابع مادی و معنوی در خدمت انسانیت

همدلی، همفکری، همکاری و صمیمیت بین اطراف کار

تولید کالای محکم، مطلوب، زیبا، با سلیقه و بادوام

روحیه بسیجی و انقلابی در سازمانهای مالی و اقتصادی

روحیه بسیجی و انقلابی در سازمانهای مالی و اقتصادی

به مناسبت حضور جمعی از برادران گمرک در این مجلس، تأکید می کنم که روحیه بسیجی و انقلابی توأم با آمادگی کامل برای کار و تلاش، به نحو صحیح و صادقانه، در سازمانهای مالی و اقتصادی و اجتماعی حکم فرما شود. گمرک، از جمله مراکز انحصاری بیگانگان در زمان سلطه آنان بر ایران بود که از طریق آن، علیه مصالح ملت کار می کردند. دروازه های ورودی و خروجی کشور، در اختیار بیگانگان و افراد و مؤسسات و دولت های وابسته به آنان بود؛ بیگانگانی که هیچ علاقه یی به مصالح کشور نداشتند و این جز ذلت و رقت نبود. بعدها هم که از دست بیگانه ها گرفته بودند، فساد دستگاه های مالی ــ از جمله گمرک ــ در دوران رژیم گذشته آن چنان بود که باز برای ملت ضرر و زحمت به همراه داشت. البته، عناصر خوب و امین همه جا بودند ــ آن جا هم بودند ــ لیکن گاهی یک آدم فاسد، دستگاهی را به فساد می کشاند. البته در دوران انقلاب، بحمدالله مدیران خوب و مسئولان دلسوز، بر این مجموعه ها مدیریت کرده اند و تلاش فراوانی شده است، ولی

همچنان کارهای زیادی

ص:۱۶۱

باقی است. (۰۵/۰۷/۱۳۶۸)

منافع ملی در حفظ وحدت وپرهیز از تفرقه

منافع ملی در حفظ وحدت وپرهیز از تفرقه

مسئولان کشور در قوای سه گانه و همه فعالان سیاسی و فرهنگی بدانند که حفظ منافع ملی در وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه و اختلاف است. سلیقه ها و گرایشهای متفاوت نباید در صحنه افکار عمومی به نزاع و مجادله و کشمکش تبدیل شود و دشمن کمین گرفته را امیدوار کند. (۲۳/۱۱/۱۳۸۰)

خودآگاهی یک ضرورت برای مسئولان

خودآگاهی یک ضرورت برای مسئولان

من امروز احساس می کنم مردم ما دارای خودآگاهی اند؛ اما بعضی از نخبگان ما خودآگاهی ندارند! امروز یکی از ضرورتهای مهم این است که مسئولان و نخبگان سیاسی و دست اندرکاران اداره امور در همه قوای سه گانه و سایر ارکان این کشور، خودآگاهی داشته باشند؛ بفهمند کجا قرار دارند؛ دشمن کجاست و هدف او چیست و راهِ مقابله با آن کدام است. مردم ایستاده اند و در این راه، محکم حرکت می کنند. با این که به خاطر دشمنیهای دشمنان، بسیاری از خواسته های مردم برآورده نشده است؛ درعین حال مردم ایستاده اند. (۱۹/۱۰/۱۳۸۰)

استقلال اقتصادی و محو فقر از کشور با کار جهادی

استقلال اقتصادی و محو فقر از کشور با کار جهادی

البته مسئولان دارای ایمان و انگیزه اند؛ لذا همه ابزار و وسایل کار را باید جمع کنند. کشور ما به طور طبیعی فقیر نیست؛ ما امکانات فراوان طبیعی

کم نداریم؛ از لحاظ نیروی انسانی هم کشور ما بالقوه ثروتمند است؛ لذا مسئولان باید از این امکانات استفاده کنند و چهره زشت فقر و نیاز و عدم استقلال در زمینه های اقتصادی را از این کشور پاك کنند و بزدایند. این کار _ همان طور که عرض کردیم _ احتیاج دارد به این که در داخل این مجموعه، ایمان و تخصص و تجربه و کارایی و انگیزه و خلاصه کار جهادی تحقق پیدا کند. (۱۶/۰۹/۱۳۸۰)

تدین در سایه معیشت

تدین در سایه معیشت

همه شما ..باید خودتان را سرباز دین بدانید و همت شما این باشد که مردم متدین شوند.البته اعتقاد من این است که بخش های اقتصادی ما اگر می خواهند مردم متدین شوند، معاش مردم را تأمین کنند؛ چون «من لامعاش له لامعادله». اگر بخش های اقتصادی دولت، معاش مردم را تأمین کردند، مردم متدین خواهند شد. (۰۵/۰۶/۱۳۸۰)

مبارزه با فساد اقتصادی از همه طرف

مبارزه با فساد اقتصادی از همه طرف

مبارزه با فساد، دشمن تراش است. هر کس بخواهد با فساد مبارزه کند، یك صف طولانی دشمن جلویش به وجود می آید. این دشمنان چه کسانی هستند؟ فاسدها و لشکرهایشان؛ چون فاسدهای دانه درشت، لشکرهایی هم دارند؛ اینها در مقابل می ایستند و انواع کارشکنی ها را می کنند. ..تهمت می زنند، شایعه درست می کنند، .. به کسانی که از این حرف ها بزنند و بخواهند این اقدامات را بکنند، برچسبهای نادرست و ناحق می زنند. باید

ص:۱۶۳

با اینها مقابله کرد و صریح و صادق وارد میدان شد. .. باید مبارزه با فساد از همه طرف ــ چه از طرف رییس جمهوری که ان شاءالله مردم انتخاب خواهند کرد، چه از طرف بقیه قوا ــ دنبال شود. طوری شود که ان شاءالله مردم حرکت به سمت صلاح را حس کنند. (۲۸/۰۲/۱۳۸۰)

جهاد دانش آموزان در مقابل دشمن

جهاد دانش آموزان در مقابل دشمن

هر کدام از شما یک نیرو از نیروهای اسلامید؛ خودتان را نگه دارید، بسازید و رشد دهید؛ برای ورود در دانشگاه یا حوزه و بعد ورود در میدان کار و میدان اجتماع در نظام جمهوری اسلامی آماده کنید تا بتوانید مثل نورافکنی بدرخشید. هر مجموعه انجمن اسلامی در هر کجای این کشور، یک سنگر است. دانش آموز دبیرستان باید بتواند در این سنگر قرار گیرد تا کید و حمله دشمن را خنثی کند. این یک سنگر فرهنگی و فکری است؛ سنگری است که سلاح در آن، سلاح دین و تدبیر و علم و فکر و فرهنگ است. اگر این سنگرها مستحکم باشد، دشمن نه در حمله نظامی، نه در حمله اقتصادی، نه در حمله سیاسی و نه در خطرناکترین این حمله ها ــ یعنی حمله فرهنگی ــ توفیقی در این کشور به دست نخواهد آورد. تا امروز هم ناموفقیت ها و شکست های دشمن، به خاطر حضور همین جوانان مؤمن و خوب در عرصه های مختلف بوده؛ بعد از این هم همین طور خواهد بود. (۰۸/۱۲/۱۳۷۹)

ص:۱۶۴

پیشرفت در محیط آرام با عمل خرد مندانه ومومنانه

پیشرفت در محیط آرام با عمل خرد مندانه ومومنانه

اگر کشور بخواهد به سمتی که برای آن مطلوب است ــ چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ معنوی یا سطح علم و سواد ــ پیشرفت کند، به محیط آرام و بی تشنج احتیاج دارد. کسانی که به پیروی از تبلیغات رادیوهای بیگانه سعی می کنند فضای سیاسی جامعه را متشنج کنند، به کشور خدمت نمی کنند. کسانی که سعی می کنند با انتقادهای پوچ و عاری از حقیقت، نظام کاملا مردم سالار اسلامی این کشور را به تهمتهایی متهم کنند که فرسنگ ها با این نظام فاصله دارد، آنها به مردم، به آینده کشور و به نسل جوان هیچ خدمتی نمی کنند. زمانی این کشور خواهد توانست به آرزوهای بزرگ خود برسد که در مسائل گوناگون، همه ــ هم جوانان، هم آحاد مردم و هم مسئولان ــ به این دو خصوصیت عمل کنند. آن دو خصوصیت عبارت است از این که خردمندانه و مؤمنانه عمل کنند. (۰۵/۰۵/۱۳۷۹)

جهاد اقتصادی برای سازندگی کشور

جهاد اقتصادی برای سازندگی کشور

این مجموعه عظیم و این سازمان بزرگ ــ یعنی جهاد سازندگی ــ یکی از بهترین امتحانها را داده است. امروز هم بحمدالله وجود شما ذی قیمت و مغتنم است. باید این کارها را ادامه دهید. هم باید به سازندگی شهرها و روستاها بپردازید و هم به سازندگی انسان ها مشغول شوید. در درون خودتان، مدیران لایق، اشخاص برجسته، دستهای کارآمد و مغزهای فعال تربیت کنید. این کشور، هنوز سال های متمادی به خدمات شما و به کار و

تلاش مخلصانه تان احتیاج دارد. در این دورانی که دشمنان انقلاب، کمین گرفته اند تا شاید بتوانند از برخی از مشکلات اقتصادی یا تعطیل بعضی از کارها، احیانا نقطه ضعفی برای نظام، یا برای دولت و مسئولین دلسوز خدمتگزار درست کنند، وظیفه همه و بخصوص شماست که تلاش خودتان را مضاعف کنید تا بتوانید با کار سازنده، مشکلات مردم را کم و به پیشرفت کشور کمک نمایید. (۱۵/۰۷/۱۳۷۷)

جهاد رسانه ای در عرصه جهاد اقتصادی

جهاد رسانه ای در عرصه جهاد اقتصادی

اکنون که ... دولت خدمتگزار با مجاهدتی عظیم و ابتکار آمیز، موانع عمده پیشرفت اقتصادی و رشد و توسعه ملی را از میان بر داشته و راه به سوی سازندگی و رفاه عمومی را با شتابی متناسب با شرایط انقلاب طی می کند، شرایط عام کشور نیازمند آن است که دستگاه تبلیغاتی صدا و سیما نیز سیاستی نوین و متناسب با پیشرفت های همه جانبه کشور در پیش گیرد و فضای فرهنگی جامعه را از یکسو همگام با سیر شتابنده سازندگی و رشد و توسعه عمومی و از سوی دیگر همخوان با اصول انقلاب و مبانی اساسی اسلام تجهیز کند و نیز به اقتضای مقابله با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی استکبار و ایادی اش میدان پیکار رسانه ها را هم در جبهه تبیین و تعمیق و تکریم اصول شور انگیز انقلاب اسلامی و هم در جبهه توزیع تلاش فداکارانه مسئولان کشور و قوای سه گانه به خصوص قوه مجریه سختکوش و خستگی نشناس با روش های نوین و پیشرفته و خردمندانه با جهادی بزرگ و هوشیارانه بیاراید. (۲۴/۱۱/۱۳۷۲)

ص:۱۶۶

به تصویر کشیدن ایستادگی و دشمن شناسی در آثار هنری

به تصویر کشیدن ایستادگی و دشمن شناسی در آثار هنری

اگر شما به عنوان یک کارگردان، به عنوان یک هنرپیشه، به عنوان یک فیلمنامه نویس، به عنوان یک عامل مؤثر در پدید آمدن این اثر نمایشی و این اثر دراماتیک جاذب و جالب، به عنوان کسی که در این میدان فعال است ــ حالا یا فیلمنامه نویس است، یا کارگردان است، یا فیلمبردار است، یا هرچه ــ نقش ایستادگی و نقش دشمن شناسی را ایفاء کردید، نقش خودتان را شناختید و به آن عمل کردید، خود شما قهرمانِ یک داستان حقیقی هستید؛ خود شما می شوید یک قهرمان؛ همچنان که در یک هنر نمایشی، در یک داستان، یک قهرمان داریم، یک ضد قهرمان داریم؛ این قهرمان به سمت یک هدفی دارد تلاش می کند، مجاهدت می کند، کار می کند؛ شما اگر در جای خودتان قرار گرفتید، آن نقش خودتان را ایفاء کردید، شما خودتان همان قهرمانید. (۱۲/۴/۱۳۸۹)

لزوم ایجاد نظام ارتباطی بین دانشگاه و صنعت...

لزوم ایجاد نظام ارتباطی بین دانشگاه و صنعت...

با توجه به نیاز مبرم صنایع به فن آوری روز و رفع نیازهای کشور در زمینه های مختلف، متأسفانه هنوز شاهدیم ارتباط سازمان یافته ای میان صنعت و دانشگاه برقرار نشده است. برقراری نظام صحیح میان صنعت و دانشگاه، علاوه بر حل معضل بیکاری و ایجاد اشتغال، باعث صرفه جویی ارزی و استقلال صنعتی خواهد شد. امیدواریم با پیگیری دلسوزانه شما، این بخش از مشکلات کشور حل شود. (۲۲/۰۲/۱۳۸۲)

ص:۱۶۷

ایستادگی و فداکاری در راه خودکفایی و پیشرفت

ایستادگی و فداکاری در راه خودکفایی و پیشرفت

زندگی راحت و مرفه، رفع مشکلات، رسیدن به خودکفایی، مشتعل شدن صنعت و کشاورزی و کار و ابتکار و خلاقیت در سرتاسر کشور، زنده شدن زمینهای مرده، زنده شدن استعدادهای مرده، زنده شدن منابع و معادن مرده و خرج شدن آنها در راه توسعه و زندگی خوب برای مردم، در گرو همان ایستادگی و همان فداکاری است. (۰۴/۰۷/۱۳۶۹)

پیشرفت و سازندگی همه جانبه

پیشرفت و سازندگی همه جانبه

هر ملتی که زنده و بیدار و آگاه باشد و بخواهد کشور خود را از مشکلاتی که بر آن تحمیل شده است، نجات دهد، باید تا آن جا که می تواند، در میدان کار و تلاش و سازندگی، با قدرت پیش برود و گوشش بدهکار حرف و گفت دشمنان و این و آن نباشد. فرقی نمی کند؛ همه بخش های سازندگی در این جهت مهم است: سازندگی علمی و صنعتی، سازندگی اقتصادی، سازندگی فرهنگی و سازندگی اخلاقی. اگر همه ملت های در حال توسعه به این فکر بودند که بر روی پای خود، با اراده خود، بر طبق نیاز خود، خودشان همت به خرج دهند و از مسئولانشان بخواهند و همه با هم به سمت مقاصد بزرگ خود حرکت کنند ـ که بحمدالله ملت ایران این طور عمل می کند ـ یقینا میدان برای زورگوییها و استکبارها و قلدریهای بین المللی باز نمی شد. متأسفانه دنیا این طور نیست؛ اما

ملت ایران این گونه است.

...درعین حال بایـد بداند دشـمن درباره او چه فکری دارد و چه نقشه ای را برای دشـمنی طرح کرده است. برادران و خواهران عزیز! اگر از دشـمن غافل شدید و غافل شدیم، یقینا دشـمن از این غفلت اسـتفاده خواهد کرد و راه پیشرفت و استقلال ملت را سد خواهد نمود. (۲۴/۰۷/۱۳۷۶)

مشارکت مردم در مسایل اقتصادی

مشارکت مردم در مسایل اقتصادی

ما به صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام رضوان الله تعالی علیه، مکرر در مکرر، درباره مشـارکت دادن مردم، توصـیه می کردنـد و حرف می زدنـد. آن روزهـا، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریبا از میـدان های گوناگون دور می کرد. بعـد هم بحمـدالله همه به این رسـیدند که نه؛ مردم بایستی در مسائل گوناگون کشور، چه مسائل اقتصادی و چه سایر زمینه ها _ در مسائل سیاسـی که بحمدالله حالا هم دخالت دارند _ شـرکت و دخالت داشـته باشـند. امروز هم این طوری است؛ باید هم باشد. (۰۸/۰۶/۱۳۷۵)

کار یک ارزش والا و جهاد

کار یک ارزش والا و جهاد

به همه توصـیه می کنم که کار را یک ارزش والا بداننـد. امروز حقیقتا کار، در هر جبهه ای که باشد، یک جهاد محسوب می شود. کسانی هم که برای خودشان کار می کننـد، بایـد بکوشـند که کارشان در جهت اهـداف کشور، ملت و مصالـح عمومی باشد. (۰۱/۰۱/۱۳۷۱)

ص:۱۶۹

مردم اجزای تعیین کننده و اصلی نظام

مردم اجزای تعیین کننده و اصلی نظام

این مردمی که در هر شهری هستند، اجزای اصلی نظام و تعیین کننده می باشند. اگر خدای نکرده جنگی بشود، اینها هستند که باید بیایند دفاع کنند. اگر سازندگی باشد، اینها هستند که در سازندگی باید شرکت کنند. اگر حمایت از حرکتی باشد، به وسیله اینها باید انجام بگیرد. اگر خنثی کردن توطئه دشمن باشد، به وسیله اینها باید انجام بگیرد. (۰۷/۰۳/۱۳۶۹)

مشارکت هرچه بیشتر دانشجویان

مشارکت هرچه بیشتر دانشجویان

بارها در مجامع دانشجویی گفته ام که در این نظام مردمی، دانشجویان که طبقه پیشرو و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره اجتماع هستند، باید در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر نقش و اثر داشته باشند. (۲۳/۳/۱۳۶۸)

اقتدار اقتصادی با تولید چند برابر

اقتدار اقتصادی با تولید چند برابر

تلاش همه قشرها و آحاد مردم و مسئولان رتبه های اول و دوم و سوم در نظام دولتی باید این باشد که بر اقتدار نظام جمهوری اسلامی اضافه کنند، و اقتدار سیاسی و اقتصادی و نظامی حاصل نمی شود، مگر با سازندگی. تمام کسانی که در اداره و سازندگی کشور نقش دارند، باید تلاش خود را چند برابر کنند. در صحنه تولید، تولیدگران باید تا جایی که توان دارند، تولید کشور را بالا ببرند. بخش های اداری و دولتی باید با حسن عمل و جلب اعتماد مردم و با ارایه خدمات مخلصانه به آنها، بر کیفیت کارشان بیفزایند، و کسانی که در زمینه های فرهنگی برای مردم منبع الهام و ارشاد

هستند، تلاش خود را اضافه کنند. (۲۶/۳/۱۳۶۸)

سازندگی همه جانبه کشور و رفع فقر و محرومیت

سازندگی همه جانبه کشور و رفع فقر و محرومیت

وظیفه دوم، توجه به سازندگی و آبادانی کشور است. اگر ما نتوانیم کشور خود را بسازیم، ملت های مسلمان از ما مأیوس می شوند و دشمنان نیز نسبت به ما جری خواهند شد. بدگوها خواهند گفت اینها نتوانستند کشورشان را بسازند و آباد کنند. ما وظیفه داریم برای آبادانی کشور تلاش کنیم و سازندگی را در همه ابعاد طبیعت و شهرها و روستاها و اقتصاد و صنعت و کشاورزی و اشتغال و... محقق سازیم. همچنین وظیفه داریم فقر و محرومیت را در کشور از بین ببریم و به زندگی این قشر[محرومین] بیشتر رسیدگی کنیم. این، وظیفه ما و وصیت امام رحمه الله است.

سازندگی باید در تمام ابعاد مادی و معنوی آن صورت گیرد. هم باید چرخ های اقتصاد به حرکت درآید، و هم باید روحیه معنوی و اخلاق و رابطه با خدا در ما تقویت شود. همه ما در قبال این وظیفه بزرگ مسئولیم. از من که به عنوان یک طلبه در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی دارم، تا علما و دانشگاهیان و کارگران و کشاورزان و شهری و روستایی و کارمند و بازاری و هر کس که می تواند در راه این سازندگی بزرگ کوشش کند، باید نهایت تلاش خود را انجام دهیم. خوشبختانه مسئولان کشور مشغولند. کمک و حمایت مردم هم بایستی دایما پشتوانه کار آنها باشد.

اگر بخواهیم این دو وظیفه بزرگ را به نحو مطلوب انجام دهیم، باید همواره یک راز را که رمز پیروزی و توفیق در سازندگی و توفیق در حفظ

انقلاب و جمهوری اسلامی بود، مورد توجه قرار دهیم و آن، «وحدت کلمه» است. (۰۳/۰۴/۱۳۶۸)

راه پیروزی مجاهدت در همه اشکالش

راه پیروزی مجاهدت در همه اشکالش

همه ملت ایران این را میدانند و باید بدانند و شما باید بدانید و می دانید. راه پیروزی نهایی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه اشکالش؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی ــ و آنجایی که لازم است، مجاهدت نظامی ــ و ایمان و جهاد را از دست ندهند. (۱۹/۱۱/۱۳۸۷)

مشارکت نیروهای مسلح درسازندگی

مشارکت نیروهای مسلح درسازندگی

نیروهای مسلح باید در سازندگی شرکت کنند. اولا در سازندگی درونی به شکل جهادی، به شکل بسیجی، به شکل انسان های انقلابی، بدون انتظار فراهم آمدن همه جزییاتی که برای آدمهای معمولی لازم و مؤثر است، سر از پا نشناخته، عاشقانه، با جوشش ابتکار و استعداد، بدون این که گفته شود این را نداریم و آن را نداریم، حتی با دست خالی شرکت کنند. سازندگی، آن جا که متکی به عشق و شوق و ابتکار و خلاقیت انسان ها باشد، با همه فقدها و نداشتنها هم میسر است. ما بحمدالله دچار نداشتن هم نیستیم. ما می خواهیم بجوشیم. ما می خواهیم استعدادها بروز کند. ثانیا در بیرون نیروهای مسلح، ارتش و سپاه می توانند سهم خود را در بازسازی عمومی کشور هم ایفا کنند؛ همچنان که امروز هر دو سازمان ــ و بخصوص سپاه ــ

طرحهای بزرگی را از سازندگی عمومی کشور بر عهده گرفته و شریک شده اند. (۱۲/۱۰/۱۳۷۰)

اقتصاد زنده وفعال با مشارکت همه مردم

اقتصاد زنده وفعال با مشارکت همه مردم

امروز، همه امور کشور، به همه مردم در شهرهای دور دست و روستاهای دورافتاده و عشایر و چادرنشینها و مردم شهرهای بزرگ مربوط است. اقتصاد کشور هم به وسیله مردم و با پشتیبانی آنها باید زنده و فعال بشود. سیاست و استقلال و حضور در صحنه بین المللی و مبارزه با استکبار جهانی هم باید به وسیله مردم و با علم و آگاهی آنها انجام بشود و به همین خاطر است که گویندگان و صدا و سیما و ارتباطات عمومی و رسانه های جمعی و روزنامه ها و همه کسانی که با مردم سر و کار دارند، موظفند مردم را نسبت به مسائل مهم کشور و انقلاب و آنچه که بر انقلاب و مسیر آن می گذرد و دشمنیهایی که می شود و نفوذیهای داخلی آن دشمنها، آگاه و روشن کنند. باید مردم همه مسائل مهم کشور را بدانند. (۲۲/۰۹/۱۳۶۸)

التیام و ائتلاف همراهی و همسویی کارگر و کارفرما

التیام و ائتلاف همراهی و همسویی کارگر و کارفرما

در مورد مسئله کارگر و کارفرما هم همین است؛ دو تا عنصرند، اینها باید دستها را در دست هم بگذارند تا کار به وجود بیاید، تا تولید به وجود بیاید. کارگر بدون کارفرما کاری از او ساخته نیست، کارفرما هم بدون کارگر هیچ کاری نمی تواند بکند. این دو تا کنار هم که قرار گرفتند، یک رابطه سالم، اخلاقی و انسانی بین خودشان تعریف کردند، آن وقت فضا

می شود فضای گسترش تولید. علاوه بر پیشرفت مادی، معنویت هم به وجود می آید. این، نگاه ماست. ما نه کارفرما را مثل آن جریان چپ، ملعون و مطرود می دانیم؛ نه مثل آن جریان راست، سلطان و صاحب اختیار می دانیم؛ نه، کارفرما می تواند عنصر شریفی باشد ــ وقتی حقیقتاً همکاری بکند، واقعاً شریف است ــ عنصر شریف دیگری در کنار عنصر شریف کارگر؛ با همدیگر، دست در دست هم، با روابط تعریف شده انسانی و اسلامی حرکت کنند. این، آن پایه کار است. همه باید در این جهت کار کنند. طراحان، سیاست سازان، سیاستمداران، کسانی که در مرحله اجرا قرار دادند، باید در این جهت کار کنند. آن وقت خود کارگر و خود کارفرما هم باید با اخلاصِ کامل سعی کنند محصول کارشان کشور را جلو ببرد.

پیشرفت مادی کشور متوقف بر دو عنصر علم وتولید

پیشرفت مادی کشور متوقف بر دو عنصر علم وتولید

پیشرفت مادی کشور در درجه اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می بیند؛ کشور با علم پیش می رود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحول و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا می زند.

دوم، تولید است. تولید، چه در عرصه صنعت، چه در عرصه کشاورزی، از اهمیت درجه اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه نفت و گاز دنیا هم زیر زمینهای ما و در چاه های ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمیخورد؛ کمااینکه می بینید کشورهایی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی ــ

چه ذخائر انرژی، چه ذخائر فلزهای بسیار ذی قیمت و کمیاب _ در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت بار و فلاکت باری دارند. باید تولید در کشور _ بخصوص تولید دانش بنیان، متکی به دانش و مهارتهای علمی و تجربی _ پیش برود؛ این به دست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند. (۸/۲/۱۳۸۹)

کارآفرینی یعنی جهاد اقتصاد

کارآفرینی یعنی جهاد اقتصاد

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معناش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم کنندگان را ناکام می کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال های گذشته در زمینه های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند

خب، ولی این[فشار ومشکلات اقتصادی] دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

ما البته سنگ بنای اصلی را با سیاست های اصل ۴۴ گذاشتیم؛ یعنی حقیقتاً اگر سیاست های اصل ۴۴ که خود آن اصل، مفسر مواد این اصل هست، ما از خود اصل استفاده کردیم و آنچه را که در سیاست های اصل

۴۴ هست، تبیین کردیم و اگر این، ان شاءاللّه به طور کامل، دقیق، همه جانبه، مستمر اجرا بشود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

منابع مادی و معنوی در خدمت انسانیت

منابع مادی و معنوی در خدمت انسانیت

امروز جهاد بزرگ ملت ایران در هرجا که هستند، این است که سعی کنند این کشور را ـ همان طور که اسلام و قرآن گفته است ـ با عزت و به کمال معنای آبادی و عمران بسازند. ملت ایران می تواند این کشور را آباد کند و ذخایر و منابع مادی و معنوی آن را در خدمت انسانیت قرار بدهد. ملت در هرجا که هستند، باید پشت سر مسئولان خدمتگزار، سعیشان این باشد. البته مسئولان هم موظفند که برای این ملت صمیمی و مخلص و مؤمن و شایسته، تا آن جا که می توانند، خدمتگزاری کنند و بحمدالله می کنند. (۳۰/۰۵/۱۳۷۰)

همدلی، همفکری، همکاری و صمیمیت بین اطراف کار

همدلی، همفکری، همکاری و صمیمیت بین اطراف کار

خب، آنچه در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی پیش آمد و بحمداللّه در جریان است، محیط صفا و محبت و برادری بین اطراف کار است. نه اینکه کسانی نمی خواهند به کارگر ظلم کنند، نه اینکه یک جاهایی ممکن است حقوقی نادیده گرفته نشود یا نیازهایی مورد توجه قرار نگیرد؛ خب، از این قبیل چیزها هست؛ لیکن سیاست نظام، سیاست مسئولان، جریان کلی حاکم بر نظام اسلامی، ایجاد همدلی، همفکری، همکاری و صمیمیت بین اطراف کار است؛ هم کارفرما، هم کارگر، هم مسئولین دولتی. این

چیزهـایی که الان وزیر محترم و گرامی کـار و امور اجتمـاعی بیـان کردنـد، چیزهای مهمی است؛ بعضـی از اینها انجام گرفته است، بعضـی هم با صبر و حوصـله و پشـتکار و تا آنجایی که ممکن است با شـتاب، بایـد انجام بگیرد و پیش برود. ما بایـد ان شاءاللّه به فضل الهی، جامعه کارگری مان یکی از جوامع برخوردار و بهره مند جامعه باشد. (۷/۲/۱۳۹۰)

تولید کالای محکم، مطلوب، زیبا، با سلیقه و بادوام

تولید کالای محکم، مطلوب، زیبا، با سلیقه و بادوام

آنچه که من به جـامعه کـارگری سـفارش میکنم، اتقـان و محکم کـاری است. این حـدیث را من مکرر خوانـده ام که فرمـود: «رحم اللّه امرء عمل عملا فأتقنه». پیغمبر میفرمایـد: کار را محکم بایـد انجام داد، درست بایـد انجام داد؛ رحمت خـدا بر چنین کسی.

ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سـلیقه و بادوام در ذهن مصرف کننده ایرانی و غیر ایرانی بـاقی بمانـد. این بایـد همت مجموعه کـارآفرینی و کارگری و متصـدیان این امر باشـد. البته این کار، پیش نیازهـایی دارد. ممکن است آموزش مهارتهای لازم، دوره های ایجاد مهارت لازم باشـد _ که اینها کار دسـتگاه های دولتی و امثال دولتی است _ لیکن باید هدف این باشد. کارگر ایرانی آنجایی که ذوق خود را به کار میبرد، سلیقه خود را به کار میبرد و سرپنجه ماهر خود را به کار میبرد، کار جالب و تماشایی از آب در می آید.

این کارهای هنری آمیخته ای از هنر و کار که ایرانی ها در گذشـته داشـتند، امروز هم وجود دارد؛ این معنا محسوس و مشهود است. آنجایی که ذوق و هنر ایرانی به میدان می آید _ همین کارگری که دارد کار میکند،

ابتکارش، ذوقش، هنرش، محکم کاری اش ــ کار می شود جالب و ماندگار. الان خوشبختانه در تولیدات کشور محصولات زیادی هست که از مشابهات خارجی اش بعضی بهتر است، بعضی بمراتب بهتر است؛ هم زیباتر، هم محکمتر، هم جالبتر؛ این را ما باید عمومیت بدهیم، در همه مواد تولیدی مان؛ چه مواد مصرفی خوراکی، چه مسائل مربوط به پوشاک، چه مسائل زندگی، چه مسائل تزیینی. در همه چیزهایی که تولید می شود، باید این را در نظر بگیریم؛ و می توانیم. مجموعه کارگری، طراحان، مهندسان، سرمایه گذاران، کارگران دستی، کارگران ماشینی می توانند این کار را انجام دهند. ما باید همتمان را بر این قرار بدهیم؛ ایجاد محصول بادوام، زیبا و فاخر. این، یک کار کلان است. (۷/۲/۱۳۹۰)

ص:۱۷۸

فصل سوم: بایدها و بایسته های روحی

اشاره

فصل سوم: بایدها و بایسته های روحی

زیر فصل ها

آمادگی و هشیاری نسبت به مضیقه های اقتصادی

وحدت کلمه پیش نیاز استحکام بنیان ها

جهاد اقتصادی با روحیه و تعهد و پاکدامنی

گشایش اقتصادی همراه با فرهنگ دینی

مبارزه با مفاسد اقتصادی جهادی از سر اخلاص

تقویت روحیه داخلی

روحیه مجاهدت و جهاد در دانشگاه ها

اتحاد و انسجام

تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد استغنای از دیگران

روحیه جهادی

لزوم توجه به بهره وری صحیح و فرهنگ درست مصرف در جامعه

جهاد علمی برای تولید صنعتی

رعایت وجدان کاری در مجموعه کاری و مسوولان

ابتکار و خلاقیت با کارگران ماهر

کیفیت با دستان کارآمد و دل های مومن

حفظ روحیه انقلابی در سازندگی کشور

کارآمدی نظام با مجاهدت در راه خدا

ساخت واقعیت با آرمان گرایی و روحیه جهادی

جهاد اقتصادی با همت و ایمان های عمیق

جهاد و مبارزه در سایه اتصال به خدا

توجه به مسئله اصلی با روحیه و فرهنگ دینی و جهادی

مقاومت و جهاد در جبهه اقتصادی وظیفه ای الهی

شاخص عمده، ایمان

حفظ ارزش ها و سازندگی دو امر مهم و همتراز

نیت اگر نیت خدایی باشد، می شود جهاد فی سبیل اللّه

کار و تلاش، علاج همه دردهای جامعه

اهمیت و نقش ایمان در سازندگی کشور

جهاد معلمان تربیت نیروی انسانی..

آمادگی و هشیاری نسبت به مضیقه های اقتصادی

آمادگی و هشیاری نسبت به مضیقه های اقتصادی

این جانب، از همه آحاد ملت و اقشار گوناگون می خواهم که حفظ آمادگی و هشیاری و توجه به توطئه های دشمنان را فریضه انقلابی خود بدانند و نیات پلید دشمنان را از موضعگیریهای سیاسی و تبلیغاتی جهانی آنان و نیز از شایعه پردازیها و ایجاد مضیقه های اقتصادی کشف کنند و بدانند که در صورت آمادگی و هشیاری، همه توطئه های دشمن خنثی می گردد و پیروزی از آن ملت ایران خواهد بود. (۱۸/۰۳/۱۳۶۸)

وحدت کلمه پیش نیاز استحکام بنیان ها

وحدت کلمه پیش نیاز استحکام بنیان ها

برای این که ما بنیان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش نیاز اولی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروه ها و تشکیلات و جناحهای گوناگون اعلام

انحلال کننـد؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسـبت به هم خوشبین باشـند؛ «رحماء بینهم» باشـند؛ همدیگر را تحمل کنند؛ در جهت ترسیم هدف های والا و عالی و برای رسیدن به

ص:۱۷۹

آنها به یکـدیگر کمک کننـد و از ایجاد تشـنج، بـداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه ما این است. (۰۷/۰۳/۱۳۸۱)

جهاد اقتصادی با روحیه و تعهد و پاکدامنی

جهاد اقتصادی با روحیه و تعهد و پاکدامنی

در دوران جنگ، کارگران و بسیاری از صـنعتگران ما، با فـداکاری توانسـتند حرکت صـنعتی را در کشور از توقف و رکود و مرگ نجات دهنـد. مردم، مؤمن و متعهدنـد. مسـئولان باید با همان روحیه تعهد، علاقه مندی به مصالح مردم، توجه به مصالح عالیه انقلاب و پاکدامنی و پاکدستی، این حرکت عظیم را ادامه دهند. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

گشایش اقتصادی همراه با فرهنگ دینی

گشایش اقتصادی همراه با فرهنگ دینی

هر کس.. رییس جمهور قانونی این کشور شد، در برنامه ریزی ها باید به این دو چیز اهمیت بدهد: یکی از این دو چیز عبارت است از گشـایش اقتصـادی و ایجـاد غنـا در کشور ــ رفع مشـکلات و اصـلاح امور اقتصـادی ــ دیگری ارتقـاء فرهنگ دینی. (۲۸/۰۲/۱۳۸۰)

مبارزه با مفاسد اقتصادی جهادی از سر اخلاص

مبارزه با مفاسد اقتصادی جهادی از سر اخلاص

تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و تهیه طرح مبارزه با فساد که دو قوه مجریه و قضاییه بدان همت گماشته اند، عزم جدی مسـئولان را به اقدام در این امراساسی و حیاتی نوید می دهد. حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حـال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصـله طولانـی خویش بـا نظـام آرمـانی علوی و اسـلامی بدانـد، و این جهـادی از سر اخلاص و همتی سستی ناپذیر میطلبد. جمهوری اسلامی که جز

خدمت به مردم و افراشتن پرچم عدالت اسلامی، هدف و فلسفه ای ندارد نباید در این راه دچار غفلت شود؛ رفتار قاطع و منصفانه علوی را باید در مد نظر داشته باشد؛ و به کمک الهی و حمایت مردمی که عدالت و انصاف را قدر میدانند تکیه کند. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

تقویت روحیه داخلی

تقویت روحیه داخلی

یکی از مسائل مهم، مسئله تقویت روحیه داخلی است تقویت روحیه جزو چیزهایی است که از وظائف اصلی ماست؛ چه به حیث مسئولین، چه به حیث روحانیون و معممین؛ این جزو چیزهایی است که باید هیچ وقت این را فراموش نکنیم. (۲۵/۶/۱۳۸۹)

روحیه مجاهدت و جهاد در دانشگاه ها

روحیه مجاهدت و جهاد در دانشگاه ها

در درجه اول توی دانشگاه ها کار علمی، کار پژوهشی و تحقیقی، کار معنوی و ایمانی، حاکم کردن روحیه مجاهدت و جهاد بر همه فعالیت ها، قلمهای اصلی ای است که باید وجود داشته باشد. (۲/۴/۱۳۸۹)

اتحاد و انسجام

اتحاد و انسجام

امروز کشور به اتحاد کلمه خیلی نیازمند است. بنده مخالفم با سخنی و حرکتی و نوشتاری که ــ حتی اگر با انگیزه درست و با انگیزه صادقانه است ــ موجب شقاق و شکاف می شود؛ بنده موافق نیستم. اگر کسی نظر من را می خواهد بداند، نظر من این است که عرض کردم. ما بایستی انسجام را ایجاد کنیم. (۲/۴/۱۳۸۹)

تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد استغنای از دیگران

تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد استغنای از دیگران

ص:۱۸۱

به مسئولین محترم بخش های گوناگون و به تناسب بازدیدِ امروز بخصوص به این بخش توصیه می کنیم، این است که همین خط مستقیمِ تکیه به نیروی درونی و ذاتی خود و ایجاد استغنای از دیگران را با جدیتِ تمام دنبال کنند؛ بدانند این تلاش و فعالیت، مورد توجه پروردگار است و جهاد فی سبیل اللّه است؛ اگر با نیت الهی باشد ــ نیت خدمت به مردم و خدمت به کشور، یکی از نیات الهی است ــ و خدای متعال این جهاد را به نتیجه میرساند. این خط و این جهت گیری را رها نکنند، تلاش کنند. (۱/۱/۱۳۹۰)

روحیه جهادی

روحیه جهادی

[در جهاد اقتصادی]اولاً روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می کنیم. اگر ما در بخش های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی ناپذیر انجام دهیم ــ نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف ــ بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت. (۱/۱/۱۳۹۰)

لزوم توجه به بهره وری صحیح و فرهنگ درست مصرف در جامعه

لزوم توجه به بهره وری صحیح و فرهنگ درست مصرف در جامعه

مرتب از این که ما از لحاظ آب در مضیقه هستیم، حرف می زنند؛ خوب بله، ما می دانیم کشور ما از آن کشورهای پر آب نیست؛ اما آیا از همین

آبی که امروز داریم، استفاده بهینه می شود؟ جواب، منفی است. این، جزو کارهای وزارت جهاد کشاورزی و وزارت خانه ها و دستگاه های گوناگون دولتی است که آموزش چگونگی استفاده از آب، تنظیم جریان آب در بخش های مختلف، نگهداری از همین مقدار آبی که از نزولات مبارک آسمانی است، با انواع و اقسام شیوه هایی که امروز در دنیا معمول است، جزو کارها قرار بگیرد. بنابراین، کشور ما از کشورهای پر آب نیست، اما همین مقدار آبی که داریم، قادر است محصولات کشاورزی را سیراب کند. در زمین هم همین طور هستیم. من در گزارش ها خوانده ام که ما امروز اندکی بیش از هجده میلیون هکتار زمین قابل کشت داریم؛ در بخش های مختلف: دیمی و آبی و باغی و غیره، که این مقدار می تواند به سی میلیون هکتار افزایش پیدا کند؛ یعنی نزدیک به دو برابر. من در بعضی از بخش های این کشور ــ در مسافرت هایی که کرده ام ــ زمین هایی را دیده ام که با «کار» می توانند تبدیل بشوند به زمین های قابل کشت. ما خیلی امکانات در این کشور داریم. ما یک کشور به معنای حقیقی کلمه غنی هستیم و این «غنا» را مردم باید حس کنند؛ از این غنا باید استفاده کنند. به زارع می توانیم بگوییم روی این زمین، خوب و با شیوه علمی کار کن و محصول به دست بیاور؛ چیز دیگری در اختیار او نیست؛ ولی این مسئولانند که بایستی نظام این کار را طراحی کنند. (۱۴/۱۰/۱۳۸۴)

جهاد علمی برای تولید صنعتی

جهاد علمی برای تولید صنعتی

ما باید علم را یاد بگیریم، برای این که خودمان کشور را بسازیم. در میان

ص:۱۸۳

ملت مـا، اسـتعداد و روح خلاقیت زیاد است. این همان ملتی است که تا چنـد قرن پیش، مشـعلدار علم در دنیا بوده است. ما از لحـاظ اسـتعداد و تـوان علمی بـالقوه، چیزی کـم نـداریم؛ چرا بایـد از کـاروان علـم و صـنعت عقـب بمـانیم، تـا آن جـایی که کوچکترین چیزها را هم آنها برای ما درست کنند؟! (۱۳/۰۹/۱۳۷۰)

رعایت وجدان کاری در مجموعه کاری و مسوولان

رعایت وجدان کاری در مجموعه کاری و مسوولان

امروز در کشور ما خوشبختانه تحرک و تلاش کار، تلاش خوبی است. مجموعه دست اندرکاران تولید، تلاش خوبی را انجام دادنـد و پیشـرفت کردنـد؛ ولی مـا هنوز در اوائـل راهیم. ما بایـد خیلی جلو برویم، خیلی بایـد تلاش کنیم. هم وجـدان کاری، محکم کـاری و درسـتکاری در مجموعه تولیـد _ یعنی کـارگر و مولـد کـار و تولیدکننـده کار _ لازم است، هم در مسـئولین دولتی و مسئولین رسمی، رعایت و مراقبت و توجه لازم است که این حرکت، حرکت صحیح و متعادلی باشد و انجام بگیرد. و البته همان طور که در اول عرایضم عرض کردم، تقـدس کار و تکریم کننـده کار باید در رأس برنامه ها قرار بگیرد و همه این را بداننـد. کـارگر، محترم است. کارگر با دست خود، با مغز خود، با کار خود، با جسم و جان خود دارد کشور را به اسـتقلال میرساند. (۰۴/۰۲/۱۳۸۷)

ابتکار و خلاقیت با کارگران ماهر

ابتکار و خلاقیت با کارگران ماهر

با توجه به این اسـتعداد بالا، ما هم در زمینه مسائل کاری، باید کارگر ماهر داشته باشیم؛ باید ابتکار در مسئله کار داشته باشیم؛ باید محیط های

ص:۱۸۴

کارگری ما مجموعه ای از نیروهای فعال و توانا و کاردان باشد؛ نه کارگری که نمی داند چه کار می کند. مسئولان بایستی زمینه ابتکار و خلاقیت را فراهم کنند و روزبه روز پیش ببرند. البته کارهای زیادی هم شده است _ نه این که بخواهیم بگوییم نشده _ ولی باید بیشتر بکنند و در این جهت سریعتر پیش بروند. (۱۰/۰۲/۱۳۷۶)

کیفیت با دستان کارآمد و دل های مومن

کیفیت با دستان کارآمد و دل های مومن

وقتی دست کارآمد، با دل مؤمن همراه و همنوا باشد، آن وقت کارها کیفیت پیدا می کند. من می خواهم عرض کنم: کارگران کشور، در هر نقطه که مشغول کار سازنده ای برای آبادانی کشور هستند، بدانند که مشغول مبارزه اند. این مبارزه را هر چه می توانید با کیفیت بهتر و محکمتر انجام دهید. (۰۹/۰۲/۱۳۷۱)

حفظ روحیه انقلابی در سازندگی کشور

حفظ روحیه انقلابی در سازندگی کشور

علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئنا نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه مطلوب را به دنیا ارایه بدهد.

البته، در مسائل داخلی و سازندگی، رفاه و رفع مشکلات و ایجاد سازندگی، تنها هدف نیست. در مسائل داخلی هم، تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رعایت طبقات ضعیف و محروم، یک رکن اصلی

است؛ همچنان که در سطح حرکت عمومی کشور، اخلاق و روحیات اسلامی و برادری و گذشت و ایثار و بقیه خلقیات حسنه اسلامی هم، باید مورد توجه قرار بگیرد. (۱۲/۰۵/۱۳۶۸)

کارآمدی نظام با مجاهدت در راه خدا

کارآمدی نظام با مجاهدت در راه خدا

باید روح زندگی علوی ــ یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا ــ را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی یی که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش ها و اصول خود عملا نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی خواهند؛ جنجال و هیاهو می کنند؛ اهمیتی هم ندارد. (۰۶/۰۸/۱۳۸۳)

ساخت واقعیت با آرمان گرایی و روحیه جهادی

ساخت واقعیت با آرمان گرایی و روحیه جهادی

بعضیها اشتباه می کنند که در مقابل آرمان گرایی، واقع بینی را مطرح می کنند. در نظر اینها واقع بینی نقطه مقابل آرمان گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان گرایی، خودش واقعیت ها را در جامعه می سازد. یک مجموعه با آرمان و دارای هدف های بلند

می تواند واقعیت ها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود آورد. دنیا این طور پیش رفته است. آرمان ها را کنار بگذاریم، به بهانه واقع بینی؟! این کمال غفلت است. آرمان گرایی به وجود آورنده واقعیت های شیرین و مطلوب است. وقتی یک انسان، یک مجموعه و یک ملت با مسئولان و دست اندرکارانش پای آرمان ها ایستادند و حاضر نشدند کوتاه بیایند و برایش کار کردند، چه اتفاقی می افتد؟ واقعیت ها به سمت آرمان ها تغییر می کند. این خودش بزرگترین واقعیت و قانون زندگی است؛ چرا بعضی این را فراموش می کنند؟ لفظ «جهاد» در اول اسم وزارت جهاد کشاورزی معنا دارد؛ یعنی کار باید با روحیه جهادی صورت گیرد. این وزارتخانه امروز می تواند و می باید با همین روحیه وارد میدان کار شود. این کارهایی را هم که گفتند، خوب است؛ اما خیلی باید کار کرد؛ هنوز خیلی نواقص وجود دارد. (۱۴/۱۰/۱۳۸۲)

جهاد اقتصادی با همت و ایمان های عمیق

جهاد اقتصادی با همت و ایمان های عمیق

همه باید تلاش کنند؛ هم مسئولان و هم آحاد مردم. باید علم و تجربه و امکانات فنی و استفاده بهینه از موجودی طبیعی و انسانی را به احساس مسئولیت و ابتکار و پیگیری و دلسوزی بیامی زند. امیدواریم در مجموعه وزارت جهاد کشاورزی، این آمیزه مهم چندگانه بتواند کارساز باشد. ادغام این دو وزارتخانه باید این امید را در دل ها زیاد کند که جنبه های مثبت را تعمیم دهد؛ هم جهاد سازندگی که از اول انقلاب می داندار کارهای بسیار

بـاارزش و مهم بود، و هم وزارت کشـاورزی سـابق که مجموعه ای از تجربه ها و امکانات فراوان در آن متراکم بود. همه اینها به کـار ادامه این راه مهم می آیـد. کارهـای بزرگ، به همت های بزرگ و به ایمانهای عمیق ـ ایمان به کار، ایمان به مردم و پشت سر و مهم تر از همه اینهـا، ایمـان به خداونـد و پـاداش الهی ـ احتیـاج دارد و یـک کـار جهادی لازم است؛ جهاد یعنی همین. اگر بخواهیم کشاورزی سروسامان واقعی پیدا کند، باید این جهاد را انجام دهیم. (۱۲/۱۰/۱۳۸۰)

جهاد و مبارزه در سایه اتصال به خدا

جهاد و مبارزه در سایه اتصال به خدا

دل های مردم را با خـدا آشـنا و مأنوس کنید. جهاد و مبارزه و اسـتقامت و سازندگی کشور و دنیا و آخرت، در سایه اتصال به خدا و آشنایی دل ها با او امکان پذیر است. (۲۲/۱۲/۱۳۶۹)

توجه به مسئله اصلی با روحیه و فرهنگ دینی و جهادی

توجه به مسئله اصلی با روحیه و فرهنگ دینی و جهادی

ما می توانیم. امکانات به انـدازه کافی در اختیار مسـئولان کشور هست برای این که بتواننـد کارها را انجام دهند. شـرطش این است کـه کـار را وجهـه همت اصـلی قرار دهنـد. سـرگرمیهای سیاسـی، طرح مسائـل غیرلازم و خیـالی، بزرگ کردن مسـائل کوچک و در سایه بزرگ کردن آنها، پوشاندن مسائل اصـلی کشور، مضـر است. مسائل اصـلی کشور، مسـئله اقتصاد و مسـئله علم و ارتقـای پـایه علمی دانشـگاهها و همـان جنبش نرم افزاری است که مـا بارها در دانشـگاهها و در دیـدار با دانشـجویان و اساتید در میان

ص:۱۸۸

گذاشته ایم؛ همچنین مسئله حفظ روحیه و فرهنگ دینی جوانان است. اینهاست که می تواند یک ملت و بخصوص ملت ما را سر پا و مستحکم نگهدارد و توطئه های دشمن را خنثی کند. بنابراین مسئولان اولا در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، علمی و در زمینه مبارزه با مفسدان و مخربان تلاش کنند و کار را وجهه همت خود قرار دهند. دوم این که اختلافات را کنار بگذارند. این اختلافات و دوگانگی ها برای مصالح کشور و منافع مردم و نیروی مقاومت در مقابل دشمن، زیانبار است. (۱۳/۰۸/۱۳۸۱)

مقاومت و جهاد در جبهه اقتصادی وظیفه ای الهی

مقاومت و جهاد در جبهه اقتصادی وظیفه ای الهی

ما در جمهوری اسلامی به عنوان کسانی که متصدی و متعهد یک تکلیف و وظیفه هستیم، چه تکلیفی داریم؟ این که می گویم ما متعهد و موظفیم، به خاطر این است که جمهوری اسلامی بر اساس یک فکر، یک آرمان و یک هدف بزرگ و والا و مقدس به وجود آمده است و کسانی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و پیام انقلاب هستند، فکر نمی کنم از این معنا تخلفی داشته باشند. ما فکر می کنیم یک وظیفه و تکلیف الهی و مسئولیت خدایی را انجام می دهیم. به همین دلیل است که بنده معتقدم اگر مسئولان _ چه شما که در مجلسید و چه آنهایی که در دستگاه های اجرایی کشورند _ کاری را که بر عهده آنهاست، انجام دهند، ثوابش پیش خدای متعال از بسیاری از عبادات بالاتر است؛ چون این بنا برای اعلای کلمه حق و احیای کلمه توحید ساخته شده است. ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه ای داریم و این مسئولیت را احساس می کنیم، در

مقابل این سـیل جهانی باید مقاومت کنیم. البته واقعیت جهانی سازی هم یکی از بخش های مهم و بارز همین سـیل است. فعلا مسـئله اقتصاد مطرح است؛ اما گفته و ناگفته، نوشته و نانوشته، جهانی سازی در زمینه سیاست و فرهنگ هم حتما وجود دارد و عمل می شود. آیا در مقابل این سـیل می شود مقاومت کرد؟ ما معتقـدیم بله، می شود مقاومت کرد؛ این وظیفه اصـلی ماست. (۰۱/۰۳/۱۳۸۱)

شاخص عمده، ایمان

شاخص عمده، ایمان

آن چیزی که به عنوان شـاخص، میـان نظام اسـلامی و جامعه اسـلامی و همه جوامع بشـری وجود دارد، در درجه اول این نکته است؛ مسـئله ایمان به خدا، ایمان به غیب، ایمان به راهی که خداوند متعال برای سـعادت دنیوی و اخروی انسان در مقابل بشـر قرار داده است. اگر امروز نظـام جمهوری اسـلامی در مقابـل نظـام هـای گونـاگون عالم سـخنی برای گفتن دارد، مطلبی برای تحـدی در قبـال نظـام هـای مادی در نظام جمهوری اسـلامی وجود دارد، به خاطر همین است که شاخص عمـده، ایمان است. امروز بشـر به خاطر بی ایمانی، دچار منجلاب های گوناگون زندگی است. بنابراین شاخص عمده، ایمان است. ایمان به خدا و راه خـدا و راه انبیـاء ــ که دنبـال آن، عمـل به این تعـالیم است ــ فقط برای تعالی معنوی نیست؛ اگرچه عمـده ترین ثمره آن، تعالی معنوی و تکامل انسانی و اخلاقی است؛ چون دنیا مزرعه آخرت است. از حرکت در زندگی دنیاست که انسان می تواند مدارج و

معارج را طی کنـد و پیش برود. لـذا زندگی مادی هم در گروی ایمان به خداست. پس ایمان به خدای متعال نه فقط سـعادت معنوی را تأمین می کنـد، بلکه سـعادت مادی را هم تأمین می کنـد. ایمان به خدای متعال موجب می شود که بشـر در زندگی مـادی خود بتوانـد همه آن چیزهـایی را که انسـان به آن نیازمنـد است، به دست بیاورد. «و لو انّهم اقاموا التّوریه و الانجیل و ما انزل الیهم من ربّهم لأـکلوا من فـوقهم و من تحت ارجلهم»؛(۳) اگر اقـامه دین بشود، اگر تعالیم اسـلامی در جامعه عمل بشود، انسان ها از لحاظ رفاه به آن حدی میرسند که هیچ نیازی برای آنها باقی نماند که تأمین نشده باشد. از لحاظ آسایش معنوی و روانی انسـان، احسـاس امنیت و آرامش، بـاز نقش ایمـان برجسـته است. به گفته قرآن: «قـد جـائکم من اللّه نور و کتـاب مبین. یهدی به اللّه من اتّبع رضوانه سبل السّلام» راه های سلامت را، راه های آرامش را، راه های امنیت روانی را قرآن به انسان تعلیم می دهـد؛ این راهی است که بشـر را به آرامش روانی میرسانـد؛ یعنی همان چیزی که امروز دنیا در فقدان آن، در حال التهاب است. پیشـرفت مـادی هست، پیشـرفت فن آوری و علمی هست، ثروت هـای کلاـن در دست جوامع هست؛ اما آسایش نیست، آرامش نیست. این به خاطر کمبود این عنصـر اساسی در زندگی انسان است، که عبارت است از ایمان. این یک مطلب اساسی با اسـتفاده از قرآن کریم است که در جمهوری اسـلامی، من و شـما، همه آحادمان، همه جوان هایمان، همه نسلهای رو به جلو که می خواهند فردای سعادتمندی را برای کشورشان و

برای خودشان و برای فرزندانشان تأمین کنند، باید به این توجه داشته باشند. اساس کار در نظام اسلامی ایمان است، که باید این ایمان را تأمین کرد؛ نه فقط در دل، بلکه در عمل، در برنامه ریزی ها و در همه اقدامها.

حفظ ارزش ها و سازندگی دو امر مهم و همتراز

حفظ ارزش ها و سازندگی دو امر مهم و همتراز

بعضیها وقتی که راجع به توسعه و سازندگی حرف زده می شود، می گویند: سراغ ارزش ها بروید. کأنه مسئله سازندگی و توسعه مادی و اقتصادی کشور، در درجه کمی از اهمیت قرار دارد. این طور از ارزش ها اسم آورده می شود که گویا مسئله ساختن کشور، در درجه بعد قرار دارد و اهمیتی ندارد. نقطه مقابل، وقتی که صحبت از ارزش ها می شود، بعضی می گویند: ما بایستی مملکت را بسازیم. اگر مملکت ساخته نشود، ارزش ها را نمی توانیم در دنیا معرفی کنیم. این دو حرف، هر دو درست است؛ یعنی هیچ یک از این دو حرف، در واقع رد حرف دیگری نیست. کشور باید از تمام ابعاد مختلف، ساخته شود. یعنی شما هر کدام، متصدی بخشی از بخش های کشور هستید، تلاش زیادی هم می کنید و این تلاش ها، بایستی باز هم حتی مضاعف شود و ان شاءالله با قوت و قدرت، این حرکتهایی که شما شروع کرده اید و بعضا به نتایج خوبی هم رسیده است، به نتایج نهایی برسد؛ لیکن در تمام این مراحل، بایستی آن ارزش های معنوی، آن چیزهایی که دو، سه مورد از آن را بعدا عرض خواهم کرد، در نظر باشد؛ که اگر نباشد، آن وقت این سازندگی، به آن مقصودی که شما از آن دارید، نخواهد رسید و نخواهد توانست آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و

دین و قدرت اداره یک ملت و یک کشور به وسیله احکام الهی را معرفی کند و نشان دهد.

آن چیزی که در زمینه این مسائل ارزشی، خوب است که عرض کنم و باید در همه بخش ها مورد توجه قرار گیرد ـ که البته اینها چیزهایی است که شاید فراگیرنده همه آنچه که لازم است در نظر باشد، نیست؛ لیکن بلاشک جزو مهم ترین آنهاست ـ یکی مسئله اعتماد به نفس مدیران و مسئولان کشور است. این، یک ارزش اساسی انقلاب ماست؛ که اگر این نباشد، به نظر من پایه های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. در تمام مسئولانی که در بخش های مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود. بعضا ممکن است برخی از مسئولان و بعضی از کسانی که در بخش های مختلف مشغول کار هستند ـ چه در زمینه های اقتصادی، چه در زمینه های فرهنگی و غیره ـ به تحلیل هایی دلبسته باشند که دیگران ـ حتی مثلا یک فرد عالم یا نویسنده ای ـ در یک مجله علمی منتشر کرده باشند. این تحلیل، آن چنان نظرها را به خودش جلب کند که اعتماد به نفس را سلب نماید و ذهن را از آن برنامه ای که ناشی از دیدن واقعیت ها در کشور است ـ چون هر کشوری اقتضائات و واقعیاتی دارد ـ غافل کند و منصرف سازد! (۰۸/۰۶/۱۳۷۵)

نیت اگر نیت خدایی باشد، می شود جهاد فی سبیل اللّه

نیت اگر نیت خدایی باشد، می شود جهاد فی سبیل اللّه

ص:۱۹۳

همه هم مسئولند. این مردان مؤمنی که بعضی از آنها را ما امروز دیدیم و بسیاری از شماها در این مجموعه مشغول کار هستید و جزو آنها هستید، این کارتان جهاد است. این کاری که در این منطقه صنعتی و اقتصادی عظیم دارد انجام می گیرد، یک جهاد است. نیت اگر نیت خدایی باشد، می شود جهاد فی سبیل اللّٰه. وقتی انسان برای اعلای کلمه حق، اعلای کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می کند، این جهاد می شود جهاد فی سبیل اللّٰه. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل اللّٰه وجود دارد. (۱۷/۰۸/۱۳۸۵)

کار و تلاش، علاج همه دردهای جامعه

کار و تلاش، علاج همه دردهای جامعه

درسی که خود ما باید بگیریم این است که بدانیم علاج همه دردهای یک ملت، تلاش و کار است؛ کار متکی به ایمان و امید، علاج همه دردهای یک ملت است. ملت بیکار، ملت تنبل، ملت کسل، ملت ناامید و ملتی که بگوید: «ای آقا! از دست ما چه کاری برمی آید، آنها هر کار که بخواهند، می توانند بکنند»، چنین ملتی به جایی نخواهد رسید. آنچه ما به دست آورده ایم، به خاطر این بوده است که ملت ما در این مدت، این روحیات را ـ که در طول دهها سال سعی کرده بودند در او تزریق کنند ـ بکلی دور ریخت. ملت ما ملتی است باامید و مؤمن . این که انسان احساس عجز بکند، غلط است؛ این که انسان حوصله کار کردن نداشته باشد، غلط است. جوان باید کار کند، محصل باید کار کند، دانشجو باید کار کند، روحانی باید کار کند، صاحب سرمایه باید کار کند، کارگر باید کار کند؛ هر کدام

کار خودشان را بکننـد. فعال صـنعتی و فعال کشاورزی باید تلاش کنند؛ فعال سیاسـی و اجتماعی باید تلاش کند؛ همه اینها به سمـت هـدف سـربلندی و پیشـرفت روزافزون ایـن ملت و این کشـور است. وقـتی این طـور شـد، همه چیز پیش خواهـد رفت. (۱۷/۰۸/۱۳۸۵)

اهمیت و نقش ایمان در سازندگی کشور

اهمیت و نقش ایمان در سازندگی کشور

نخستین نکته ناظر به جهت گیری کلی مجلس است که باید در سـمت و سوی هدف ها و شـعارها و ارزش های متعالی اسـلام باشد. این نکته اگرچه با توجه به این که مجلس، عصاره ملت مسـلمان و انقلابی و محصول انقلاب اسـلامی است، سـخن تازه یی نیست و توصـیف افتخـارآمیز «اسـلامی» در دنبـاله نـام مجلس شورا خود گویای طبیعت و جهت آن هست، لیکن در وضـع کنونی کشور که بحمدالله حرکت سازندگی با شـتاب و اسـتحکام، در حال اوجگیری است، توجه و اعتناء به این خصوصـیت، نقش و اهمیت تـازه یی می یابـد. شایـد یکی از عوارض دوران سازنـدگی در نظام های ارزشـی آن است که برخی افراد ساده انـدیش و ظاهربین را از نقش عامل ایمان و عقیـده و اصول پایه یی نظام غافل می سازد و این پنـدار غلط را بر آنان مسلط می کند که گویا با ورود به مراحل پیشـرفت سازندگی کشور، دوران شـعارهای مقدس و ارزش های اصـیل به سرآمده است. این تصـور باطـل همراه بـا برخی انگیزه هـای مـادی و شخصـی مـوجب آن می شـود که این گونه اشـخاص ارزش هـا را مورد بی اعتنایی قرار داده، رابطه تنه و شاخه را با ریشه، انکار کنند. برای پیشگیری از این پدیده خطرناک، بر زبدگان ملت

است که در همه برنامه ریزی ها به نقش بنیانی ارزش های اسلام و انقلاب تکیه یی حقیقی ــ و نه زبانی و ظاهری ــ نشان دهند. (۱۱/۰۳/۱۳۷۵)

جهاد معلمان تربیت نیروی انسانی..

جهاد معلمان تربیت نیروی انسانی..

اگر جمهوری اسلامی می خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، می خواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند ــ همچنان که قرآن به ما یاد می دهد که می توان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد ــ اگر می خواهد به ملت های دیگر کمک برساند، که «کنتم خیر امّه اخرجت للنّاس»،(۲) شاهد و مبشر ملت های دیگر باشد، خب، طبیعتاً نیازهایی دارد: باید انسان های شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوّت خطرپذیری، ورود در میدان های جدید، بدون هیچگونه عقده خودکم بینی یا خودبرتربینی، انسان های دلداده به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان های صبور، انسان های بردبار و حلیم، انسان های خوشبین و انسان های امیدوار تربیت کنید. اسلام همه اینها را به صورت بسته کامل در اختیار همه معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره مند شویم، آنها را بچشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید اینجور انسانی باشد. انسان های تنگ نظر، انسان های بدبین، انسان های ناامید، انسان های افسرده، انسان های بی تقوا، ناپرهیزگار و آلوده دامن نمی توانند جوامع را پیش ببرند و ملت ها را خوشبخت کنند؛ طبعاً نمی توانند الگو هم باشند. (۱۴/۲/۱۳۹۰)

ص:۱۹۶

بخش چهارم: راهکارهای جهاد اقتصادی

اشاره

بخش چهارم: راهکارهای جهاد اقتصادی

برای هر هـدف و مقصـدی نقشه عملیاتی و راهکارهای عملی آن هـدف لازم است. به سـخن دیگر هدف و غایتی که راهکار عملیاتی نداشـته باشد، چیزی جز یک شـعار نخواهد بود. هرچند پیدا کردن این راهکارها بر عهده مسئولین و دست اندرکاران نظـام است امـا عملی کردن آن وظیفه ای همگـانی و بر دوشت ملت و کـارگزاران حکومتی است. در این میان جایگاه رهبری نشان دادن مسیر و جهت حرکت است که ایشان نیز به تبیین راهکارهای معنوی و علمی و نیز وظیفه دولت و ملت پرداخته اند.

ص:۱۹۹

فصل اول: راهکارهای معنوی

اشاره

فصل اول: راهکارهای معنوی

زیر فصل ها

تقوای اقتصادی

ایمان و ایثار، نیروی محرکه فعالیت ها

فراهم ساختن امنیت اقتصادی

آرامش فضا لازمه برطرف کردن مشکلات اقتصادی

فضای برادرانه و فکر باز

نقش ایمان پر نشاط و فعال در جهاد

عدالت مقوله ای لازم برای امنیت اقتصاد

روحیه معنوی و تمسک جوانان به اسلام

«قناعت سرافرازانه» نه «ریاضت»

قصد قربت در انجام کار ها

کار محکم و متقن

روحیه و فرهنگ کار

ایمان، اعتماد به نفس، احساس مسئولیت و اتحاد میان نیروهای مؤمن

هدف امام و انقلاب زنده کردن روحیه «توانستن»

رعایت ارزش های اسلامی

نقش انفاق در رفع فقر

اخلاق و معنویت مکمل لازم برای قدرت و ثروت

کمک به جریان صحیح قرض الحسنه

عبادت و وظیفه حقیقی تلقی کردن کار

توجه به حس زیبایی شناسی مصرف کننده

تقوای اقتصادی

تقوای اقتصادی

پایه همه خیرات در جامعه، تقواست... تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمنا آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرام خوری، دست اندازی به مال دیگران ــ بخصوص به اموال عمومی ــ از دستاورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیانا زرنگیهایی که علی الظاهر در چارچوب قانون هم می گنجد، اما خود انسان می داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، اینها خلاف تقوای اقتصادی است. (۰۵/۰۵/۱۳۸۱)

ایمان و ایثار، نیروی محرکه فعالیت ها

ایمان و ایثار، نیروی محرکه فعالیت ها

بعضی خیال می کنند وقتی گفته می شود تکیه به ایمان و ایثار، معنایش این است که خود را برای فدا شدن آماده کنید؛ نه. تکیه به ایمان و ایثار معنایش این است که با ایمانی که در دل انسان وجود دارد و با اتکال و اتکایی که به خدا هست، همه نیروهای انسان به کار بیفتد. این نیروها

می توانند علم بیافرینند، تجربه بیافرینند، تولید کنند و پیچیده ترین صنعتها را به وجود آورند؛ همچنان که به وجود آوردند. ما از اول انقلاب هر جا به ایمان خود تکیه و به احکام اسلام عمل کردیم، پیروز شدیم؛ چه در جبهه علم، چه در جبهه سیاست، چه در کارهای اقتصادی و چه در کارهای نظامی. آن جایی که شکست خوردیم و پا در گل ماندیم و ضعیف شدیم، وقتی بوده است که از اسلام فاصله گرفته ایم. این را دشمن خوب فهمیده است. (۰۱/۰۳/۱۳۸۱)

فراهم ساختن امنیت اقتصادی

فراهم ساختن امنیت اقتصادی

امنیت، نعمت بزرگی است. در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه ای، زمینه لازم برای پیشرفت های مادی و معنوی، امنیت است. .. شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه اول «امنیت» است. ..این روزها بحث امنیت اقتصادی هم مطرح است؛ که حرف درستی هم هست و ما هم آن را تأیید می کنیم. ما هم درباره امنیت اقتصادی در این کشور، اعتقاد راسخ داریم که باید طوری باشد که در این کشور، کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی ــ از هر نوعش ــ امکان پذیر باشد و کسانی که اراده این کار را دارند، با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند. بحمدالله، هم دستگاه قضایی و هم دستگاه اجرایی بر این مطلب توافق کردند و من هم به آنها کمک خواهم کرد تا بتوانند این مقصود را که برای کشور مهم است، انجام دهند. (۱۰/۰۶/۱۳۷۸)

آرامش فضا لازمه برطرف کردن مشکلات اقتصادی

آرامش فضا لازمه برطرف کردن مشکلات اقتصادی

وظیفه بزرگ امروز دولت، برطرف کردن مشکلات زندگی مردم است؛ چه مشکلات اقتصادی که در درجه اول است و چه مشکلات دیگر که آنها هم مسائل مردم است...چگونه می توانند این کار را بکنند؟ وقتی که فضا مناسب و محیط از تشنج و غوغاگری، دور باشد و دست به یقه شدن در بین مردم نباشد. وحدت کلمه که باشد، فضا برای اقدام مسئولین کشور، مناسب است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۸)

فضای برادرانه و فکر باز

فضای برادرانه و فکر باز

البته این تصمیم ها [حل مشکلات اقتصادی] نیاز به فضای برادرانه دارد. .. اگر می خواهید دولت بتواند آن چنانی که وظیفه اوست، کارهای بزرگ را در فضای مناسبت، با فکر باز و بدون فشار انجام دهد، باید فضای کشور، فضای مهر و محبت باشد؛ نه فضای دشمنی! بعضیها عکس این عمل می کنند؛ اینها به دولت، خدمت نمی کنند، به دولت ضرر می زنند. دشمن هم به وسیله همین وسایل تبلیغاتی خود و با سوء استفاده از کلمه آزادی، مرتب می خواهد همین فضا را تشدید کند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۸)

نقش ایمان پر نشاط و فعال در جهاد

نقش ایمان پر نشاط و فعال در جهاد

هر دستگاه و هر مجموعه ای که بتواند در درون خودش، این ایمان شاداب و پرنشاط و فعال و پربرکت را بیشتر حفظ کند، بیشتر به درد این ملت، به درد این مملکت و این نظام و به درد این تاریخ می خوردو شما جهادگران، از آن قبیل هستید. شما توانستید این ایمان را در درون خودتان حفظ کنید.

ص:۲۰۳

ارزش اصلی جهاد به این است. عشق و ارادت بنده به امثال مجموعه شما به خاطر این است. ما هیچ قوم و خویشی با اشخاص نداریم. این که شبانه روزی نمی گذرد که من شما جهادگران را بخصوص دعا نکنم، به خاطر وجود این گوهر تابناک در درون شما و در میان شماست. این را حفظ کنید. این است که می تواند کشور را نجات دهد. این است که به این ملت، نیرو می بخشد که بتواند در مقابل فشارها مقاومت کند. فشار، زیاد است. از اول انقلاب هم فشار، زیاد بوده است. (۱۵/۰۷/۱۳۷۷)

عدالت مقوله ای لازم برای امنیت اقتصاد

عدالت مقوله ای لازم برای امنیت اقتصاد

بعضی گفتند شما که راجع به عدالت حرف می زنید، امنیت اقتصادی از بین می رود؛ بعکس است. اگر عدالت باشد، امنیت اقتصادی بیشتر است. دزدها و چپاولگرها هستند که از بی عدالتی سود می برند. انسانی که می خواهد سرمایه گذاری کند و طبق قانون سود ببرد، از عدالت خوشش می آید؛ عدالت پشتوانه و پشتیبان اوست. (۰۷/۰۴/۱۳۷۷)

روحیه معنوی و تمسک جوانان به اسلام

روحیه معنوی و تمسک جوانان به اسلام

همین الان بلاشک ما گرفتاریها و مشکلاتی در زمینه اقتصادی و غیره داریم. اینها یک روز تمام خواهد شد؛ اما آن عامل تمام شدن این گرفتاریها، جز همین روحیه معنوی و تمسک به اسلام و انقلاب، چیز دیگری نخواهد بود. باز هم همین دختر و پسر جوانند که کشور را نجات خواهند داد. من بارها گفته ام که نسل جوان،

گره گشای دوره های سخت و محنت های بزرگ است و وقتی وارد میدان می شود ـ که الحمدلله امروز هم در میدان است ـ گره های ریز و سخت گشوده خواهد شد. جوانان ما، مؤمن و متدین و علاقه مند به کشورشان و علاقه مند به اسلامند و با سلطه امریکا و با سلطه بیگانه مخالفند. همین کارساز خواهد بود. (۰۷/۰۲/۱۳۷۷)

«قناعت سرافرازانه» نه «ریاضت»

«قناعت سرافرازانه» نه «ریاضت»

عزیزان من! بنده ملت ایران را به «ریاضت» دعوت نمی کنم. بحمدالله ما احتیاجی به این نداریم که ملت خودمان را به ریاضت، دعوت کنیم. فضای غم آلود ریاضت، از زندگی این مردم دور باد! من مردم را به «قناعت» دعوت می کنم؛ قناعت سرافرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می داند آینده خود را با قناعت تأمین می کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسئولین کمک می کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداره مملکت اعمال کنند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

قصد قربت در انجام کار ها

قصد قربت در انجام کار ها

این کار[جهاد اقتصادی] چگونه امکان پذیر خواهد شد؟ به این گونه که کارگر ایرانی کار را یک عبادت واقعی بداند، نه عبادت تعارفی. واقعا برای انجام کار خود «قصد قربت» کند. همچنین، معلم ایرانی مسلمان، این تفکر اسلامی را به نوجوان و جوان دانش آموز یاد دهد تا آن که ده سال دیگر در

کارگاهها و مراکز تعلیم و تعلم و تحقیقاتمان، چنان کار شود که دیگر همه استعداد این ملت، تجسم و تبلور پیدا کند. آن وقت، زندگی راحت، رفاه برای همه کس در همه جا، تسلط اقتصادی دشمن صفر، سرمایه های کشور محفوظ و آبرو و عظمت این کشور تأمین خواهد شد. ارزش و اهمیت کار دو قشر کارگر و معلم این گونه معلوم می شود. (۱۳۷۹/۰۲/۱۳

کار محکم و متقن

کار محکم و متقن

حالا ـ ما به استقلال اقتصادی رسیده ایم یانه؟ من عرض می کنم این همان است که مشکلتر است. باید تلاش کنیم. البته می توانیم امروز ادعای استقلال اقتصادی کنیم؛ اما به شرط ها و شروط ها. این، چند شرط دارد: اولا این که در کشور، هر کس، هر کاری را که به عهده دارد، خوب انجام دهد. فرمود: «رحم الله امرء عمل عملا فاتقنه»؛ خدا رحمت کند آن کسی را که کاری انجام دهد و آن را محکم و متقن انجام دهد؛ خوب انجام دهد. شما اگر یک پیچ را می گردانید و سفت می کنید، اگر یک چرخ را می چرخانید، اگر جایی یک بخیه می زنید، اگر ماشینی را گریسکاری می کنید، اگر کتابی را چاپ می کنید، اگر کتابی را می نویسید، اگر سر کلاس درس می دهید، اگر در بیمارستان به بیماران می رسید، اگر در شهرداری مشغول تمیز کردن معابر شهری مردم خودتان هستید، اگر گوینده اید، اگر نویسنده اید، اگر محققید، اگر روحانی هستید، اگر مشغول تحصیل و درس خواندن هستید، اگر در دانشگاه یا مدرسه هستید، اگر در

کار هنر مشغولید، اگر فیلمسازید، اگر داستان نویس هستید، اگر روزنامه نگارید؛ هر چه هستید و هر که هستید و هر جا کار می کنید، باید سعی کنید کاری را که انجام می دهید، درست انجام دهید، کامل انجام دهید، محکم انجام دهید، و کم نگذارید. این، یکی از شرایطی است که اگر محقق شود، مابه استقلال اقتصادی می رسیم. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

روحیه و فرهنگ کار

روحیه و فرهنگ کار

فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت گیری خاص یا به ضد آن جهت گیری وادار می کند. (۰۷/۱۱/۱۳۸۱)

ایمان، اعتماد به نفس، احساس مسئولیت و اتحاد میان نیروهای مؤمن

ایمان، اعتماد به نفس، احساس مسئولیت و اتحاد میان نیروهای مؤمن

شماها جوانانی هستید که، امروز و فردای نظام بر دوشتان است. زمانی یک عده جوان در این کشور بودند، کارهایی کردند، تا این جا رساندند؛ از اکنون به بعد مال شما، روز شما، تکلیف شماست. من به شما جوانان عرض می کنم: عزیزان من! ایمان، پایه اصلی است. شجاعت و اعتماد به نفس، یکی از پایه های اصلی است. احساس مسئولیت، یکی از پایه های

اصلی است. اتحاد و همبستگی میان نیروهای مؤمن، یکی از پایه های اصلی است. البته پایه های دیگری هم وجود دارد که من حالا روی این چند امر تکیه کردم. اگر همین مسائل را مورد توجه قرار دهید، بدانید این کشور که به برکت این انقلاب و به برکت این نظام، امروز یکی از مستحکمترین و عزیزترین کشورهای دنیاست، در آینده هم یکی از مقتدرترین و سربلندترین و پیشروترین کشورهای دنیا خواهد بود. (۱۱/۰۸/۱۳۷۹)

هدف امام و انقلاب زنده کردن روحیه «توانستن»

هدف امام و انقلاب زنده کردن روحیه «توانستن»

کشورهایی که بعد از جنگ دوم جهانی ــ به تعبیر مبالغه آمیزی که معمولاـ گفته می شود ــ تقریبا با خاک یکسان شده بودند، کمر راست کردند و به خودشان پرداختند. در واقع از نیروهای درون خودشان استفاده کردند و امروز در زمینه اداره امور دنیای خود از کسانی که اینها را در جنگ به خاک سیاه نشانده بودند بالاتر رفته اند. پس به نتیجه می رسیم که می شود با چنین طرز فکری به استقلال علمی و فنی و غیره دست یافت. امام ما رضوان الله تعالی علیه همتش این بود که به ملت بگوید: «ای ملت ایران! ای جوان ایرانی! ای کارگر ایرانی! ای مهندس و ای مدیر ایرانی! تو بدون این که به بیگانه تکیه کنی خودت می توانی.» امام می خواست روحیه «توانستن» را در ما زنده کند. (۱۳/۰۲/۱۳۷۳)

رعایت ارزش های اسلامی

رعایت ارزش های اسلامی

مأموران نظام در هر بخش، مخصوصا در بخش های کارشناسی و

برنامه ریزی، باید بدانند که یگانه نجاتبخش کشور و ملت از شر سلطه دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل ــ که میراث شوم طواغیت است ــ رعایت ارزش های اسلامی و عدل اسلامی و تکیه بر استعدادهای انسانی این ملت و نیروهای خالص و مخلص آن است؛ و هم این است که کشور را از وابستگی به بیگانگان و نیاز به دشمنان نجات خواهد داد. (۱۳/۰۳/۱۳۷۰)

نقش انفاق در رفع فقر

نقش انفاق در رفع فقر

ما همیشه از اسلام این طور فهمیده ایم که کسب درآمد ــ البته از طرق مشروع ــ آزاد است و مانعی ندارد؛ منتها این اجازه همراه با ایجاب و الزام انفاق است؛ یعنی اگر کسی درآمدی کسب کرد، ولی حتی انفاق مستحب نکرد، او پیش خدای متعال مؤاخذ است. ما نمی توانیم بگوییم که انفاق واجبمان را کردیم، مالیاتمان را دادیم، خمس و زکاتمان را هم دادیم، از این پول نمی خواهیم خرج کنیم؛ در حالی که می دانیم در جامعه فقر و کمبود هست؛ نخیر، این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست؛ مرضی عندالله نیست؛ .. ما باید این را به مردم تفهیم کنیم. باید کاری بشود که هرکس خودش را موظف بداند که انفاق کند. آن کسانی که بیشتر درآمد دارند، نسبت انفاق را بیشتر کنند. آن کسانی که کمتر درآمد دارند، باب را نبندند؛ به همان نسبت انفاق کنند. اگر این کار راه بیفتد، البته خوب خواهد شد. (۱۲/۱۲/۱۳۷۰)

اخلاق و معنویت مکمل لازم برای قدرت و ثروت

اخلاق و معنویت مکمل لازم برای قدرت و ثروت

ص:۲۰۹

عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهم ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می کند؛ اگر این نشـد، همه آنچه که دسـتاوردهای به معنای عرفی و رایـج جهان پیشـرفته محسوب می شود، ممکن است در راه های غلطی مصـرف شود. یعنی ممکن است یک کشور از لحاظ رفتارهای اجتماعی اش منضـبط، مؤدب و با اخلاق باشد، ثروت و علم را هم به دست بیاورد، اما در عین حال همین ثروت و علم، و همین انضباط مردمی خودش را برای نابود کردن یک ملت دیگر به کـار گیرد. این غلـط است؛ این در منطق مـا درست نیست. علم خودش را به کـار بگیرد برای ایجـاد سـلاحی مثل بمب اتم که وقتی یک جایی فرود افتاد، دیگر با گناه و بی گناه و مسلح و بچه کوچک و شیرخوار و انسان های مظلوم را نگاه نمی کند و فرقی نمی گذارد و همه را نابود می کند. ..مورد تأیید ما نیست و ما چنین تحولی را دوست نمی داریم. (۸۱/۰۸/۱۳۸۵)

کمک به جریان صحیح قرض الحسنه

کمک به جریان صحیح قرض الحسنه

من، جدا از مسـئولان ذی ربط ــ چه در وزارت اقتصاد و دارایی و چه در وزارت کشور و چه در جاهایی که با این صندوقهای قرض الحسنه ارتباطی دارند ــ می خواهم که به توسعه و جریان صحیح این صندوقها کمک کنند تا مردم استفاده نمایند. البته، آدمهای بدخواهی هسـتند که از همه نامهای نیک و لباسـهای مقدس و شـعارهای خوب و نیز از این صـندوقهای قرض الحسـنه سوء اسـتفاده می کننـد. اینها را به دسـتگاه معرفی کنید و نگذارید ناشـناخته بمانند و به سوءاسـتفاده خود ادامه بدهند. مواظب باشید

کار را دقیق و صحیح و طبق مقرارت _ آن چنان که حقیقتا موجب فایده و صلاح مردم باشد _ انجام بدهید. (۱۲/۰۷/۱۳۶۸)

عبادت و وظیفه حقیقی تلقی کردن کار

عبادت و وظیفه حقیقی تلقی کردن کار

«وجدان کاری» و«انضباط اجتماعی» .. می تواند حرکت ملت ایران به سمت پیروزی و سازندگی ایران اسلامی آباد و آزاد را تسریع و تسهیل کند.

اگر در کشور، تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد؛ اگر کارهای اجتماعی و اداری و اقتصادی، روانتر و آسانتر شده باشد؛ اگر اجناس مورد استفاده مردم فراوانتر و در دسترس قرار گرفته باشد و اگر کارهایی از این قبیل انجام گرفته باشد، این نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما به طور کامل بیدار شده است. یعنی در این کشور انجام دهندگان میلیونها کار، دارای احساس وجدان کاری هستند و کار را یک عمل صالح، یک وظیفه حقیقی، یک عبادت و یک مسئولیت اجتماعی و سیاسی تلقی کرده اند و معنای وجدان کاری نیز همین نکاتی است که عرض کردم. هر مقدار آن کارها انجام شده باشد، وجدان کاری پیشرفت کرده است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۴)

توجه به حس زیبایی شناسی مصرف کننده

توجه به حس زیبایی شناسی مصرف کننده

یک نکته دیگر هم مسئله نوآوری و ابتکار و زیبایی است در تولیدات کشوراز جمله چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه تولیدات به صورت پی درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس

زیبـایی شناسـی در مصـرف کننـده است. این یکی از مسائـل قابـل توجه هست که بـایستی به آن اهمیت بـدهیم. من حقیقتاً از دوستانی که در این زمینه ها تلاش می کنند، کار می کنند، تشکر می کنم. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

ص:۲۱۲

فصل دوم: راهکارهای علمی

اشاره

فصل دوم: راهکارهای علمی

زیر فصل ها

استفاده از شیوه های علمی نو و متناسب با فهم و درک نیاز ایرانی

جهاد علمی تقویت کننده جهاد اقتصادی

ابتکار و تحقیق برای افزایش کیفیت و نوآوری

کمک دانشگاه به اقتصاد کشور

تأسیس شرکتهای علمی و فن آوری

اقتصاد و صنعت دانش محور

جهاد و تلاش علمی

علم، ابزار قدرت و کسب ثروت

رشد در علم و صنعت

زنده کردن روحیه پیشرفت در محیط مهندسی

تعامل صنعت با مراکز دانشگاهی

استفاده از ابزار دانش و معرفت برای جبران عقب ماندگی ها

تلاش و جهاد علمی برای ساختن

دقت و ابتکار در بالا بردن کیفیت

تعلیم و تعلم برای بهبود کار

علم جهادی و جهاد علمی

جهاد علمی در تولید و تکثیر سلول های بنیادی

تولید ثروت از طریق یافته های علمی و صنعتی

توسعه مهارت ها

تولید متکی به دانش، شکوفایی پایدار

زنجیره تولید علم و تولید ثروت در جهاد اقتصادی

تأثیر سازنده توجه به علم (معلمین) و عمل (کارگران) در آبادانی کشور

استفاده از شیوه های علمی نو و متناسب با فهم و درک نیاز ایرانی

استفاده از شیوه های علمی نو و متناسب با فهم و درک نیاز ایرانی

استفاده از شیوه های علمی، کار لازمی است. البته علم نباید اشتباه بشود با نسخه های وارداتی که اغلب آنها منسوخ است؛ چه در زمینه اقتصاد، چه در زمینه مسائل فرهنگی، چه در زمینه های گوناگون. بعضی ها دوست دارند امروز ما نسخه های منسوخ و از دور خارج شده غربی ها را بار دیگر در این جا برای خودمان دستورالعمل علاج به حساب بیاوریم. نه، شیوه های پیشرفته، شیوه های نو و با تکیه به فهم و درک و نیاز ایرانی، استفاده از علم و توجه به نیاز داخل و اقتضائات کشور می تواند راه درست را به ما نشان دهد و ما را پیش ببرد. ما در زمینه علم باید حرکت خود را جدی کنیم؛ در پیوند علم و صنعت و فن آوری کار کنیم؛ در پیدا کردن شیوه های توزیع عادلانه امکانات تلاش و فکر کنیم؛ بهترین و آسان ترین و عملی ترین شیوه ها را انتخاب کنیم و به طور جدی وارد شویم. (۱۲/۰۵/۱۳۸۴)

جهاد علمی تقویت کننده جهاد اقتصادی

جهاد علمی تقویت کننده جهاد اقتصادی

ص:۲۱۳

امروز ما به جنبش نرم افزاری احتیاج داریم. یک جنبش و یک حرکت و یک تلاش عمومی لازم است. این تلاش عمومی، فقط وابسته به مدیریت ها نیست. شما ناگهان با خودتان فکر نکنید که مدیریت ها نمی کنند، پس چطور می شود؛ همه اش مربوط به مدیریت ها نیست. خواست و اراده شما ــ یکی از شما بچه های عزیز گفتید عشق؛ بله، عشق ــ عاشقانه کار کردن و با عشق دنبال علم و تحقیق رفتن و خواستن، اینها نقش دارد. این قله های علمی ای که شما در دنیا مشاهده می کنید، همیشه با رفاه همراه نبوده است. البته علم با خودش رفاه و سیادت سیاسی و برتری نظامی می آورد؛ در همه بخش های اقتصادی و سیاسی نفوذ کلمه ایجاد می کند؛ پول یک کشور را تقویت می کند و اقتصاد یک کشور را رونق می دهد. اینها همه هنرهای علم است؛ اما وقتی خود علم می خواهد به وجود آید، لزوما در بستری از رفاه و راحتی و لذت و چرب و شیرینهای دنیا به وجود نمی آید. (۰۳/۰۷/۱۳۸۱)

ابتکار و تحقیق برای افزایش کیفیت و نوآوری

ابتکار و تحقیق برای افزایش کیفیت و نوآوری

شرط دیگر این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته باشد. من عرض می کنم چه خوب است کارخانه هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آنهایی که در اختیار دولت است و چه آنهایی که در اختیار مردم است امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیارمردم و مال خود مردم است یک مقدار از درآمدشان را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدیشان صرف کنند.

ص:۲۱۴

چرا ما بایـد بنشـینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر می فهمیم؟! پس بایـد تحقیقات کننـد، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صـنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

کمک دانشگاه به اقتصاد کشور

کمک دانشگاه به اقتصاد کشور

دسـتگاه هـای علمی کشور به کمک اقتصاد کشور بیاینـد. متفکرین دانشـگاهها بیاینـد و برای دولت کار کننـد. دولت تکیه به متفکرین و علمایی کنـد که در دانشـگاهها هسـتند و درس می خوانند. خیال هم نکنند که تحقیق و حرف فلان متفکر اروپایی که چیزی گفته، همیشه همین است. امروز چیزی می گوینـد و بیست سـال دیگر، ده سال دیگر، پنـج سال دیگر، یک نفر عالم دیگر می آیـد و آن حرف را باطل می کنـد و حرف دیگری می زند. چرا ما عادت کرده ایم هر چه غربی ها گفتند، بی قید و شرط قبول کنیم و دست روی دست بگـذاریم و از آنها گوش کنیم و بپـذیریم؟! شـما بایـد درسـتش را پیدا کنید. اقتصاددانان کشور ما باید آنچه را که با اوضاع سـرزمین ما، با عقاید ما، با خصوصیات مملکت ما و متناسب با مسائل اقتصادی ماست، پیدا کنند. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

تأسیس شرکتهای علمی و فن آوری

تأسیس شرکتهای علمی و فن آوری

امکان تأسیس نوع تازه ای از شرکت ها که عبارت است از شرکت های

علمی و فن آوری، در کشور فراهم شود. خیلی ها هستند که مایلند دسته جمعی کار علمی کنند، تحقیقات علمی کنند. این کمکی که دولت و مسئولان به پیشرفت های علمی و فن آوری می کنند، منحصر نماند به کمک به افراد؛ این شرکتها مورد حمایت قرار بگیرند. البته اینها با شرکتهای تجاری که مالیات و تسهیلات متعارف بانکی به آنها تعلق می گیرد، اشتباه نشوند؛ بلکه به طور ویژه به این شرکتها کمک شود. فکر می کنم این کار، کار لازم و مهمی است. دولت باید در این زمینه یک مدیریت هوشمندانه ای به کار ببرد. (۱۴/۷/۱۳۸۹)

اقتصاد و صنعت دانش محور

اقتصاد و صنعت دانش محور

امروز همه صنایع دنیا از جمله صنعت خودرو دانش محور است. مرتب دارند فکر می کنند، کار می کنند، تحقیق می کنند، پژوهش می کنند، برای اینکه این را کامل تر، بی عیب تر، زیباتر، کم مصرف تر، ارزان تر از آب در بیاورند. این جز با پیشرفت علمی، جز با تأمل و دقت و تحقیق، ممکن نیست. باب تحقیق را بایستی باز گذاشت. دستگاه های مختلف، کارخانجات صنعتی و مدیران صنعتی و مدیران دولتی مشرف بر صنعت، بر روی مسئله تحقیق باید خیلی تلاش بکنند. این کمک می کند به اینکه صنعت بتواند در شرایط سخت رقابتی، خودش را حفظ کند؛ در رقابت با رقبای پیشرفته زمین نخورد. این با تحقیق امکان پذیر است. (۱/۱/۱۳۸۹)

جهاد و تلاش علمی

جهاد و تلاش علمی

این سال هایی که شما راه افتادید و این کاروان علم در کشور حرکت کرده،

ص:۲۱۶

دستاوردهای بسیار زیادی داشته. همین تقریبا ده دوازده سال اخیر که این تفکر علم گرایی و دنبال علم رفتن و نهضت تولید علم و نهضت نرم افزاری و مسئله نخبه پروری در کشور شروع شده، تا امروز ما خیلی پیشرفت کرده ایم. این پیشرفت ها مغتنم است.

البته اینها ثروت و پول لازم دارد؛ پول را هم از همین راه باید به دست بیاوریم. دوستان اشاره کردند _ اغلب این نکاتی که دوستان گفتند، نکات درستی است؛ در محاسبات ما و در یادداشتهایی که به ما دادند، همه این نکات وجود دارد — ثروت را از همین راه باید به دست بیاوریم. آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاه های نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان میخوریم. بیشتر بودجه کشور از نفت است. نفت ذخیره ماست. گنجینه مان را داریم تخلیه می کنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. یک هم افزایی پی در پی دارند: علم به ثروت کمک می کند، ثروت به علم کمک می کند؛ دائما هم افزایی به وجود می آید. ما باید دنبال این روز باشیم.

افتخار خدمت به کشور از راه علم را شماها خیلی قدر بدانید. خدمت به کشور از راه های مختلفی ممکن است؛ یکی از بهترین راه هایش خدمت به کشور از راه علم است. خب، سیاستمدارها هم خدمت به کشور می کنند؛ مجاهدان راه خدا و رزم آوران میدان های جنگ هم خدمت به کشور

ص:۲۱۷

می کننـد، تجار و بازرگانان و بقیه هم خـدمت به کشور می کننـد، صـنعتگران هم خـدمت به کشور می کننـد؛ اما یکی از راه های برجسته خدمت به کشور، از راه علم است؛ به همین دلایلی که قبلا عرض شد که علم مایه اقتدار ملی، مایه قدرت کشور، مـایه ثروت کشور و مـایه سـربلندی هر کشوری است. شـما در درس خوانـدن و در حائز شـدن رتبه های بالای علمی، اگر این نیت را بکنید، کارتان می شود عبادت. یعنی کار انسان ــ یک کار واحد ــ با دو نیت مغایر، دو حالت گوناگون پیدا می کند: گـاهی همـان کار می شود عبادت، گاهی همان کار می شود معصـیت. نمازی که انسان میخوانـد، اگر به قصـد تقرب به خـدا بخوانـد، توجهش به خـدا باشـد، بـا اخلاص نماز بخوانـد، این بالاترین عبادت هاست؛ اگر همین نماز را برای ریا بخوانـد، این نماز می شود معصیت و خود آن نماز، می شود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم می شود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد؛ نیت اینقدر مؤثر است. شـما اگر چنانچه این تحصـیل را، این تلاش علمی را، این سـعی برای به دست آوردن رتبه هـای نخبگی را، برای خـدمت به مردم و برای خـدمت به کشور و برای سـربلندی نظام اسـلامی انجام بدهیـد، بلاشک یکی از حسنات شما خواهد بود. (۰۵/۰۶/۱۳۸۷)

علم، ابزار قدرت و کسب ثروت

علم، ابزار قدرت و کسب ثروت

یکی از موضوعهایی که نمی گذارنـد در کشورهای زیر سـلطه رشـد کنـد و بشدت مانع آن می شوند، مسئله علم است؛ چون می دانند علم ابزار قدرت

ص:۲۱۸

است. خود غربی ها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده های تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آنها در جهالت بودند. در همان دوره قرون وسطا، که خودشان توصیف می کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما بمجردی که آنها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه سیاسی و جذب ثروت ملت ها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها می دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه سلطه گر و سلطه پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایلند سلطه پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بروبرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد. (۰۱/۰۴/۱۳۸۳)

رشد در علم و صنعت

رشد در علم و صنعت

اقتدار بین المللی ملت ما، روحیه اش را تقویت کرده است؛ امروز همین مسئله انرژی هسته ای را _ که این، یک مسئله است؛ همه مسائل ما که نیست _ در سطح بین المللی همه پذیرفته اند که ایران بر سر این خواسته به حق و حق طبیعی خود، محکم ایستاده است. این اقتدار در عرصه بین المللی، روحیه مردم را هم به نوبه خود بالا می برد. رشد علم و رشد

صنعت و فن آوری در داخل کشور، فرصت های خوبی را برای حل مشکلات به وجود آورده است. مسئله اساسی ای که امروز هدف مسئولان کشور است، «مسئله اشتغال» است. دارند تلاش و فعالیت می کنند و کار می کنند که این معضل را ــ که از سال ها پیش گریبان گیر ملت بوده است ــ به بهترین شکلی در مدت زمان متناسب خودش حل کنند. (۲۱/۰۸/۱۳۸۵)

زنده کردن روحیه پیشرفت در محیط مهندسی

زنده کردن روحیه پیشرفت در محیط مهندسی

البته تحقیقات لازم است، بودجه اختصاصی لازم است، فضای تشویق و میدان دادن به کار لازم است، اتصال دانشگاه با صنعت لازم است؛ همه اینها جزو لوازم کار است. البته مسئولیت به عهده ماهاست، به عهده مسئولان است، به عهده دولت است؛ در این تردیدی نیست. در چند سال اخیر، فضا هم خوشبختانه با تکرار و اصرار بحمدالله در محیط دولت به وجود آمده است؛ می خواهند این کارها انجام بگیرد و بحمدالله کارهایی هم شده؛ لیکن آن که عنصر اصلی و می داندار اصلی و پهلوان اصلی این میدان است، شما هستید؛ آن نیروی انسانی علاقه مند به کار است که مثل گیاهی که در دل صخره های سخت هم راه خودش را باز می کند، بیرون می آید و می بالد. این روحیه پیشرفت و روحیه تکمیل را باید در محیط مهندسی و فنی کشور زنده کنید؛ هم مجموعه هایی مثل شما که امروز این جا تشریف دارید، هم نظام مهندسی که مربوط به مهندسی ساختمان و عمران و امثال اینهاست، و هم بقیه بخش های مهندسی. (۰۵/۱۲/۱۳۸۳)

تعامل صنعت با مراکز دانشگاهی

تعامل صنعت با مراکز دانشگاهی

ص:۲۲۰

یکی از وزرای محترمی که سروکارشان با مسائل صنعت است، راجع به مسئله ای با بنده صحبت می کردند که می خواهیم فلان کار را بکنیم. من گفتم شما به دانشگاه امیرکبیر که به مرکز دولت هم خیلی نزدیک است، بروید ـ بنده به این دانشگاه رفته ام و کارگاه صنعتی و محصولات کاری شان را دیده ام ـ و ببینید چقدر می توانید مشکلتان را حل کنید. این دوست مسئول ما کاملا به دلشان نشست و رفتند این کار را ـ به گمان زیاد آن طور که به ذهنم می آید ـ دنبال کردند و به نظرم به نتایجی هم رسیدند یا در آینده نه چندان دور خواهند رسید. اگر مسئولان، راه دانشگاه را پیدا کنند و با مراکز علم و تحقیق انس بگیرند، بدون شک کار این مراکز روان خواهد شد و کار مراکز علمی و تحقیقی هم پیش خواهد رفت. امیدواریم ان شاءالله هرچه پیش می رویم، به این هدف ها نزدیک شویم. (۲۲/۰۸/۱۳۸۱)

استفاده از ابزار دانش و معرفت برای جبران عقب ماندگی ها

استفاده از ابزار دانش و معرفت برای جبران عقب ماندگی ها

امروز آن دورانی است که باید با ابزار دانش و معرفت و تلاش علمی، کاری کنیم که عقب افتادگیهای تحمیلی دوران طولانی سلطه استبداد در این کشور، جبران شود؛ آن دورانی که نگذاشتند استعدادها شکوفا گردد؛ نگذاشتند هویت اصلی و حقیقی این ملت، خود را نشان دهد؛ به تبع ورود کالاهای صنعتی ـ که نتیجه پیشرفت علم و صنعت غرب بود ـ در همه چیز، آن را به غرب وابسته کردند؛ کالاهای فکری و فرهنگی را وارد این کشور کردند و به اولین کاری که دست زدند، بی اعتقاد کردن قشر

ص:۲۲۱

تحصیلکرده این کشور به موجودی خودش بود؛ به فرهنگ خودی، به رسوم و آداب خودی، به دانش خودی، به استعداد شکوفا و درخشانی که در نسل ایرانی وجود داشت. این بی اعتقادی، در طول سال های متمادی، اثر خودش را بخشید. از روزی که این فکر ــ فکر تحقیر ایرانی ــ وارد این کشور گردید و موجب شد که این احساس حقارت تا اعماق جان قشرهای برگزیده این کشور نفوذ کند، تا وقتی که غرب محصول این حالت را چید، البته سال ها طول کشید؛ ولی بالاخره آنها موفق شدند و نتیجه آن، همین عقب افتادگیهایی است که شما در کشورمان مشاهده می کنید. با این همه منابع انسانی، با این همه منابع مادی، با این موقعیت جغرافیایی ممتازی که ما داریم، با آن سابقه درخشان علمی و فرهنگی و میراث عظیم گنجینه علمی که ما داریم، وضع ما امروز از آنچه که باید در میدان علم و صنعت و پیشرفت های گوناگون علمی باشد، بسی عقبتر است. (۱۲/۰۶/۱۳۷۷)

تلاش و جهاد علمی برای ساختن

تلاش و جهاد علمی برای ساختن

پیامبر ما در چهارده قرن پیش فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ اگر علم در نقطه دوردستی هم باشد، بروید آن را یاد بگیرید. باید از علمای آنها هم استفاده کنید و آنها را در علم و صنعت، مورد استفاده قرار بدهید. بنابراین، باید از علم و اندوخته های صنعتی دیگران استفاده کرد؛ اما خود ما هم باید برای یاد گرفتن و برای ساختن، همت کنیم. (۱۳/۰۹/۱۳۷۰)

دقت و ابتکار در بالا بردن کیفیت

دقت و ابتکار در بالا بردن کیفیت

کارگران و عناصر فنی، کیفیت صنعتی را تا آن جا که به دقت و دلسوزی

در کار مربوط است، بالا برده، با روح ابتکار و اعتماد به نفس، نیاز کشور به محصولات و دانش فنی بیگانگان را کاهش دهند و پایه های صنعت اصیل و ملی را استوار سازند و موجب شوند که مصرف کنندگان به محصولات داخلی اطمینان و علاقه پیدا کنند. همچنین راه به سمت صنعت پیشرفته و پیچیده را باز کنند و نشان دهند که استعداد و ابتکار ایرانی قادر است کشور را ــ حتی در صنایع پیشرفته ــ از دیگران بی نیاز سازد. (۲۳/۰۴/۱۳۶۸)

تعلیم و تعلم برای بهبود کار

تعلیم و تعلم برای بهبود کار

شما در جامعه چه کارگر باشید، چه کاسب؛ چه معلم باشید، چه دانشجو؛ چه مشاغل تولیدی داشته باشید، چه مشاغل خدماتی؛ چه مرد باشید و چه زن؛ هرکه و در هر سنی هستید، باید در حال تعلم و یاد گرفتن باشید. الی ماشاءالله کتاب هست. پس، وقت هایی را برای کتاب خواندن بگذارید. چقدر وقت ما در رفت و آمدها، در اتوبوس ها، در انتظار نشستن ها و در این گوشه و آن گوشه به حرف زدن های بیهوده تلف می شود! این وقت های تلف شده را اگر روی هم بگذارید، از عمر یک دانشجوی پرکار، بیشتر می شود. اگر این اوقات را به کار بکشیم و از آنها استفاده آموزشی کنیم ــ در خانه، در محیط کار، در بین راه ــ ببینید جامعه چه خواهد شد! مهم، داشتن معلومات، انس با کتاب و انس با تعلیم و تعلم است. این، یک طرف قضیه. اما طرف دیگر قضیه این است که همه سعی کنند معلم هم باشند؛ یعنی چیزی را که می دانند به دیگران تعلیم دهند. باز

ص:۲۲۳

در روایات در باب تعلیم، این معنا زیاد تکرار شده است. عالمی که علم خود را کتمان می کند، لعنت شده است! این فقط مخصوص علم دین نیست که البته حساب جداگانه و اهمیت ویژه ای دارد. پزشکی که علم خود را کتمان کند و به شاگردانش تعلیم ندهد؛ مهندسی که علم خود را کتمان کند؛ کارگر خبره ای که تجربه و علم خود را کتمان کند و در انحصار خویش قرار دهد، و هر کس دیگر که علم خود را کتمان کند، لعنت شده است؛ مگر وقتی که ارائه علم و افشای مطلب علمی، به طور عام مفسده ای داشته باشد .به هرحال باید محیط جامعه، محیط تعلیم و تعلم و یاد گرفتن و یاد دادن شود. مسئله این است. (۰۹/۰۲/۱۳۷۱)

علم جهادی و جهاد علمی

علم جهادی و جهاد علمی

در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقادم این است که این ترکیب ــ جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه ــ دارای پیام است؛ نشان می دهد که می توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ دریوزه گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس...

شما مبارزه علمی می کنید؛ زیرا این کار شما به طور واضح دشمنان بسیار

سرسختی دارد که نمی خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمتگیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده ایم. (۰۱/۰۴/۱۳۸۳)

جهاد علمی در تولید و تکثیر سلول های بنیادی

جهاد علمی در تولید و تکثیر سلول های بنیادی

چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلول های بنیادی به من دادند. این یک کار بسیار عظیم و پیچیده علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در کشور ما این کار بی سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هسته ای که ما کردیم، نخواهد بود. این کار در آینده پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به عنوان یک انقلاب پزشکی نام می برد. یک گروه جوان مؤمن انقلابی و واقعا جهادی که از همین بچه های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسئله چند سال کار کرده اند و به نتایج خوبی رسیده اند _ البته باید کار ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی اش برسد _ که ان شاءالله خودشان اعلان خواهند کرد. بنابراین ما چنین زمینه های رشد علمی و فکری در کشور داریم که از ارزش بالایی برخوردار است. (۰۵/۰۶/۱۳۸۲)

تولید ثروت از طریق یافته های علمی و صنعتی

تولید ثروت از طریق یافته های علمی و صنعتی

مسئله تجاری سازی خیلی مهم است. یافته های علمی و صنعتی بایستی

بتوانند در کشور تولید ثروت کنند. برادران مسئول در دفتر ما یک محاسبه ای کردند؛ نظر آنها این است که تا سال ۱۴۰۴ ما باید بتوانیم حداقل بیست درصد از درآمد کشور را از راه صنایع دانش بنیان و فعالیت های تجاری دانش بنیان تأمین کنیم؛ یعنی از محل فروش محصولات علمی. این چیزی است که باید خیلی از دسترس دور نباشد. دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد ... البته تجاری کردن اگر در ذهنیت دستگاه های مسئول باشد، بایستی از آغاز ــ یعنی از وقتی که ما پروژه علمی و پروژه صنعتی را تعریف می کنیم ــ به فکر تجاری کردنش باشیم؛ نگذاریم بعد از آنکه کار تمام شد، به فکر بیفتیم که بازاریابی کنیم. از اول باید این مسئله در محاسبات بیاید؛ که البته این مربوط به دستگاه های مسئول کشور است که دنبال کنند. (۱۴/۷/۱۳۸۹)

توسعه مهارت ها

توسعه مهارت ها

یکی از کارها ... که بر عهده مسئولین دولتی است، توسعه مهارت هاست. این هنرستان های فنی و صنعتی، این دانشگاه های علمی ــ کاربردی، این فنی ــ حرف های ها، آموزشکده های فنی ــ حرف های، باید توسعه پیدا کند. ما به علم احتیاج داریم، اما به پنجه کارآمد هم احتیاج داریم. یکی از کارهای اساسی به نظر من این است که در زمینه صنعت و کشاورزی بایستی کار کنیم. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

ص:۲۲۶

تولید متکی به دانش، شکوفایی پایدار

تولید متکی به دانش، شکوفایی پایدار

برای اقتصاد یک کشور، مهم ترین بخشی که می تواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی ای که متکی است به دانش، متکی است به علم؛ اینجا اینجور است؛ هم اقتصادی است، هم تولیدی است، هم علمی است؛ دانش بنیان است. این، شایسته ملت ایران است. اگر یک روز مردم این منطقه و مردم بخش های مختلف کشور در مقابل زورگویی و پررویی و زیاده طلبی دولت های غارتگر و متجاوز، آنجور باید می ایستادند، امروز در مقابل آن قدرت ها شکل ایستادگی پیچیده تر است، حساس تر است، متنوع تر است؛ احتیاج دارد به یک مجاهدت پیچیده و عمیق.

خوشبختانه ملت ما با فرهنگ مجاهدت آشناست. ما از مجاهدت، بیگانه نیستیم. ملت ما در میدان های جهاد؛ هم جهاد نظامی، در دوران هشت سال دفاع مقدس؛ هم جهاد سیاسی، در طول این مدت؛ هم جهاد اقتصادی و علمی، یک ملتِ امتحان داده است. ما آشنا هستیم با جهاد. این جهادی که امروز باید انجام دهیم ــ جهاد اقتصادی ــ از جهادهایی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکلتر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می خواهیم بکنیم.

زنجیره تولید علم و تولید ثروت در جهاد اقتصادی

زنجیره تولید علم و تولید ثروت در جهاد اقتصادی

نکته بعدی در مسئله پیشرفت علم این است که زنجیره علم، فن آوری، تولید محصول و تجاری سازی ــ که این زنجیره بسیار مهمی است ــ در حال شکل گیری است؛ یعنی دانش را تولید

ص:۲۲۷

می کنند، آن را تبدیل به فن آوری می کنند، محصول را تولید می کنند، محصول را به بازار تجارت جهانی می آورند و برای کشور تولید ثروت می کنند. این دانش فقط دل خوشکنک نیست، که ما بدانیم حالا در این زمینه پیشرفت کردیم؛ نه، این دانش کشور را ثروتمند می کند، سودش به همه مردم میرسد. این، کشاندن مسیر تولید علم به ثروت ملی کشور است و پاسخگویی به نیازهای ملت. این در زمینه علم، که حقاً و انصافاً همت مضاعف و کار مضاعف در آن مشهود است.

تأثیر سازنده توجه به علم (معلمین) و عمل (کارگران) در آبادانی کشور

تأثیر سازنده توجه به علم (معلمین) و عمل (کارگران) در آبادانی کشور

معلم، مظهر علم است؛ کارگر، مظهر عمل است. بنابراین، روز معلم و روز کارگر، یعنی روز علم و عمل. قوام جامعه هم، به علم و عمل است. اگر ما بتوانیم در میان خودمان، این دو رکن ـ یعنی علم و عمل، تعلیم و تربیت و کار و ابتکار ـ را توسعه دهیم و در این دو زمینه، پیشرفتی محسوس در کشور به وجود آوریم ـ که بحمدالله امروز تا حدود زیادی هم شده است ـ حرکت کشور به سمت هدف ها سریع خواهد شد، مشکلات برطرف خواهد گردید و آن چیزی که انقلاب عظیم ما برای ایران اسلامی ترسیم کرده است، نزدیک خواهد شد. لذا این دو رکن، مهم است. کسانی که نماینده این دو رکن هستند ـ یعنی جامعه معلم کشور و مجموعه تعلیم و تربیت از یک طرف، و جامعه کارگری کشور و مجموعه مربوط به کار و

ابتکار و تولید و حرکت صنعتی و کشاورزی و غیره از جانب دیگر ــ برای کشور بسیار حائز اهمیت اند. (۱۰/۰۲/۱۳۷۶)

ص:۲۲۹

فصل سوم: راهکارهای دولت

اشاره

فصل سوم: راهکارهای دولت

زیر فصل ها

سازندگی و رونق اقتصادی مستمر

مالیات متناسب و بجا

اجرای قوانین مناسب

مبارزه با فساد

اتاق جنگ در جهاد اقتصادی و اشتغال

تاکید بر نقاط قوت و کاستن از نقاط ضعف

همکاری بخش بازرگانی، تولید و صنعت

مدیریت و میدان دادن به سرمایه های مردم

اهتمام به اشتغال و جلوگیری از فاصله طبقاتی

شناسایی نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی

تکیه به نیروهای داخلی و آموزش آنان

پیشرفت کشاورزی در سایه پیشرفت صنعتی

سیاست تنظیم بازرگانی و ارتقاء کیفیت داخلی

تامین بازار صادراتی برای صنایع

هدفمند کردن یارانه ها گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی

مبارزه با فقر و فساد و تبعیض

توجه به منابع طبیعی و تولیدات داخلی جهت ایجاد و افزایش ثروت ملی

امنیت غذایی و خود کفایی در کشاورزی

حرکت جهادی مسئولان در کار کشاورزی و صنایع وابسته

همفکری در زمینه تولید و رفع موانع آن

جهاد در مفاسد اقتصادی باعث کارآمدی نظام

ترویج روحیه وجدان کاری

کار آفرینی یک وظیفه عظیم

سرمایه گذاری، در کارآفرینی

بانکداری اسلامی بزرگترین سنگر جهاد اقتصادی

امنیت و خود کفایی غذایی در کشاورزی

سازندگی و رونق اقتصادی مستمر

سازندگی و رونق اقتصادی مستمر

سازندگی به معنای ایجاد فرصت های جدید و رونق اقتصادی است؛ اما ممکن است فقر هم در گوشه ای از جامعه باقی بماند. البته اگر سازندگی ادامه پیدا کند، بتدریج فقر را از بین خواهد برد؛ اما این طور نیست که تلاش برای سازندگی، در همان مقدمات کار، به معنای نابود کردن فقر باشد. سازندگی باید استمرار پیدا کند؛ وقتی استمرار پیدا کرد، بتدریج فقر هم برطرف خواهد شد. (۲۲/۱۲/۱۳۷۹)

مالیات متناسب و بجا

مالیات متناسب و بجا

تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نبایستی طوری باشد که فاصله ها روزبه روز زیادتر شود و عده ای آن طور زندگی کنند. البته یک بخش عمده از این کار را هم، وزارت اقتصاد و دارایی و بخش مربوط به مالیات، می تواند تأمین کند: گرفتن مالیاتهای متناسب و بجا از کسانی که سودها و استفاده هایی می برند. این هم یک معنای دیگر است. (۰۸/۰۶/۱۳۷۵)

اجرای قوانین مناسب

اجرای قوانین مناسب

شما کارگرها نقش مهمی در کشور دارید. بار اصلی تولید روی دوش شماست. قطعا یکی از وظایف عمده نظام جمهوری اسلامی این است که این قشر زحمتکش ــ که بزرگترین حق را در تولید و اداره اقتصاد کشور دارد ــ از حق مشروع انسانی و اسلامی خودش برخوردار شود. باید وضع زندگی کارگران از لحاظ مادی و معنوی بهبود پیدا کند. با اجرای قوانین مناسب و توسعه اشتغال، نباید در جامعه ما مستمند وجود داشته باشد. کارگران که جزو قشرهای مستضعف جامعه هستند، باید در اولویت برنامه ریزی های توسعه اقتصادی قرار گیرند. اگر کارگر تأمین بود و نیازهایش برآورده شد، کار بهتر انجام می گیرد. (۰۵/۰۴/۱۳۶۸)

مبارزه با فساد

مبارزه با فساد

معتقدم مبارزه با فساد، در درجه اول کار خود دولت است؛ بخصوص که دولتمردان سطح بالای ما ــ یعنی شما وزرای محترم، معاونان محترم رییس جمهور و بقیه مسئولان سطح بالای کشور ــ افراد پاکی هستند. شما می خواهید پاک کار بکنید؛ بنابراین می توانید خودتان مبارزه کنید و بکنید. بخش قضا مربوط به مرحله آخر کار است. در قدیم می گفتند: آخرین دارو، داغ کردن است: «آخر الدواء الکی». قبل از آن که به داغ کردن برسد، انسان انواع و اقسام دواها را به کار می برد؛ اگر خوب نشد، آن وقت محل زخم را داغ می کند، والا تا وقتی می تواند با مرهم و مراقبت و تنظیف، بیمار را معالجه کند، محل زخم را داغ نمی کند. در بخش های اقتصادی، پولی، صنعتی، خدماتی و دیگر بخش های تولیدی و آن جایی که بخصوص

معاملات خارجی و کلان وجود دارد، حضور شما حقیقتا به عنوان مدعی و معارض فساد و مفسد تلقی شود. وقتی با این جدیت دنبال رفع فساد رفتید، در جایی می بینید باید به قوه قضاییه بگویید ما از شما می خواهیم به این قضیه رسیدگی کنید. در این صورت با میل و خواست و مطالبه شما، قوه قضاییه وارد میدان خواهد شد. (۰۴/۰۶/۱۳۸۱)

اتاق جنگ در جهاد اقتصادی و اشتغال

اتاق جنگ در جهاد اقتصادی و اشتغال

معنای اشتغال این است که جوان مستعد آماده به کار، فرصت تلاش و فعالیت به دست آورد تا هم نیاز شخصی خود را از این راه برطرف کند و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک نماید. این امر برنامه ریزی می خواهد که این کار را مسئولان دولتی ما شروع کرده اند و باید با جدیت ادامه پیدا کند؛ هیچ چیز نباید مانع از اجرای آن شود. اگر تهدید امریکا است، اگر امواج سیاسی است، اگر درگیریهای جناحی است، اگر خودخواهیهای این و آن است، هیچ کدام از اینها نباید مانع این شود که مسئولان ذی ربط دستگاه های دولتی در این قضیه اشتغال ـ که یک قضیه بسیار اساسی است ـ کار خودشان را با جدیت دنبال نکنند. من در چند ماه قبل از این، به مسئولان بلندپایه این بخش از دولت گفتم آن مجموعه ای که برای ایجاد اشتغال در کشور کار می کند، باید مثل اتاق جنگ دوران دفاع مقدس که شب و روز نمی شناخت، کار کند. در دوران جنگ و دفاع مقدس برای آن مجموعه هایی که مشغول طراحی جنگ بودند، شب و روز، تعطیل و غیر تعطیل، اول هفته و آخر هفته معنا نداشت؛ مرتب مشغول کار بودند. امروز باید برای ایجاد اشتغال به هما

ن نحو تلاش شود. جوان ما بایـد بتوانـد از نیرویش، برای اداره زنـدگی خود و پیشـرفت کشور به معنای حقیقی اسـتفاده کنـد؛ کشور هم این ظرفیت را دارد. (۰۹/۰۱/۱۳۸۱)

تاکید بر نقاط قوت و کاستن از نقاط ضعف

تاکید بر نقاط قوت و کاستن از نقاط ضعف

نقاط قوت و ضـعف آنها[وزرای قبلی] را به درستی پیدا کنید و بنا را بر افزودن بر قوتها و کاستن از ضعفها بگذارید؛ به شرطی که در شناخت نقاط قوت و ضعف، اشتباه پیش نیاید. (۰۵/۰۶/۱۳۸۰)

همکاری بخش بازرگانی، تولید و صنعت

همکاری بخش بازرگانی، تولید و صنعت

بخش بازرگانی و بخش تولیـد و صـنعت می تواننـد به هم کمک کننـد. بازرگانی کشور می تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد. مـا بحمـدالله در بخش هـای مختلف اقتصادی و در اصـناف مختلف، انسان های مؤمن، خـدوم، علاقه منـد و دلسوز زیـاد داریم؛ چرا بایـد به این انگیزه هـای پـاک و مطهر بـدبین بود؟ همین اصـناف و بـازار کسـانی بودنـد که در دوران اختناق به این نهضت کمک کردنـد. امام فرمود، اصـناف بازوی قدرتمنـد نهضـتند. همین طور هم بود؛ اینها تلاش و مجاهدت کردند. تاجر و کاسب بازاری سـرمایه خودش را در معرض تطاول مأموران بی انصاف رژیم سفاک گذشته قرار داد، برای این که به مرجع تقلید و به دین خود و نهضت اسلامی کمک کند. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

مدیریت و میدان دادن به سرمایه های مردم

مدیریت و میدان دادن به سرمایه های مردم

ص:۲۳۴

پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت است. بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه های مردم _ که بتوانند در بخش صنعت سرمایه گذاری کنند _ پیش برد. ما این را در سیاست ها هم آورده ایم. این اقدام باید به دور از هرگونه حرکت امتیازجویانه و امتیازخواهانه باشد؛ چه برای بخش دولتی و چه برای عناصری که از امتیاز استفاده می کنند. ما قویا معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسئولان موظف و در میان آنها، به بدنه اقتصادی کشور سرایت می کند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

اهتمام به اشتغال و جلوگیری از فاصله طبقاتی

اهتمام به اشتغال و جلوگیری از فاصله طبقاتی

در همین زمینه های اقتصادی، یک موضوع، دو موضوع، سه موضوع را از اول مورد اهتمام قرار دهند _ مثلا ایجاد اشتغال _ و آن را به نتیجه برسانند.. نباید نیروی جوان ها هدر برود. علاوه بر این، بر اثر نبودن کار و اشتغال و درآمد، نباید به حق جمع کثیری از مردم _ که دچار این آفتند _ ظلم شود و از خیرات جامعه محروم شوند؛ چون بیکاری، فاصله بین طبقات و فاصله بین فقیر و غنی را روزبه روز بیشتر می کند. عده ای را روزبه روز بیشتر به ته دره های فقر می راند؛ در مقابل، عده ای هم از راه های گوناگون به طرف قله های ثروت پیش می روند؛ این که نمی شود. اگر هر دولتی همت بگمارد _ نه این که از بقیه چیزها غافل باشد _ و تکیه گاه اصلی اش را مثلا مسئله اشتغال یا سروسامان دادن به تولید صنعتی و کشاورزی در کشور قرار دهد، یقینا مردم در طول چهار سال اثرش را می بینند. (۲۸/۰۲/۱۳۸۰)

ص:۲۳۵

شناسایی نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی

شناسایی نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی

بخش های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را بدرستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظائف قانونی خود، نقاط آسیب پذیر در فعالیت های اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمای

ه گذاریهای بزرگ، طرح های ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و بطور منظم به رییس جمهور گزارش دهد. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

تکیه به نیروهای داخلی و آموزش آنان

تکیه به نیروهای داخلی و آموزش آنان

تا آن جا که می توانید به نیروهای داخلی تکیه کنید. البته می دانم این توصیه مورد توجه شماست، چون تا حدود زیادی عمل هم شده است؛ لیکن می خواهم روی آن تأکید بیشتری کنم. استعداد در داخل کشور ما برجسته و بیش از حد معمول و متوسط است. مکرر گفته ام که متوسط استعداد در ایران بالاتر از متوسط استعداد در کل جهان است. پیشرفت هایی که در المپیادهای ریاضی و فیزیك و شیمی و ... به دست آوردیم، نشان داد ما جوانانی داریم که از استعدادهای بالایی برخوردارند. کسانی که در این مسابقات، مقامات بالا به دست آوردند، افراد استثنایی نبودند؛ بلکه فرزندان این مملکتند. یقینا از قبیل این افراد هزارها و صدها هزار در این مملکت

ص:۲۳۶

وجود دارند. اینها را به آموزش، پرورش، توسعه علم و تحقیق تربیت کنید. به کار فرهنگی به معنای واقعی کلمه اهتمام ورزید. وقتی که اینها رشد پیدا کردند، می توانند کشور و بلکه دنیا را با دستهای خودشان اداره کنند. تکیه بر توان و امکانات داخلی نیز از همین مقوله است. (۰۸/۰۶/۱۳۷۴)

پیشرفت کشاورزی در سایه پیشرفت صنعتی

پیشرفت کشاورزی در سایه پیشرفت صنعتی

کشاورزی هم که برای ما خیلی اهمیت دارد و از نظر من یک رکن اساسی قوام و حیات کشور ما است، بستگی دارد به صنعت. پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست. یعنی من که رو صنعت تکیه می کنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست. اصرار دارم بر اینکه بخش صنعت پیشرفت بکند و این پیشرفت هم با تحقیق، با به کار انداختن فکر و هوش سرشاری که بحمداللّه در شما جوانان عزیز هست، و سرانگشتان ماهر ایرانی، امکان پذیر است. (۱/۱/۱۳۸۹)

سیاست تنظیم بازرگانی و ارتقاء کیفیت داخلی

سیاست تنظیم بازرگانی و ارتقاء کیفیت داخلی

اگر اهمیت میدهیم به صنعت داخلی ــ حالا در زمینه خودرو که فعلاً محل کلام ماست و یا زمینه های دیگر ــ بایستی سیاست تعدیل بازرگانی خودمان را در این زمینه حتماً تنظیم کنیم. یعنی واردات بی رویه قطعاً ضرر خواهد زد. دستگاه های سیاستگذار کشور و کسانی که سیاست های اجرایی

را تنظیم می کنند، به این نکته باید توجه کنند. فراوانی و ارزانی چیز خیلی خوبی است، اما از آن مهم تر و بهتر، رشد صنعت داخلی است؛ قوام گرفتن صنعت داخلی است. این درست نیست که ما به دلایل گوناگونی که غالباً هم دلایل واهی است، دروازه را به روی واردات باز کنیم. من بارها به مسئولین ــ مسئولین گوناگون در بخش های مختلف دولتی ــ گفتم: اگر فلسفه شما، منطق شما برای افزایش واردات و تسهیل وارداتِ ساخته های صنعتی این است که میگویید کیفیت مصنوعات داخلی باید بالاـ برود، خب فشار را روی این بخش بگذارید. سیاست هایی وجود دارد که می شود وادار کرد، مجبور کرد تولیدکننده داخلی را به اینکه کیفیت را ارتقاء بدهد. بدترین گزینه برای بالا بردن کیفیت داخلی این است که ما راه را برای مصنوعات خارجی باز کنیم؛ این، بدترین گزینه است. گزینه های بهتری وجود دارد برای اینکه ما کیفیت را بالاـ ببریم. (۱/۱/۱۳۸۹)

تامین بازار صادراتی برای صنایع

تامین بازار صادراتی برای صنایع

یک مسئله مهم در باب صنایع ما و از جمله حالا صنعت خودرو، همین مسئله صادرات است. دستگاه های گوناگون دولتی باید تلاش بکنند تا بازار صادراتی را تأمین بکنند. این یکی از آن کارهای بسیار حساس، بسیار هنرمندانه و مبتنی بر تلاش های متنوع و مرکب چند جانبه است. بعضی از کشورهای همسایه ما صادرات خودروشان در سال، میلیاردها دلار درآمد براشان دارد! این کار بسیار مهمی است؛ یعنی از اول باید حرکت

سازندگان خودرو ناظر باشد ـ حالا خودرو را من به عنوان یک نمونه بارز عرض می کنم، مجموعه صنایع از این قبیل است ـ که باب صادرات باز بشود؛ یعنی از اول فکر بشود و دستگاه های دولتی، پیدا کردن بازارهای صادراتی را یکی از اهداف خودشان قرار بدهند. (۱/۱/۱۳۸۹)

هدفمند کردن یارانه ها گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی

هدفمند کردن یارانه ها گام بلند در جهت ایجاد عدالت اجتماعی

خوب است ملت عزیز ما بدانند که همه صاحبنظران اقتصادی ـ چه آن کسانی که از لحاظ دیدگاه های اقتصادی با دولت فعلی موافقند، و چه آن کسانی که دیدگاه های اقتصادی آنها مخالف با نظرات دولت فعلی است ـ متفقند که هدفمند کردن یارانه ها یک کار بسیار لازم، بسیار اساسی و بسیار مفید است. این، جزو آرزوهایی بود که سال های گذشته از دولت ها مطالبه میشد. ورود در این میدان، کار دشوار و سختی است؛ زمینه ها هم آماده نبود. بحمداللّه اکنون این کار شروع شده است. همکاری ملت و دولت در این زمینه هم انصافاً عالی بود. حرکت مردم در جهت هدفمند کردن یارانه ها، حرکت عالی ای بود. آثار این کار در آینده بتدریج آشکار می شود؛ اگرچه تا امروز هم بعضی از آثار مثبت آن آشکار شده است. اهداف مهم این کار، در درجه اول، توزیع عادلانه یارانه هاست. دستگاه مدیریت کشور یارانه هایی را بین مردم تقسیم می کند. با شکل قبلی، این یارانه ها به کسانی که بیشتر پول داشتند، بیشتر مصرف می کردند، بیشتر میرسید؛ اما به کسانی که کمتر پول داشتند، کمتر مصرف می کردند، این یارانه ها کمتر میرسید. با

هدفمنـد کردن یـارانه ها، توزیعِ عادلانه انجام می گیرد؛ یعنی به همه، به نسـبت واحـدی میرسـد. این، یک گام بلنـد در جهت ایجاد عدالت اجتماعی است. (۱/۱/۱۳۹۰)

مبارزه با فقر و فساد و تبعیض

مبارزه با فقر و فساد و تبعیض

این گونه نیست که من فقط در چند سال اخیر مسئله فقر و فساد و تبعیض را مطرح کرده باشم؛ نه. با طرح شعار رفع فقر و فساد و تبعیض در این ایام، خواستم نکته اساسی ای را که مورد نظر من است، بیان کنم و آن این است که طرح مسئله اصلاحات در کشور ــ که بسیار هم خوب است؛ اصـلاحات یـک امر بسـیار پرجـاذبه و بسـیار لازم برای هر کشوری است که دائم در حال اصلاح خودش باشد ــ یک وسیله سیاسی در دست عده ای شد که نه نظام، نه اسلام، نه قانون اساسی، نه این دولت، نه رییس جمهـور، نه رهـبری، نه وزرا، و خلاـصه هیـچ کس را قبول ندارنـد؛ یعنی کـل نظـام را قبول ندارنـد. اینهـا بـدون این که کلمه اصـلاحات را معنا کنند، شـروع به استفاده سیاسی از اصلاحات کردند. من مطرح کردم که اصلاحات در کشور ــ که یک امر بسـیار لازم است و همه باید متوجه اصـلاحات شوند و سه قوه باید در جهت اصـلاحات حرکت کنند ــ در درجه اول این سـه چیز است. من در واقع یک مفهوم روشن را برای اصـلاحات مطرح کردم و آنها هم نتوانسـتند آن را نفی کنند؛ چون چه کسی است که رفع فقر و تبعیض و فساد را در جامعه لازم نداند یا آن را اصلاح نداند؟ اما به هرحال برای این گونه اصلاحات تلاش نمی کنند. برای یک خواسته مبهم و مجهول،

مرتب در فضای کشور توفان سیاسی راه می اندازند و مردم را به این طرف و آن طرف می کشانند و دانشگاه را مورد هدف خود قرار می دهند. آیا این درست است؟ من خواستم به این تلاشی که بعضی افراد می خواهند بکنند، جهت داده شود؛ که خوشبختانه همین طور هم شد. قبل از آن که من این مسئله را مطرح کنم و بعد از آن که مطرح کردم، رؤسای سه قوه را این جا خواستم و با آنها صحبت کردم. آنها قول دادند که برنامه ریزی کنند؛ برنامه ریزی هم کردند و الان کارهایی می کنند. بنابراین من از سابق و در دولت گذشته هم بخصوص در زمینه مسئله فساد و تبعیض و فقر، تلاش مسئولان را خواسته ام. آنها هم بر اساس همان خواسته ما لایحه فقرزدایی را درست کردند. منتها به عمر دولت گذشته نرسید؛ اما بعد همان لایحه را دولت فعلی تنظیم و مرتب کرد؛ بعضی از مراحلش هم پیش رفته؛ که همین مسئله اشتغالی که شما در این چند روز شنیده اید، به دنبال آن مسئله است؛ چون مسئله اشتغال، مهم ترین مسئله است. (۲۲/۱۲/۱۳۷۹)

توجه به منابع طبیعی و تولیدات داخلی جهت ایجاد و افزایش ثروت ملی

توجه به منابع طبیعی و تولیدات داخلی جهت ایجاد و افزایش ثروت ملی

ما ثروت، منابع طبیعی و تولیدات داخلی زیاد داریم. امکانات تولید ثروت در داخل کشور، خیلی زیاد است. روزی به خاطر جنگ، این کارها عملی نبود، ولی بحمدالله امروز عملی است. باید هم انجام گیرد و انجام دهند. دولت هم این کار را می کند، باید هم بکند. ما هم اخیرا اعلام و ابلاغ کرده ایم که این کار شروع شود و مقدمات کار، در حال انجام است. ممکن

است این طرح در مدت یک سال، دو سال، سه سال یا پنج سال نتیجه بدهد. اگر به فضل پروردگار، چنین شود، بسیاری از مشکلات این کشور کاهش پیدا خواهد کرد. البته به شرط این که همه ملت؛ همه کسانی که بازوی توانا، فکر و قلم فعال، زبان گویا و دل بیدار دارند، پشت در پشت، با همین وحدتی که امروز در میان این ملت است، تلاش کنند و نگذارند مردم تقسیم شوند. (۰۴/۰۱/۱۳۷۵)

امنیت غذایی و خود کفایی در کشاورزی

امنیت غذایی و خود کفایی در کشاورزی

مسئولان با این نگاه، با نگاه «حایز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره کشور است؛ و باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد؛ باید امر کشاورزی را در کشور سبک نشمرند. البته صنعت هم مهم است و وقتی ما روی کشاورزی تکیه می کنیم، صنعت را نفی نمی کنیم؛ آن هم یک محور اساسی دیگری برای پیشرفت کشور است؛ اما جاذبه های گوناگون و زرق و برق و نام و نشان بخش های دیگر، مبادا اهمیت این بخش بسیار مهم را تحت الشعاع قرار بدهد؛ شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه ــ حیات اجتماعی ــ در این بخش، بیشتر معنا پیدا می کند؛ چون این جا مسئله غذا و مسئله امنیت غذایی و مسئله استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ این نکته اول، که

مسئولان با این چشم به مسئله کشاورزی نگاه کنند. این نگاه _ همان طور که گفتیم _ در دانشگاه، در بخش های دانشگاهی مربوط به کشاورزی، در تنظیم درس ها، در گرفتن دانشجو، در پرداختن به استاد، اثر می گذارد، تا بقیه خدمات گوناگونی که دولت می تواند به کشاورزان بدهد؛ مانند آنچه که مربوط به بانک هاست، آنچه که مربوط به سازمان مدیریت و برنامه ریزی است، آنچه که مربوط به خود وزارت جهاد کشاورزی است. (۱۴/۱۰/۱۳۸۴)

حرکت جهادی مسئولان در کار کشاورزی و صنایع وابسته

حرکت جهادی مسئولان در کار کشاورزی و صنایع وابسته

نکته دوم برای مسئولان این است که در کار کشاورزی، همین طور که اسم شما جهاد کشاورزی است، جهادی حرکت کنید. ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشم شان این کارهای بزرگ انجام می گرفت، باور نمی کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از امریکا می خریدند و سیلو را روس ها برایشان می ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی توانستند بسازند! باید روس ها می آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ در خانه چه کسی برویم، جز در خانه همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند. افرادی می دیدند که این سیلو

بالاـ می رود ــ البته در روز اول، بـا ظرفیت کم ــ امـا بـاور نمی کردنـد! و امروز کشور مـا یکی از کشورهـای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقـاتی که مـا بـا روحیه جهـادی وارد شـدیم، پیش رفته ایم... جهـاد کشـاورزی بایـد در معنای حقیقی کلمه، برای مسائل کشاورزی کشور و دامداری و بقیه کارهایی که برعهده این وزارت است، جهادی عمل کند. (۱۴/۱۰/۱۳۸۴)

همفکری در زمینه تولید و رفع موانع آن

همفکری در زمینه تولید و رفع موانع آن

در زمینه های کار اقتصادی، عمـده تلاش را بایـد روی تولیـد برد. اساس مسـئله، تولیـد است. ببینیـد در کدام نقطه از مجموعه مقررات کشور مزاحم بـا تولیـد وجود دارد، آن را علاـج کنیـد. البته این کـار نگـاه کلان و دیـد وسـیع اقتصادی لازم دارد که مجموع بخش ها ــ وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، وزارتخانه های صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... ــ که شریک در امر ترکیب و سامانـدهی اقتصادی کشور هسـتند، با همـدیگر روی این مسـئله فکر کننـد و ببیننـد کجا گیرهایی وجود دارد که مـانع تولیـد ــ چه تولیـد صـنعتی و چه تولیـد کشـاورزی، علمی و آنچه مربوط به وزارت علوم و آموزش و پرورش و کارهای تحقیقـاتی و پژوهشـها می شود ــ است. امروز حقیقتـا زمینه تولیـد در کشور وجود دارد و ما مـدیران، متخصـصان و فن آوران خوب و استعدادهای درخشان و بالا و دل های گرم داریم. (۰۵/۰۶/۱۳۸۲)

ص:۲۴۴

جهاد در مفاسد اقتصادی باعث کارآمدی نظام

جهاد در مفاسد اقتصادی باعث کارآمدی نظام

اگر مسئولان دولتی در جای خود و مسئولان قضایی در جای خود، هر کدام با این انحرافات و خطاها برخورد کنند، هم کارایی مسئولان دولت در زمینه های مختلف زیاد خواهد شد و هم این معضل اقتصادی _ مشکل اشتغال، مشکل صادرات و واردات، مسائل مربوط به پول و غیره _ عمدتا حل خواهد شد. یعنی برخورد با فساد، هم موجب می شود که افراد، دقت بیشتری بکنند، هم موجب می شود که دستهای خیانتکار بترسند و عقب بکشند. این دو عامل موجب خواهد شد که در کارهای اقتصادی و جاری کشور و دولت، پیشرفت به وجود آید. بنابراین علاج تهاجم به ناکارآمدی نظام، اثبات کارآمدی است؛ که اثبات کارآمدی هم این گونه است. (۱۵/۰۶/۱۳۸۰)

ترویج روحیه وجدان کاری

ترویج روحیه وجدان کاری

بایـد کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند، آن مسائل [وجدان کاری]را ترویج کنند؛ مسائل را درست برای مردم بشکافند و تبیین نمایند. کسانی که اهل برنامه ریزی هستند، برای دمیدن دو روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه ریزی کنند. کسانی که اهل کار و تلاشند این دو روحیه را در خودشان به وجود آورند. هر کسی این کار و تلاش را برای خود بکند. آن کسانی هم که به مردم تذکر می دهند و برای مردم تبلیغ می کنند، در این باره برای مردم حرف بزنند. کاری کنیم که کار و عمل سازنده؛ چه عمل فرهنگی و چه عمل اقتصادی و چه عمل اجتماعی و

چه عمل سیاسی، برای کسی که کننده آن است یک عمل مقدس به حساب آید. از یک کارگر ساده بگیرید، تا یک مأمور ساده اداری، تا یک مدیر عالیرتبه، تا یک صاحب صنعت مهم و بزرگ در کشور، تا یک مأمور عالیرتبه دولتی، تا یک معلم، تا یک دانشجو، تا یک مبلغ و روحانی، همه و همه احساس کنند این کاری که انجام می دهند یک عبادت و یک عمل خیر و صالح است. همه باید کارشان را با جدیت و به نیکی انجام دهند. از نبی اکرم صلوات الله و سلامه علیه نقل شده است که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملا فاتقنه»؛ رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و متقن و صحیح انجام دهد. از سر هم بندی و کار را به امان و حال خود رها کردن و به کار نپرداختن و بی اعتنایی به استحکام یک کار به شدت پرهیز شود. (۰۱/۰۱/۱۳۷۴)

کار آفرینی یک وظیفه عظیم

کار آفرینی یک وظیفه عظیم

[در کار های اقتصادی و کار آفرینی] مهم در درجه اول این است که ما بدانیم می شود قدم برداشت. بعد از آنی که فهمیدیم اقدام، ممکن است، احساس کنیم که این اقدام یک وظیفه است؛ یک وظیفه عظیمی است. کار فی نفسه مهم است؛ اما امروز به دو دلیل اساسی کار و کارآفرینی مهم تر از همیشه است... این روایت را اینجا یادداشت کردم: «من یعمل یزدد قوّه و من یقصّر فی العمل یزدد فتره»؛ کار که بکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا می کند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است؛ افزایشِ خودِ نیروی کار، نه محصول کار. خب، محصول کار که معلوم است

افزایش پیدا می کند ــ وقتی کار کردید، کار یک محصولی دارد ــ اما در این روایت، امیرالمؤمنین(ع) می فرماید که وقتی کار کردید، قدرت کار و نیروی کار هم افزایش پیدا می کند. «و من یقصّر فی العمل»، کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، «یزدد فَتره» یا «فِتره»، فتور و سستی او افزایش پیدا می کند این مال شخص فقط نیست؛ این «مَن» که فرمود: «من یعمل»، معناش فقط این نیست که هر کسی این کار را بکند؛ خب، این روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

سرمایه گذاری، در کارآفرینی

سرمایه گذاری، در کارآفرینی

همت مضاعف و کار مضاعف در سرمایه گذاری، در کارآفرینی. بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمیدانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان می دهد. پول را به جای سرمایه گذاری تولیدی، صرف تجملات می کنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی ثمر، پرخرج و احیاناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسائل خانه، وسائل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. می شود پول را، درآمد را سرمایه گذاری کرد. امروز وسائل این کار فراهم است. با فعال شدن بورسهایی که در کشور هست، می توان سرمایه گذاری کرد. همه می توانند آنچه را که دارند، در سرمایه گذاری ها دخالت بدهند. (۱/۱/۱۳۸۹)

بانکداری اسلامی بزرگترین سنگر جهاد اقتصادی

بانکداری اسلامی بزرگترین سنگر جهاد اقتصادی

بانکداری اسلامی ــ پول را در جامعه به شکل اسلامی مطرح کردن و داد و

ستد کردن ـ مسئله بسیار مهمی است. اگر بتوانیم این حقیقت را به معنای جامع کلمه در جامعه به وجود بیاوریم، فتح عظیمی در دنیا خواهد بود. فتح، فقط فتح قلعه ها و سنگرها نیست. اگر کارگزاران دستگاه بانکی بتوانند این را به معنای جامع و کامل مسئله اجرا و پیاده کنند، بزرگترین سنگر اقتصادی امروز دنیاست. خصوصیت بانکداری اسلامی و از لوازم آن، دادوستد پول بر اساس غیر ربا، تنظیم مبادلات پولی بر اساس قوانین اسلامی و معاملات اسلامی صحیح است، که در آنها ظلم و استثمار و کنز و تبعیض و اختلاف طبقاتی و امثال اینها به وجود نمی آید. (۰۷/۰۶/۱۳۶۹)

امنیت و خود کفایی غذایی در کشاورزی

امنیت و خود کفایی غذایی در کشاورزی

دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است؛ چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پرجمعیت و دارای هدف های بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پرمعنا و پرمضمونی درباره کشاورزان نقل شده است: «الزارعون کنوز الله فی ارضه»؛ یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه های خدا در زیر زمین را می دروند و استخراج می کنند. مهم ترین گنجینه خدا در زمین و خاک عبارت است از موادی که مایه ادامه حیات بشر و حیوانات است. این از طلا و نفت مهم تر است. طلا و نفت وسیله به دست آوردن مایحتاج زندگی است؛ اما محصول

غذایی، مهم ترین مایحتاج زندگی است. این را برای این عرض می کنیم که همه دست اندرکاران کشور و بخصوص مسئولان وزارت جهاد کشاورزی توجه کنند _ همان طور که از اول انقلاب بارها تکرار شده است _ که کشاورزی یکی از اساسی ترین محورهای توسعه در کشور ماست؛ یک امر حاشیه ای نیست. توجه به صنعت _ که لازم است _ نباید موجب عطف توجه از کشاورزی شود. کشاورزی، پایه و زیربنا و اساس است. این کار، مقدماتی دارد؛ باید این مقدمات را طی و اجرا کرد. مسئولان در این زمینه تلاش های خوبی کرده اند. (۱۴/۱۰/۱۳۸۲)

ص:۲۴۹

فصل چهارم: راهکارهای ملت

اشاره

فصل چهارم: راهکارهای ملت

زیر فصل ها

اتکاء به سرمایه های انسانی، طبیعی و هویت ذاتی

بیداری و پشتیبانی مردم

استفاده از تولیدات داخلی

تولید کالاهای با کیفیت

جهاد نیرو های متعهد، مومن و دلسوز

مبارزه با فساد توسط افراد برخوردار از سلامت و امانت

اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم برای تقویت روحیه مردم

کارگر رکن اساسی

استفاده از فرصت نیروی جوانان

ارائه محصول متناسب با نیاز بازار

صرفه جویی و اصلاح شیوه های آبیاری کشاورزی

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد

سرمایه گذاری های مردمی

پرهیز از اسراف در مصرف بیت المال

ترویج فرهنگ کار و وجدان کاری

نیروی کار جوان، عامل مهم در سازندگی

روحیه جهادی جوانان مومن

رونق کشاورزی و دامداری با روحیه جهادی

احساس تعلق دو سویه نظام و مردم

تربیت نیرو در صنایع

حرکت جهشی در سایه هوش و استعداد با کار و تلاش پیگیر

استفاده بهینه و بهره وری از منابع و امکانات موجود کشور

کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی

نقش تعیین کننده عنصر انسانی در پیشرفت

در صحنه بودن مردم عامل اصلی پیروزی

احساس مسئولیت، وجدان کاری و ابتکار

مصرف کالای داخلی

اتکاء به سرمایه های انسانی، طبیعی و هویت ذاتی

اتکاء به سرمایه های انسانی، طبیعی و هویت ذاتی

کشور به سرمایه های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است؛ اما نه آن گونه که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه. ما برنامه و سیاست داریم و ــ همان طور که گفتم ــ ما می توانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه ها، نمی توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه های داخلی را نشناخته است؛ البته قضاوتهای بدبینانه هم می شود کرد. مسئولان کشور و شما برادران و خواهرانی که در بخش های مختلف مشغول هستید، با امید و توکل به پروردگار، با اعتماد به مبانی فکری و عملی اسلامی و با همت والا و عالی، تلاش خود را شروع کنید و ان شاءالله به فضل الهی این کشور شاهد رشد و شکوفایی در همه عرصه ها خواهد بود؛ مشروط بر این که مسئولان وظایف خود را انجام دهند. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

بیداری و پشتیبانی مردم

بیداری و پشتیبانی مردم

هیچ کشوری نمی تواند در اقتصاد کشور دیگر ــ اگر مردم آن کشور بیدار باشند ــ تأثیر بلندمدت و تعیین کننده داشته باشد. البته بله؛ اخلالگری می کنند، خرابکاری می کنند، روی قیمت نفت اثر می گذارند، درآمد یک کشور را به نصف می رسانند؛ مثل این که الان در شرایط کنونی در کشور ما این کارها را کرده اند. این نکته را هم من در همین جا عرض کنم: بعضی کسان روی مسئله اقتصادی کنونی کشور، خیلی بزرگنمایی و جنجال می کنند. خبری نیست، مسئله ای نیست. مگر ما ملتی هستیم که مشکل اقتصادی ندیده باشیم؟ مگر ما کشوری هستیم که درآمد کم مالی و نفتی و غیره در گذشته بیست ساله مان نباشد؟ در گذشته نیز همین طور بود؛ درآمدها کم می شد، زیاد می شد و مسئولان کشور و دلسوزان دولت، با پشتیبانی مردم و با همراهی قشرهای مختلف و با خودداری این توده عظیم مردم مؤمن ما، مشکلات را می گذراندند؛ امروز هم می گذرانند. (۰۲/۰۹/۱۳۷۷)

استفاده از تولیدات داخلی

استفاده از تولیدات داخلی

مردم ایران نمی دانند که مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی ــ مرجع تقلید بزرگ ساکن نجف ــ فتوا داد که استعمال اجناس مصنوعه در داخل کشور لازم است و مردم باید از استفاده از مصنوعات خارجی اجتناب کنند، تا به این ترتیب دیگران در داخل کشور نفوذ نکنند. همه می دانند که در ژاپن، حدود صد سال پیش از این گفتند که مردم حق ندارند از مصنوعات خارجی استفاده کنند، تا در داخل آن کشور چرخ اقتصاد به کار بیفتد؛ اما

نمی دانند که در همان زمان، بلکه زودتر از آن، عین همین پیشنهاد و همین فتوا، از طرف مراجع و علمای شیعه صادر شد؛ منتها متأسفانه در داخل کشور، هیچ کس از سرجنبانها و اهل قلم و اهل سیاست و روشنفکران کمکشان نکرد! (۱۴/۱۲/۱۳۷۰)

تولید کالاهای با کیفیت

تولید کالاهای با کیفیت

کارگرها باید این میدان را پیدا کنند که کار خودشان را در خدمت نظام و رونق و حرکت اقتصادی مردم قرار دهند و به بهترین وجه به تولید کالاهای با کیفیت بپردازند. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملا فأتقنه»؛ یعنی رحمت خدا بر آن آدمی که کار را با محکم کاری انجام دهد. شما باید کار خود را به بهترین وجه عرضه کنید. بدانید که تلاش شما پیش خدا محفوظ است؛ حال آن کارفرمای دولتی و غیر دولتی، تلاش شما را درک بکند یا نکند و پاداش مناسب را بدهد یا ندهد. البته باید تلاش شما را درک کنند و متناسب با آن پاداش بدهند. نفس این محکم کاری، مطلوب خدای متعال است و ما باید این ارزش را در نظر داشته باشیم. (۰۵/۰۴/۱۳۶۸)

جهاد نیرو های متعهد، مومن و دلسوز

جهاد نیرو های متعهد، مومن و دلسوز

ایران اسلامی می تواند شکوفایی متناسب اقتصادی را به وجود آورد. ما به این کار قادریم؛ اما شرایطی دارد. ... این که کسانی خیال کنند نمی شود کار کرد، نمی شود پیش رفت، نمی شود گره ها را باز کرد؛ این خطای در دید و ضعف نفس است. ما با مدیریت دلسوز و کارآمد، بااحساس تعهد و به کار

گرفتن ابتکارها و استعدادهای انسانی، می توانیم همه بن بستها را باز کنیم. ما در این زمینه چیزی کم نداریم. من مکرر عرض کرده ام که هر جا مدیریت های متعهد، مؤمن و دلسوز بر سرکار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم. شما به عرصه کشور نگاه کنید؛ ما در زمینه بخشی از پیچیده ترین صنایع _ که یک روز صنعتگران این کشور حتی فکرش را نمی کردند _ به خاطر مدیریت های کارآمد، به حد مطلوب رسیدیم. بسیاری از بیگانگان، دشمنان و رقیبان حتی حاضر نیستند این واقعیت را باور کنند؛ ولی بالاخره باور می کنند؛ چون آثارش را در گوشه کنار می بینند. ما در بخش های صنعت دفاعی از کجا به کجا رسیده ایم؟ در دوران جنگ، ما در تولید ساده ترین مهمات این کشور مشکل داشتیم؛ اما امروز بخشی از ابزارهای بسیار پیچیده _ که خیلی از کشورهایی که نسبت به ما سابقه بیشتری در صنعت دارند، از آن محرومند _ به وسیله همین جوانان متعهد و مدیران دلسوز، در بخش های دفاعی ما ساخته می شود. توانایی صنعتی، قابل انحصار نیست. اگر در جایی استعداد و ظرفیتی وجود دارد، به کل بخش صنعت قابل تعمیم است. در بخش های تولیدی دیگر نیز همین طور است.

در بخش کشاورزی و دامداری _ که یکی از بخش های مهم ماست _ اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرفی کشور، به خودکفایی برسیم؛ همچنانی که در یک وقت این کار تجربه شد و جهاد سازندگی در چند سال گذشته، کشور را از واردات مواد لبنی بی نیاز کرد. مردم ما ناچار بودند پنیر و بقیه مواد لبنی وارد شده از خارج را مصرف

کننـد؛ اما امروز احتیاجی ندارنـد؛ چون خودکفایی پیـدا شد و ما امروز صادر هم می کنیم. اخیرا مسـئولان بخش کشاورزی به بنـده اطلاع دادنـد که قادرنـد کشور را در زمینه موارد مصـرفی اصـلی کشور به خودکفایی برساننـد؛ یعنی ما گنـدم و برنـج و روغن نباتی و ذرت وارد نکنیم. ما این توانایی را داریم؛ اما همت و تعهـد و ایمان و اعتقاد به نظام اسـلامی و ترس از مؤاخـذه الهی در مـدیر لازم است تا این کارها بشود. اگر مـدیران این چیزها را در خود رعایت کننـد، آن موفقیت حاصل خواهـد شد. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

مبارزه با فساد توسط افراد برخوردار از سلامت و امانت

مبارزه با فساد توسط افراد برخوردار از سلامت و امانت

کـار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سـلامت و امانت بسـپارید. دستی که می خواهـد بـا ناپاکی دربیفتـد بایـد خود پاک باشـد، و کسانی که می خواهنـد در راه اصـلاح عمل کننـد بایـد خود برخوردار از صلاح باشند. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم برای تقویت روحیه مردم

اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم برای تقویت روحیه مردم

آنها[دشمنان] مرتب در تبلیغات، فقط بزرگنمایی مشکلات می کنند و به دروغ می گویند: ایران چنین است، ایران چنان است، تورم چنان است، دولت ورشکسـته است و ...! کاری می کننـد که روحیه مردم را تضـعیف نمایند و مردم احساس کنند که ای داد، چه اتفاقی می خواهـد بیفتد! در حالی که اگر مردم بدانند دولت و مسـئولینشان چه تلاش هایی می کنند، پشـتشان گرم و دلگرم می شونـد. این که هم در زمان امام (رضوان الله علیه) بارها ایشان به مسـئولین می گفتنـد و ما هم بارها تأکیـد کرده ایم کارهایی را

ص:۲۵۵

که انجام می دهید، به مردم بگویید ــ تا مردم بدانند شما چه قدر کار می کنید ــ برای همین است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۸)

کارگر رکن اساسی

کارگر رکن اساسی

امروز هم اگر ما دنبال توسعه اقتصادی هستیم، باید کار را تقویت کنیم؛ بدون کار نمی شود. مرتب صحبت از سرمایه گذاری است. بنده نقش سرمایه گذاری را قبول دارم؛ بدون سرمایه گذاری هم کاری صورت نمی گیرد؛ اما سرمایه گذاری یک رکن کار است؛ رکن اساسی، کار کارگر است. کاری که از روی دلسوزی، از روی کاردانی، با پیگیری و با قبول شرایط دشوار همراه نباشد، نمی تواند کشور را نجات دهد. کشور بدون چنین کاری، به آن جایی که باید برسد، نمی رسد. (۱۵/۰۲/۱۳۷۸)

استفاده از فرصت نیروی جوانان

استفاده از فرصت نیروی جوانان

در زمینه مسائل کشور و بخصوص در زمینه مسائل اقتصادی، توجه به اشتغال جوانان و جهت گیری فکری و روحی و فرهنگی آنان، خیلی مهم است. امروز عمده مخاطبان ما در کشور، جوانانند. خوشبختانه نیروی عظیم این کشور، ناشی از نیروی جوان است. این فرصتی است و می تواند به عنوان یک نقطه قوت به کار رود. البته دشمن، درست در نقطه مقابل آنچه که شما می خواهید، سعی می کند که این نقطه قوت را به نقطه ضعف تبدیل کند؛ جوانان را به فساد بکشاند؛ از لحاظ فکر سیاسی، از لحاظ رفتار اجتماعی، از لحاظ رفتار فردی، با تبلیغاتش آنها را دچار آلودگی کند. (۰۲/۰۶/۱۳۷۷)

ص:۲۵۶

ارائه محصول متناسب با نیاز بازار

ارائه محصول متناسب با نیاز بازار

چیزی را به بازار خواست بشر در سطح جهان عرضه کنید که چشمها را به طرف شما بگرداند و به آن احساس احتیاج کنند. فقط ادعا نباشد. در این میدان باید واقعا عمل باشد. این هم یک شرط است. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

صرفه جویی و اصلاح شیوه های آبیاری کشاورزی

صرفه جویی و اصلاح شیوه های آبیاری کشاورزی

صرفه جویی در مواد اساسی، از جمله صرفه جویی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف می کنیم، در بخش کشاورزی مصرف می شود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی می افتد. غیر از بخش کشاورزی، در همه بخش های دیگر ــ بخش خانگی، بخش صنعتی و بخش هایی که احتیاج به آب دارد ــ ما فقط از ده درصد آب کشور داریم استفاده می کنیم. اگر ما بتوانیم در بخش کشاورزی ده درصد صرفه جویی کنیم، ببینید چه اتفاقی می افتد. در واقع امکانات بهره برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر می شود؛ که این بسیار چیز مهم و باارزشی است. (۱/۱/۱۳۹۰)

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان شاءاللّٰه این روند روزبه روز توسعه پیدا کند. البته رسانه ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می توانند مردم را آگاه

کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان شاءاللّه مسئله اقتصادی را پیش ببرند. (۱/۱/۱۳۹۰)

سرمایه گذاری های مردمی

سرمایه گذاری های مردمی

این همت مردم است که می تواند کشور را بی نیاز کند. سرمایه گذاری هایی که مردم انجام می دهند در بخش های مختلف، بسیار ارزشمند است؛ بخصوص در بخش های تولیدی. و من برای آن مردمی که به کارهای خدمت رسانی به مردم علاقه مندند، این را بهترین عمل، بهترین حسنه و صدقه میدانم که در کارهای تولیدی سرمایه گذاری کنند؛ هم اشتغال ایجاد شود، هم به پیشرفت کشور کمک کند، هم فقر و محرومیت را از بخش های مهمی از کشور برطرف کند. این آن سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی است: کمک گرفتن از سرمایه مالی، سرمایه فکری، بازوی توانا و کارآمد مردم عزیزمان که کشور مال آنهاست و آینده متعلق به آنهاست. (۱۹/۰۲/۱۳۸۷)

پرهیز از اسراف در مصرف بیت المال

پرهیز از اسراف در مصرف بیت المال

امروز کسانی که با بیت المال مسلمین سروکار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه بیت المال است. اگر مسئولی خدای ناخواسته، در امر بیت المال اسراف بورزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای

دوستان و نزدیکان و مرتبطین خود مصرف کند، این، تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت المال است. باید بیت المال مسلمین در همان طریقی که قانونا معین شده و همان مصارف عمومی و بخش هایی که وظیفه ای از وظایف کشور را بر عهده دارد، مصرف شود. لذا امیرالمؤمنین علیه الصلاهوالسلام، آن روز به کسانی که مسئولیت امور کشور را بر عهده داشتند، سختگیری را به جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادقوا اقلامکم»؛ سر قلم های خودتان را که با آن می نویسید، ریز بتراشید. هم صرفه جویی در قلم، هم صرفه جویی در کاغذ، هم صرفه جویی در مرکب! «و قاربوا بین سطورکم»؛ سطوری را که در کاغذ می نویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه جویی کنید. «و اقصدوا قصد المعانی»؛ مطالب لازم را بنویسید. از زیاده روی و زیاده نویسی پرهیز کنید. (۳۰/۰۳/۱۳۷۱)

ترویج فرهنگ کار و وجدان کاری

ترویج فرهنگ کار و وجدان کاری

ما چگونه می توانیم این روحیه[آگاهی و وجدان کاری] را در بین محققان کشور و یا در محیط کار اداری زنده کنیم؟ کار اداری، ارتباط مستقیم با توسعه اقتصادی دارد. اگر شما طرحهای اقتصادی را به دست یک مجموعه دیوان سالاری غلط و معوج و عاری از وجدان کار و عاری از سواد و آگاهی از کیفیت کار بدهید، آن را ضایع خواهد کرد و این طرح را به ثمر نخواهد رساند. ما چگونه می توانیم آگاهی و وجدان کار را در این مجموعه اداری خودمان ــ

که هیکل حجیم دیوانی ما را تشکیل می دهد ـــ تزریق بکنیم؟ یا چگونه می توانیم در زمینه تولید و ساخت و ایجاد محیط های کارگاهی پرتلاش در کارخانجات، توصیه اسلام را که گفته: «رحم الله من عمل شیئا فاتقنه»، جامه عمل بپوشانیم و اتقان و سلامت کار و استحکام و سنگ تمام گذاشتن برای تولید را به کارگر تزریق کنیم، که وقتی اتومبیل ما از کارخانه بیرون می آید، بعد از یک ماه مثلا در آن لق لق نکند، یا فلان پیچش باز نشود؛ در حالی که تولید فلان نقطه دیگر دنیا، این طور نیست؟ یا چه کار کنیم که این فرد از کار در نرود؛ در حالی که دیگران به کار شوق دارند و بیشتر سعی می کنند کار کنند؟ ما چگونه می توانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرحهای توسعه اقتصادی خودمان در نظر بگیریم؛ بدون این که فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس، می بینید که به فرهنگ برگشت. (۱۹/۰۹/۱۳۶۹)

نیروی کار جوان، عامل مهم در سازندگی

نیروی کار جوان، عامل مهم در سازندگی

برای سازندگی کشور، نیروی کار، خیلی مهم است. دشمن سعی می کند نیروی کار را از ملت ایران بگیرد. ما ملتی هستیم که تعداد جوانان در میانمان زیاد است. .. نیروی جوان و جمعیت جوان کشور، برای یک ملت خیلی ارزنده است. این همه جوان، این همه نیروی کار، این همه نیروی

ابتکـار، برای یـک ملت خیلی ارزنـده است. این جاست که دشـمن برای تباه کردن و ضایع نمودن نیروی کار، وارد میـدان می شود. چگونه؟با دو عامل: عامل فساد اخلاقی و عامل اعتیاد. من به شـما مردم عزیز هشـدار می دهم...دشـمن برای فاسد کردن، منحرف کردن و ضـعیف کردن پنجه قدرتمنـد اینها در میـدان سازندگی و عمل و احیانا دفاع، برنامه می ریزد؛ برنامه هم فساد اخلاقی و اعتیاد است؛ مراقب باشید. (۲۸/۱۱/۱۳۷۶)

روحیه جهادی جوانان مومن

روحیه جهادی جوانان مومن

ما پیشـرفت های علمی و پژوهشـی بسیار زیادی در بخش های مختلف داشته ایم که ستون اصلی این بخش ها را همین جوانان انقلابی و بچه های مؤمن تشـکیل داده انـد. آنها بودنـد که وارد میـدان شدنـد و بر اساس همان روحیه، بسـیاری از گردنه ها و عقبه هـای تحقیقـات و کـار مهم علمی را پیش بردنـد. بله؛ معنویت، دنیـای انسان را هم آبادتر می کنـد؛ منتها دنیای سالم. آن جـایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به تنهایی خودش محور همه حوادث عالم است؛ سود را برای خود می خواهـد و ضـرر را از خود دفع می کنـد. اصل برای او این است؛ لـذا تعارضـها و بی اخلاقیها و بی صداقتیها و دشـمنیها پیش می آید. آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می شود و خود را فراموش می کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد. (۱۴/۱۰/۱۳۸۲)

ص:۲۶۱

رونق کشاورزی و دامداری با روحیه جهادی

رونق کشاورزی و دامداری با روحیه جهادی

کشاورزی و دامداری ما هم با این روحیه [جهادی]رونق واقعی خود را پیدا خواهد کرد....همان گونه که می دانید آب در کشور ما به قدر زمین نیست. معروف است که ایران کشور کم آبی است؛ اما اگر با عقل و تدبیر و روحیه خستگی ناپذیر پیش برویم، می شود از همین آب موجود استفاده کرد. آبها را که هرز می رود، مهار کنیم. آبها را درست مصرف کنیم. در مصرف آب اسراف نکنیم. با کار علمی و مدبرانه می شود استفاده بهینه کرد. خیلی ها قبل از انقلاب به دشتهای حاصلخیز ما چشم داشتند. کسانی که از همه چیز این کشور بیگانه بودند، برای دشت قزوین و دشت مغان ما برنامه ریزی کرده بودند؛ ما چرا نتوانیم برنامه ریزی کنیم تا از این خاکهای حاصلخیز و از این زمینهای واقعا بالاتر از قیمت مادی استفاده کنیم؟ می شود این کارها را کرد و باید بکنیم؛ با روح جهادی ممکن است. (۱۴/۱۰/۱۳۸۲)

احساس تعلق دو سویه نظام و مردم

احساس تعلق دو سویه نظام و مردم

تمام کارهایی که امروز امریکا و صهیونیسم و مزدوران و ایادی آنان و شبکه تبلیغاتی و نظامی و امنیتی و بقیه وابستگانشان می کنند، در جهت یکی از این دو راه است. می گویند یا ضربه بزنیم که جمهوری اسلامی از بین برود، یا فشار بیاوریم که مسئولان جمهوری اسلامی بیایند بگویند ما با شما آشتی می کنیم! .. ما این چند ساله بدی کردیم؛ به شما بد گفتیم، مرگ

بر امریکا گفتیم، شما ببخشید! آنها آرزوی خودشان را دارند؛ اما نکته اساسی این جاست که آیا این آرزوی خام، شدنی است یا نه؟ ..

بدانید که این آرزوهای امریکا در یک صورت نشدنی و در صورت دیگر کاملا شدنی است. در چه صورتی نشدنی است؟ در صورتی که آحاد و قشرهای مردم، همچنان که در این هفده سال در صحنه حضور داشتند، انقلاب را مال خودشان و مسئولان را از خودشان دانستند و به مسائل کشور و انقلاب حساس بودند، از اکنون به بعد هم در صحنه حضور داشته باشند، انقلاب را مال خودشان بدانند _ که هست _ مسئولان را از خودشان بدانند _ که هستند _ به مسائل انقلاب بی اهمیت نباشند و نسبت به کشور و انقلاب خودشان احساس مالکیت کنند. اگر این باشد _ که تا امروز بحمدالله بوده است _ نه امریکا که اگر ده ابرقدرت مثل امریکا هم در دنیا باشند، نخواهند توانست مویی از سر این انقلاب کم کنند. تا امروز هم که دشمن نتوانسته هیچ غلطی بکند، به همین دلیل بوده است. مردم در جنگ، در انتخابات، در راهپیمایی و در همه پرسی حضور پیدا کردند. هر کاری که این دولت و نظام و مسئولان داشتند،با مراجعه به مردم انجام شد. برای هر جا کمک مالی خواستند، مردم تل کمکهای مالی را مثل کوه به وجود آوردند. برای جنگ پول خواستند، زنها گوشواره هایشان را هم هدیه کردند. (۲۰/۱۱/۱۳۷۴)

تربیت نیرو در صنایع

تربیت نیرو در صنایع

به تربیت نیرو، بخصوص در صنایع دانش بنیان همان طور که دوستان

گفتند ــ بایست خیلی اهمیت داد. در بعضی از بخش ها خوشبختانه این کار شده است. در بخش انرژی هسته ای ما اطلاع داریم، در بخش رویان از نزدیک اطلاع داریم که تربیت نیروی ماهر، نیروی کارآمد، نیروی دانشمند و محقق انجام گرفته. بایست به این در بخش های مختلف توجه کرد. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

حرکت جهشی در سایه هوش و استعداد با کار و تلاش پیگیر

حرکت جهشی در سایه هوش و استعداد با کار و تلاش پیگیر

هوش و استعداد و ظرفیت ذهنی یکی از عوامل بسیار مهم است که در ما هست. باید آن عنصر و عامل دوم را که عامل کار و تلاش پیگیر و خسته نشدن است هم همراه بکنیم. بدانید که در آن صورت، ان شاءاللّٰه کشور حرکت جهشی خواهد داشت، پیشرفت جهشی خواهد کرد و کارهای بزرگ انجام خواهد داد؛ همچنانی که امروز در بخش های متعددی ما می بینیم که کشور ما در مجموعه مثلاً ده کشور اول، هشت کشور اول قرار دارد. الان اینجا در یک موردی یکی از آقایان گفتند، جزو شش کشور دنیا هستیم. (۱/۱/۱۳۸۹)

استفاده بهینه و بهره وری از منابع و امکانات موجود کشور

استفاده بهینه و بهره وری از منابع و امکانات موجود کشور

همت مضاعف و کار مضاعف در استفاده بهینه از منابع موجود کشور و امکاناتی که وجود دارد. از همه آن چیزهایی که می تواند برای سازندگی کشور در دورانهای آینده مورد استفاده قرار بگیرد، یا زندگی عمومی مردم را رفاه و رونق ببخشد، باید حداکثر استفاده بشود؛ یعنی همان چیزی که یکی از ارکانش اصلاح الگوی مصرف است. از آب در کشور استفاده بهینه

بشود. ما امروز از آب در کشور استفاده بهینه نمی کنیم. سال گذشته که بنده مسئله اصلاح الگوی مصرف را مطرح کردم، پژوهشگران کشورمان تحقیق کردند، به ما اطلاع دادند که اگر آبی که در کشور مصرف می شود، ده درصد آن صرفه جویی شود، این ده درصد به قدر تمام استفاده ای است که امروز برای شرب خانگی و برای صنعت مورد استفاده قرار می گیرد. امروز نود درصد آب کشور در بخش های کشاورزی مصرف می شود ــ مصرف غلط، مصرف اسراف آمیز ــ ده درصد دیگر برای آب شرب و برای صنعت و برای مصارف گوناگون به کار می رود. یعنی اگر در کار کشاورزی ما ده درصد صرفه جویی کنیم، مقدار مصرف شرب و صنعت و امثال اینها به دو برابر خواهد رسید؛ اینقدر مسئله مهم است. مسئله مصرف برق و مصرف حاملهای انرژی ــ بنزین، گازوییل ــ هم مهم است. این لایحه هدفمند کردن یارانه ها که مطرح شده است، ناظر به این مسائل است؛ لایحه بسیار مهمی است.

بنابراین استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود کشور و بهره وری مهم است؛ بهره وری بیشتر از آنچه که داریم و آنچه که بسیاری از آنها متأسفانه مورد اسراف و استفاده غلط قرار می گیرد. (۱/۱/۱۳۸۹)

کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی

کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی

همت مضاعف و کار بیشتر در کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی؛ یکی از کارهای اساسی این است. ما امروز تولیدات داخلی زیادی داریم؛ هم در زمینه صنعت، هم در زمینه کشاورزی؛ باید به کیفیت اینها اهمیت بدهیم،

کیفیت اینها را بالا ببریم. باید جوری باشد که مصرف کننده احساس کند آنچه که در کشورش تولید می شود، به دست کارگر ایرانی تولید می شود، از لحاظ کیفیت، یا بهتر از نوع خارجی است یا لااقل همسطح آن است. (۱/۱/۱۳۸۹)

نقش تعیین کننده عنصر انسانی در پیشرفت

نقش تعیین کننده عنصر انسانی در پیشرفت

ما در یکی از پیچیده ترین و حساسترین میدان های زندگی ـ یعنی جنگ ـ دیدیم و با دست قدرت الهی به ما نشان داده شد که عنصر انسانی، تعیین کننده تر از همه عناصر دیگر است؛ یعنی می توان با تلاش مخلصانه و صادقانه و پیگیر و خستگی نشناس انسان های خوب، خلأهای ناشی از کمبود پول و صنعت و مایه های گوناگون را پر کرد. (۰۷/۱۱/۱۳۷۰)

در صحنه بودن مردم عامل اصلی پیروزی

در صحنه بودن مردم عامل اصلی پیروزی

عامل اصلی پیروزی، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست. این امید را باید در مردم تقویت کرد؛ مردم را نباید ترساند؛ مردم را نباید بدبین کرد، بی اعتماد کرد. (۲۵/۶/۱۳۸۹)

احساس مسئولیت، وجدان کاری و ابتکار

احساس مسئولیت، وجدان کاری و ابتکار

امروز اگر کارگر ایرانی با همه وجود، با وجدان کار، با احساس مسئولیت، با ابتکار و خلاقیت، و با احساس این که ثوابی را بجا می آورد، کار بکند ـ که می کند ـ و نتیجه آن را در اختیار ملت خود قرار بدهد، ما به آن هدفی که از اول اعلام کردیم ـ یعنی هدف «نه شرقی و نه غربی»، که معنایش عدم وابستگی به قدرت هاست ـ خواهیم رسید؛ والا این طور نخواهد شد.

پس ببینید، یک شعار بزرگ انقلاب، یعنی استقلال ملت و کشور ــ که دشمنان ما در دنیا با همین مخالفند ــ بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت زحمتکشان این قشر و احساس حسنه در آنهاست. کارگر باید احساس کند که «من جاء بالحسنه فله عشر امثالها». یعنی هر کس کار حسنه ای انجام بدهد، خدای متعال ده برابر به او اجر می دهد. این کار، همان حسنه است. اسلام می گوید، شما کارگر که خوب و با وجدان و با نیت حسن کار می کنید، شما معلم که برای احساس مسئولیت درس می دهید، شما کارمند که برای پیشبرد جامعه و گشودن گره های جامعه کار می کنید، هر یک ساعت کارتان، ذخیره و حسنه یی در پیش پروردگار است؛ هر یک ساعت کارتان، این ملت را یک ساعت جلو می برد. انسان از چنین کاری، دیگر خستگی و کسالت پیدا نمی کند. (۱۱/۰۲/۱۳۷۰)

مصرف کالای داخلی

مصرف کالای داخلی

نکته دیگر که خطاب به همه مردم کشور است، مصرف کالای داخلی است. یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته به تولیدات بیگانه باشند. یک وقت تولید داخلی نداشتیم؛ یک وقت تولید داخلی، تولید غیر قابل مصرفی بود؛ امروز اینجوری نیست؛ امروز تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوب است. در عین حال یک عده ای خوششان می آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباسشان هست یا روی وسیله خوراکی شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد. این کار، توجه نکردن به این است که ما در این مملکت داریم

ص:۲۶۷

زنـدگی می کنیم و از نعمت هـای الهی بر این کشور داریم برخوردار میشویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می آوریم، میریزیم توی جیب یـک کـارگر خـارجی، به زیـان یـک کـارگر داخلی. این معنـایش این است که ما به نیاز داخل، به کارگر داخل که دارد زحمت میکشد و جنس تولید میکند، بی اعتنایی میکنیم، میرویم سراغ کارگر خارجی. این خیلی عادت بدی است.

در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلم های مجاهـدت اقتصادی مردم این است که برونـد سـراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهنـد. البتـه ایـن طرف قضـیه هـم ایـن اسـت که کالای سـاخت داخـل بـایستی قـانع کننـده باشـد؛ بـایستی دوامش، اسـتحکامش، مرغـوبیتش جـوری باشـد کـه مشـتری را قـانع کنـد؛ ایـن هر دو در کنـار هـم، یـک کـار لازم و واجـبی اسـت. (۷/۲/۱۳۹۰)

بخش پنجم: نتایج جهاد اقتصادی

اشاره

بخش پنجم: نتایج جهاد اقتصادی

برای هر حرکت و فعالیتی می بایست که هدف از آن تلاش و کوشش را دانست و برای رسیدن به آن نیز برنامه ریزی داشت تا بتوان جهت و مسیر حرکت را مشخص نمود. با مطالعه و بررسی اهداف است که می توان در ادامه مسیر و یا اصلاح آن دست به اقدامات تکمیلی و اصلاحی زد. این بخش اهداف و نتایج مادی و معنوی و ملی و فراملی در جهاد اقتصادی که دست یابی به آن مد نظر رهبر انقلاب بوده و اهدافی ملموس و شدنی محسوب می گردد و نتایجی است که در اثر تلاش می توان به دست آورد را به نظاره نشسته است.

ص:۲۶۹

فصل اول: نتایج معنوی

ایستادگی و پیروزی در میدان های جهادی

ایستادگی و پیروزی در میدان های جهادی

جندالله، حزب الله، بنده خدا، عبادالله، اینها با ارتباط و اتصالشان با آن منبع لایزال، در مقابل همه مشکلاتی که انسان ممکن است مغلوب آن مشکلات بشود، ایستادگی می کنند. وقتی ایستادگی این طرف وجود داشت، به طور طبیعی در آن طرف زوال وجود خواهد داشت؛ پس این بر او غلبه پیدا خواهد کرد. البته اگر اسمما حزب الله و جندالله باشد، اما آن ارتباط و اتصال را نداشته باشیم، چنین تضمینی وجود ندارد. بنابراین ارتباط را باید برقرار کرد. این صلوه، اهمیتش اینجاست؛ ذکر خدا اهمیتش اینجاست؛ ... وقتی اینها شد، آن وقت صبر جامعه اسلامی و امت اسلامی و بنده مسلمان همان چیزی خواهد شد که می تواند بر همه مشکلات غلبه پیدا کند. آن وقت هم در میدان سیاست، هم در میدان اقتصاد، هم در میدان اخلاق، هم در میدان معنویت، این جامعه پیش می رود. (۱۹/۰۶/۱۳۸۷)

ترویج اسلام و عزت بخشیدن به آن

ترویج اسلام و عزت بخشیدن به آن

اساس این بانک توسعه اسلامی بر پایه مبانی شریعت و احکام اسلامی است؛ یعنی شما خواسته اید الگوی تازه یی به دنیا ارائه دهید؛ این کار

خوبی است که انجام شـده. اگر شـما در این کار موفق شوید، این موفقیت الگوی اسـلامی خواهد بود. وقتی شـما می توانید بر پـایه الگـوی مـالی اسـلام، کـار عظیمی را که چنین گسـتره بزرگی دارد به پیش ببریـد، این خـود نوعی ترویـج اسـلام و عزت بخشیدن به آن است؛ لذا ما از پیشرفت این مرکز مالی و صندوق بین الملل اسلامی حمایت می کنیم و آن را برای دنیای اسلام و برای اسـلام مفیـد می دانیم. آنچه مهم است این است که اگر دنیای اسـلام با ظرفیت های فراوانی که دارد، سـر و سامانی به اقتصاد خود ندهد، در این حرکت اقتصادی جهانی، بلاشک طعمه دیگران خواهد شد. (۲۵/۰۶/۱۳۸۳)

آینده روشن با مجاهدت و ایمان اسلامی جوانان

آینده روشن با مجاهدت و ایمان اسلامی جوانان

آینده هم، آینده روشـنی است. به برکت اسلام، آینده این انقلاب، آینده این نظام و آینده این کشور، آینده ای بسیار روشن و درخشان است. آنی که بایـد این آینـده را شـکل دهـد، عمـدتا شـما جوانان هستیـد. اولا با عمل، ایمان اسـلامی را در خودتان تعمیق کنیـد که این اساس کار است.. ایمان، در عمل تقویت پیـدا می کنـد. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا، بهتر می بیند. این مجاهدت هم، سـنگرهای مختلفی دارد که سـنگر علم و سازندگی از آن جمله است. البته با تقوا و با تضـرع پیش خدای متعال و با انجام عبادات و اجتناب از محرمات. پس، اول ایمان اسلامی است. (۱۱/۰۸/۱۳۷۳)

به دست آوردن و حفظ ارزش های مادی و معنوی

به دست آوردن و حفظ ارزش های مادی و معنوی

ص:۲۷۲

خـدای متعـال نعمتهـای معنوی را هم مثـل نعمتهای مادی، آسان و ارزان نمی دهـد؛ و اگر بدهـد، آن را آسان و ارزان برای ما حفـظ نمی کنـد. همچنـان که همه دسـتاوردهای بشـر به تبع تلاـش و پیگیری است، حفظ آنها هم به تبع تلاش و مجاهـدت و فـداکاری است. اگر مشاهـده می کنیـد که ملت هـایی پیشـرفت های علمی و تکنولوژیکی یا سـیادت سیاسـی و اقتصادی پیـدا کرده انـد ــ ثروتمند شده اند و عزتی پیدا کرده اند ــ هرچه هست، تابع تلاش است. این یکی از اصول اسـلامی است که «من کـان یریـد العـاجله عجلنـا له فیهـا مـا نشاء لمن نریـد»؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می خواهنـد. آن کسانی که دنبال ارزش ها هسـتند و دنیای ارزشـی را که همان آخرت است، و آخرت الهی را که همان ثواب الهی است، می خواهند، آنها هم همین طورند؛ «و من اراد الأخره و سـعی لها سعیها و هو مؤمن فاولئك كان سعیهم مشکورا». بعد می فرماید: «کلا نمد هؤلاء و هؤلاـء»؛ مـا همه را کمک می کنیم؛ اینها را و آنها را. هرکس که تلاش کرد، در همان راهی که تلاش کرده است، خـدا به او کمـک می کنـد. تلاـش، معیار و میزان برای به دست آوردن دسـتاوردهاست. حفظ دسـتاوردها هم همین طور است؛ یعنی بی تلاـش نمی شـود. ..خداونـد قـوم و خویشـی بـا کسـی نـدارد؛ این تلاـش انسـان هـاست که تعیین کننـده سـرنوشت آنهـاست. (۱۸/۱۱/۱۳۷۰)

پیروزی نتیجه حرکت برای خدا

پیروزی نتیجه حرکت برای خدا

من از همه کارکنان، متخصصان و فعالان این عرصه[صنعت نفت] ــ ضمن تشکر ــ بجد میخواهم که کار خودتان را جهاد فی سبیل اللّه بدانید؛ احساس خستگی نکنید و بدانید جهاد فی سبیل اللّه وعده الهی بر پیروزی آن است.

ص:۲۷۳

وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت می کنید، به پیروزی خواهید رسید. امسال همه اجزای گوناگون ملت ما، مسئولین کشوری، مسئولین بخش های گوناگون استانی در گوشه و کنار کشور و آحاد مردم، همه باید این تلاش را برای خدا در پیش بگیرند. خدای متعال هم برکت خواهد داد. خدای متعال به آن تلاشی، به آن کاری، به آن نیت و عزمی که در این جهت باشد، حتماً برکت می دهد و کمک می کند؛ کمااینکه در طول این سی و دو سال تا امروز خدای متعال به ما کمک کرده. بدون اراده الهی، امکان نداشت یک ملتی بتواند در مقابل استکبار جهانی بایستد.

در این منطقه معادن غنی گاز، خب ما شریکی داریم؛ حالا ـ من نمیخواهم تعبیر کنم به رقیب. شما وقتی نگاه می کنید، می بینید همه کسانی که از پیشرفت ملت ایران ناراضی اند، آنجا در مواجهه با ملت ایران جمع شده اند، متراکم شده اند؛ آن طرف را کمک کنند و هرچه می توانند، در کار این طرف کارشکنی کنند. این، معنای جهاد و مبارزه را نشان می دهد؛ اینکه انسان در مقابل خود، دشمنی دشمن و خصم را احساس کند. هر یک قدمی که شما در این کار و امثال این کار پیش بروید، دشمن را عصبانی می کند، ناراحت می کند؛ هرچه هم بتوانند، کارشکنی می کنند. هرچه شما برای این پیشرفت احتیاج داشته باشید، آنها سعی می کنند بر روی آن متمرکز شوند و دسترسی شما به آن را مشکل کنند، دشوار کنند.

[در مقابل کارشکنی های اقتصادی دشمن] علاج چیست؟ علاج، برگشتن و تکیه کردن به خود؛ استمداد از توانایی های خود؛ این چشمه جوشان تمام نشدنی اراده انسانی و استعدادی که بحمدالله در ایران عزیز ما، در

مردم ما، در نسل جوان ما وجود دارد. یک جمله خطاب به همه ملت ایران است، و آن اینکه در این جهاد اقتصادی همه شریکند. در اداره اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است؛ مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال؛ همین چیزی که همیشه توصیه می شود.

رضایت الهی درگرو مبارزه با وابستگی

رضایت الهی درگرو مبارزه با وابستگی

این انگیزه ها در ذهن همه بود و جزو مؤثرات این انقلاب هم بود؛ لیکن علت کارایی همین عوامل و مؤثرها هم این بود که با روح دینی و با احساس تکلیف همراه بود. چون مبارزه با استبداد، با فساد، با وابستگی، با عقب افتادگی و فقر و تلاش برای بهسازی زندگی انسان ها و رفع فقر از زندگی فقرا و مستضعفان، چیزهایی است که مورد رضای الهی است. خدای متعال انسان ها را به این چیزها امر کرده است. (۱۹/۱۰/۱۳۷۵)

افق روشن و اعتلای ملت ایران

افق روشن و اعتلای ملت ایران

عزیزان من! امروز کشور شما، کشوری است در حال حرکت به جلو. این حرف ها مربوط به کشاورزی است؛ ولی ما در قضیه صنعت، در قضیه تحقیقات، در امر سیاست، در رشته های گوناگون علوم، در پدید آوردن مسائل نو، در همه جا، حرکت هایی را به برکت انقلاب و به برکت نظام جمهوری اسلامی مشاهده می کنیم، که کشور به برکت آنها خواهد توانست این فاصله ژرفی را که دشمنان میان این کشور و میان کشورهای پیشرفته

به وجود آورده اند، پر کنند. حرکت امروز کشور، حرکت مبارکی است؛ حرکت سرشار از امید و نگاه به آینده. کاری که امروز دستگاه های مختلف می کنند، چه در این بخش ـ بخش کشاورزی ـ چه در بخش های دیگر، باید یک قاعده محکمی باشد که بتوانند بعد از بیست سال ـ وقتی دوران سند چشم انداز بیست ساله تمام شد ـ احساس افتخار کنند و بگویند ما بودیم که این تدابیر را اندیشیدیم و امروز کشور بعد از گذشت بیست سال، به این رشد و اعتلاء رسیده است؛ که می رسیم ان شاءالله. جوان های ما ـ شماها ـ خواهید دید ان شاءالله آن روز را؛ و دشمنان مستکبر نظام جمهوری اسلامی از همین می ترسند و علت دشمنی ها، همین است. آنها از این که یک کشوری، یک ملتی، با تمسک به اسلام بتواند به این قله عظیم زندگی مدنی و افتخارات تمدنی خود برسد، نگرانند؛ چون می دانند این بهترین مروج اسلام و بهترین مروج معنویت است؛ می دانند که اگر این راه را این ملت طی کرد، جلوی زیاده خواهی ها و زیاده خواری های آنها گرفته خواهد شد. کمپانی های غاصب صهیونیست ها و دیگران، می خواهند دنیا را بچاپند؛ سختشان است که ببینند یک ملتی در مقابل داعیه های آنها این طور در همه بخش ها جلو می رود؛ اما علی رغم آنها ملت ایران به پیش خواهد رفت و اسلام عزیز سربلندتر از آنچه که هست، خواهد شد و ان شاءالله پرچم عزت اسلامی بر بلندای این ملت و همه دنیای اسلام به اهتزاز در خواهد آمد. (۱۴/۱۰/۱۳۸۴)

امیدها و آرزوهای محقق شده

امیدها و آرزوهای محقق شده

ص:۲۷۶

من می بینم خیلی از مفاهیمی که آرزو داشتیم در بین جوانان ترویج گردد و به عنوان «باور» شناخته شود، امروز از زبان خود آنها و با پشتوانه ایمان و شور جوانی شان بیان و در فضای فرهنگی و فکری جامعه پرتاب می شود و آن را پر می کند. شما جوانان و همچنین استادان و رؤسای محترم دانشگاهها از تولید علم، جنبش نرم افزاری، ارتباط دانشگاه و صنعت و امیدهای فراوانی که در مجموعه جامعه جوان متراکم کشور ما نهفته است سخن می گویید. اینها همان چیزهایی است که امیدها و آرزوهای بنده را تشکیل می داده و آن روزی که این مطالب را در دانشگاهها مطرح می کردم، خود من امیدوار بودم؛ لیکن بسیاری بودند که می گفتند طرح این مسائل چطور می تواند مفید باشد!؟ (۲۶/۰۹/۱۳۸۲)

احساس آرامش و آسایش مردم در عمل به سیاست های اقتصادی اسلام

احساس آرامش و آسایش مردم در عمل به سیاست های اقتصادی اسلام

ما در زمینه های گوناگون اقتصادی، در آن بخش هایی که سیاست های اسلامی عمل شد، به اسلام نزدیک شده ایم و در همان بخش ها مردم احساس آرامش و آسایش می کنند. در هر جا هم که وارد مرحله اسلام و مقوله اسلامی نشدیم، مردم در آن جا همان زندگی دشوار و وضعیت ناخوشایند را دارند. (۱۹/۱۰/۱۳۶۸)

ص:۲۷۷

فصل دوم: نتایج ملی

امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی

ممکن است کسانی بخطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده کنندگان از ثروت های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که بعکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم اند. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

شکوفایی اقتصادی

شکوفایی اقتصادی

ارتباطات ما با دنیا، بحمدالله خوب است. الحمدلله کار بازرگانی و سازندگی، کار مبادلات سیاسی و مبادلات اقتصادی ما خوب است؛ ولی آنها علیه جمهوری اسلامی تبلیغات می کنند. شاید کمتر هفته ای باشد که این دهها رادیو و تلویزیونی که علیه جمهوری اسلامی هستند، نگویند که اقتصاد جمهوری اسلامی در حال بحران و نابودی و زوال است.

ص:۲۷۹

... [اقتصـاد ایران]البته بله؛ در حال بحران برای آنهاست. اقتصاد ایران برای مردم ایران، در حال شـکوفایی است؛ ولی البته برای متجـاوزین و کسـانی که می خواهنـد از امکانات ایران اسـتفاده کننـد، بحرانی است. برای مردم ایران، چه بحرانی وجود دارد؟ مشـغول ساختن کشورشان هستند. کشوری که در دوران رژیم سلطنت ــ چه سلطنت پهلوی، چه سلطنت قاجار ــ اصلاً جرئت نمی کرد در مقابل کشورهای دیگر دنیا بگوید «من هم هستم، من هم می سازم، من هم اقدام می کنم». (۱۲/۱۱/۱۳۷۵)

نتایج شیرین جهاد اقتصادی

نتایج شیرین جهاد اقتصادی

امروز ما می بینیم بحمـدالله طرحهای جدیـد اقتصادی از طرف دولت و مسـئولین کشور در جریان است. این طرحهای اقتصادی آن طور که مسـئولین آنها بیان می کننـد ان شاءالله در آینـده نتایـج شـیرین و خوبی خواهـد داشت و امیـدواریم که آن آینده، زودتر برسد. (۱۵/۰۲/۱۳۷۲)

روند رو به رشد و توان روز افزون

روند رو به رشد و توان روز افزون

آنها[اسـتکبار] در نشـریاتشان، اوضاع اقتصادی ما را ناامیـد کننـده وانمود می کننـد؛ در حالی که چنین نیست، و امیدوار کننده است. آنها نمی خواهند مردم این امیدواری را احساس کنند. قصدشان این است که مردم را دلمرده کنند و میان آنها و دستگاه و دولت و مسئولین و خـدمتگزاران، فاصـله بیندازنـد. دشـمنیهای اسـتکبار با ما، اینهاست. .. امریکا می داند که امروز هر گونه تهاجم نظامی علیه جمهوری اسـلامی و این ملت، به ضـررش تمام خواهـد شد. این را به خوبی می فهمد. لذا ضـربه ای که می خواهد بزند، از

راه های دیگر است. البته محاصره اقتصادی می کند، خباثتهای دیگر می کند، کارشکنی در امر تجارت و داد و ستد می کند و تبلیغات سوء هم می کند. تبلیغات می کند که وضع کشور، وخیم و خراب است؛ دیگر کاری نمی شود کرد و در مملکت، آزادی نیست! یک عده آدمهای مزدور بیچاره قلم به دست، که واقعا حالشان ترحم انگیز است، به اروپا و امریکا رفتند و جیره خوار دولت های بیگانه و دشمن شدند. آنها در نشریات[وماهواره های] خارج کشور، حرف هایی علیه جمهوری اسلامی عنوان می کنند؛ اما واقعیات، غیر از اینهاست. حقیقت این است که بحمدالله، اسلام در این کشور رشد کرده است. ملت به رشد رسیده و دارای توان روز افزون می شود. (۰۷/۰۱/۱۳۷۱)

نتیجه جهاد اقتصادی کارگران بهره مندی مردم مومن و بی نیازی کشور از دشمنان

نتیجه جهاد اقتصادی کارگران بهره مندی مردم مومن و بی نیازی کشور از دشمنان

حال بعد از آن که دانستیم نفس کار ــ هر نوع کاری ــ یک وظیفه است و بیکاری ممنوع و خلاف وظیفه شمرده می شود، باید توجه داشته باشیم که امروز کارگر ایرانی با کار خودش، دو طریق دیگر برای جلب رضای پروردگار دارد:

یکی این است که با این کار او، مردم، هم میهنان، کشور، ملت و مسلمانان بهره مند می شوند. هر کاری که شما انجام می دهید، توجّه کنید که از آن، این مردم مؤمن و مسلمان، یا مستقیماً و یا غیر مستقیم منتفع می شوند. فرض بفرمایید محصول کار شما به خارج از کشور صادر شود و درآمد آن به کشور برگردد. مسلّماً مردم و نظام اسلامی و کشور عزیز از آن منتفع

می شوند. این، یک عنوان برای ثواب و قصد تقرّب الی اللَه است.

عنوان دیگر این است که این کاری که شما می کنید، کشور را از بیگانگان _ که بسیاری از آن بیگانگان، فقط بیگانه و غریبه نیستند، بلکه دشمن هم هستند _ بی نیاز می کند. (۰۹/۰۲/۱۳۷۷)

حرکت به سمت استقلال و پیشرفت

حرکت به سمت استقلال و پیشرفت

امروز وضع خیلی عوض شده است. ملت ایران به برکت انقلاب، از لحاظ علم و صنعت و اتکای به استعداد و اداره زندگی صنعتی به دست خود، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. جوانان زیادی، چه در زمینه صنعت، چه در زمینه پزشکی، چه در زمینه علوم گوناگون، چه مرد و چه زن، به مراتب بالایی نایل شده اند و کارهای برجسته یی کرده اند. ملت ایران بعضی از آنها را می داند، بعضی را هم در آینده وقتی که کارها تمام بشود، خواهد دانست و اطلاع آن در اختیارش قرار داده خواهد شد. (۱۳/۰۹/۱۳۷۰)

فصل سوم: نتایج فراملی

استقلال و توانایی «نه» گفتن به مستکبرین

ص:۲۸۲

استقلال و توانایی «نه» گفتن به مستکبرین

عزیزان من! امروز در دنیا در قضایای مهم جهانی، حرف، حرف قلدران امریکا و امثال آنهاست! نگاه کنید ببینید دیگر! در باب خاورمیانه، در باب افغانستان، اروپا، امریکای لاتین و آفریقا، در باب اقتصاد و درباب نفت، حرف، حرف آنهاست. بسیاری از دولت ها و ملت ها از روی ناچاری، از این فرمان قلدرانه تبعیت می کنند. ما ملت ایران در تمام قضایای خودمان، آنچه به قضایای داخلی مربوط است، آنچه به دولت مربوط است، آنچه به اقتصاد، به سیاست خارجی و به خاورمیانه مربوط است، و آنچه به گرفتن دوست و دشمن مربوط است ــ در تمام این قضایا ــ نظر و رأی مستکبرین فضول مداخله کننده را دانستیم و به آنها گفتیم «نه»! (۰۱/۰۹/۱۳۷۷)

بی اثر شدن تیر های زهرآگین

بی اثر شدن تیر های زهرآگین

[دشمنان] هر کاری که از دستشان برآید، برای این که وضع اقتصاد مردم را نابسامان کنند، انجام می دهند! همه تیرهای زهرآگین را با هم پرتاب

می کننـد؛ همه توطئه ها را با هم می کننـد! اگر می بینیـد اثر نمی کنـد، یا کم اثر می کند، به خاطر عظمت این ملت و عظمت انقلاب است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

الگوسازی و گفتمان سازی انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی

الگوسازی و گفتمان سازی انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی

یکی از چیزهایی که بلاشک در این حوادث مؤثر بود، الگوسازی و گفتمان سازی انقلاب اسـلامی بود. انقلاب اسـلامی برای مسـلمانها الگو شـد؛ اولاً با پیـدایش خود، بعد با تشـکیل موفق نظام جمهوری اسـلامی که توانست یک نظامی را با یک قانون اساسـی کامل ارائه کند و آن را به کرسـی بنشاند و تحقق ببخشد، و بعد ماندگاری این نظام در طول سی و دو سال که نتوانند به او ضـربه بزننـد، و بعـد اسـتحکام و تقویت هرچه بیشتر این نظـام ــ که نظام جمهوری اسـلامی امروز از لحاظ عمق و ریشه، قابل مقایسه با ده سال پیش، بیست سال پیش و سی سال پیش نیست ــ و بعد پیشرفت های گوناگون در این نظام، که پیشرفت علمی، پیشـرفت فن آوری و صـنعتی، پیشـرفت های اجتماعی گوناگون، پخته شدن افکار، پدید آمدن افکار نو، حرکت عظیم علمی در کشـور و فعـالیت هـای گونـاگون است. عمرانهـایی که در این کشور شـده است، در مواردی کشور را به درجه چند کشـور معـدود دنیـا درآورده اسـت. اینهـا همـه حـوادثی اسـت که اتفـاق افتـاده است. اینهـا برای ملت هـای مسـلمان چیزهـای محسوسی است؛ اینها را می بینند، مشاهده می کنند. این انقلاب آمد، نظام درست کرد، این نظام باقی ماند، روزبه روز قوی تر شد، روزبه روز هم پیشرفته تر شد؛ این می شود الگو. این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می آورد که آن، گفتمان

هویت اسلامی و عزت اسلامی است. امروز در بین ملت های دنیا، احساس هویت اسلامی، قابل مقایسه با سی سال قبل نیست؛ احساس عزت اسلامی و مطالبه این عزت، امروز قابل مقایسه با گذشته نیست. این، اتفاق افتاده است. بخش مهمی از تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، ناظر به همین جهت است؛ ناظر به این است که الگوسازی نشود؛ در چشم ملت های مسلمان، جمهوری اسلامی به صورت یک الگوی موفق درنیاید. به نظر من این نکته بسیار مهمی است که همه ما باید به آن توجه کنیم. سعی دشمنان این است که جمهوری اسلامی به شکل یک الگوی موفق در چشم ملت ها جلوه نکند؛ چون وقتی الگو پیدا شد، مردم به سمت آن حرکت می کنند؛ وقتی توفیق این الگو دانسته شد، مردم تشویق می شوند. (۱۹/۱۲/۱۳۸۹)

ایجاد تمدن جدید اسلامی

ایجاد تمدن جدید اسلامی

اگر این کشور توانست در میدان های تحرک و پیشرفت مادی به موفقیتهایی دست پیدا کند؛ اگر توانست علم و فن آوری و صنعت پیدا کند؛ اگر توانست یک سیاست بین المللی و یک دیپلماسی قوی پیدا کند؛ اگر توانست اقتصاد جامعه را سر و سامان دهد؛ اگر توانست از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین، اعم از معدن و کشاورزی و امثال اینها استفاده کند؛ اگر توانست از سرزمین وسیع و متنوع ایران و موقعیت مهم سوق الجیشی آن استفاده کند؛ و خلاصه، اگر توانست با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند، این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته

ص:۲۸۵

فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می شود یک تمدن جدید؛ این در تاریخ کم سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده بشدت هشداردهنده است. (۲۱/۰۳/۱۳۸۳)

الگوپذیری سایر ملت ها در اثر سازندگی کشور

الگوپذیری سایر ملت ها در اثر سازندگی کشور

ملت ایران ملتی بزرگ و شجاع است؛ ملتی است که متکی و متوکل علی الله است. راه او هم راه روشنی است. راهش عبارت است از راه فراهم آوردن یک نظام انسانی سالم، مرفه، آباد، امن و امان برای افراد این کشور، تا برای ملت های دیگر الگو شود. دفاع این ملت برای ملت های دیگر، الگو و نمونه و اسوه بود و ان شاءالله دیگران از آن درس گرفته باشند و ملت های مسلمان، آن وقتی که لازم است، بتوانند از خودشان دفاع کنند. امروز هم سازندگی این کشور برای ملت های دیگر الگوست و باید از آن درس بگیرند. متکی به خود شوند و کشورشان را بسازند. از دیگران احساس استغناء کنند و بی نیاز شوند. (۲۴/۰۹/۱۳۷۵)

سازندگی عامل اعتلای سیاسی بین المللی

سازندگی عامل اعتلای سیاسی بین المللی

وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساخت های اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا می شود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور ــ به معنای واقعی کلمه ــ به وجود می آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار می شود. یعنی اگر شما امروز می بینید که بحمدالله دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران و کشور ما، هم در سطح جهان، از یک آبروی سیاسی برخوردار است و هم در داخل، زبان بدخواهان و

بـدگویان و عیب گیران و کسـانی که عیبهـای کوچک را بزرگ می کننـد و محسـنات بزرگ را ندیـده می گیرنـد، تا حـدود زیادی بسته است ـ اگرچه هیچ وقت زبان بدگویان به کلی بسته نخواهد شد؛ چون به طور کلی انگیزه های بدخواهی هرگز از بین نمی رود، لیکن تـا حـدودی زیـادی این معنـا هست ـ به خاطر این است که حرفی برای گفتن ندارنـد و خیلی از حرف هایی را که می توانستند بگویند و می توانستند به عنوان بهانه ذکر کنند، دیگر ندارند. یعنی استحکام سیاسی تا حدود زیادی، ناشی از استحکام فعالیت های سازندگی در کشور است، که خوشبختانه این کار انجام گرفته است. (۰۸/۰۶/۱۳۷۵)

رفع محرومیت و آثار شوم سلطه استکبار؛ بزرگترین وظیفه انقلاب

رفع محرومیت و آثار شوم سلطه استکبار؛ بزرگترین وظیفه انقلاب

اگر انقلاب اسلامی بتوانـد آثـار شوم تسلط قـدرت هـای طـاغوتی را در این کشور برطرف کنـد، آن وقت بزرگـترین وظیفه خودش را به انجام رسانده است. این آثار شوم دوران سلطه طاغوت چیست؟ در درجه اول، همین فقر و عقب ماندگی و جهل در بسیاری از منـاطق کشـور مـاست. ایـن ملـت بااسـتعداد و هوشـیار، این زمین بااسـتعداد و غنی از همه جهت، و آن معـارف اسـلامی پیشاپیش این ملت، همه اینها بایـد موجب می شد که امروز ایران یکی از آبادترین، و ملت آن یکی از غنی ترین ملت های عالم باشد؛ اما می دانیم که این طور نشده است.

امروز بحمـدالله برنـامه هـای مسـئولان کشور و کارهـای این دولت خـدمتگزار، در همین جهت و در همین خـط است. همه در خدمت هدف های انقلاب

ص:۲۸۷

و در راه سازندگی کشور، به دولت کمک کنند. نهادهای انقلابی و همین نهاد جهاد سازندگی، در فکر مسئولان کشور و بالاتر از همه در فکر امام بزرگوار ما(رضوان الله علیه) بوده است. این فکر، باز هم هست؛ تمام شدنی نیست. اگر شما همت کردید، خدای متعال هم کمک خواهد کرد. این، وعده الهی است و قطعا خواهد شد. (۲۸/۰۳/۱۳۷۰)

موفقیت ملت ایران در سازندگی؛ کوری چشم استکبار جهانی

موفقیت ملت ایران در سازندگی؛ کوری چشم استکبار جهانی

این هدف دشمنان اسلام است که نگذارند کشور بزرگ و ملت عظیم الشأن ما به وظایف خویش در صحنه بین المللی و در صحنه کشور خود عمل بکنند. اگر بین مردم اختلاف می اندازند، برای همین است. اگر محاصره اقتصادی را ادامه می دهند، برای همین است. اگر علیه ملت ما در سطح عالم تبلیغات می کنند، برای همین است. نمی خواهند بگذارند که این انقلاب در مرحله سازندگی به توفیق دست پیدا کند؛ اما به کوری چشم آنها، ملت ایران در این مرحله هم مثل مراحل قبل، بر دشمنان خود پیروز خواهد شد. (۳۰/۰۵/۱۳۷۰)

شکست کید دشمن

شکست کید دشمن

«یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم»؛ هرچه می خواهند تهدید کنند. این که خدای متعال، کید دشمن را در مقابل اسلام ضعیف می شمارد، فقط کید کفار قریش در روزگار پیامبر نیست. این، یعنی همه توطئه دشمن، یکجا علیه جمهوری اسلامی. یعنی محاصره اقتصادی. یعنی توطئه تبلیغاتی گسترده در همه جا. یعنی فشارهای سیاسی. یعنی شب و روز نشستن

ص:۲۸۸

صهیونیستهای وسوسه گر با دیگر قدرت های ضد جمهوری اسلامی و علیه جمهوری اسلامی شب و روز تلاش کردن. همه اینها را شامل می شود و قرآن می گوید که در مقابل پایبندی این ملت به اسلام و راه خدا؛ در مقابل وحدت و همبستگی این ملت؛ در مقابل عشقی که این ملت را از روز اول به راه خدا و قرآن به حرکت واداشته است؛ در مقابل استقامت و صبر و حکمت و هوشیاری این ملت، همه این قدرت ها، همه این توطئه ها، همه این خدعه گری ها و همدستی ها و همه این دشمنی ها، یکجا محکوم به شکست است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۶)

بخش ششم: آسیب ها در جهاد اقتصادی

اشاره

بخش ششم: آسیب ها در جهاد اقتصادی

در هر حرکت و اقدامی برای رسیدن به آن موانعی وجود دارد که به صورت طبیعی عدم توجه به ضرورت ها و بایسته ها و نیز راهکارهای آن هدف، همواره به عنوان آفت ها و آسیب های آن مسیر تلقی شده است. شناخت و توجه به این آسیب ها می تواند رهپویان راه را از مبتلا شدن به آن مصون دارد. رهبر انقلاب نیز در آگاهی دادن مردم و مسئولین نسبت به این آفت ها و آسیب ها که از جانب دولت و مردم و بیرون مرزها متوجه اهداف نظام است هشدارهایی داده اند که باید مد نظر قرار گیرد.

ص:۲۹۰

فصل اول: آسیب های دولتی

اشاره

فصل اول: آسیب های دولتی

زیر فصل ها

سرگرم شدن به تجارت و فراموش کردن انقلاب و غفلت در محافظت از آن

ساختارشکنان بازار تجارت

اسراف و پرهیز از صرفه جویی در اقتصاد

رونق اقتصادی ظاهری و عروسکی تحت سلطه

مجادلات سیاسی و مسایل حاشیه ای

هزینه کردن اعتبارات در جاهای غیرلازم

تحت الشعاع قرار دادن مسئله اصلی

اختلاف بین مسئولان

فساد اقتصادی

پدیده قاچاق

برخورد شعاری با مفسدان اقتصادی

اتلاف منابع عمومی و حیاتی کشور

ناهماهنگی حرکت در اصلاحات مخصوصا معیشت

سوء سیاست های منجر به شکاف طبقاتی

نا امنی اقتصادی و گریزگاههای قانونی

عدم تدوین و اصلاح مقررات

توجه نداشتن و کم اطلاعی مسئولان از مشکلات اقتصادی مردم

آزادی اخلال گران و دشمنان اقتصادی

موازی کاری در دولت

واردات بی رویه و بی منطق

هزینه کردن اعتبارات در جاهای غیرلازم

سیاسی کردن فضای کشوربرای تحت الشعاع قرار دادن مسایل اقتصادی

ایجاد مسایل حاشیه ای

تکیه بر منابع نفتی

مبارزه شعاری با مفاسد اقتصادی

توجه به مسایل حاشیه ای

رغبت مسئولان به تشریفات و اشرافی گری

ابتلای کشور به مسائل حاشیه ای

مبارزه سیاسی با فساد اقتصادی

شعارهای سیاسی جنجالی بی محتوا

پرداختن به مسائل سیاسی با نامهای جعلی و گوناگون

اخلال در بیت المال

سرگرم شدن به تجارت و فراموش کردن انقلاب و غفلت در محافظت از آن

سرگرم شدن به تجارت و فراموش کردن انقلاب و غفلت در محافظت از آن

اگر این نظام اسلامی، مردم را از دست بدهد؛ مردم بی توجه و دلسرد شوند، ایمانشان سست شود، به فکر زندگی شخصی خودشان بیفتند؛ هر کسی بگوید ما چند سال در خدمت انقلاب بودیم، دیگر بس است، برویم سراغ کارمان؛ تاجر برای تجارت خود، کاسب برای کسب خود، زارع برای زراعت خود، دانشجو و طلبه برای درس خود و آن یکی برای تبلیغ خود،

ارزش بیشتری قائل شوند، مسائل کشور و انقلاب، البته آسیب پذیر است. ما از آسمان که نیفتاده ایم! ما ذاتا که بر ملت های دیگر؛ امت های تاریخ و گذشتگان خودمان، رجحانی نداریم. رجحان این ملت به دلیل انتخاب راه خدا و ایمان بود؛ به سبب حضورش بود که «من کان لله کان الله له»؛ هر کس در خدمت اهداف الهی باشد، خدا کمکش می کند. «ولینصرن الله من ینصره»؛ هر کس خدا را نصرت کند، خدا هم نصرتش می کند. تا به حال این طور بود. اگر خدا را نصرت نکنیم، قضیه به عکس و طور دیگری می شود و دشمن، مسلط خواهد شد. (۲۰/۱۱/۱۳۷۴)

ص:۲۹۲

ساختارشکنان بازار تجارت

ساختارشکنان بازار تجارت

بعضی از کسبه با مردم برخورد شایسته نمی کنند و آن امانت لازم را که برای کاسب حبیب خدا لازم است، رعایت نمی کنند و منتظر بهانه اند تا کلا- نظام کسب و معامله گری را زیر سؤال ببرند. در این خصوص، نظر اسلام روشن و مشخص است. اسلام نظام خرید و فروش و معامله و تجارت را امضاء و تأیید کرده است. کسانی که در این نظام افساد می کنند و کار خلاف انجام می دهند، اگرچه دستگاه های دولتی باید به کارهای خلاف آنها رسیدگی کنند، اما جو و محیط کار شما می تواند فشار زیادتری روی آنها وارد آورد. جوان های مؤمن بازاری و افراد غیور و انقلابی باید مراقب باشند که در محیط کسب و کار و بازار، به حیثیت انقلاب و اسلام لطمه و صدمه نخورد. (۱۴/۰۴/۱۳۶۸)

اسراف و پرهیز از صرفه جویی در اقتصاد

اسراف و پرهیز از صرفه جویی در اقتصاد

یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب میرساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می شود. در آیات شریفه قرآن بارها راجع به

پرهیز از اسـراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسـراف، هم لطمه اقتصادی می زند، هم لطمه فرهنگی می زنـد. وقتی جامعه ای دچار بیماری اسـراف شـد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می گذارد. بنابراین مسـئله صرفه جویی و اجتنـاب از اسـراف، فقط یک مسـئله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده کشور را تهدید می کند. (۰۱/۰۱/۱۳۸۸)

رونق اقتصادی ظاهری و عروسکی تحت سلطه

رونق اقتصادی ظاهری و عروسکی تحت سلطه

کشورهای تحت سـلطه هرگز یک اقتصاد درست و حسابی نداشـته انـد. گاهی یک رونق ظاهری داشـته انـد، که می بینیـد در بعضـی از کشورهای تحت سـلطه رونق ظاهری دارنـد؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شـیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسـدود کننـد، یا تصـرف اقتصادی کننـد، همه چیز فروخواهد ریخت و نابود خواهند شد. شـما دیدید که یک سرمایه دار توانست چند کشور آسـیای جنوب شـرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسـعه نسـبتا خوب و رونق اقتصادی داشـتند. رییس یکی از همین کشورها در همان روزها به مناسـبتی به تهران آمده بود و با بنـده ملاقات کرد و گفت همین قـدر به شـما بگویم که ما در یک شب بکلی فقیر شـدیم! یک سـرمایه دار امریکایی، یهودی مثل نخی که به یکباره می کشـند و یک بنا؛ بنای عروسکی، روی هم می ریزد، عمل کرد و یک نخ را کشید و همه چیز را به هم ریخت. امریکایی ها آن جایی که لازم داشتند،

ص:۲۹۴

پنجاه، شصت میلیارد تزریق کردند ـ پنجاه میلیارد به یکی، سی میلیارد به یکی دیگر ـ اما آن جایی که لازم نداشته باشند، تزریق نمی کنند و آن کشور را به خاک سیاه می نشانند. البته تزریق کردن یعنی این که دوباره همان ساخت عروسکی را به شکل دیگری برپا کنند. به هرحال، نمی گذارند اقتصاد این کشورها استحکام پیدا کند. (۰۱/۰۴/۱۳۸۳)

مجادلات سیاسی و مسایل حاشیه ای

مجادلات سیاسی و مسایل حاشیه ای

مجادلات سیاسی برای کشور زیانبار است. نه فقط امروز که دشمن ما را تهدید می کند، بلکه همیشه مضر است؛ برای سازندگی و راه انداختن چرخهای اقتصادی مضر است. اگر بعضیها هر روزی به نحوی مسئله جدیدی درست کنند و افکار عمومی را متوجه به یک مسئله موهوم کنند، اینها به ضرر کشور است. امسال همه، بخصوص گویندگان، نویسندگان، سیاسیون، منبردارها و تریبون دارها، تصمیم بگیرند فضا را، فضای محبت و عطوفت قرار دهند؛ ذهن ها و دل ها را نسبت به یکدیگر تحریک نکنند. (۱۶/۰۱/۱۳۸۱)

هزینه کردن اعتبارات در جاهای غیرلازم

هزینه کردن اعتبارات در جاهای غیرلازم

باید اسراف نشود. هزینه کردن اعتبارات و پول های کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی و زیادی، حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه های عملی زندگی مردم ارتباطی ندارد، یک کار مسرفانه است. (۱۱/۰۲/۱۳۸۱)

ص:۲۹۵

تحت الشعاع قرار دادن مسئله اصلی

تحت الشعاع قرار دادن مسئله اصلی

این که بعضیها فضای کشور را آن قدر سیاسی کنند که مسائل اصلی کشور تحت الشعاع قرار گیرد، یک غفلت بزرگ است. البته گروه معدودی این غفلت را عمدا انجام می دهند؛ آنها خیانت می کنند؛ یک عده هم غفلت می کنند. هر روز مسئله سیاسی جدیدی را در کشور ایجاد کردن ـ به مجلس شورای اسلامی نگاه می کنیم، یک طور؛ به مجموعه های گوناگون دیگر نگاه می کنیم، یک طور ـ و ذهن ها و فکرها را از کاری که باید برای مردم انجام گیرد، منصرف کردن، هیچ مصلحت نیست. همه باید ذهن های خود را به کارهایی که برای پیشرفت و حل مشکلات کشور لازم است ـ مسائل معیشتی مردم، مسائل اقتصادی مردم، مسئله اشتغال ـ منعطف کنند. دستگاه ها باید به هم کمک کنند و این کارها را انجام دهند. کار صورت می گیرد، اما باید شتاب بیشتری پیدا کند و همه جانبه شود. (۱۱/۰۲/۱۳۸۱)

اختلاف بین مسئولان

اختلاف بین مسئولان

مهم ترین مشوق دشمن به حمله این است که احساس کند در بین مسئولان کشور اختلاف وجود دارد؛ در بین سیاستمداران و زبدگان سیاسی اختلاف وجود دارد. این اتحاد و وحدتی که بنده و همه مسئولان این همه روی آن تأکید می کنیم، این اتحاد و اتفاق نظر در مسائل گوناگون سیاسی نیست. ممکن است در زمینه های اقتصادی و سیاسی بین مسئولان اختلاف نظر باشد؛ اما در مورد لزوم مقاومت و ایستادگی ملت ایران در مقابل زورگویی و قلدری دشمن، اتفاق نظر است. همه بایستی بر این

موضع اتفاق نظر داشته باشند که دارند؛ باید این را ابراز هم بکنند؛ باید این اتفاق نظر و وحدت نظر را صریحا بگویند. هر چیزی که این اتحاد را به هم بزند و نشان دهنده اختلاف باشد، دشمن را تشویق خواهد کرد. (۲۷/۱۲/۱۳۸۰)

فساد اقتصادی

فساد اقتصادی

امروز یکی از مهم ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانونـدانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق به جانب، به جان بیت المال این ملت بیفتند و کیسه های خود را پُر کنند. این کار چند ضرر دارد:

یکی این که خزانه این کشور که باید صرف مردم شود ــ صرف ساختن پُل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود ــ به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می رود. وقتی شما می بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی ــ سه، چهار سال ــ دهها میلیارد تومان از پول بیت المال را در صندوق شخصی خود قرار می دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذّت ببرند و مزه فقر را نچشند، مزه زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره حق به جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پولها را به چنگ

آورد. بنابراین اوّلین ضـرر این است که بیت المال خالی می شود و پول مردم به جیب یک شخصِ طمّاع و حریص و خودخواه و زیاده طلب می رود.

ضرر دوم این است: کسانی که می خواهنـد با پول خود در کشور فعّالیت اقتصادی کننـد _ کارخانه تأسـیس کننـد، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند _ وقتی دیدند از راه های نامشـروع می شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می شوند که بروند کار نامشروع کنند.

عـدّه ای می گوینـد مبارزه با مفاسـد اقتصادی موجب می شود که سـرمایه دار، سـرمایه گـذاری نکند؛ اما من می گویم قضـیه عکس است؛ اگر بـا فسـاد اقتصـادی مبـارزه نشـود، هر سـرمایه داری وسوسه و تشویق می شود که به جـای وارد شـدن به کـار پُردردسـر تولیـد و مقـدّمات آن و راه هـای طولا نـی دیگر، برود مشـغول بنـد و بست و کارهـای فسـاد انگیز شود. یـک فاسـد، دیگران را هم به فساد می کشاند و تشویق می کند. بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعّالیت اقتصادی باز خواهد ماند.

ضرر سوم این است که آدم فاسـد وقتی بخواهـد از بیت المال مسـلمانان اسـتفاده کند، به طور مسـتقیم که او را راه نمی دهند؛ مجبور است به مـدیران و مسـئولان و هر کسـی که سـر راهِ او قرار دارد، رشوه بدهـد. هر کسـی هم نمی توانـد در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضـی افراد مقاومت می کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هـدف خود، با رشوه دادن و شـیرینی دادن، عـدّه ای را فاسـد می کنـد؛ مدیران را فاسد می کند، مأموران را فاسد می کند، مأمور بانک را

فاسد می کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می کند.

ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبدگان رایج شد، گناه رایج می شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدّمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.

ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می شوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می کند. (۱۹/۱۰/۱۳۸۰)

پدیده قاچاق

پدیده قاچاق

من اخیرا به مسئولان محترم این نکته را گفته ام، به رییس جمهور محترم هم آن را مؤکدا گفتم که پدیده قاچاق و قاچاق فروشی، ضربه به اقتصاد و هویت ملی کشور و همه برنامه ریزی هاست. این از لحاظ شرعی، یک عمل ممنوع و حرام قطعی است؛ چون موجب افساد است. جای مقابله با فساد قاچاق، فقط مرزها نیست. جنس قاچاق را باید دنبال کرد، تا آن جایی که در معرض فروش قرار داده می شود. جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود می کند. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

برخورد شعاری با مفسدان اقتصادی

برخورد شعاری با مفسدان اقتصادی

امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای

جوانان و سرمایه گذاری مطمئن است. و این همه به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر امتیازطلبان و زیاده خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه گذار و تولید کننده و اشتغال طلب، همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

با این امر مهم و حیاتی نباید بگونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. بجای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست اندرکاران این مهم تأکید کنید که بجای پرداختن به ریشه ها و ام الفسادها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید بدور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد. (۱۰/۰۲/۱۳۸۰)

اتلاف منابع عمومی و حیاتی کشور

اتلاف منابع عمومی و حیاتی کشور

منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می شود از آنها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله اینهاست: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی،

ص:۳۰۰

اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان. ما این همه ضایعات نان داریم؛ اصلا این یک منکر است؛ یک منکر دینی است؛ یک منکر اقتصادی و اجتماعی است؛ نهی از این منکر هم لازم است؛ هر کسی به هر طریقی که می تواند؛ یک مسئول یک طور می تواند، یک مشتری نانوایی یک طور می تواند، یک کارگر نانوایی طور دیگر می تواند. طبق بعضی از آمارهایی که به ما دادند، مقدار ضایعات نان ما برابر است با مقدار گندمی که از خارج وارد کشور می کنیم! آیا این جای تأسف نیست؟! همه اینها منکرات است و نهی از آنها لازم است. طبق نهج البلاغه، امیرالمؤمنین نهی از اینها را یکی از محورهای اصلی توصیه های خود قرار داده است. (۲۵/۰۹/۱۳۷۹)

ناهماهنگی حرکت در اصلاحات مخصوصا معیشت

ناهماهنگی حرکت در اصلاحات مخصوصا معیشت

در بعضی از بخش ها، اصلاحات، پیچیده و دشوار و کند است. مثلا در بخش اقتصادی، کار بسیار کند انجام می گیرد؛ توزیع عادلانه درآمدها نیز همین طور است؛ کار بسیار سختی است؛ کار آسانی نیست. ریشه کن کردن فقر و رسیدگی به مناطق محروم، همه اینها جزو اصلاحات است. اصلاح ساختار اداری، کار بسیار دشوار و پیچیده و سنگینی است؛ اینها دیر پیش می رود. در بخش معادل گلاسنوست آقای گورباچف نه، کار آسان است؛ در یک روز هم می شود به بیست روزنامه مجوز داد تا منتشر شوند. این می شود ناهماهنگ؛ این طوری نمی شود؛ باید هماهنگ حرکت کنیم؛ باید پابه پای بخش های دشوار حرکت کنیم. این که بنده تأکید می کنم مسئله

معیشت اولویت دارد، یـک بخش عمـده اش به خاطر این است؛ چون بخش معیشت، بخش مشـکلی است. همه نیرویتان را که شما جمع کنید، با همه صداقت و دلسوزی و علاقه مندی هم که کار کنید، سرعت خاصی خواهید داشت؛ بقیه بخش ها را هم باید با همان سـرعت حرکت دهید. اگر این سـرعت برابر و هماهنگ را رعایت نکردید، آن وقت مشـکلات بسـیار اساسـی ای پیش می آیـد که البته بعضـی از آنهـا قابـل محاسـبه است، برخی دیگر قابـل محاسـبه نیست؛ از آنهایی که قابل محاسـبه است، بعضی قابل پیشگیری است، برخی قابل پیشگیری هم نیست. (۱۹/۰۴/۱۳۷۹)

سوء سیاست های منجر به شکاف طبقاتی

سوء سیاست های منجر به شکاف طبقاتی

امروز کشور مـا در حال گـذر از یک دوران سـخت اقتصادی است، تا ان شاءالله به یک دوران باز، آزاد، خوب و برخوردار از رفـاه برسـد که مردم بتواننـد از منـافع و عطایا و هبات این طبیعت عظیم و این امکانات فراوانی که در کشور ما هست، اسـتفاده کننـد. مـا تلاش همه را هم لازم داریم؛ لیکن یکی از آفاتی که در همین دوران متوجه حرکت رشـد و توسـعه عمومی کشور است، این است که به وسـیله سوءسـیاست ها در کشور، شـکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسـیار مراقب باشند. عده ای فقط به خود فکر می کنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و نه به آینده کشور فکر نمی کنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصـی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می اندیشـند. دستگاه های مسئول نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله ها و شکاف ها را

بیشتر کننـد. عـدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد.

... ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می خواهیم. البته نمی گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن جایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، ... اگر عدل اجتماعی همراه با پیشـرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. (۱۴/۰۲/۱۳۷۹)

نا امنی اقتصادی و گریزگاههای قانونی

نا امنی اقتصادی و گریزگاههای قانونی

اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشـرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه رشـته های یک مملکت بتدریج از هم گسسـته خواهد شد. لذا امنیت، پایه و اساس است.

ناامنی اقتصادی، بخش دیگری از ناامنی است. آن کسانی که محیط های اقتصادی را ناامن می کننـد؛ اگر کسانی سـرمایه های کوچکی دارند، اینها با کارهای غیرقانونی، با زرنگی ها، این سرمایه های کوچک و امکانات مردم را نابود می کنند و به سود خودشـان مصـادره می کننـد. آنهـایی که بالاـتر از این، امکانات دولتی و عمومی را با زرنگیها، با تسـلط بر قوانین و مقررات و گریزگاهـای قانونی، به نفع خودشان مصادره می کننـد و هر جا که بتواننـد، از سوءاسـتفاده های شخصـی نمی گذرنـد؛ اینها محیط های اقتصادی را ناامن می کنند. شما ببینید اگر در یک کشور وضع اقتصادی بیمار است،

یکی از چند علت، وجود همین گریزگاههای از قانون است که کسانی می توانند با استفاده از اینها سوءاستفاده کنند و جیبهای خودشان را پر کنند و امکانات مردم و دولت را به نفع و سمت خودشان بکشانند. (۰۶/۰۱/۱۳۷۹)

عدم تدوین و اصلاح مقررات

عدم تدوین و اصلاح مقررات

بـدیهی است که در میان جامعه مواردی وجود دارد که باید اصـلاح شود. ما اصـلاح اداری لازم داریم؛ اصـلاح اقتصادی لازم داریم؛ اصـلاح قضـایی لازم داریم؛ اصـلاح امنیتی لازم داریم؛ اصـلاح در قوانین و مقررات لازم داریم. مـا احتیاج داریم که دسـتگاه اداریمان مقرراتی داشـته باشـد که برای همه یکسان باشـد و در آن تبعیض نباشد. .. باید رشوه و ارتشاء وجود نداشـته باشـد؛ ... راه هـای کسب ثروت بایـد مشـروع باشـد. اگر کسـانی از راه هـای نامشـروع کسب ثروت کردنـد، ... اگر کسانی از امتیازات بیجا استفاده کردند، ثروت های بادآورده به دست آوردند و دیگران را به قیمت این که خودشان ثروتمند شوند، فقیر کردند، ... اگر در جامعه امتیازات انحصاری به وجود آوردند و همه نتوانسـتند از فرصت های برابر اسـتفاده کنند، .. اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات نبود؛ اگر انسانی که می خواهـد در جامعه کار کنـد، دست و پایش را بسـتند و برای تلاش کردن، به او فرصت ندادنـد، ... اگر در جـامعه گرایش مصـرفی رو به رشـد است، ... اگر در تلاـش هـای اقتصادی، دلالی بر تولیـد ترجیح دارد، این فساد است. اینها را باید اصلاح کرد. اصلاحات اینهاست. (۲۶/۰۱/۱۳۷۹)

ص:۳۰۴

توجه نداشتن و کم اطلاعی مسئولان از مشکلات اقتصادی مردم

توجه نداشتن و کم اطلاعی مسئولان از مشکلات اقتصادی مردم

من واقعا خوشوقت شدم از این که دیدم آقای رییس جمهور در بیانات خودشان مسئله مشکلات و گرفتاری های اقتصادی مردم را با شما مسئولان مطرح کردند. این حقیقتا مهم است. مردم حقیقتا مشکلات اقتصادی دارند؛ سختی دارند؛ نارسایی دارند. گرفتاری های زیادی وجود دارد؛ خطر عمده این است که شما این را ندانید، که امیدوارم بدانید. گمانم شاید در بین مسئولان ما بعضیها هستند که به گرفتاریها و مشکلات مردم درست توجه ندارند، و الا برای رفع این مشکلات، تلاش مجدانه تری می شد. هرچه که مسئولان به مناقشات سرگرم باشند، از این رسیدگی به مشکلات بیشتر خواهند ماند. مسئولان ـ فرقی نمی کند؛ مسئولان دولتی، مسئولان قوه مقننه، مسئولان قوه قضاییه؛ یعنی همه کسانی که دست اندر کار مسائل اداره کشورند ـ باید به آن مسئولیت خودشان بپردازند و وجود خودشان را به آن بدهند. (۰۴/۱۰/۱۳۷۸)

آزادی اخلال گران و دشمنان اقتصادی

آزادی اخلال گران و دشمنان اقتصادی

کسانی که نظر مخالفی دارند ـ در هر مسئله و در هر زمینه ـ مخالفت خودشان را بنویسند، بگویند، چاپ و منتشر کنند؛ کسی به آن کاری ندارد. اما فرق است بین آن کسی که نظر مخالفی دارد و این نظر مخالف را بیان می کند، با کسی که در زیر نقاب اعلام یک نظر مخالف، توطئه می کند و دشمنی می ورزد. اگر امروز کسی از لحاظ اقتصادی در کار این دولت خدمتگزار، اخلال کند، او دشمن ماست، باید با او مقابله کنیم. دشمنی، دشمنی است. دشمنی در عرصه اقتصادی دشمنی است و باید با آن مقابله

ص:۳۰۵

کرد. (۱۵/۰۷/۱۳۷۷)

موازی کاری در دولت

موازی کاری در دولت

یک مسئله دیگر هم در مدیریت های دولتی، کار موازی است. در دولت نباید کارهای موازی انجام بگیرد. کار موازی چند عیب دارد: اولاً ـ هزینه انسانی زیادی بیجا مصرف می شود، ثانیاً هزینه مالی زیادی مصرف می شود، ثالثاً تناقض در تصمیم گیری ها به وجود می آید ــ وقتی دو دستگاه مسئول یک کاری هستند، این یک تصمیم می گیرد، آن هم یک تصمیم دیگر می گیرد ــ و رابعاً از همه بالاـتر، مسئولیت لوث می شود. فرض کنید توی فلاـن مسئله اقتصادی یا مسئله فرهنگی یا مسئله سیاست خارجی یا هرچه، اگر چنانچه یک مشکلی پیش بیاید، مسئولیت لوث می شود. وقتی کار موازی انجام گرفت، مسئولیت لوث می شود. بین دولت ــ یعنی قوه مجریه ــ و بعضی از دستگاه های بیرون از قوه مجریه، یک جاهایی بعضی موازی کاری ها هست. همه تلاشمان این است که بلکه این موازی کاری ها را یک جوری حل کنیم، اصلاح کنیم، علاج کنیم. در داخل دولت، دیگر نبایستی از این موازی کاری ها به وجود بیاید. حالا یک موارد خاصی هست؛ اما کلی اش این است که موازی کاری خوب نیست. (۸/۶/۱۳۸۹)

واردات بی رویه و بی منطق

واردات بی رویه و بی منطق

مسئله واردات بی رویه و بی منطق ضرر بزرگی است، خطر بزرگی است؛ مردم هم باید این را بدانند. وقتی یک محصول خارجی را ما داریم مصرف می کنیم، در واقع داریم یک کارگر خودمان را بی کار می کنیم، یک کارگر

دیگر را داریم به کار وادار می کنیم. (۱۶/۶/۱۳۸۹)

هزینه کردن اعتبارات در جاهای غیرلازم

هزینه کردن اعتبارات در جاهای غیرلازم

باید اسراف نشود. هزینه کردن اعتبارات و پول های کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی و زیادی، حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه های عملی زندگی مردم ارتباطی ندارد، یک کار مسرفانه است. (۱۱/۰۲/۱۳۸۱)

سیاسی کردن فضای کشوربرای تحت الشعاع قرار دادن مسایل اقتصادی

سیاسی کردن فضای کشوربرای تحت الشعاع قرار دادن مسایل اقتصادی

این که بعضیها فضای کشور را آن قدر سیاسی کنند که مسائل اصلی کشور تحت الشعاع قرار گیرد، یک غفلت بزرگ است. البته گروه معدودی این غفلت را عمدا انجام می دهند؛ آنها خیانت می کنند؛ یک عده هم غفلت می کنند. هر روز مسئله سیاسی جدیدی را در کشور ایجاد کردن ــ به مجلس شورای اسلامی نگاه می کنیم، یک طور؛ به مجموعه های گوناگون دیگر نگاه می کنیم، یک طور ــ و ذهن ها و فکرها را از کاری که باید برای مردم انجام گیرد، منصرف کردن، هیچ مصلحت نیست. همه باید ذهن های خود را به کارهایی که برای پیشرفت و حل مشکلات کشور لازم است ــ مسائل معیشتی مردم، مسائل اقتصادی مردم، مسئله اشتغال ــ منعطف کنند. دستگاه ها باید به هم کمک کنند و این کارها را انجام دهند. کار صورت می گیرد، اما باید شتاب بیشتری پیدا کند و همه جانبه شود. (۱۱/۰۲/۱۳۸۱)

ایجاد مسایل حاشیه ای

ایجاد مسایل حاشیه ای

ص:۳۰۷

ما سال گذشته مسئله اشتغال را مطرح کردیم؛ امسال هم روی آن تأکید نمودیم و جلسات متعددی تشکیل شد و مسئولان دولتی با جدیت دنبال این کار را گرفتند. اما دشمنان برای این که حواس مسئولان را پرت و ذهن ها را به جاهای دیگر منعطف کنند، انواع و اقسام کارهای خباثت آمیز و رذالت بار را در تبلیغات خود انجام دادند تا موضوع اشتغال، اصلاح معیشت مردم و رفع بیکاری از جوانان کشور تحقق پیدا نکند. (۰۵/۰۵/۱۳۸۱)

تکیه بر منابع نفتی

تکیه بر منابع نفتی

یک طرز تفکر، غلط و مایه بدبختی ملت است؛ یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل امریکا بر این کشور حاکم بود؛ و آن این که علم و صنعت و تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله خارجی ها، اروپایی ها و غربی ها آماده بشود و به صورت محصول در اختیار ما قرار بگیرد؛ ما باید پول و نفت بدهیم و از محصول کار آنها استفاده کنیم؛ این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الان هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد؛ می گویند ما پول می دهیم، غربی ها برای ما می سازند، به این جا می آورند و نصب می کنند! گاهی احمقانه تصور می کنند که این یک نوع اربابی نسبت به غربیهاست؛ که ما پولدار هستیم، آنها می آیند برای ما می سازند! (۱۳/۰۹/۱۳۷۰)

مبارزه شعاری با مفاسد اقتصادی

مبارزه شعاری با مفاسد اقتصادی

اهتمام به این کار به خاطر آن است که مفاسد اقتصادی، جریان آلوده ای

است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد. البته در آن نامه ای که به رؤسای محترم سه قوه نوشتم، عرض کردم مراقب باشید تخلفات مدیریتی را که غالبا به اشتباه بر می گردد، با جرائمی که کسی از روی عمد مرتکب می شود، مخلوط نکنید. مراقب باشید اول، کار انجام گیرد و بعد مردم از کاری که انجام گرفت، مطلع شوند. جنجال تبلیغاتی نسبت به کاری که هنوز انجام نگرفته است، نه فقط مفید فایده نیست، بلکه ضررهایی هم ایجاد می کند. کار را بکنیم، بعد اطلاع دهیم این کار شد _ مثلا این پرونده رسیدگی و مختومه شد، یا این طور احقاق حق گردید _ نه این که قبل از آن که کاری صورت گیرد، جنجال کنیم که می خواهیم این کار را بکنیم؛ بعد هم نتوانیم، یا اشکالی پیش آید، یا معلوم شود فلان گوشه اش را اشتباه کرده بودیم. بنده معتقد به خبررسانی و اطلاع رسانی ام؛ مکرر هم به رییس محترم قوه و دوستان دیگر در این زمینه عرض کرده ام. باید افکار عمومی را مطلع کرد و اطلاع رسانی صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطلاع رسانی بهنگام، بجا و به شکل متین و صحیح. (۰۵/۰۴/۱۳۸۱)

توجه به مسایل حاشیه ای

توجه به مسایل حاشیه ای

بنده، هم به مسئولان اقتصادی دولت و هم به مجلس شورای اسلامی توصیه مؤکد می کنم که از مسائل حاشیه ای، درجه دو و غیرضروری و غیرفوری کم کنند و به مسائل اصلی بپردازند. برای خود، سرگرمی و

مشغولیت درست نکنند؛ به آن چیزی که امروز نیاز کشور و مردم است و خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد، بپردازند. این وظیفه همه است و مطمئنا باید آن را دنبال کنند. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

رغبت مسئولان به تشریفات و اشرافی گری

رغبت مسئولان به تشریفات و اشرافی گری

برادران و خواهران! هر جا هستید و در هر مسئولیتی قرار دارید، باید مراقب باشید. یک رفتار شما، یک گفتار شما، یک حرکت شما می تواند تأثیر ماندگار بگذارد؛ می تواند تأثیرهای وسیعی در زندگی مردم بگذارد. سال هاست که بنده درباره زندگی تشریفاتی مکرر تذکر می دهم. این دو جنبه دارد: یک جنبه از لحاظ اصل پایبندی به تجملات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان والاست؛ یعنی یک وقت انسان به یک چیز غیر لازم پایبند می شود که دون شأن انسان است؛ بعلاوه، مسرفانه است؛ تضییع سرمایه ها، تضییع اموال و تضییع موجودیها در آن هست. این یک بعد قضیه است که اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است؛ لیکن جنبه دومی دارد که اهمیتش کمتر از جنبه اول نیست و آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است. بعضی ها از این غفلت می کنند. وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن چنانی می کنید، این یک درس عملی است و هرکسی این را می بیند، بر او اثر می گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا را، فضای تجملاتی و تجمل گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه تجمل گرایی در جامعه ما

رواج پیدا کند ــ که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است ــ بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلا حل نخواهد شد. تجمل گرایی و گرایش به اشرافی گری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی ــ که برای همه کشورها و همه جوامع، بخصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است ــ پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه مردم است. این اهمیت تقوای ما را این قدر زیاد می کند. این که من در این اواخر، مکرر به همدلی مسئولان با یکدیگر توصیه کرده ام، برای این است که جریان ها و خطوط و دنباله هایشان بدانند که این حرف هایی که بین آنهاست، بین مسئولان نیست. مسئولان هم اختلاف سلیقه دارند ــ نه این که ندارند ــ اما اختلاف سلیقه یک مسئله است و اختلاف سلیقه را برای کشمکش بهانه قرار دادن، یک حرف دیگر است. این دومی زندگی را بر مردم تلخ می کند. (۰۴/۱۰/۱۳۷۸)

ابتلای کشور به مسائل حاشیه ای

ابتلای کشور به مسائل حاشیه ای

کشور به مسائل حاشیه ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله اصلی بروند؛ باید مسئله کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می بینیم از یک گوشه ای یک صدایی بلند می شود، یک مسئله حاشیه ای درست می کنند، ذهن ها متوجه آن می شود. این مثل این میماند که در یک مسافرت مهمی، کاروانی، قطاری دارد حرکت می کند، هدفش رسیدن به

یـک نقطه خاص است؛ ناگهان ذهن ها را مشـغول کننـد به یک چیز حاشـیه ای در بیابان، از راه باز بماننـد، احیاناً امکان ادامه حرکت هم از آنهـا گرفته شود. مسائـل حاشـیه ای نبایـد به میان بیایـد. مردم ما خوشـبختانه قـدرت تحلیل دارنـد، هوشـمندند، هوشـیارند؛ می تواننـد مسائل فرعی و حاشـیه ای را از مسائل اصـلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشـیه ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد. (۱/۱/۱۳۹۰)

مبارزه سیاسی با فساد اقتصادی

مبارزه سیاسی با فساد اقتصادی

در مورد برخورد با فساد دو گرایش افراطی و تفریطی هست. بعضـیها وقتی صـحبت از مبارزه با فساد می شود، تصور می کنند که مبارزه با فساد، یک بهانه سیاسی برای برخورد با این و آن است؛ این غلط است. مبارزه با فساد، مبارزه با فساد است! در هر جامعه ای اگر نقطه فاسد، شـناسایی، کنترل و قلع و قمع شد، فساد متوقف می ماند، والا رشد پیدا می کند. فرق نظام اسلامی و نظـام صالـح بـا نظـام هـای فاسـدی که در مقابـل گسترش فسـاد بی دفاعنـد، این است که در این جا مسـئولان اصـلی کشور و دلسوزان جامعه، برخوردار از صـلاحند؛ برنامه و رفتار کشور، برنامه صلاح است. البته آدم فاسد هم پیدا می شود، منتها باید با او برخورد شود. بعضـی تصور می کننـد که مبـارزه بـا فسـاد یـک حرکت سیاسـی است؛ این تصور غلطی است. مبارزه با فساد حرکت سیاسـی نیست؛ یک حرکت حقیقی و کاری لازم است. بعضـی هم در نقطه مقابل، از آن طرف افراط می کننـد؛ یعنی وقـتی گفته می شود «فسـاد» خیـال می کننـد همه جـا را فسـاد گرفته است؛ خیر، این چنین نیست. آنچه که مـا را برمی انگیزد، وجود فساد، ولو در یک بخش، در یک

گوشه و به وسیله افراد معدودی است. ما می دانیم اگر با این پدیده مبارزه نشود، فساد نهادینه و ریشه دار می شود و در آن صورت قلع و قمعش مشکل می گردد. این مبارزه معنایش آن نیست که عناصر فاسد و مفسد همه زمامهای کار را در بخش های مختلف به دست گرفته اند. عناصر صالح، مؤمن و دلسوز، در دستگاه های داخل کشور _ چه قوه مجریه و چه قوه قضاییه _ بسیار هستند که اجرا هم دست آنهاست و با کمال صلاح، کار خودشان را انجام می دهند و خوشبختانه اینها اکثریت و چهره غالب دستگاهند. منتها یک مفسد و فاسد، چهره دیگران را هم خراب می کند. (۰۹/۰۱/۱۳۸۱)

شعارهای سیاسی جنجالی بی محتوا

شعارهای سیاسی جنجالی بی محتوا

وقتی از مردم می پرسند مشکل اصلی شما چیست، می گویند مشکل اصلی بیکاری، گرانی و مشکل معیشتی است. این نشان دهنده تشخیص درستی است که در سال گذشته و سال قبل از آن داده شد و به مسئولان گفته شد که روی موضوع ایجاد اشتغال و برطرف کردن مشکلات معیشتی مردم کار کنید؛ مردم این را انتظار دارند... البته عده ای هم پیدا می شوند که شعارهای سیاسی جنجالی بی محتوا را جایگزین این مسائل می کنند. (۲۱/۰۷/۱۳۸۲)

پرداختن به مسائل سیاسی با نامهای جعلی و گوناگون

پرداختن به مسائل سیاسی با نامهای جعلی و گوناگون

مسئولان باید به مسائل اقتصادی توجه کنند و به مسئله گرانی و بیکاری رسیدگی نمایند. اگر مسئولان دور از غوغاها و جنجال ها تلاش لازم را بکنند، به نتایج خوبی خواهند رسید و مشکلات را حل خواهند کرد. اگر

هم یک جا مشکلاتی بماند، بیایند صادقانه به مردم بگویند که ما تلاش خودمان را کردیم؛ اما این مشکل فعلا حل نشده ـ در آینده حل خواهد شد ـ مردم از آنها می پذیرند. نگرانی آن جاست که به جای پرداختن به مسائل واقعی زندگی مردم، به مسائل سیاسی با نامهای جعلی و گوناگون بپردازند و با اختلاف افکنی و متشنج کردن فضای سیاسی کشور، دشمن را خشنود کنند؛ اینها بد است. بنده به همه کسانی که در هدایت افکار عمومی و ارائه راه درست نقش دارند، نصیحت می کنم که وظیفه الهی و وظیفه اسلامی خودشان را بدانند؛ وظیفه در مقابل این ملت و این کشور را بدانند. (۱۱/۱۲/۱۳۷۸)

اخلال در بیت المال

اخلال در بیت المال

یکی از خصوصیات، این است که مردم می خواهند این احساس را داشته باشند که مسئولان کشور در سطوح مختلف، نسبت به موجودی کشور، امانتدار و امینند. این را من می خواهم از شما به طور جد بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه امانتداری نسبت به آنچه که از مردم در اختیار ماست ـ بیت المال و آنچه که مربوط به ثروت های عمومی کشور است ـ اختلال پیدا نکند. نگذارید دشمن بتواند این طور تبلیغ کند که یک طبقه جدید و یک اشرافی گری جدید، در حال شکل گیری است. دشمن، از این گونه حرف ها می زند. اگر چیزی دیده شد که این حرف دشمن را به نحوی تأیید کرد، این خدمت به دشمن است؛ نباید بگذارید. دشمن، دشمن است و تهمت می زند. در این چند ساله، این بلندگوها، این

رسانه های جمعی دشـمن، چقدر علیه جمهوری اسـلامی حرف های خصمانه زدند! در زمینه سوء استفاده و امثال آن، آن قدر یاوه و دروغ و خلاف واقع گفته اند که احصای آن واقعا آسان نیست. ولی اگر مردم دیدند که در مواردی، چیزهایی تأیید می کند ـ ولو یک مورد ـ ده مورد را باور و قبول می کنند. این را باید توجه داشته باشید. (۰۶/۰۲/۱۳۷۶)

ص:۳۱۵

فصل دوم: آسیب های مردمی

اشاره

فصل دوم: آسیب های مردمی

زیر فصل ها

برطرف کردن مشکل ظاهری معیشت

تخریب بجای انتقاد

یاس و ناامیدی مردم

مایوس شدن مردم از پیشرفت اقتصادی

فاصله طبقاتی

جنجال آفرینی و ایجاد دو دستگی در مردم و اختلاف بین مسئولان

اسراف و عدم قناعت

دنیا طلبی و اشرافی گری در فعالیت های اقتصادی

ریخت و پاش و بی انضباطی اقتصادی

مصرف گرایی و زیان کشور

سوءاستفاده ها در نوسان های اقتصادی

پیگیری نکردن و دنبال نکردن کارها

فاصله با اصلاح الگوی مصرف

نقص درونی و تبلیغات بیرونی

اختلاف و تفرقه

طرح گله در معرض افکار عمومی

تضعیف دین در جامعه

تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام

فراموش کردن اصول ارزشی

اسراف و عقب ماندگی و عدم بهره وری

پیشرفت بدون عدالت

تولید ثروت بدون در نظر گرفتن عدالت

ناهماهنگی دانشگاهها و صنایع

نابودی منابع طبیعی و صنعت

آسیب به روحیه مردم

غفلت نسبت به عدالت در سازندگی کشور

سازندگی بدون توجه به ارزش های انقلابی

دلبستگی به دنیا

سوءُ تفاهم در مورد زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا

بی توجهی به فاصله میان سازندگی و مادیگری

تردید نسبت به آینده

پدیده قاچاق

برطرف کردن مشکل ظاهری معیشت

برطرف کردن مشکل ظاهری معیشت

برطرف کردن مشکل معیشتی از قشر کارگر و معلم و قشرهای دیگر، به اصلاح مبانی اقتصاد کشور بستگی دارد. فرض کنیم ما حقوق این انسان زحمتکش را بیست درصد یا چهل درصد اضافه کردیم؛ اما اگر تورم را مهار و ارزش پول ملی را تأمین نکردیم، آن مقداری که او امسال از ما اضافه می گیرد، چنانچه از رشد بی رویه قیمتها پایین تر باشد، فایده ای برای او ندارد؛

پس ما برای او کاری نکرده ایم؛ بنابراین اساس کار آن جاست. (۱۰/۰۲/۱۳۸۲)

تخریب بجای انتقاد

تخریب بجای انتقاد

انتقـاد صـحیح و دلسوزانه ضـرری نـدارد؛ امـا این انتقاد بایستی به تخریب نینجامـد. بعضـیها طوری انتقاد می کننـد که تخریب است؛ این مصـلحت نیست. کسـی که مسـئولیت سنگینی در کشور بر دوشش هست و از او توقع داریم که فلان کار را بکند _ اقتصاد را درست کند و... _ اگر ما او را تقویت نکنیم؛ اگر یک وقت ضعفی هم پیدا شد، آن را نپوشانیم؛ آیا

ص:۳۱۶

می توانیم چنین توقعی داشته باشیم؟ باز هم می توانیم امیدوار باشیم که آنچه که ما می خواهیم، انجام خواهد گرفت و آنچه که وظیفه اوست، انجام می گیرد؟ به نظر من، وظیفه همه است که به مسئولان کشور کمک کنند و آنها را یاری نمایند؛ البته تا وقتی که در خط مستقیم اسلام و امام حرکت می کنند. (۰۱/۰۹/۱۳۷۸)

یاس و ناامیدی مردم

یاس و ناامیدی مردم

امروز استکبار جهانی مایل است که ملت های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی شود کاری کرد؛ دیگر فایده ای ندارد! می خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می بینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم می کنند، برای مأیوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند، متدینین را از گسترش دین مأیوس کنند، آزادی طلبان و علاقه مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مأیوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته اند، تیره و تار جلوه دهند! برای چه؟ برای این که جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی توانند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی هوش مدهوش بی حسی که کنجی افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، می تواند تزریق کند؛ با آن هر کاری می توانند بکنند؛ اما با یک موجود سرحال زنده باهوش متحرک فعال

که نمی توانند هر کاری را انجام دهند! (۲۵/۰۹/۱۳۷۶)

مایوس شدن مردم از پیشرفت اقتصادی

مایوس شدن مردم از پیشرفت اقتصادی

امروز بیشتر از گذشته سعی می کنند ملت ایران را، که می رود تا به قله برسد، مأیوس کنند. می گویند: «آقا، وضع اقتصاد خراب است! آقا، دنیا نمی گذارد! آقا، امریکا نمی گذارد! آقا، مردم ناراحتند!» دائم در گوش مردم این چیزها را می خوانند؛ آن هم با روش های تبلیغاتی بسیار زیرکانه. بنده حرف های اینها را گوش می دهم. حرف هایشان را گاهی مستقیما گوش می دهم و بسیاری اوقات هم می نویسند یا ضبط می کنند و برایم می آورند. من می بینم اینها چه می گویند. می بینم که نشسته اند و کلماتی را انتخاب کرده اند که مردم این حرف را باور کنند! یک دروغ مسلم را می خواهند مردم باور کنند! متأسفانه بعضی در داخل، هر چه حرف می زنند برای مأیوس کردن مردم است. یا سکوت می کنند، یا اگر یک کلمه حرف هم زدند، برای این است که مردم را مأیوس کنند! (۰۶/۱۰/۱۳۷۲)

فاصله طبقاتی

فاصله طبقاتی

اسلام به ملت ها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می پیچند و ارائه می دهند که طبقاتی را مرفه می کند و رونق اقتصادی را بالا می برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می شود؛ این را اسلام نمی پسندد. رفاه اقتصادی همراه

با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به دست می آید. (۱۲/۰۳/۱۳۷۸)

جنجال آفرینی و ایجاد دو دستگی در مردم و اختلاف بین مسئولان

جنجال آفرینی و ایجاد دو دستگی در مردم و اختلاف بین مسئولان

از طرفی به بهانه های مختلف، سعی می کنند در فضای سیاسی کشور، تشنج و جنجال به وجود آورند، تا خود این هم در مردم، احساس ناامنی و احساس عدم انتظام کارها را به وجود آورد..

طبعا وقتی جنجال می شود، یک دسته از مردم، طرفدار یک حرف می شوند، دسته دیگر هم طرفدار حرفی دیگر می شوند و قهرا بین مردم، بگومگو به وجود می آید. دشمنان هم همین را می خواهند!

یک جزء دیگر نقشه هم این است که به مردم این طور وانمود کنند که بین مسئولان کشور در سطوح بالا، اختلاف است.. بعضی از نویسندگان داخلی هم فریب می خورند و همان حرف ها را تکرار می کنند! حرف، مال آنها نیست؛ اصل حرف، جزو مجموعه توطئه دشمن و از اجزای آن است. خوب؛ در واقع در چنین وضعی، هم مشکلات اقتصادی وجود دارد، هم دشمن آن را ده برابر بزرگ می کند، هم از لحاظ سیاسی به جنجال آفرینی می پردازد و هم دل های مردم را نسبت به مسئولین، بی اعتماد می کند! در چنین فضایی مسئولین کشور ــ دولت ــ آیا قدرت دارند و می توانند راحت کارهای خودشان را انجام دهند؟! طبیعی است که کارها عقب می افتد. (۰۱/۰۱/۱۳۷۸)

ص:۳۱۹

اسراف و عدم قناعت

اسراف و عدم قناعت

ببینید اسراف چه کار می کند! اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در اسباب بازی بچه و در وسایل تجملاتی! عزیزان من! این اسراف همان کاری را با کشور می کند که دشمن می خواهد! او از آن طرف به وسیله نفت، به وسیله تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه ها بر ملت ایران ضربه وارد می کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه جویی نکردن، ضربه او را تکمیل می کنیم! حرف من این است. (۰۱/۰۱/۱۳۷۷)

دنیا طلبی و اشرافی گری در فعالیت های اقتصادی

دنیا طلبی و اشرافی گری در فعالیت های اقتصادی

چیزی که من می خواهم به مسئولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروت ها انباشته می شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروت ها، دوران افزایش فعالیت های اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدمهایی که اهل دنیا هستند، آدمهایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدمهایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می دهند، دستشان باز است، برای این که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافی گری و زراندوزی و جمع مال و منال و سوءاستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران

شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدمهای ضعیف به سمت اشرافی گری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسئولان و هم آحاد مردم. (۰۱/۰۱/۱۳۷۶)

ریخت و پاش و بی انضباطی اقتصادی

ریخت و پاش و بی انضباطی اقتصادی

اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بیهوده و بی جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده اند. این کارها اسمش ریخت وپاش است و ریخت وپاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می کند. شما مثلا مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کار درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت وپاش غلط و خلاف انضباط است. کسانی که اموال دولتی را مصرف می کنند، دیگر بیشتر. (۰۱/۰۱/۱۳۷۴)

مصرف گرایی و زیان کشور

مصرف گرایی و زیان کشور

مردم از اسراف، چه در ایام عید و چه در طول سال آینده و به ویژه در مراسمی که معمولا در آنها دچار اسراف می شوند، خودداری کنند. مصرف

بی رویه و زیاد، قاعدتا از سوی قشرهای مرفه انجام می گیرد؛ چون قشرهای ضعیف قادر نیستند که زیاد مصرف کنند. مصرفی که از سوی یک قشر انجام می گیرد، به زیان کشور است. یعنی هم زیان اقتصادی، هم زیان اجتماعی و هم زیان روانی و اخلاقی دارد. من مکرر عرض کرده ام، باز هم می گویم و خواهش می کنم که مصرف گرایی را رها کنند. مصرف باید به اندازه باشد، نه به حداسراف و زیاده روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است. امروز بسیاری از قشرهای مردم و خانواده ها دچار مشکل و زحمتند .. اندازه عبارت است از این که انسان خودش را هر چه می تواند به این قشرها نزدیک کند. مسئولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضایی و سایرین، بخصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۱)

سوءاستفاده ها در نوسان های اقتصادی

سوءاستفاده ها در نوسان های اقتصادی

مسائل اقتصادی کشور به عوامل گوناگونی بسته است که بسیاری از آن عوامل، خارج از مرزهاست. وضع تورم جهانی، وضع عرضه های گوناگون جهانی، وضع پول در دنیا و بسیاری از این گونه مسائل، روی اقتصاد یک کشور اثر می گذارد. اقتصاد کشور مستقلی مثل ما که می خواهد مستقل زندگی بکند، غالبا با بعضی از نوسانها همراه است. نباید اجازه بدهید که از این نوسانها و از این کم و زیادها، کسانی به نفع جیب شخصی خودشان استفاده کنند، و تا رقم مالیاتی بر صنفی بسته شد، بلافاصله آن مالیات خودش را در زندگی مصرف کننده یی که به آن صنف مراجعه دارد،

نشان بدهد. این درست نیست و بر عدل اسلامی منطبق نمی باشد. (۱۳/۰۴/۱۳۷۰)

پیگیری نکردن و دنبال نکردن کارها

پیگیری نکردن و دنبال نکردن کارها

یکی از نقیصه های عمـده ای که بنده در بعضـی از دولت هامان در طول این سال ها مشاهده کرده ام، پیگیری نکردن و دنبال نکردن کارهـاست. کـار را بـا شوق و ذوق شـروع می کننـد، بعـد نصـفه کاره میمانـد! چرا؟ چون مـدیران حمایت نمی کننـد، پیگیری نمی کننـد؛ چه حمایت مالی، چه حمایت اداری، حمایتهای مـدیریتی، تشویق، رسـیدگی، برداشـتن موانع جزیی از سر راه. گاهی یک مانع جزیی یک کار بزرگ را مـدتها معطل می کنـد؛ تجربه انسان این را نشان می دهـد. ما دیـده ایم کارهای بزرگی که متوقف شده، بعد که رفتیم سـراغ کار که چرا متوقف شده، فهمیدیم یک جا یک گیر کوچکی وجود داشته، همت نکردند این گیر کوچک را برطرف کنند، این جریان عظیم همین طور متوقف مانده. (۱/۱/۱۳۸۹)

فاصله با اصلاح الگوی مصرف

فاصله با اصلاح الگوی مصرف

من نمی توانم این را بگویم که الگوی مصـرف اصـلاح شد؛ نه، ما هنوز خیلی فاصـله داریم. تا وقتی الگوی مصـرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب را چه جور باید مصـرف کرد، برق را چه جور باید مصـرف کرد، نان را چه جور باید مصـرف کرد، پول را چه جور باید مصـرف کرد، تا اینها را درست مصـرف نکنیم، راه های مصـرف را ندانیم، مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند. باید ما اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنیم.

ص:۳۲۳

(۱/۱/۱۳۸۹)

نقص درونی و تبلیغات بیرونی

نقص درونی و تبلیغات بیرونی

خب، در تضعیف این الگو[انقلاب اسلامی]، دو عامل به یکدیگر کمک می کنند: یک عامل، عامل درونی است؛ نقصهایی که وجود دارد. کوتاهی های ما، کم کاری های ما، تنبلی های ما، مبتلاشدن ما به چیزهایی که مضر به حرکت است _ مثل اختلافها، مثل کارهای خلاف گوناگون، میل به دنیا پیدا کردنها، به سمت دنیا کشیده شدنها، قدرت طلبی ها، بی سیاستی ها و از این قبیل چیزها _ اینها چیزهایی است که ناشی از وجود ماست، ما داریم این نقصها را ایجاد می کنیم این عامل درونی، به این الگو صدمه می زند.

عامل دیگر، مربوط به دشمن است؛ که همینی که ما داریم، این را صد برابر بزرگ می کنند و به چشم دیگران میکشانند؛ عیبهایی هم که نداریم، به ما نسبت می دهند. خب، حالا ما چه کار کنیم؟ اول باید به آن چیزهای درونی خودمان بپردازیم. اول بایستی به آن چیزی که تقصیر خود ماست، کوتاهی خود ماست، بپردازیم. اگر این را درست کردیم، خدای متعال آن دومی را هم کفاف خواهد کرد؛ یعنی خدای متعال تبلیغ دشمن را هم خنثی خواهد کرد. در درجه اول، مسئولان و زبدگان و برجستگان و روشنفکران و دانشمندان و علما و کسانی که محیطِ تأثیر دارند، از رفتارهای خودشان مراقبت کنند. همان طور که عرض کردیم، قدرت طلبی است، دنیاطلبی است، دنبال اختلاف رفتن است، جنجال درست کردن است، خلاف اخلاق حرکت کردن است؛ که من در اینجا میخواهم روی

ص:۳۲۴

این مسئله خلاف اخلاق حرکت کردن تکیه کنم. (۱۹/۱۱/۱۳۸۹)

اختلاف و تفرقه

اختلاف و تفرقه

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه میان آحاد ملت، تفرقه میان مسئولین، تفرقه میان بخش های گوناگون نظام، تفرقه میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهم ترین کارهایی که در جنگ نرمِ دشمن وجود دارد ــ همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد ــ این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش می کنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و کرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند. (۱۹/۱۱/۱۳۸۹)

طرح گله در معرض افکار عمومی

طرح گله در معرض افکار عمومی

مسئولین کشور هم همین جور؛ آنها هم باید سعی کنند اگر گله ای از هم دارند ــ که گاهی ممکن است این گله ها بحق هم باشد ــ این گله را در معرض افکار عمومی مطرح نکنند؛ این ضربه به اتحاد ملی است؛ این را همه توجه داشته باشند. من به مسئولین کشور به طور جد این را تذکر و هشدار میدهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند ــ که همیشه بوده؛ از اول انقلاب که ما دست اندرکار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه مجریه از قوه مقننه، گاهی قوه مقننه از قوه قضاییه، گاهی قوه قضاییه از

قوه مجریه گله هایی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به وجود می آید _ ممکن است گله ها بحق هم باشد؛ اما این را نبایـد در عرصه افکار عمومی بیاورنـد، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کننـد، مردم را مأیوس کننـد؛ بین خودشان حل کنند. مهم ترین مسائل دنیا با مذاکره قابل حل است؛ این مسائل جزیی اهمیتی ندارد. (۱/۱/۱۳۹۰)

تضعیف دین در جامعه

تضعیف دین در جامعه

در داخـل کشـور، از طرق مختلـف، پـایه هـای ایمـان مردم، بخصـوص نسـل جوان را مـتزلزل کننـد؛ از اشـاعه بی بنـدوباری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب _ جنس بدلی عرفان حقیقی _ تا ترویج بهاییت، تا ترویج شـبکه کلیساهای خانگی؛ اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش بینی دشـمنان اسلام دارد انجام می گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند. (۲۷/۷/۱۳۸۹)

تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام

تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام

در زمینه تضـعیف وفاداری مردم نسـبت به نظام هم کارهای زیادی می کنند: شایعه می سازند، برای اینکه مردم را از مسـئولین کشور، از رؤسای قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی میپراکنند. هر کار شایسـته باارزشـی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار می دهند. اگر ضـعفهایی هست، چند برابر می کنند و نقاط قوت را نشان نمی دهند، برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند. افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان

می دهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه تلاشی را که در این دو مورد انجام داده اند، سرمایه گذاری های خسارتباری بوده است؛ نتیجه ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آنها خیال می کردند می توانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند. روزبه روز که گذشته است، می بینید مردم پایبندی شان به مسائل دینی و ارزش های معنوی بیشتر شده است. (۲۷/۷/۱۳۸۹)

فراموش کردن اصول ارزشی

فراموش کردن اصول ارزشی

بدیهی است که هر ملتی برای تأمین سعادت و عزت خود نیازمند به حرکت سازندگی در کشور خود می باشد. مشکل ملت هایی که نمی توانند با تلاش سازنده، کشور خود را از حضیض فقر و وابستگی و تبعیض و فساد سیاسی و اخلاقی نجات دهند آن است که: سازندگی را با فراموش کردن اصول ارزشی و اخلاقی و دینی صحیح، طلب می کنند و به دنبال سراب سازندگی، خود را در دام بیگانگان یا در ورطه فساد مالی و سیاسی و اخلاقی می افکنند. نتیجه آن است که به نام پیشرفت ظاهری کشور، انسانیت و شرف و استقلال خود را از دست می دهند، و غالبا حتی به سازندگی پایه های مادی کشور خود هم توفیق نمی یابند و دنیا و آخرت و ماده و معنی را یکجا فدای غفلت خود می کنند. (۱۱/۰۳/۱۳۷۵)

اسراف و عقب ماندگی و عدم بهره وری

اسراف و عقب ماندگی و عدم بهره وری

من یکی دو تا از این آمارهای تکان دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در

قلمهای مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. بر حسب بررسی میدانی ای که در تهران و بعضی از مراکز استان ها شده است، گفته می شود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوم همه نانی که در این شهرها تولید می شود، دور ریخته می شود. فکرش را بکنید شما؛ یک سوم! آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود ــ مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد ــ دولت از پول عمومی، از بودجه مردم گندم از خارج وارد کند، این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوم از این همه ثروت دور ریخته شود. چقدر تأسف آور است! متأسفانه این واقعیت دارد، این هست.

در مورد آب بررسی هایی که کرده اند، می گویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه جویی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید می شود، از راه های دور آورده می شود، با بهای سنگین سدهایی به وجود می آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار می رود تا این آب به خانه ما بیاید؛ بعد در خانه ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسرافهایی دارد. آنچه که برحسب بررسی ها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعا بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی ــ چه برق، چه حاملهای انرژی ــ مصرف می کنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوییل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است.

ص:۳۲۸

شاخصی به نام شاخص شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی ای که مصرف می شود، با کالایی که تولید می شود؛ که هرچه انرژی ای که مصرف می شود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسراف هایی است که در جامعه دارد انجام می گیرد. (۰۱/۰۱/۱۳۸۸)

پیشرفت بدون عدالت

پیشرفت بدون عدالت

اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالا-یی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده ای آلاف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام می خواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود. عدالت هم یک واژه بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله های طبقاتی است، کاهش فاصله های جغرافیایی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله های طبقاتی باید

برداشته شود، فاصله های جغرافیایی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت ها باید به وجود بیاید. همه آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینجور نباشد که نورچشمی ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست یافتنی است؛ دست نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، می توانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است. (۰۱/۰۱/۱۳۸۸)

تولید ثروت بدون در نظر گرفتن عدالت

تولید ثروت بدون در نظر گرفتن عدالت

این نکته را هم در باب عدالت عرض کنیم که بعضی ها می گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می کنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه امکانات موجود است. آنهایی که می گویند عدالت توزیع فقر است، مغزا و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می شود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می شود که امروز در کشورهای سرمایه داری مشاهده می کنیم. در غنی ترین کشور عالم ــ یعنی امریکا ــ کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما می میرند؛ اینها که شعار نیست؛ واقعیت هایی است که مشاهده می کنیم. کسانی هستند که در آرزوی یک آپارتمان سه چهار اتاقه سال های

سال تلاش می کنند و چون به جایی نمی رسند، می روند خیانت می کنند تا به این امکانات برسند.

وقتی دنبال تولید ثروت رفتن از نگاه عدالت محور جدا باشد، به این جاها می رسد که در جامعه، کسانی که زرنگ تر و باهوش ترند، یکشبه به ثروت های کلان و انبوه می رسند؛ کسانی هم که خودشان خانواده ثروتند؛ اکثریتی هم هستند که در زندگی های معمولی همراه با حسرت، و تعدادی هم در زندگی های بسیار سخت و دشوار به سر می برند. بنابراین، این که ما بگوییم عدالت را مطرح نکنید، تولید ثروت را مطرح کنید؛ بهانه را هم این بیاوریم که بعد از تولید ثروت سراغ عدالت می رویم، این نمی شود. عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم ـ نه عادلانه بی حساب و کتاب ـ و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد؛ نه این که به قشر خاص و به دسته خاصی بیشتر برسد. این وظیفه از وظایف دولت اسلامی بود که شما شعارش را دادید؛ خیلی هم خوب کردید؛ دنبالش هم باشید؛ متعهد به این هم باشید؛ و این اساس کار شماست. (۰۸/۰۶/۱۳۸۴)

ناهماهنگی دانشگاهها و صنایع

ناهماهنگی دانشگاهها و صنایع

یکی از ضعفها ناهماهنگیهاست؛ در بخش های مرتبط با دانش و علم و فن آوری، بایستی هماهنگی کامل بوجود بیاید. ما مسئله ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردیم ـ که خب، الحمدلله در این زمینه دارد کار می شود و بیشتر هم کار خواهد شد؛ حالا مسئولین مطالبی هم درباره ارتباط

نخبگان با مراکز تحقیقاتی یا با صنایع و امثال اینها، با ما در میان گذاشتند که مژده بخش است و ان شاءالله در وقت خودش به شما گفته خواهد شد و اطلاع خواهند داد ــ لیکن هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علمی و فن آوری رییس جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی و هر بخشی از بخش ها که در این زمینه ها همکاری می کنند، یک ارتباط و همکاری و هم افزایی دائم لازم است که مبادا اینها کار هم را خنثی بکنند یا حلقه های مفقوده و خلأهایی در این زمینه ــ از قبیل همین که یک خانمی راجع به مشکل جوان های خوارزمی بیان کردند ــ بوجود بیاید. (۰۵/۰۶/۱۳۸۷)

نابودی منابع طبیعی و صنعت

نابودی منابع طبیعی و صنعت

این گیاهی که متأسفانه در لابلای چرخ و پر صنعت ــ بخصوص در کشورهایی که تازه با صنعت آشنا می شوند ــ چنین مورد تحقیر قرار می گیرد، مایه حقیقی وجود انسان است. یعنی منبع بی پایان مواد حیاتی و غذایی درون خاک، تبدیل به گیاه می شود و از گیاه به انسان تبدیل می گردد؛ حال یا به واسطه حیوان، یا بدون واسطه آن. این است که «والله خلقکم من تراب»؛ من و شما منتسب به نطفه ای هستیم که تولید شده از مواد گیاهی و حیوانی است که اینها فرآورده خاکند. پس با یک واسطه یا دو واسطه، همه آحاد بشر و همه آحاد حیوان، متولد از خاکند؛ «منها خلقناکم» و واسطه هم گیاه است. اگر گیاه نباشد، انسان نیست. اگر گیاه

ص:۳۳۲

نباشـد، حیوان نیست. بـا توجه به چرخه پیچیـده طبیعت و تأثیر متقابل آب و هوا و خاک و درخت بر روی یکـدیگر، اگر گیاه نباشـد هوا هم نیست. گیـاه یک پایه اساسـی وجود است؛ ولی متأسـفانه ما گیاه و درخت را با این چشم نگاه نمی کنیم. از این روست که مراتع تخریب می شونـد، جنگلهـا تخریب می شونـد و درختها و باغها در محیط های شـهری ــ حتی در محیط های غیر شهری احیانا به توهم منافع موهوم ــ از بین می روند.

مـا بایـد بتوانیم بـا برنـامه ریزی های دقیق، با مـدیریت قوی و با اصـرار و جـدیت در کار، خودمان را از تضـییع خسارتبار منابع حیـاتی و طبیعی ــ ماننـد درخت و آب و خـاک ــ نجات دهیم. البته کارهای بسـیار خوبی شـده است حتی گرایش به صـنعت بایـد با توجه به این بخش باشد تا کشور بتواند اسـتفاده کند؛ تا ما که کشوری هستیم به طور طبیعی از طبیعت خوب و مناسـب برخـوردار ــ بـه هرحـال امکانـات اقلیمی هست و آنچه تخریب شـده است، به دست بشـر تخریب شـده است ــ بتـوانیم از این امکانات استفاده کرده و آنها را زیاد کنیم و نگذاریم آن منابع از بین برود. (۱۴/۱۲/۱۳۷۷)

آسیب به روحیه مردم

آسیب به روحیه مردم

مـا در نظام جمهوری اسـلامی، با روحیه و ایمان مردم پیش می رویم و حرکت می کنیم. اگرچه اسـتعداد و امکانات و منابع ما به عنوان یک کشور و ملت، خیلی زیاد است و بحمدالله تجربه انقلابی کشورداری سطح عالی

ص:۳۳۳

هم در اختیار مسئولان کشور است، اما آنچه که نقدا و بالفعل در اختیار ماست و قبل از آن که منابع استخراج بشوند و صنعت ما شکل لازم را پیدا کند و توسعه کشور به نحو صحیحی انجام گیرد، آن را در دست داریم، همین مردمی هستند که در همه آنات، رضایت و قبول و حمایتشان، پشت سر مسئولان کشور بوده است و ضمن این که ایمانشان خیلی بالاست، اما در مواردی به خاطر کمبودها و کسریها و یا حتی به خاطر بعضی از واردات ذهنی یی که به وسیله دشمن یا دوست در ذهن مردم جای می گیرد، ممکن است روحیه آنها آسیب پذیر هم باشد. (۱۲/۰۴/۱۳۶۸)

غفلت نسبت به عدالت در سازندگی کشور

غفلت نسبت به عدالت در سازندگی کشور

من دیروز در پیام اول سال، به ملت ایران عرض کردم که صرفه جویی را شعار خودتان قرار دهید. صرفه جویی به معنای گدابازی نیست که بعضی بگویند چرا نمی گذارید مردم از نعمتهای خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافی گری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضییع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه جویی صحیح ــ همان که در اسلام به آن قناعت می گویند ــ به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است. اگر جامعه ای بخواهد قناعت و صرفه جویی را ــ که یک دستور اسلامی است ــ عمل کند، باید متوجه باشد که در شکل کلی به عدالت اجتماعی و مسئله عدالت پرداخته شود.

ص:۳۳۴

برای این که بشود این راه را ادامه داد، همه و همه باید کوشش کنند. حال که بحمدالله کشور در راه سازندگی حرکت می کند، از عدالت غفلت نکنند و میدان برای سوءاستفاده کنندگان باز نشود. مسئولان قضایی، با استحکام دادگاهها و دستگاه های قضایی؛ مسئولان اجرایی، با دقت در سپردن مسئولیت ها و کارها و طرحها و ثروت ها به افراد امین؛ مسئولان قوه مقننه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با وضع قوانین مناسب، باید این زمینه را فراهم کنند. (۰۱/۰۱/۱۳۷۶)

سازندگی بدون توجه به ارزش های انقلابی

سازندگی بدون توجه به ارزش های انقلابی

هر کس به نام سازندگی، ارزش های انقلابی را مورد بی اعتنایی قرار دهد، در دعوی سازندگی نیز دچار خطا و توهم است، و هر کس به این عنوان که امروز روز عمل است، شعارهای درخشان انقلاب را تحقیر کند، مانند کسی است که بر سر شاخه نشسته و بن می برد. لیبرالیسم منحرف غربی که امروزه ملت های اروپا و امریکا در فضای آلوده آن دست و پا می زنند و اخلاق و فضیلت و روابط انسانی و اساس خانواده و پیوند نسل جدید را با پدران و مادران و بطور کلی معنویت و ایمان خود را در سایه شوم آن فانی شده می یابند، در میدان سیاست و اقتصاد، توقعات نامشروعی را از نظام اسلامی و مسئولان بلند پایه آن مطرح می کند. وظیفه مجلس شورای اسلامی در مرتبه اول، ایستادگی در برابر این توقعات و پای فشردن بر راه روشن و صراط مستقیم اسلام و انقلاب اسلامی است. و این مهم ترین توقع این جانب و ملت بزرگ و شجاع ایران از نمایندگان منتخب مردم

است. (۱۱/۰۳/۱۳۷۵)

دلبستگی به دنیا

دلبستگی به دنیا

تلاش مادی، یک وظیفه است. فعالیت در مسیر سازندگی، یک وظیفه است. اما مجذوب شدن و دلبسته شدن و ترجیح دادن لذت های دنیا و لذت های مادی بر راه خدا، یک امر ضد ارزش و خلاف وظیفه است. بخصوص به جوانان عزیز عرض می کنم که پیروزی این انقلاب، به خاطر صفا و اخلاص گروه هایی از شما مردم بود. بقای این انقلاب هم به خاطر صفا و صداقت و ایمان شما ملت بود. پیروزی در جنگ تحمیلی و ناکام کردن دشمن، به خاطر توکل به خدا و تقوا و پرهیزکاری بود. امروز هم در میدان های دشوار، آنچه ما را قطعا موفق می کند، توکل و توجه به خدا، حفظ تقوا و بی اعتنایی به زخارف و جذابیت های زندگی مادی است. این نکته به معنای آن نیست که به فکر نیازهای مادی خود نباشیم. هرکس حق دارد بلکه وظیفه دارد به دنبال نیازهای مادی خود باشد؛ معاش خود را تأمین و حتی لذایذ مشروع خود را هم تأمین کند. اما همه اینها غیر از این است که کسی دل به دنیا بسپارد، راه خدا را فراموش کند و همه فعالیت و فکر و حرکت و سکون او را توجه به امور مادی تشکیل دهد. (۱۴/۰۳/۱۳۷۲)

سوءُ تفاهم در مورد زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا

سوءُ تفاهم در مورد زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا

زهد، یعنی بی اعتنایی به دنیا. بی اعتنایی به دنیا به معنی بی اعتنایی به تلاش

دنیا نیست. چه کسی از امیرالمؤمنین(ع) در دنیا پر تلاش تر بود؟ چه کسی بیشتر از امیرالمؤمنین(ع)، از قدرت بازو، قدم، مغز، جسم، روح، مال و همه نیروهای خود برای ساختن یک دنیای خوب استفاده کرده است؟ اشتباه نکنیم! بی رغبتی به دنیا، به معنای پشت کردن به تلاش، سازندگی، مبارزه و ساختن جهان به شکل مطلوب نیست. آن زحمتها را باید کشید. کسی که بی رغبت به دنیاست، زاهد است؛ یعنی همه آن زحمت ها را می کشد، مجاهده می کند، مبارزه می کند، خود را در میدان های مبارزه حتی به خطر هم می اندازد، تا پای جان هم پیش می رود، بازوی او، پای او، مغز او، جسم او، روح او و دارایی او هم ـ اگر دارد ـ در راه ساختن دنیای خوب مصرف می شود؛ منتها وقتی نوبت برداشت شخصی از خزانه دنیا می رسد، کم برمی دارد. این، معنای زهد است. پای شخص او وقتی به میان آمد و زندگی شخصی او وقتی مطرح شد، حظ خود را از لذایذ مادی کم می کند. این هم که کم می کند نه از این بابت که می خواهد غرایز مادی را سرکوب کند؛ نه. در همان حدی که طبیعت انسان است، به طور معمول لذات و زیبایی های زندگی را هم مورد استفاده قرار می دهد؛ اما نه با ولع و نه مثل یک انسان حریص. از باب مثال، دو نفر بر سر سفره ای می نشینند. یکی می خواهد خود را سیر کند و بلند شود. لذا هر چه دم دستش باشد می خورد. نان بود یا خورش، فرقی نمی کند. مقصود این است که سد جوع کند؛ چون سد جوع لازم است. اما هدف نفر دوم، سد جوع نیست. نه این که نمی خواهد سد جوع کند. می خواهد سد جوع کند؛ اما خواهان تنوع و تلذذ

هم هست. دست می انـدازد به آن طرف سـفره، دست می اندازد جلو دیگران و ظروف غذا را جلو خودش می کشد تا از همه نوع غذا به بهترین کیفیت و بیشتر از همه، استفاده کند. این، همان است که مذموم است. و اما، برداشت کم از دنیا و در مقابل، تلاش زیاد، نقطه دوم در زندگی امیرالمؤمنین(ع) است. خود او زاهد بود. به دیگران زهد را می آموخت و امر می کرد و خود از همه زاهدتر بود. (۱۷/۱۰/۱۳۷۱)

بی توجهی به فاصله میان سازندگی و مادیگری

بی توجهی به فاصله میان سازندگی و مادیگری

عـده ای، سازنـدگی را بـا مادیگرایی، اشـتباه گرفته انـد. سازنـدگی چیزی است، مادیگری چیز دیگری است. سازنـدگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند.

سـال هـای سال، این کشور را ویران کرده انـد. بعـد از انقلاب هم، به وسـیله مهاجمین خارجی، هشت سال، همان کار را ادامه دادنـد. این کشور، باید ساخته شود. این سازندگی، تلاش لازم دارد... این، یک مجاهدت است، یک جهاد فی سبیل الله است. هر کس که در این مجاهدت شـرکت کند، جهاد کرده است. کسـی که در راه اداره و حفظ جامعه اسـلامی ــ که یک واجب بزرگ است ــ گامی برداشته، خیلی با ارزش است. اما آن طرف قضیه، مادیگری است، ماده پرستی است، دنیاطلبی است. آن، یک حرف دیگر است.

سازنـدگی، کاری بود که علی بن ابی طالب (ع)داشت؛ که حتی شاید در دوران خلافت هم ــ که حالا من این را تردید دارم. اما تا قبل از خلافت،

قطعی است _ با دست خود نخلستان آباد می کرد؛ زمین احیا می کرد؛ درخت می کاشت؛ چاه می کند و آبیاری می کرد. این، سازندگی است! دنیاطلبی و مادی طلبی، کاری است که عبیدالله زیاد و یزید می کردند. آنها چه وقت چیزی را به وجود می آوردند و می ساختند؟! آنها فانی می کردند؛ آنها می خوردند؛ آنها تجملات را زیاد می کردند. این دو را با هم اشتباه نباید کرد. امروز عده ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده پرستی می کنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه ما را فاسد می کند، غرق شدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه ای که در بسیجیهاست. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلتهای اصلی انقلاب زنده بماند. (۲۲/۰۴/۱۳۷۱)

تردید نسبت به آینده

تردید نسبت به آینده

یکی از ترفندهای تبلیغاتی دشمن این است که به نحوی ذهن ها را نسبت به آینده دچار تردید بکند. متأسفانه، بعضی از افراد ساده دل _ که شاید آدمهای مغرضی هم دنبال قضایا باشند _ وقتی می بینند کشور به سمت سازندگی و آبادی پیش می رود، به جای کمک و همکاری و تسهیل امور و روشن کردن افق دید مردم، بر همه چیز هاله یی از ابهام و شک می گسترانند؛ به گمان این که مردم را دچار تردید کنند. تلاش مدیریت قوی باید با پیشرفتها همراه باشد. چرا ما در پیشرفت های یک ملت شک کنیم؟ کسانی که حرفی می زنند و اظهار نظری می کنند، مواظب باشند مبادا برطبق خواست دشمن و استکبار حرف بزنند. دشمن، همین را می خواهد و مایل است که مردم در تلاش و سازندگی خودشان، دچار شک و تردی

د بشوند. (۰۱/۰۹/۱۳۶۸)

پدیده قاچاق

پدیده قاچاق

با پدیده قاچاق ــ به معنای حقیقی کلمه ــ مبارزه گردد. من اخیرا به مسئولان محترم این نکته را گفته ام، به رییس جمهور محترم هم آن را مؤکدا گفتم که پدیده قاچاق و قاچاق فروشی، ضربه به اقتصاد و هویت ملی کشور و همه برنامه ریزی هاست. این از لحاظ شرعی، یک عمل ممنوع و حرام قطعی است؛ چون موجب افساد است. جای مقابله با فساد قاچاق، فقط مرزها نیست. جنس قاچاق را باید دنبال کرد، تا آن جایی که در معرض فروش قرار داده می شود. جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود می کند. (۱۰/۰۴/۱۳۸۰)

ص:۳۴۰

فصل سوم: آسیب های فراملی

اشاره

فصل سوم: آسیب های فراملی

زیر فصل ها

هضم شدن در اقتصاد جهانی

حل شدن در سازمان تجارت جهانی

ضعف مبادلات اقتصادی بین کشورهای اسلامی

پیشرفت وابسته و تقلیدی

فرهنگ «تو نمی توانی» و اعتقاد مقدس به نظریه های منسوخ شده غربی

نفوذی دشمن در بدنه اقتصادی

نفوذ در مراکز فرهنگی و رسانه ای

اقتصاد خاورمیانه جدید

غفلت از دشمنان

رخنه و نفوذ و تهاجم دشمنان به سازندگی

تفرقه و فراموش کردن دشمن

هضم شدن در اقتصاد جهانی

هضم شدن در اقتصاد جهانی

در برنامه، هضم نشدن در اقتصاد جهانی رعایت شود؛ این را توجه داشته باشید. من یکی دو بار دیگر هم تکرار کردم: پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساخت های لازم را برای این کار داشته باشیم، که الان این را نداریم. الان برداشتن تعرفه ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی، یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت؛ یعنی کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده، از دست دادن و نابود کردن. بله؛ سازمان تجارت جهانی میدان گسترده ای برای فعالیت است؛ اما باید قدرت شنا داشته باشیم.

آن روز من گفتم این کـار مثـل این است که مـا یـک تیم فوتبـال را به مسابقات جام جهانی بفرستیم؛ در حالی که اعضای آن هیـچ تمرینی نکرده باشـند. نتیجه این کـار این است که مـا بیست تـا گل می خوریم و برمی گردیم! ما بایـد آمادگی را فراهم کنیم و عجله هم نداشته باشیم. پنج سال

دیگر شـد، ده سـال دیگر شـد، دیر نمی شود. اول بایـد زیرساخت های اقتصادی مسـتحکم شود و ما خاطر جمع شویم، بعـد با خیـال راحت و با میل وارد صـحنه شویم. الان توصـیه هضم شـدن در اقتصاد جهانی، برای اقتصاد ملی و مسـتقل ما سم مهلکی خواهد بود. (۱۵/۰۵/۱۳۸۲)

حل شدن در سازمان تجارت جهانی

حل شدن در سازمان تجارت جهانی

عنـاوین مورد مطـالبه و اهتمـام دولت هـا چیزهـایی است که در عرف جهـانی هم برای پیشـرفت یـک کشور مطرح است؛ مثل دانش، فن آوری، توسعه، برنامه های پنج ساله، سرمایه گذاری خارجی، تنش زدایی؛ حرف هایی که ما در این سال ها بر زبان آورده ایم و همه هم گفته اند؛ یعنی مخصوص بخشـی از مجموعه نظام نیست؛ از رهبری تا دولت ها و مسئولان، اینها را مکرر بیان کرده اند؛ این نشان دهنده این است که نظام جمهوری اسلامی در قالب این سرفصل ها به سمت توسعه پیش می رود. این پیشـرفت هـا طبعـا برای طراحـان و سیاسـتگذاران و راهبردسـازان سـیاست هـای بین المللی و جهـانی و اسـتعماری تـا حـدودی امیـدزاست. آنها فکر می کنند که نظام جمهوری اسـلامی هم بالاخره در همان خط توسـعه متعارف و معمول مطرح و طراحی شده از سوی خود آنها وارد شده. مثلا وقتی مسئله تجارت جهانی و ورود به بازارهای جهانی مطرح می شود، این امید در آنها به وجود می آید که شاید بناست نظام

ص:۳۴۲

اسلامی هم بتدریج در نظام بین المللی مادی حل شود؛ که اگر چنین اتفاقی بیفتد، همه محاسباتش در اختیار آنهاست. فرض بفرمایید اگر کشوری وارد سازمان تجارت جهانی شد، دست غالب و قوی در سازمان تجارت جهانی مال آنهاست؛ سیاستگذاری مال آنهاست، انتفاع بیشتر متعلق به آنهاست؛ حالا گیرم سودی هم گیر فلان کشور یا دولت بیاید؛ اما آنها هستند که محاسبه می کنند. در زمینه سیاست های گوناگون جهانی هم همین طور است؛ گویا بتدریج این امید در آنها به وجود آمده بود. (۲۷/۱۲/۱۳۸۳)

ضعف مبادلات اقتصادی بین کشورهای اسلامی

ضعف مبادلات اقتصادی بین کشورهای اسلامی

من در جلسه یی که چند ماه قبل با مسئولان بانک توسعه اسلامی در همین اتاق داشتم، به آنها گفتم که ما باید کاری کنیم که مبادلات بین کشورهای اسلامی تقویت شود. امروز داد و ستد و تجارت و مبادلات پولی و بانکی کشورهای اسلامی با یکدیگر بمراتب کمتر و ضعیف تر است از تجارت و مبادلات مالی آنها با کشورهای بیرون از جهان اسلام؛ این واقعیت خوبی نیست؛ باید این واقعیت را تغییر داد. (۱۷/۰۱/۱۳۸۴)

پیشرفت وابسته و تقلیدی

پیشرفت وابسته و تقلیدی

پیشرفت تقلید[ی]، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف

مرزهـا، مرزهـای غربی و کشورهـای اروپـایی، گفته انـد، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسـی حرف زد، بگوینـد مخالف علم حرف می زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی دانیم. نه اینکه ترجمه را رد کنیم؛ من این را بارها در مجامع دانشگاهی گفته ام؛ نخیر، ترجمه هم خیلی خـوب است؛ یـاد گرفتن از دیگران خـوب است؛ امـا ترجمه کنیم تـا بتوانیم خودمـان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسـد؛ نه اینکه همیشه پای حرف کهنه دیگران بمانیم. یک حرفی را در زمینه مسائل اجتماعی پنجاه، شـصت سال پیش فلان نویسـنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرهنگی گفته، حالا آقایی بیاید در دانشـگاه، دهنش را با غرور پر کند و همان را دوباره به عنوان حرف نو برای دانشـجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرفت است. زبان و ملی را مغشوش کردن، هویت اسـلامی ملی را سـلب کردن و مـدل بازی به جای مـدل سازی، پیشـرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی دانیم. (۱۸/۰۸/۱۳۸۵)

فرهنگ «تو نمی توانی» و اعتقاد مقدس به نظریه های منسوخ شده غربی

فرهنگ «تو نمی توانی» و اعتقاد مقدس به نظریه های منسوخ شده غربی

تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها[اسـتکبار وایادی داخلی] در طول سال های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند

ص:۳۴۴

که تو نمی توانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمی گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده یی می ایستند و می گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روان شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می شود و جایش نظریات جدیدی می آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می گیرند! دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته اند؛ اما در سال های اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سال های متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرف های جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده یی هنوز وقتی می خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه قدیمی نگاه می کنند! اینها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند، دوم این که از تحولات جدید بی خبرند؛ همان متن خارجی

را که برای آنها تـدریس کرده انـد، مثل یک کتاب مقـدس در سـینه خود نگه داشـته انـد و امروز به جوان های ما می دهنـد. (۱۷/۰۴/۱۳۸۳)

نفوذی دشمن در بدنه اقتصادی

نفوذی دشمن در بدنه اقتصادی

پس یـک خطر، عبـارت شـد از این که دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کننـد و دچار خطر شونـد. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کننـد. گـاهی یـک دشـمن از هر دو طرف نفوذ می کنـد: از آن طرف به عنوان ارزش گرایی می آیـد و بـا هرگونه تحولی مخالفت می کنـد؛ حتی با راه های رفته هم مخالفت می کند و می خواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناکتر، این طرف قضیه است؛ به عنوان تغییر و تحول و پیشـرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزش ها و با اصل اسلام و با اصل تدین مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفند؛ دچار همان سـرمایه سالاری غربی انـد؛ دنبال کیسه دوختن انـد؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفنـد؛ با نام دین هم مخالفنـد، ولو به زبان نیاورنـد! اینها به نام تحول، به نام تغییر، به نام پیشـرفت، به نام اصـلاح، بیاینـد وارد میدان شوند و می دانداری کنند. اینها ممکن است در بـدنه اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر این گونه آدمهای بیگانه و غریبه در بدنه اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و

ص:۳۴۶

باید دست انسان های امین باشد. (۲۳/۰۲/۱۳۷۹)

نفوذ در مراکز فرهنگی و رسانه ای

نفوذ در مراکز فرهنگی و رسانه ای

اما از آن[نفوذ در اقتصاد] خطرناکتر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند. همان چیزی اتفاق بیفتد که در صحنه مطبوعات و صدا و سیمای دنیای غرب اتفاق می افتد؛ یعنی سرمایه سالاری. همچنان که رادیوها و تلویزیون های بین المللی امپراتوری خبری دنیا در دست سرمایه دارهاست، اینها به داخل کشور ما بیایند و مراکز فرهنگی را هم تصرف کنند و از طریق فرهنگی بخواهند اثر بگذارند. این همان چیزی است که بنده چند سال قبل از این، نشانه های آن را در گوشه و کنار مشاهده کردم و «تهاجم فرهنگی» را گفتم. بعضی پذیرفتند، بعضی هم اصلش را انکار کردند و گفتند اصلا تهاجم فرهنگی وجود ندارد! (۲۳/۰۲/۱۳۷۹)

اقتصاد خاورمیانه جدید

اقتصاد خاورمیانه جدید

از لحاظ اقتصادی هم، اسراییل برای منطقه، خطر است. چندی است که صهیونیستهای حاکم بر فلسطین، تزی را به نام «تز خاورمیانه جدید» مطرح کرده اند. خاورمیانه جدید، یعنی چه؟ یعنی خاورمیانه بر محور کشور اسراییل شکل بگیرد و اسراییل بتدریج

ص:۳۴۷

بر کشورهای عربی و کشورهای منطقه و مناطق نفتی در خلیج فارس سیطره اقتصادی داشته باشد! این هدف اسراییلیهاست. بعضی از دولت ها غافلند. وقتی به آنها اعتراض می شود، می گویند ما که رابطه برقرار نکردیم؛ ما به تجارشان اجازه دادیم بیایند! اتفاقا آنها همین را می خواهند. آنها می خواهند اسراییل با حمایت امریکا و با پشتیبانی از زرادخانه خطرناک خودشان، از غفلت و ضعف بعضی از دولت ها استفاده کند و به آن جا وارد شود و مراکز اقتصادی و منابع مالی را در دست گیرد. این خطر خیلی بزرگی برای منطقه است. بزرگتر از همه خطرها این است. خدا آن روز را نیاورد و نخواهد آورد و ملت های مسلمان اجازه نخواهند داد که چنین اتفاقی بیفتد؛ اما نقشه آنها این است که با تکیه بر اقتصاد بتوانند همه مراکز قدرت را در این کشورها در دست گیرند. (۱۰/۱۰/۱۳۷۸)

غفلت از دشمنان

غفلت از دشمنان

اکنون نظام جمهوری اسلامی در مقابل این نظام سلطه قرار گرفته است. اساس کار جمهوری اسلامی، عبارت است از اداره ملت و کشور ایران براساس مفاهیم و ارزش های الهی که از اسلام آموخته شده است. فرض بر این است که این ارزش ها می تواند یک جامعه را سعادتمند کند؛ قطعا هم چنین است و جامعه را سعادتمند

ص:۳۴۸

خواهـد کرد. اساس سـعادت در یک جامعه عبارت است از این که آن جامعه بتوانـد مسـتقل زندگی کند، بیندیشد، سازندگی کنـد، در کمال اسـتقلال راه خود را برود و هـدف خود را انتخاب کنـد. پس اسـتقلال، اساس این حرکت مهم اسـلامی است. کشور ما براساس اسـتقلال و عدم تسـلیم، در مقابل نظام سلطه می ایستد. این کشور بدون مبارزه، تلاش و مجاهدت نمی تواند پیش برود. کسانی که خیال می کنند نظام جمهوری اسلامی چون در دوران سازندگی است، دیگر با دشمنان خود مبارزه نمی کند، بسیار غافلند. مگر دشمن می گذارد که ما سازندگی کنیم؟ دشمن نمی گذارد شما راه سعادت این ملت را پیش بگیرید و جلو بروید. مگر دشـمن سـلطه‌گر می توانـد تحمل کند که ملتی مسـتقل باشد و دست سـلطه گران را از زندگی خود کوتاه کنـد؟ آنها نمی تواننـد تحمل کنند. معارضه و حمله می کنند، انواع توطئه ها را به وجود می آورند؛ توطئه فرهنگی، اقتصادی، امنیتی ـ که امروز نسـبت به کشور ما به شـدت اعمال می شود ـ و چنانچه مقتضـی و لازم بداننـد، توطئه نظامی هم می کنند. وقتی کشوری هدف و راهی را دنبال می کند و مصـمم است که آن را ادامه دهد، نبایستی در مقابل دشـمن تسـلیم شود؛ بلکه باید مطامع و خواسـته های غیر مشروع دشمن را به هیچ بگیرد. وقتی این ملت در مقابل چنین دشمنی قرار گرفت، ناگزیر است از خود دفاع کند. شما مجبورید از خود دفاع کنید. (۱۰/۰۸/۱۳۷۴)

رخنه و نفوذ و تهاجم دشمنان به سازندگی

رخنه و نفوذ و تهاجم دشمنان به سازندگی

نکته دوم در باب مسائل داخلی خود ماست. به فضل پروردگار، کشور در حال حرکت به جلو است. دولت و مسئولان و ملت تلاش می کنند، مملکت را می سازند؛ هم از لحاظ سازندگی اقتصادی و بنای بنیان های لازم در این کشور و هم از جهت معنوی و فرهنگی. البته، دشمن خیلی تلاش می کند که رخنه و نفوذ و تهاجم کند و ضربه بزنند و نگذارد سازندگی انجام شود؛ اما در مقابل، کار می شود و به فضل پروردگار، این کار ادامه پیدا خواهد کرد. هم مسئولان که انصافا با ایمان و علاقه و دلسوزی و کاردانی و لیاقت، مشغول تلاش و خدمت هستند و هم آحاد و گروه های مردم در بخش های مختلف، باید این تلاش را ادامه دهند و ادامه هم می دهند. (۰۱/۱۲/۱۳۷۴)

تفرقه و فراموش کردن دشمن

تفرقه و فراموش کردن دشمن

همان طور که رهبر کبیر و عزیز ما بارها تکرار می کردند و در وصیت نامه سیاسی، الهی خود نیز بر آن تأکید ورزیده اند، وحدت کلمه و وحدت صفوف ملت ما که رمز پیروزی انقلاب بود، رمز بقا و سلامت و تداوم آن نیز هست. تقسیم شدن ملت به گروه ها و دسته های متعارض و عمده کردن اختلافات کم اهمیت و احساسات غیرمنطقی و به فراموشی سپردن اصول مهمی که میان همه ملت ما

و لااقل میان اکثریت عظیمی از آنان مشترک است، و به فراموشـی سپردن حضور دشـمن و خطرات جبران ناپذیر ناشـی از آن، بزرگترین فاجعه برای ملتی است که می خواهـد حق تضـییع شـده خود را احیا کنـد و خود را از وابسـتگی به بیگانگان برهاند. (۱۸/۰۳/۱۳۶۸)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹